



مشروعات ادارى بهائى

(تشكيلات محلى و مى)

مشروعات ادارى بهائى

(تشكيلات محلى و ملّى)

تأليف

غلامعلى دهقان

مؤسسه چاپ و انتشارات مرآت

مشروعات ادارى بهائى

تأليف غلامعلى دهقان

چاپ اول

۱۵۶ بدیع - ۱۹۹۹ میلادی

حقّ طبع محفوظ و مخصوص مؤلف است

ناشر: مؤسسۀ چاپ و انتشارات مرآت

دهلی نو - هندوستان

تقدیم

به ارواح پاک اعضای محافل ملی و محلی و
سایر شهدای عزیزی که با استقامت و شهادتشان
شجرهٔ نظم بدیع الهی را سقایه نمودند

فهرست مندرجات

<u>صفحات</u>	<u>عنوان</u>
۱۳	دو مناجات مخصوص محفل روحانی
۱۵	مقدمه
۱۹	شرح رؤیای یکی از اماءالرحمن که به موضوع کتاب ارتباط دارد
فصل اول - کلیات	
۲۴	تار و پود نظم اداری
۲۶	تقسیمات اعصار و عهد و ادوار آئین الهی
۲۸	کیفیت و اهمیّت نظم اداری بهائی
۲۸	خصائص و شئون نظم اداری بهائی
۳۲	انواع تشکیلات
فصل دوم - تشکیلات محلی	
۳۵	الف - جمعیت بهائی
۳۵	ب - محفل روحانی محلی
۳۶	- دستورات مبارکه در باره تسجیل
۴۱	- تسجیل جوانان بهائی
۴۱	- عدل اساس جامعه
۴۳	- اقسام بیت عدل
۴۴	- نصوص مبارکه در باره بیت عدل محلی
۴۶	- محفل روحانی مرجع احبّاست
۴۶	- مقام و موقعیت اعضای محفل روحانی
۴۸	- لزوم اطاعت از محفل روحانی و تقویت آن

صفحاتعنوان

- ۵۰ - انتقاد سازنده از محفل روحانى
- ۵۷ - هيچ فردى مافوق حاكميت محفل روحانى نيست
- ۵۸ - اختيارات و حوزه حاكميت محفل روحانى
- ۶۲ - مناسبات محفل روحانى با افراد جامعه
- ۶۵ - آزادى افراد در اظهار عقیده شخصى
- روش محفل نسبت به افراد خاطى
- ۶۵ و محروميت از حق انتخابات
- ۶۸ وظائف محفل روحانى
- ۶۸ - نصوص و آثار مباركه در باره وظائف محفل روحانى
- ۸۶ الف- وظائف اجرائى
- ۸۶ - لزوم حضور مرتب در جلسات محفل
- ۸۶ - نقل و انتقال افراد
- ۸۹ - اعياد و ايام محرّمه
- ۹۵ - عدم مداخله در امور سياسى
- ۹۹ - عضويت در تشكيلات غير بهائى
- ۱۰۰ - عضويت در تشكيلات دينى
- ۱۰۱ - ارتباط با نهضت هاى اجتماعى
- ۱۰۱ ب- وظائف قضائى محفل روحانى
- ۱۰۱ - حل و تسويه اختلافات بين افراد
- ابتداء به محفل روحانى و سپس
به محفل ملّى بايد رجوع كرد
- ۱۰۲ طرز رسيدگى محفل به امور قضائى
- ۱۰۲ - ازدواج بهائى

<u>صفحات</u>	<u>عنوان</u>
۱۰۵	- طلاق
۱۰۷	- استیناف از آراء محافل روحانی
۱۰۹	انتخابات محفل روحانی
۱۱۲	شرایط و تکالیف انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان
۱۱۵	موقع انتخاب محفل روحانی
۱۱۶	هیئت نظار انتخابات بهائی
۱۱۷	جلسه سالیانه برای انتخاب محفل روحانی
۱۱۷	تساوی آراء نفر نهم با نفرات بعد
۱۲۰	اعضاء اصلی و اعضاء علی البدل
۱۲۰	استعفاء از عضویت محفل روحانی
۱۲۱	جلسات محفل روحانی و برنامه کار آن
۱۲۲	هیئت رئیسه محفل روحانی و وظائف آنها
۱۲۶	نظامنامه محفل روحانی محلی
	ج- دوائر و مؤسسات تابعه محفل روحانی
۱۳۷	- لجنه های محلی
۱۴۰	- صندوق خیریه
۱۴۹	- ضیافت نوزده روزه
۱۵۳	- مشورت با جامعه
۱۵۴	- تاریخ انعقاد ضیافت نوزده روزه
۱۵۵	- پروگرام ساعت مشاوره
۱۵۶	- حضور جوانان در ضیافت نوزده روزه
۱۵۷	- طریقه صحیح مشورت
۱۵۸	- حظیره القدس

صفحاتعنوان

۱۶۰	- مسافرخانه
۱۶۱	- اماکن متبرکة و املاک امرى
۱۶۱	- مشرق الانکار
۱۶۲	- استنساخ آیات
۱۶۴	- مطبوعات و نشریات امرى
۱۶۹	- ترجمه آثار امرى
۱۷۰	- احصائیه

فصل سوم - مشورت بهائى

۱۷۱	- اهمیت و لزوم مشورت
۱۷۲	- لزوم قبول رأى اکثریت
۱۷۵	- شرایط و آداب مشورت بهائى

فصل چهارم - محفل روحانى ملى

۱۸۱	محفل روحانى ملى
۱۸۲	انجمن شور روحانى ملى
۱۸۶	- کیفیت و مقصد انجمن شور روحانى ملى
۱۹۹	انجمن شور روحانى
۲۰۲	دستور طرز اداره انجمن شور روحانى ملى
۲۰۲	- مقدمه
۲۰۳	- پروگرام کار
۲۰۳	مواضيع شور
۲۰۴	(موقع) انتخابات سالیانه
۲۰۴	اداره کار

صفحاتعنوان

۲۰۶	(چگونگی) انتخابات سالیانه
۲۰۷	ضبط اوراق انجمن
۲۰۷	وظائف محفل روحانی ملی
۲۱۲	مسئولیت محفل روحانی ملی
۲۱۷	لجنه های محفل ملی
۲۲۰	- حدود اختیارات لجنات ملی
۲۲۰	- صندوق ملی
۲۲۳	- محفظه آثار
۲۲۴	- لجنه ترجمه
۲۲۴	- اتساع دائره مطبوعات
۲۲۵	- مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران
۲۲۶	- تاسیس اوقاف بهائی
۲۲۷	قانون اساسی جامعه بهائیان ایران
۲۲۴	- نظامنامه محفل روحانی ملی بهائیان ایران
۲۴۷	یادداشتها و مأخذ جلد اول
۲۵۰	یادداشتها و مأخذ جلد دوم
۲۵۶	یادداشتها و مأخذ جلد سوم
۲۵۷	یادداشتها و مأخذ جلد چهارم
۲۶۰	تشکیل شوراهای منطقه ای
۲۶۴	لغت نامه
۲۷۷	مشخصات کتابهای مأخذ
۲۷۹	فهرست اعلام و مواضع مهمه

غلطنامه کتاب مشروعات ادارى تالیف آقای دهقان

صفحه	سطر	غلط	درست
۱۱۰	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶	جلد	فصل
۱۹	پاورقی	Cognes	Cagnes
۳۲	۱	که حذف شود	
۵۵	۶	زنده	سازنده
۶۱	آخر	راجرای	در اجرای
۸۸	۸	مشارلیه	مشارالیه
۹۱	۱۱	مرکز میثاق	حضرت ولیّ امرالله
۱۱۲	۲	انتخابات	انتخابات
۱۵۳	۹	شماره ۱۱	شماره ۳۳
۱۶۱	۷	تعیّن	تعیین
۱۷۷	۱۶	و مراحل	مراحل
۱۷۸	۲	تعیین	یقین
۲۰۶	۷	سالیه	سالیانه
۲۱۷	۴	احبای	احبا
۲۲۳	۳	خودحذف شود	
۲۵۸	۷	حمیت	ارجحیت

Year	Country	Value	Unit
1970	France	100	1000
1971	France	100	1000
1972	France	100	1000
1973	France	100	1000
1974	France	100	1000
1975	France	100	1000
1976	France	100	1000
1977	France	100	1000
1978	France	100	1000
1979	France	100	1000
1980	France	100	1000
1981	France	100	1000
1982	France	100	1000
1983	France	100	1000
1984	France	100	1000
1985	France	100	1000
1986	France	100	1000
1987	France	100	1000
1988	France	100	1000
1989	France	100	1000
1990	France	100	1000
1991	France	100	1000
1992	France	100	1000
1993	France	100	1000
1994	France	100	1000
1995	France	100	1000
1996	France	100	1000
1997	France	100	1000
1998	France	100	1000
1999	France	100	1000
2000	France	100	1000
2001	France	100	1000
2002	France	100	1000
2003	France	100	1000
2004	France	100	1000
2005	France	100	1000
2006	France	100	1000
2007	France	100	1000
2008	France	100	1000
2009	France	100	1000
2010	France	100	1000
2011	France	100	1000
2012	France	100	1000
2013	France	100	1000
2014	France	100	1000
2015	France	100	1000
2016	France	100	1000
2017	France	100	1000
2018	France	100	1000
2019	France	100	1000
2020	France	100	1000
2021	France	100	1000
2022	France	100	1000

مناجات شروع* (برای محفل روحانی)

هو الله

الهی الهی نحن عباد اخلصنا وجوهنا لوجهک الکریم و انقطعنا
من دونک فی هذا الیوم العظیم و اجتمعنا فی هذا المحفل
الجلیل متفقین الآراء و النوايا متحدين الافکار فی اعلاء
کلمتک بین الوری ربّ ربّ اجعلنا آیات الهدی و رایات دینک
المبین بین الوری و خدمت میثاقک العظیم یا ربّنا الاعلی و
مظاهر توحیدک فی ملکوتک الابهی و کواکب ساطعة الفجر علی
الارجاء ربّ اجعلنا بحوراً متلاطم بامواج فیضک العظیم و نهوراً
دافقة من جبال ملکوتک الکریم و اثماراً طيبة علی شجرة امرک
الجلیل و اشجاراً مترنحة بنسائم موهبتک فی کرمک البدیع ربّ
اجعل ارواحنا معلّقة بآیات توحیدک و قلوبنا منشرفة
بفیوضات تفردک حتی نتحد اتحاد الامواج من البحر المّواج و
نتفق اتفاق الاشعة الساطعة من السراج الوهّاج حتی تصبح
افکارنا و ارائنا و احساساتنا حقیقة واحده منبعث منها روح
الاتّفاق فی الآفاق انّک انت الکریم الوهّاب و انّک انت المعطى
العزیز الرؤف الرحیم . ع ع

* به پاورقی صفحه ۱۲۲ مزاجه شود.

هو الله

الهى الهى ترانا من ملكوت غيب احديتك قد اجتمعنا فى هذا
 المحفل الروحانى مؤمنين بك و موقنين بأياتك و ثابتين على
 عهدك و ميثاقك منجذبين اليك مشتعلين بنار محبتك مخلصين
 فى امرك خادمين فى كرمك ناشرين لدينك ساجدين لطلعتك
 خاضعين لاحبائك متذلّلين ببابك متضرّعين اليك ان تؤيّدنا
 على خدمة اصفياك و تجدنا بجنود غيبك و تشدد ازرننا على
 عبوديتك و تجعلنا عبيداً رگعاً سجداً موفّقين لعبادتك ربّنا انا
 ضعفاء و انت القوى القدير و نحن اموات و انت الروح المحيى
 العظيم و نحن عجزاء و انت القوى المتين ربّنا وجه و جوهنا
 الى وجه رحمانيتك و ارزقنا من مائدة السماء بفضل صمدانيتك
 و انصرنا بجنود ملائك الاعلى و انجدنا بملائكة ملكوتك الابهى
 انك انت الكريم الرحيم ذوالفضل العظيم و انك انت اللطيف
 الجميل. ع ع

مقدمه

خوانندگان گرامی استحضار دارند که در ادیان سالفه که در قرون و اعصار گذشته از سماء مشیت پروردگار مهربان برای هدایت بشر تشریح گشته نکری از نظم اداری نشده زیرا در حقیقت جوامع بشری دوران طفولیت خود را می‌گذرانده‌اند و احتیاج به آن نبوده و این امر جلیل اختصاص به دوره بلوغ بشریت داشته لهذا در این دور مقدّس که فخر قرون و اعصار و بشهادات جمیع ادیان الهی روز موعود و آخرالزمان است اراده بالغه الهیه بر تشریح آن تعلق گرفته است. باقتضای همین تازگی و بی‌مثیلی است که با آنکه بیش از ۱۵۰ سال از تشریح این امر جلیل می‌گذرد هنوز برای عالمیان کاملاً ناشناخته مانده و حتی میتوان گفت ما بهائیان آنطور که شایسته است به کنه حقایق و دقایق لطیفه روحانیه آن پی نبرده‌ایم و هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم .

بنابراین لازم است در آثار مبارکه طلعات مقدسه این دور مکرم دقت و تفرّس خاص مبذول داریم تا بتوانیم بقدر قوه و استطاعت خود توشه ای برگیریم. تألیف این کتاب باین قصد انجام شده که چراغی از نصوص مبارکه در باره نظم اداری بهائی فرا راه عزیزان روحانی قرار داده شود.

در این مقام تذکّر چند نکته را لازم میدانند.

۱ - در انتخاب نام کتاب از آثار مبارکه مولای علیم حضرت ولی عزیز امرالله که در آثار مبارکه‌شان مؤسسات و تشکیلات اداری بهائی را مشروعات ذکر کرده‌اند الهام گرفته شده و این

نکته نیز در نظر بوده که کلمه مشروعات در لغت به معنی "تأسیسات شرعیه"، "امور مفیده مطابق شرع" و "آنچه در شریعت تأسیس گردیده" آمده و این معنی با تشکیلات ادارى بهائى از جمیع جهات منطبق است.

۲ - کتاب در باره مشروعات محلی و ملی تدوین گشته و لازم است جلد نومی شامل مشروعات بین المللی داشته باشد، با توجه به اینکه این موضوع و متفرعات آن سابقاً در کتاب "ارکان نظم بدیع" مشروحاً مذکور گشته و کتاب مزبور اخیراً از طرف "مؤسسه جلیله معارف بهائى - کانادا" نشر دوم یافته لهذا دوستان و علاقمندان میتوانند بدان مراجعه نمایند.

۳ - نصوص و آثار مبارکه‌ای که از طلعات مقدسه در کتاب نقل شده پاره‌ای عین نصوص الهیه و برخی ترجمه‌های موثق از آثار انگلیسی حضرت ولی امرالله است که سابقاً در نشریات مختلفه امری درج گشته. مأخذ این آثار مبارکه کلاً مشخص گشته و به علاوه در سراسر کتاب با علامت نقل قول " " مشخص شده است.

۴ - قسمت‌های از مطالب اعم از ترجمه‌های آثار مبارکه و یا قرارهای مراجع ادارى بهائى از کتاب نفیس نظامات بهائى ترجمه رسمی اثر گرانقدر "بهائى پروسیجر" Baha'i Procedure نقل شده است. برای معرفی اجمالی این کتاب عین مقدمه کوتاه ناشر آن، محفل مقدس روحانى ملی بهائیان ایران را نقل می‌نماید.

"محفل مقدس روحانى بهائیان امریکا مجموعه‌ای به نام 'بهائى پروسیجر' نظامات بهائى حاوی دستورات مبارک حضرت

ولی امرالله ارواحنا فداه و قرارهای خود آن محفل تدوین و منتشر کرده اند چون مطالعه و زیارت آن دستورات و نظامات برای محافل مقدسه روحانیه و یاران عزیز ایران بسیار لازم و مفید تشخیص داده شده به همت لجنه محترمه ترجمه آثار امری آن مجموعه از انگلیسی به فارسی منتقل گردیده است. بدیهی است محافل مقدسه روحانیه و یاران عزیز ایران از این مجموعه نفیسه حدّ اکثر استفاده را خواهند فرمود. محفل روحانی ملی بهائیان ایران"

۵ - به منظور امکان حدّ اکثر استفاده، لغت نامه‌ای از لغات و اصطلاحات مشکل در آخر کتاب اضافه شده است.

با رجای دعا غلامعلی دهقان

فرانسه - پاریس

اکتبر ۱۹۹۴

شرح رؤیای امة اللّٰه محترمه هما خانم مودت

عضو فعال یکی از محافل روحانیه

در جنوب فرانسه *

در تابستان امسال که تابستان ۱۵۱ بدیع میباشد عازم انگلیس شدم و دوبار توفیق یافتم که به زیارت مرقد مبارک حضرت ولیّ عزیز امراللّٰه نائل گردم و سر بر آستان مبارک نهاده در نهایت خلوص و تضرّع و ابتهال تمنا نمودم که مشروعات امریّه که در ظلّ الهامات روحانیّه و معنویّه حضرت شوقی ربّانی هستند و تنها مرجع احبّاً در انحاء عالم میباشد قدرت و قوّت یابند و آنطور که باید و شاید وظایف خویش را انجام دهند.

در بازگشت از سفر انگلیس این بنده ناقابل شبی در عالم رؤیا حضرت ولیّ امراللّٰه را زیارت نمودم که بسیار جوان و در نهایت شادابی و شادمانی بودند و در دریاچه ای که آب آن زلال و در کمال صفا و درخشندگی و پاکی بود شنا می نمودند. در این حال مشاهده نمودم که سرور عزیز و گرامی جناب دهقان در کنار حضرت شوقی ربّانی ایستاده اند و در نهایت شادی و خرمی بطرف بنده تشریف آورده، گوئی پیامی روح پرور برایم آوردند، مرا در آغوش گرفته بوسیدند و سپس فرمودند: هما خانم حضرت ولیّ امراللّٰه فرمودند که مشروعات امریّه تطهیر شد. مدتی بعد جناب دهقان را در شب تولّد حضرت ربّ اعلیٰ

* Cognes-Sur-Mer

زيارت نمودم و اين رؤيا را براى ايشان تعريف نموده سپس اطلاع حاصل کردم که جناب ايشان اخيراً کتابى تأليف نموده اند که در باره مشروعات امریه مى باشد.

شادمانى و شعى زایدالوصف روح و قلبم را فرا گرفت که چگونه آن مولای عزیز خادمین و مؤمنین و مخلصین آستان مقدس را آگاه و حاضر و ناظر است و به اين دليل به واسطه سرور گرامى جناب دهقان جواب نیت اين عبد ناقابل را در عالم رؤيا دادند.

هما مودت

فصل اول

کلیات

در توابع مبارکه مولای بی‌همتا حضرت ولیّ امرالله ارواحنا فدا به دو نظم اشاره شده: نظم بدیع جهان آرای الهی و نظم اداری بهائی. خصائص و شئون هر يك از انظمه مزبور و ارتباط آنها با یکدیگر در آثار مبارکه حضرتش به ابداع بیان و افصح کلام تشریح گشته است. (۱)

از جمله اینکه این انظمه مبدأ و منشأ الهی دارند و اصول و اساس آنها بوحی الهی نازل گشته و شبه و مثلی در هیچیک از ادیان سالفه ندارند و با هیچیک از نظامات دینی و حکومت سیاسی قابل قیاس نمی‌باشند. حاوی کلیه اصول صحیح و مفید آنها هستند و از نقائص و عیوب فطری بشری آنها مبری.

از جمله اینکه نظم اداری بهائی چه در مرحله فعلی و چه در حین بلوغ آن نباید با کلیه تعالیم مقدسه الهی که مجموعه آن شریعت غرّای حضرت بهاءالله را تشکیل میدهد یکی دانست بلکه این نظم بمنزله وسائل و وساطی برای حصول هدف کلیّ امر الهی یعنی وحدت عالم انسانی است و بعبارت دیگر آلت است نه اصل و اساس و لهذا در هیچ حال نباید قائم مقام امر الهی قرار گیرد.

از جمله اینکه نظم اداری را هسته مرکزی و یا مرحله جنینی نظم بدیع جهان آراء مذکور داشته و فرموده‌اند که این نظم پس از طی مراحل رشد و نمو و وصول به مرحله بلوغ و

کمال به نظم بدیع جهان آراء تبدیل خواهد گردید و مدنیت الهیه را بر بسیط غبرا متحقّق و مستقر خواهد ساخت و به عصر نهبی دور مقدّس الهی منجر خواهد شد.

ادیان سالفه اگرچه منشاء نظم اجتماعی بوده اند ولی به اقتضای زمان ظهور هر دین و بنا به ضروریات و مقتضیات اجتماعی زمان خود اصولاً از جانب پروردگار منّان هیچگونه نظم اداری مقرر نگشته و در آثار پیامبران عظام پیش بینی نشده بوده و آنچه بعداً به صورت تشکیلات اداری بوجود آمده کلّ معلول افکار بشری پیروان ادیان مزبور و طبعاً خالی از نقائص نبوده و سبب حصول وحدت پیروان آن دین نگشته در حالیکه در این دور مبارک نظم اداری بکمال وضوح و صراحت من جانب الله مقرر و در آثار مبارکه شارع اعظم به وحی الهی نازل گشته است.

حضرت اعلیٰ ارواحنا لدمه الاطهر الفدا در کتاب مبارک بیان فارسی که در سجن آذربایجان از سماء مکرمت حضرت یزدان بر قلب منیرش نازل گشته چنین میفرماید:

”طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله و یشکر ربه.“ (۲)

جمال اقدس ابهی حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس

میفرماید:-

”قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب

بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه“ (۲)

در باره بیت العدل اعظم که مولای توانا حضرت ولی امرالله آنرا ”اعلیٰ ذروه قصر مشید نظم اداری بهائی“ توصیف فرموده اند. نصّ صریح در کتاب الله مذکور و در آثار

مبارکه نازله از قلم اعلى اساس و اصول و وظائف آن مقرر و معین گشته. (۴)

مبین آیات الله حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا که بفرموده حضرت ولی امرالله مکمل کتاب مستطاب اقدس است (۵) و در سایر آثار مبارکه توضیحات کامله و تبیینات جامعه در باره این نظم فرموده اند.

مولای توانا حضرت ولی امرالله در توقیع منیع نوروز ۱۰۱ بدیع می فرمایند.

“این نظم بدیع را که شبه آن چشم عالم ندیده و در هیچیک از ادوار سابقه و ادیان عتیقه مثیل و نظیر نداشته، حضرت اعلى به صراحت تمام به آن بشارت داده و به اسم مبارک موعود بیان مرتبط فرموده و اصول و احکامش را جمال ابهی خود در کتاب مقدس اقدس که مرجع اهل عالم است نازل فرموده و کیفیت تأسیسش را طلعت میثاق در کتاب وصایا تبیین و تشریح فرموده.” و در فصل چهارم توقیع مبارک دور بهائی (The Dispensation of Bahá'u'lláh) میفرمایند: (ترجمه)

“این نظم اداری اساساً با آنچه انبیای سلف وضع فرموده اند متفاوت است زیرا حضرت بهاءالله به نفسه اصولش را بیان و تأسیساتش را استوار و مبین کلمه اش را معین فرموده اند و به هیئتی که مأمور تکمیل و تنفیذ احکام شرعیه اش بوده اختیارات لازم را عنایت فرموده و این جمله خود رمز قوت امرالله و ما به الامتیازش از سایر ادیان و ضامن حفظ و وقایتش از انشقاق و تجزی است.”

با امعان نظر در تاریخ يك قرن و نیم دیانت مقدس بهائی

که با وجود عناد و دشمنی‌های بی‌سابقه و وقوع وقایع هائله و حدوث حوادث جسیمه و پیش‌آمدهای غیر منتظره و دعاوی باطله معذک کوچکترین رخنه‌ای در صفوف پیروانش و ادنی وقفه‌ای در تشکیلات اعلایش پیش نیامده و کل کثلهٔ واحده به انجام خدمات و وظائف مقدسه مشغول و مألوفند به خوبی حقایق مندرجه در آثار مبارکهٔ مذکوره را برای هر منصفی آشکار می‌سازد.

نظم اداری بهائی بعد از صعود حضرت عبدالبهاء تحت قیادت و هدایت مولای بی‌همتا حضرت ولیّ امرالله در عالم استقرار و بسط و توسعه یافته و سپس در ظلّ توجه و هدایت بیت العدل اعظم الهی در حال تسری و پیشرفت است. و دورهٔ نشو و نمای خود را طیّ می‌کند و در مستقبل ایّام به مرحلهٔ بلوغ و کمال خواهد رسید.

تار و پود این نظم الهی به فرمودهٔ حضرت ولیّ امرالله عبارت از احکام و مبادی و یا اصول روحانی و اداری است (۷) احکام عبارت از اوامر و نواهی مذکور در کتاب الله و سایر آثار مبارکهٔ نازله از قلم اعلی است و مبادی به دو قسم منقسم می‌گردد.

مبادی روحانی شامل تعالیم روحانی و اجتماعی و فلسفی است که از کَلک اطهر جمال قدم و اسم اعظم جلّ جلاله نازل گشته و مبینین نصوص در الواح و آثار مقدسه با فصیح بیان تشریح فرموده‌اند.

مبادی اداری عبارت از موازین تشکیلات اداری است که اصول آن از قلم اعلی نازل و در الواح مبارکهٔ وصایا و سایر آثار مبارکهٔ حضرت عبدالبهاء و تواقیع منیعهٔ حضرت ولیّ امرالله

تشریح و تبیین گشته.

حضرت ولیّ امرالله احکام و مبادی امر الهی را به روح و جسم و یا تار و پود تشبیه فرموده و آنها را غیر قابل تفکیک و تجزّی مذکور داشته‌اند.

در تمثیل میتوان جسم امر الهی را به تشکیلات اداری و روح آن را به تعالیم روحانی حضرت بهاءالله تشبیه کرد همچنانکه جسم انسان بروح زنده است و ظهور و بروز تجلیات روح جز از طریق جسم میسر نیست به همین نحو احکام و مبادی شریعت الله لازم و ملزوم بوده و قابل انفکاک و تجزّی نمیباشد. و یا در تشبیه لطیف تار و پود همانگونه که فیالمثل حریر لطیف از تار و پود به هم بافته بوجود آمده و این دو قابل تفکیک نیستند به همین طریق احکام و مبادی آئین الهی غیر قابل تجزّی هستند.

حضرت ولیّ امرالله میفرمایند:

”باید همواره به خاطر داشت که منویات منیعه حضرت بهاءالله به نحوی در روش و حالات حضرت عبدالبهاء نفوذ و سریان یافته و مقاصد آنان به قسمی با یکدیگر ممزوج و مرتبط گشته که صرف مبادرت به انتزاع تعالیم جمال قدم از تأسیساتی که مثل اعلای همان تعالیم وضع فرموده به منزله ردّ یکی از مقدّس‌ترین حقایق اساسیه این آئین بشمار میرود“ (۸) (ترجمه)

نظم اداری حضرت بهاءالله بشارتش در عصر رسولی داده شده و تأسیس آن عملاً در عصر تکوین یعنی آغاز دوره ولایت امرالله صورت پذیرفته است. چنانچه مولای حنون در توقیع رفیع نوروز ۱۰۱ بدیع می‌فرماید:

”تار و پود این نظم الهی احکام مقدّسه متعالیه مصرّحه در کتاب اقدس که از مخزن قلم اعلی صادر و مبادی روحانی و اداری که در الواح و خطابهای مرکز عهد و میثاق و مبین آیات نیر آفاق و کتاب وصایایش مدوّن و مسطور، بشارتش فاتحه عصر اوّل و تکوین و تأسیسش در عصر ثانی و تصرّفات کامله اش مسک الختام عصر ثالث دور مقدّس الهی.“

تقسیمات ادوار و عهد و اعصار آئین بهائی

در این مقام اشاره ای به کور و دور بهائی و تقسیمات اعصار و ادوار آئین الهی مفید می باشد. مولای توانا در توقیع رفیع رضوان ۱۰۵ بدیع کور و دور مقدّس بهائی و تقسیمات فرعیّه آنها و وقایع و حوادث هر یک را به زیباترین صورت مذکور داشته اند در این جا تقسیمات مزبور فهرست وار و اجمالاً مذکور میگردد و خوانندگان گرامی را به زیارت اصل آیات باهرات توصیه می نماید.

کور مقدّس بهائی از بعثت حضرت ربّ اعلی در سال ۱۲۶۰ هـ.ق (۱۸۴۴ میلادی) شروع میگردد و امتدادش پانصد هزار سال است. (۹)

این کور امنع اقدس به ادوار و اعصار و عهدی تقسیم میشود. دور اوّل این کور مبارک اقلّاً هزار سال امتداد خواهد یافت و به سه عصر منقسم میشود:

اوّل - عصر رسولی بمدّت هفتاد و هفت سال از بعثت حضرت اعلی در سنّه ستین شروع و بصعود حضرت مولی الوری (۱۹۲۱ میلادی) خاتمه مییابد و شامل سه عهد است.

۱ - عهد اوّل یا عهد اعلی به مدّت نه سال از بعثت حضرت

نقطه اولی تا اظهار امر خفی جمال اقدس ابهی در سیاه چال طهران و تحقق بشارت الهیه "فی سنة التسع کلّ خیر تدرکون" (۱۰)

۲ - عهد ثانی یا عهد ابهی به مدّت سی و نه سال از اظهار امر خفی حضرت بهاءالله در سیاه چال تا صعود آن جمال لایزالی (۱۸۹۲ میلادی)

۳ - عهد ثالث یا عهد میثاق به مدّت بیست و نه سال از صعود جمال اقدس ابهی و جلوس مرکز میثاق بر سریر خلافت عظمی تا صعود حضرت عبدالبها (۱۹۲۱ میلادی).

دوم - عصر تکوین از اعلان وصایای حضرت عبدالبهاء و جلوس حضرت ولیّ امرالله بر سریر ولایت عظمی شروع میگردد و خاتمه آن مجهول و در علم الهی مخزون است. این عصر مرگب از عهدی است:

۱ - عهد اوّل یا مرحله اوّل از عصر تکوین - به مدّت بیست و پنج سال از اعلان وصایای حضرت عبدالبهاء تا خاتمه سنه ۱۰۲ بدیع.

۲ - عهد دوم یا مرحله ثانی عصر تکوین - از سنه ۱۰۴ بدیع شروع و خاتمه آن اتمام نقشه جلیله دهساله مهاجرت و انتخاب اولین بیت العدل اعظم الهی در ۱۹۶۲ میلادی میباشد.

۳ - عهد سوم یا مرحله ثالث عصر تکوین - از خاتمه نقشه دهساله شروع و به ژانویه ۱۹۸۶ ختم میگردد.

۴ - عهد چهارم یا مرحله رابع عصر تکوین - این مرحله بر حسب پیام مورخ ۲ ژانویه ۱۹۸۶ بیت العدل اعظم از این تاریخ شروع میگردد. (۱۱) خاتمه عهد چهارم و عهد و تقسیمات بعدی را بیت العدل اعظم به موقع خود مشخص و اعلان خواهند فرمود.

سوم - عصر ذهبى ابتدای این عصر بعد از خاتمه عصر تکوین خواهد بود.

کیفیت و اهمیت نظم ادارى بهائى

حضرت ولّى مقدّس امرالله در توقيح مبارك نوروز ۱۰۱ بدیع میفرماید:

"قوه قدسیه ای که در مدینه طیّبه شیراز نقطه بیان در سنه ستین به آن بشارت داده و در سنه تسع در ارض مقدّسه در زندان طهران متولّد گشته و تصرفات اولیه اش در مدینه الله نمودار گشته و در ارض سرّ در ثمانین به منتهی درجه قدرت در حقایق کائنات سریان و نفوذ نموده و در ایام قیادت مرکز میثاق از سجن اعظم به جهان فرنگ سرایت کرده و اقالیم غربیه را به حرکت آورده پس از افول کوکب میثاق، این قوه ساریه دافعه نافذه در مشروعات و مؤسسات بهیه پیروان امر خداوند یگانه حلول نمود و مجسم و مشخص و مصور گشت."

دقت در این بیان مبارك به خوبی اهمیت نظم ادارى و تشکیلات امر الهی را روشن میسازد. باید توجه داشت که نظم ادارى بهائى در دوره ولایت حضرت شوقی ربّانى ولّى امرالله با هدایت مستمر و ارشاد و قیادت مداوم آن غصن ممتاز دوحه بقا در سراسر عالم بسط و توسعه و نفوذ و استقرار یافته و مدت سی و شش سال از حیات پر بار مبارك حضرتش وقف انسجام و استحکام اساس این نظم گردیده.

خصائص و شئون نظم ادارى بهائى

خصائص و شئون نظم ادارى بهائى را حضرت ولّى امرالله در آثار مبارکه خود به بهترین نحو ممکنه تشریح و تبیین

فرموده‌اند. از جمله تشکیلات اداری را به منزلهٔ مجاری و قنوات مذکور داشته‌اند که مقدر است ماء معین حیات یا به عبارت دیگر تعالیم الهیه از این مجاری و قنوات بر اهل ارض ارزانی شود و حیات انسانی و روحانی آنان را تأمین و تضمین نماید.

از جمله یاران الهی و اعضای تشکیلاتی را متذکر ساخته‌اند که در خدمات اداری همواره اصل اساسی روحانیت و خلوص نیت را که حسن جریان امور تشکیلات منوط و موکول به آن است ملحوظ نظر داشته و در هیچ حال از آن غفلت نورزند. به صورتی بسیار زیبا و دلنشین عالم انسانی را به هیکل انسان و مؤسسات نظم اداری را به مثابه رگها و شراین تشبیه فرموده و مجریان امور تشکیلات را بر حذر داشته‌اند که مبادا نحوهٔ خدماتشان سبب حدوث تصلب در رگها گردد.

تصلب در لغت بمعنی سخت شدن و سفت شدن است و در علم طبّ تصلب در رگها به بیماری اطلاق میشود که به علل مختلفه رگها حالت نرمی و کشداری خود را از دست میدهند و سخت میشوند و در نتیجه جریان خون به نحو طبیعی و سهولت انجام نمیشود و مآلاً به سکتۀ قلبی منجر میشود و حیات انسان در مخاطره میافتد.

در تشبیه فوق تعالیم و احکام حضرت بهاءالله به منزلهٔ خون برای جسد عالم امکان مذکور و تشکیلات و مؤسسات اداری بمثابه رگها که عامل رساندن خون حیات بخش به اعضا و جوارحند تمثیل شده البته بهمان نحو که صحت هیکل انسان مادام برقرار است که خون در رگها بنحو طبیعی جریان یابد و اعضا و جوارح از آن تجدید قوا نموده و اعمال حیاتی

را به درستی انجام دهند، صحت روحانی و سلامت معنوی عالم انسانی هم منوط بآن است که تعالیم و مواهب الهی از طریق مؤسّسات اداری با روح محبت و صمیمیت و حالت خضوع و روحانیت بر نوع بشر ارزانی گردد و حیات روحانی عالم انسانی را فراهم ساخته و محفوظ بدارد.

میفرمایند: "حاجت به این نیست که بار دیگر آنچه را قبلاً تکرار و تأکید گشته در این مقام یادآور شوم که تأسیسات اداری امرالله را باید به مثابه آلات و ادوات دانست نه اینکه این تأسیسات اداری قائم مقام امر بهائی شوند. این مشروعات اداری باید مانند مجرائی شناخته شوند که به وسیله آن عنایات موعوده الهیه جاری و ساری گردد. باید مراقبت نمود که مبدا تصلّبی (در این مؤسّسات اداری) حاصل شود که جریان قوای آزادی بخشی را که ظهور الهی بدنیا عطا نموده است مانع گردد و آن قوا را تحت قید و بند در آورد... باید تمام تشکیلات محافل و لجنه ها و انجمنهای روحانی را وسیله و آلت دانست نه مقصد و نهایت. باید دانست که تمام این تأسیسات به میزان استعدادی که برای ترویج مصالح امر الهی و توحید مساعی و بکار بستن اصول و مبادی و تحقّق آمال و اجرای مقصد و منظور امر بهائی دارند در مدارج ترقی صعود نمایند و یا ساقط و هابط گردند... البته فریضه ذمه نفوسی که میراث مرغوب لاعدل له الهی بکف کفایت آنان سپرده شده آنستکه به کمال تضرّع و تبتّل مراقبت نمایند که مبدا آلت و وسیله قائم مقام امر الهی شود و یا توجه بی اندازه بدقایق و تفصیل مربوط به شئون اداری امر الهی موجب گردد که آراء و افکار حامیان و

مروجین امر حضرت ربّ العالمین دچار تاریکی گردد و یا جانبداری و جاه طلبی و دنیاپرستی به مرور ایام در مقابل لمعان و نورانیت امر حضرت بهاءالله حجابی تشکیل دهد و طهارت و لطافت آنرا آلوده سازد و بر تأثیر و نافذیت آن لطمه رساند. ترجمه (۱۲) و نیز میفرمایند:

”حسن جریان و نظم امور اداری باید همواره با همان درجه از محبت و خلوص و ترقی روحانی توأم باشد. این دو کیفیت هر دو ضروری است تفکیک یکی از دیگری به منزله سلب حیات از هیکل امر الهی خواهد بود.“ ترجمه (۱۲)

و در توقیع مبارک مورّخه ۱۱ می ۱۹۲۶ می فرماید:

حال که شئون اداری امر الهی منظمأ در توسعه و شعبات مختلفه آن از حیث عدد و اهمّیت در رشد و نمو است بی نهایت لازم و ضروری است که حقیقت اساسی را به خاطر آوریم که جمیع این فعالیت‌های اداری هر قدر به نحو مؤثر و با روح وحدت انجام گردد جمعاً وسائل و عوامل وصول به منظور است و باید به عنوان وسائط مستقیم برای ترویج امر بهائی تلقی گردد. باید این نکته را کاملاً مرکوز ذهن کنیم که مبدا (بر اثر) شور و شوق زیادی که برای تکمیل و اتقان تأسیسات اداری امر داریم مقصود و منظور الهی که این نظم اداری برای وصول به آن ایجاد شده به کلی از نظرها مخفی و پنهان شود. باید مراقب و هوشیار باشیم که مبدا احتیاج رو بتزایدی که برای تخصّص در امور و وظایف اداری امر الهی هست ما را از ملحق شدن بصفوف آن نفوسی که در خطّ مقدم جنگ (جهاد) با فخر و جلال مشغول دعوت جمعیت باین یوم جدید الهی هستند باز دارد. این

است که آنچه حقیقتاً باید مقدم بر همه وجهه همت و منظور نظر باشد. این است وظیفه مقدس و احتیاج فوری و حیاتی ما. باید همگی این اصل اساسی را به خاطر داشته باشیم زیرا سرچشمه جمیع مساعی و مجاهدات آینده است و رافع هر مانع مزاحم و موجب تحقق آمال مولای حنون^{۱۴} ترجمه (۱۴)

انواع تشکیلات

در نظم ادارى بهائى دو نوع تشکیلات وجود دارد:

۱ - تشکیلات انتخابی ۲ - مؤسسات انتصابی.

تشکیلات انتخابی همانطور که از نام آنها مفهوم میشود مؤسساتی هستند که اعضاء آنها از طریق انتخاب برگزیده میشوند و مؤسسات انتصابی به تشکیلاتی اطلاق میگردد که افراد به عضویت منصوب میشوند. تفاوت دیگر این تشکیلات در آنستکه اعضاء و تشکیلات انتخابی به صورت گروهی و دسته جمعی انجام وظیفه و خدمت مینمایند و وظائفشان حاوی قوای سه‌گانه تشریعی و تنفیذی و قضائی است.

در حالیکه اعضاء مؤسسات انتصابی هر يك منفرداً به انجام تکالیف خود که حصر در صیانت و ترویج امر الهی است قائمند و هیچگونه وظیفه تقنیی و قضائی ندارند.

افرادیکه در مؤسسات انتصابی عضویت دارند مادام که به این خدمت قائمند نمی‌توانند در تشکیلات انتخابی هم عضویت داشته باشند و در صورت انتخاب شدن باید به سلیقه خود یکی از این دو نوع خدمت را انتخاب نمایند. استثنائاً مساعدین میتوانند در عین خدمت در مؤسسه انتصابی به عضویت تشکیلات انتخابی نیز مفتخر گردند. (۱۵)

بیت العدل اعظم در ابتدای نظامنامه منضم به قانون اساسی خود چنین مقرر داشته‌اند:

"این نظم اداری از جهتی مرگب از يك سلسله هیئتهای منتخبه بین المللی و خصوصی و محلی است که قوه تشریحیه و تنفیذیه و قضائیه جامعه به آن راجع و از جهت دیگر شامل جمعی از نفوس ممتازه مخلصه است که تحت هدایت مقام ریاست امرالله بایفاء در وظیفه مخصوصه صیانت و ترویج امر حضرت بهاءالله منصوب و مأمور" (۱۶)

و نیز در پیام مورخه ۲۴ اپریل ۱۹۷۲ چنین می‌فرمایند:

"ملاحظه شده است در بعضی موارد احببای الهی ایادی امرالله و مشاورین و هیئتهای معاونت را "جناح انتصابی" نظم اداری تلقی نموده و آنرا مقابل با "جناح انتخابی" که از بیت العدل اعظم و محافل ملی و محلی تشکیل میشود محسوب میدارند هر چند این طرز توصیف و تلقی حقیقتی از نحوه ایجاد این مؤسسات را بیان میکند ولی یاران باید بدانند که اصل انتصاب تنها وجه تمایز مؤسسات ایادی امرالله و مشاورین و هیئتهای معاونت نیست فی‌المثل تعداد افرادی که به عضویت در لجنه‌های تابعه جناح انتخابی منصوب شده‌اند به مراتب افزونتر از تعداد نفوسی است که در جناح انتصابی قائم بر خدمت‌اند وجه تمایز بارزتر آنکه امراء در امر الهی بالاجتماع انجام وظیفه میکنند و حال آنکه علماء هر يك اصولاً بالانفراد به خدمت قائمند." (۱۷) (ترجمه) و در دستخط مورخه ۱۳ ژانویه ۱۹۷۶ در پاسخ جناب هوشنگ محمودی (شهید مجید) می‌فرمایند:

"... سؤال چهارم پرسیده بودند که آیا هیئت‌های

مشاورين كه تبليغ و صيانت بر عهده آنان است موقتى است يا جزئى از نظم بديع الهى است. اين هيئت در مكاتيب متعدده در اين سبيل توضيح داده است خلاصه آنكه اين هيئتهاى عظيم الشأن جزئى از نظم بديع الهى محسوب است و بيت العدل اعظم با تأسيس هيئت جليله مشاورين دو وظيفه منصوصه صيانت و تبليغ را از اين طريق به ادوار آينده انتقال داده است و مانند ساير اجزاء نظم بديع وظيفشان هر روز واضح تر و دامنه خدماتشان وسيع تر خواهد شد... " (۱۸)

فصل دوم

تشکیلات محلی

الف - جمعیت بهائی

در کتاب نظامات بهائی دستور حضرت ولیّ امرالله در باره جمعیت بهائی چنین نقل گشته: (صفحه ۹۷)

” هرگاه در محلی عدّه احبّا بیش از يك نفر و کمتر از نه نفر باشد بخودی خود جمعیت بهائی تشکیل میشود و در این مورد وضع مقرّرات مخصوص ضرورت ندارد. شوقی افندی ”

محفل روحانی ملی برای جمعیت‌های بهائی توصیه فرموده اند که برای اجرای وظائف و رسیدگی به نیازهای اداری جمعیت هیئاتی اداری از طریق انتخاب تشکیل دهند.

ب - محفل روحانی محلی

هدف اصلی و منظور نهائی از تشکیل محافل روحانیه، اداره جوامع بشری بر اساس اصول تعالیم و احکام الهی است.

واحد اصلی جامعه بهائی فرد ذیرأی میباشد. هر شخص بهائی بالغ بسن اجتماعی (۲۱ سال تمام) که نامش در دفاتر سجلات محلّ سکونتش ثبت شده باشد، عضو ذیرأی جامعه بهائی شناخته میشود و حقّ رأی دادن و انتخاب شدن دارد. در مورد عضویت در جامعه بهائی در نظامنامه بیت العدل اعظم چنین مذکور است:

” ماده اول - عضویت در جامعه بهائی: جامعه بهائی مرکّب از افرادی است که بیت العدل اعظم آنانرا واجد شرایط ایمان و

عمل به موجب شریعت بهائی شناخته باشد.

بند اول- يك فرد بهائی برای آنکه حائز شرایط رأی دادن و انتخاب شدن گردد باید بسن بیست و يك سالگی بالغ شده باشد.
بند دوم- حقوق و مزایا و وظایف افراد بهائی عبارتست از آنچه در آن باره در آثار مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی منصوص و در قرارهای بیت العدل اعظم مقرر شده باشد. " (نقل از کتاب ارکان نظم بدیع نشر دوم صفحه ۲۲۵)

شرایط تسجیل بقرار زیر است:

۱- اظهار صریح ایمان به امر بهائی

۲- تنظیم و امضاء ورقه اظهارنامه بهائی که حاوی اعترافات

ذیل است:

اعتراف تام به مقام حضرت اعلی که مبشّر و مقام حضرت بهاءالله که شارع و مقام حضرت عبدالبهاء که مبین و مثل اعلای امر بهائی بوده اند و اطاعت و قبول بلاشرط کلیه آثار نازله از اقلام مبارکه ایشان و تمسک صادقانه نسبت به الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و ارتباط کامل با روح و شکل و اصول کنونی اداری امر بهائی در جمیع عالم.

۳- تصویب تسجیل تنظیم کننده اظهارنامه از طرف

محفل روحانی محلی و محفل روحانی ملی. (۱)

دستورات مبارکه در باره تسجیل

تسجیل در لغت به معنی ثبت در اوراق نمودن، ثبت رسمی و در سجل وارد کردن، نوشتن عهد و پیمان، تحکیم و تثبیت آمده (فرهنگ لغات منتخبه تألیف دکتر ریاض قدیمی)

در نظم اداری بهائی منظور از تسجیل آن است که فردی که مؤمن بامر الهی است به محفل روحانی محل سکونت خود مراجعه و ایمان خود را اعتراف نماید تا پس از تصویب محفل روحانی محلی و تأیید محفل روحانی ملی نامش در سجلات بهائیان ثبت گردد و عضو رسمی جامعه محلی شناخته شود.

در آثار مبارکه حضرت ولی امرالله تأکیدات بسیاری در این باره شده و محافل روحانی به کمال دقت و مراقبت و تأمل و حکمت موظف شده اند. باید توجه داشت: که شرایط تسجیل ممکن است به اقتضای شرایط فرهنگی و زمانی جوامع مختلف جهان و میزان توسعه آن تغییر نماید. چنانچه هم اکنون دارالتبلیغ بین المللی ناظر به همین اصل انعطاف در جزئیات میباشد و یا در جامعه بهائی امریکا تسجیل افراد جنوب شرق آسیا که واجد مشخصات فرهنگی متفاوتی هستند با شرایطی ساده تر صورت میگیرد اصل کلی لن یتغیر این است که شخص "مقبل" به مظهریت الهی حضرت بهاءالله اعتراف نماید و به اطاعت آنچه از قلم اعلی نازل شده جهد نماید. سایر نکات منشعب از این اصل به اقتضای شرایط گوناگون جوامع تعیین خواهد شد.*

مولای توانا حضرت ولی عزیز امرالله میفرمایند:

"... لزوم دقت و تفرّس در حال مقبلین و مصدّقین امر الهیست و این فقره اهمّیتش من بعد ظاهر و واضح گردد. چون یوم موعود رسد و ندای بهائیان اوج گیرد و علم یا بهاءالابهی بر

* نقل از راهنماییهای لجنة مجلّه تصویب تألیفات

اعلیٰ قَللِ عَالَمِ مَوْجِ زَنْدِ وَ یَدْخُلُونَ فِی دِیْنِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا تَحَقَّقْ
 پذیرد باید امنای محافل روحانیه که در رتبهٔ اولی حامی و
 حارس و نگهبان امراللهدن به دَقَّتْ نَظْرَ وَ حَدَّتْ بَصْرَ وَ تَفَرَّسَ تَام
 در مقاصد و مآرب مقبلان تدقیق نمایند و مخلص را از معرض
 تمیز دهند و بشناسند زیرا دخول نفوس غیر سلیمه که خود را
 در جامعهٔ امر به طمع جاه و منصب و مال و منال و اسم و رسم
 داخل نمایند و به اسم بهائی شهرت دهند و با مؤمنین و
 مخلصین در امور امریه مشارکت کنند علّت مفساد و تضعیف
 جامعهٔ بهائی و ظهور انشقاق و افتراق گردد و مورث تشّتت جمع
 بهائیان شود. اتقوا من فراسة المؤمن انه ينظر بنورالله باید
 در حق مؤمنین این ظهور اعظم و امنای امر جمال قدم به
 احسنها و اتمها و اکملها تحقّق پذیرد. قلم اعلیٰ باین امر دقیق
 در الواح نصحیه اشاره فرموده قوله عزّ بیانه: "سوف یرون
 المشرکون رایات النصر و یسمعون اسم الله من کلّ الجهات
 یومئذ یقولون انا آما بالله قل الله اعلم بما فی صدور
 العالمین. (۲)

و نیز میفرمایند: "باید امنای محافل روحانیه که حافظ
 و حارس جامعه اند نفوس سلیمهٔ مخلصهٔ مؤمنه را از مدّعیان
 محبّت و آنفس شریرهٔ مفسدهٔ مغرضه تمیز دهند و بکمال
 فطانت و متانت و استغناء سلوک نمایند و ذیل پاک امرالله را
 از مآرب نوهوسان و کید مفسدان و مشتهیات اهل طمع و عدوان
 ملوّث و مغیّر نسازند." (۲)

و نیز میفرمایند: "امنای محافل محلیّه باید نهایت
 مواظبت و دَقَّتْ و اهتمام را مجری دارند و مدّعیان محبّت و ایمان

را از نفوس سلیمه مؤمنه متقیه مخلصه تمیز دهند و باشخاص مفسده مغرضه اوراق رسمیه که دال بر عضویت جامعه است تسلیم نمایند و با آنان مرتبط نگردند بلکه احتراز تام نمایند." (۲)

و نیز می‌فرمایند: "راجع به مسئله بسیار دقیق و معضل تشخیص اوصاف و خصائص مؤمن حقیقی خواه برای تصمیم باینکه در داخل امر چه شخصی را میتوان مؤمن حقیقی دانست و خواه به منظور اعلام به جامعه خارج امر که چه شرایطی را ممکن است اساس چنین تصمیمی قرار داد، در هر يك از این دو مورد رعایت کمال احتیاط و مراقبت و حکمت به حدی لازم است که آنچه در این باره تأکید و تصریح شود شایسته و سزاوار است. در این مقام با رعایت مقتضیات کنونی مجلاً به ذکر عوامل مهمه ای اکتفا میشود که قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به اینکه آیا میتوان شخصی را مؤمن حقیقی دانست یا خیر باید مورد توجه قرار گیرد: اعتراف تام به مقام مبشر و شارح و مثل اعلای امر بهائی به نحویکه در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بیان شده. قبول بلاشرط و اطاعت از آنچه به قلم مبارکشان نازل گشته. انقیاد صادقانه و راسخ نسبت به هر يك از فقرات الواح مبارکه وصایای حضرت مولی الوری و ارتباط نزدیک با روح و شکل تشکیلات کنونی بهائی در تمام عالم به نظر این عبد مراتب فوق شرایط اساسیه اولیه ای است که باید منصفانه و با نهایت حکمت و تدبیر قبل از اتخاذ چنین تصمیم خطیر مورد تحقیق قرار گیرد. بیم آن میرود که سعی در تشریح و تبیین بیشتری در این زمینه منجر به مباحثات بی‌ثمر و حتی

مشاجرات شدیدہ ای گردد کہ نہ فقط بیہودہ بلکہ مضرّ بہ مصالح کلیّہ آئین مترقی الہی خواهد بود. بنابر این اکیداً توصیه میشود نفوسی کہ مسئول اتّخاذ چنین تصمیمی هستند این مسئلہ بسیار غامض را کہ هموارہ تکرار میشود با تضرّع و خضوع و مشورت صمیمانہ مورد توجّہ قرار دهند و از تعیین حدّ فاصل بہ نحوی صریح و قاطع احتراز جویند مگر در مواردی کہ منافع امر قطعاً چنین اقدامی را ایجاب نماید. شوقی ربّانی (۱) (ترجمہ) در این مقام عین بیانات مبارکہ حضرت عبدالبہاء در الواح وصایا کہ در نصوص فوق الذّکر مورد اشارہ حضرت ولیّ امراللہ واقع گشتہ نقل میگردد.

”اساس عقائد اہل بہاء روحی لہم الفداء حضرت ربّ اعلیٰ مظهر وحدانیت و فردانیت الہیہ و مبشرّ جمال قدم، حضرت جمال ابہی روحی لاحبائہ الثابتین فدا مظهر کلیّہ الہیہ و مطلع حقیقت مقدّسہ ربّانیہ و مادون کلّ عبادّ لہ و کلّ بامرہ یعملون. مرجع کلّ کتاب اقدس و ہر مسئلہ غیر منصوصہ راجع بہ بیت عدل عمومی، بیت عدل آنچہ بالاتفاق و یا باکثریت آراء تحقّق یابد همان حقّ و مراداللہ است.“

حضرت ولیّ امراللہ میفرمایند:

”محافل روحانیہ نباید با عجلہ و بدون تأمل اقدام نمایند بلکہ باید نہایت تدبّر و دقّت را رعایت کنند و الاّ عمل آنان فوق العادہ سبب ضرّ امراللہ خواهد شد. محافل باید مراقبت نمایند کہ احبّای تازہ تصدیق از تعالیم مبارکہ اطلاع کامل و کافی داشتہ و ہنگامی کہ ایمان خود را نسبت بہ امر مبارک اظہار میدارند این اعتراف از روی معرفت بودہ و بہ

وظائفی که بر عهده آنانست واقف و مطلع باشند. (ه) (ترجمه)

تسجیل جوانان بهائی

جوانان بهائی که به سنّ بلوغ میرسند می‌توانند برای تسجیل نامشان در سجلات امری محلّ سکونتشان اقدام نمایند ولی مادام که به سنّ بیست و یک سالگی (۲۱) نرسیده اند حقّ انتخاب شدن و انتخاب کردن ندارند و پس از وصول به سنّ بیست و یک سالگی (۲۱) خود بخود عضو ذیرای جامعه محسوب میشوند و دارای کلیه حقوق عضو ذیرای خواهند شد. حضرت ولیّ امرالله در تویق مبارک مورّخ ۶ شهرالاسماء سنه ۱۰۲ میفرمایند:

”راجع به سنّ بلوغ شرعی و بلوغ اجتماعی فرمودند میزان تکالیف شرعیه ورود بسنّ شانزده (۱۶) و بلوغ اجتماعی ورود به سنّ بیست و دو (۲۲) است.“ (۶) *

عدل، اساس جامعه

از عدل در موارد مختلفه تعبیرات متفاوته ای شده:

”اعطای کلّ ذی حقّ حقّه“ و ”مجازات و مکافات“ و ”انصاف در قضاوت“. در تعالیم مبارکه در این دور مکرمّ عدل اساس نظم جوامع بشری و مربّی عالم دانسته شده. حضرت بهاءالله میفرمایند:

”هیچ نوری بنور عدل معادله نمی‌نماید. آنست سبب نظم و راحت امم.“ (۷)

”مقام عدل که اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه است بدو کلمه معلق

* در صفحه ۱۲۹ بخش یادداشتهای کتاب اقدس مذکور است: ”حضرت ولیّ امرالله برای این منظور سن بلوغ اداری را موقتاً بیست و یکسالگی مقرر و فرموده‌اند که به اراده بیت العدل اعظم در آینده قابل تغییر است.“

و منوط است مجازات و مکافات. (۸)

”یا حزب الله مرّبی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است. مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه اند. از برای حیات اهل عالم.“ (۹)

حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات باب ”مجرم مستحقّ

عقوبت است یا عفو“ میفرمایند:

”باید چیزی بگوئیم که اجرایش در عالم امکان ممکن است. بسیار تصوّرات و تخیلات عالیّه است اما قابل اجرا نیست بنا علیه باید چیزی بگوئیم که ممکن الاجراء باشد. مثلاً اگر نفسی به نفسی ظلمی کند ستمی کند، تعدّی کند و آن شخص مقابله بالمثل نماید این انتقام است و این مذموم است... اما هیئت اجتماعیّه حقّ محافظه و حقّ مدافعه دارد زیرا هیئت اجتماعیّه بغضی ندارد عداوتی بقاتل ندارد اما مجرّد جهت حفظ دیگران قاتل را حبس کند یا قصاص نماید که دیگران محفوظ مانند... همچنانکه عفو از صفت رحمانیّت است عدل نیز از صفت ربوبیّت است. خیمه وجود بر ستون عدل قائم نه عفو و بقای بشر بر عدل است نه عفو مثلاً الآن اگر در عموم ممالک عالم قانون عفو مجری شود در اندک زمانی جهان برهم خورد و بنیان حیات انسان برافتد... باری قوام هیئت اجتماعیّه به عدل است نه عفو پس حضرت مسیح را مقصد از عفو و سماح نه اینست که اگر ملل سائره بر شما هجوم کنند خانمان شما را بسوزانند و اموال را غارت کنند بر اهل و عیال و اولاد تعدّی نمایند و هتك ناموس کنند شما در مقابل آن لشکر ستمکار تسلیم شوید تا هر ظلم و تعدّی مجری دارند بلکه مراد حضرت مسیح معامله

خصوصی در میان دو شخص است که اگر شخصی بدیگری تعدّی نماید متعدّی علیه باید عفو نماید. اما هیئت اجتماعیّه باید محافظه حقوق بشریه نماید.

با توجه به نصوص مبارکه و بخصوص نصّ کتاب مستطاب اقدس، محافل روحانی (بیوت عدل) مآلاً مرجع اجرای عدل در جوامع بشری خواهند بود و هر سه نوع تعبیری که در باره عدل قبلاً ذکر شد از وظائف اصلی آنان است.

اقسام بیت عدل

در کتاب مستطاب اقدس بیت عدل محلّی و بیت عدل عمومی تشریح شده و در الواح وصایا حضرت عبدالبهاء بیت عدل خصوصی را حلقه اتصال بین آن بیوت عدل قرار داده اند. در حال حاضر بیت العدل محلّی بنام محفل روحانی محلّی و بیت العدل خصوصی بنام محفل روحانی ملّی نامیده میشود ولی در آینده این محافل روحانی به اسم اصلی و همیشگی خود که از طرف شارع امر الهی تعیین شده نامیده خواهند شد. مولای توانا حضرت ولیّ امرالله میفرمایند:

"... باید یادآور شد که در کتاب اقدس بیت العدل محلّی

و بیت العدل عمومی تشریح گشته و در الواح وصایا محافل روحانی ملّی به نام بیت العدل خصوصی تسمیه شده است و این محفل روحانی ملّی را حضرت عبدالبهاء به عنوان حلقه اتصال و هیئت رابط بین بیت عدل محلّی و بیت العدل عمومی به وجود آورده اند." (۱۰)

و نیز می فرمایند: "حضرت عبدالبهاء مکرراً تأیید فرموده اند که محافل روحانی امروزه با بیوت عدل آینده هر دو یکی است

و تفاوتی باهم ندارند.“ (۱۰)

در کتاب قرن بدیع (ترجمه فارسی) صفحه ۶۷ می‌فرمایند:
 ” این محافل روحانیه که در مستقبل ایام به نام اصلی و
 دائمی خویش یعنی ”بیوت عدل“ که از طرف شارع این امر اعظم
 تعیین گردیده خوانده خواهند شد.“

در پاسخ سئوال مقصود از امراء و علماء که در آثار مبارکه
 مذکور است می‌فرمایند:

مقصود از امراء اعضای بیت عدل محلی و ملی و بین المللی
 است وظائف هر يك از این نفوس منبعت معین می‌گردد.“ (۱۱)

نصوص مبارکه در باره بیت عدل محلی

در کتاب مستطاب اقدس می‌فرمایند:

” قد كتب الله على كل مدينة ان يجعلوا فيها بيت العدل
 و يجتمع فيه النفوس على عدد البهاء و آن ازداد لا بأس و يرون
 كأنهم يدخلون محضر الله العلی الاعلی و يرون من لا يرى و
 ينبغى لهم ان يكونوا امناء الرحمن بين الامكان و وكلاء الله
 لمن على الارض كلها و يشاوروا فى مصالح العباد لوجه الله كما
 يشاورون فى امورهم و يختاروا ما هو المختار كذلك حكم ربكم
 العزيز الغفار.“ (۱۲)

حضرت ولی‌امرالله در مورد اینکه در آیه مبارکه ذکر
 شده که اعضا بیت العدل نه نفر زیادتر هم باشد باسی نیست،
 می‌فرمایند:

” در خصوص عدّه اعضای محافل روحانیه در وقت حاضر
 عدّه اعضای محفل باید از نه نفر تجاوز ننماید و این قرار
 نظر به احوال حاضره موقتی است نه دائمی.“ (۱۲)

در لوح مبارکی از قلم اعلی نازل شده:

" جمال قدم مخاطباً الی الامم می‌فرمایند در هر مدینه از مداین ارض به اسم عدل بی‌تی بنا کنند و در آن بیت علی عدد اسم اعظم از نفوس زکیّه مطمئن جمع شوند و باید آن نفوس حین حضور چنان ملاحظه کنند که بین یدی‌الله حاضر میشوند چه که این حکم محکم از قلم قدم جاری شده و لحاظ اللّه به آن مجمع متوجه و بعد از ورود باید وکالة من انفس العباد در امور و مصالح کلّ تکلم نمایند. " (۱۴)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

" امروز عموم محافل اعم از محلی و ملی به منزله شالوده‌ایست که بیت عدل عمومی در مستقبل ایام بر آن مستقر و مرتفع خواهد شد. تا زمانی که این محافل وظایف خود را با جدیت و انتظام انجام ندهند نمی‌توان به انقضای این دور تحوّل امیدوار بود پس ما که با کمال اشتیاق آرزومند تحقق دوره ای هستیم که امرالله رسمیت یافته و در سراسر عالم احراز موقعیت نماید موظّفیم که با کمال همّت و جدیت در تحکیم بنیان این محافل بکوشیم و در عین حال اهمّیت آنرا به نحو اکمل تفهیم و موجبات مزید همکاری و معاضدت را برای پایداری و موفقیت آن محافل فراهم سازیم. (۱۵)

و نیز می‌فرمایند: " حال از برای آنکه این مشروع خطیر دستخوش غفلت و فتور نگردد و در جمیع اقطار عالم بهائی مستمراً و قویاً به اجرای وظایف و رتق و فتق امور پردازد و وحدت ائین حضرت بهاءالله محفوظ و مصون ماند از اهمّ امور اینکه بر طبق نصوص صریحه کتاب اقدس در جمیع نقاط امریه

اعم از بلدان و قراء که عدد مؤمنین تسجیل شده از سن ۲۱ به بالا به نه نفر رسد فوراً به تأسیس محفل روحانی محلی اقدام و جمیع مسائل امری محلی را برای مشاوره و اتخاذ تصمیم به آن هیئت ارجاع کنند. اهمیت بل ضرورت حتمیه این محافل محلیه وقتی معلوم گردد که متوجه گردیم این مؤسسات در آتیه به بیوت عدل محلی تبدیل و فعلاً به منزله شالوده محکمی است که بنیان مشید و صایای مبارکه حضرت عبدالبهاء در مستقبل ایام بر آن استوار خواهد گشت... " (۱۶)

محفل روحانی مرجع احباء است

ولی عزیز امرالله حضرت شوقی افندی ربّانی در توقیع مبارک مورخ ۱۵ شباط میفرمایند:

"... امور احباء منفرداً و مجتمعاً در هر بلدهای از بلدان راجع به محفل روحانی خصوصی آن شهر گردد و اعضای این هیئت به حبل مشورت در نهایت توجه و تجرد از نفس و هوی تمسک نمایند و آنچه را که اراده مبارک در آن دانند مجری دارند." و نیز میفرمایند: "یکی از تأسیسات مهمه در هر بلدی استحکام محفل مقدس روحانی است و انتظام مجمع مشورت یاران رحمانی. اگر این تأسیس عظیم در هر مدینه ای رزین و متین شود هرگونه تائیدی حاصل گردد و هر موهبت و نعمتی کامل شود... امروز اعظم خدمت به آستان احدیت وحدت اهل بهاست و اساس وحدت انتظام محافل روحانی اهل بهاء... " (۱۷)

مقام و موقعیت اعضای محفل روحانی

حضرت ولی امرالله در لوح منیع مورخ اب ۱۹۲۷ میفرماید: ای امنای امر حضرت بهاءالله قدر این مقام را بدانید و

مسئولیت خود را بشناسید و بپیمائید در این مقام دقیقه غفلت عالمی خسران است و ذره اهمال مورث خسران و ندامتی بی‌پایان به آثار رجوع نمائید و تکالیف شایسته را از فحوای آیات منزله‌اش بیابید فئه مؤمنین و مؤمنات به دلالت و هدایت رب الآیات البینات از میان خود شما را برانگیخت و به نمایندگی خویش بین بیگانه و خویش مخصّص و سرافراز فرمود. اعنه اختیار را به کف کفایت آن پیشوایان بسپرد و افسر عبودیت بحتّه محضه را بر فرق آن سروران بنهاد مصالح روحانیه حزب مظلوم را در دست امنای امرش ودیعه بگذاشت و طوق مسئولیت کبری بر گردن اسیران کویش بینداخت به صرافت طبع و طیب خاطر خود را رهین و مقید ارشادات و تعلیمات آن موالیان عظام بنمود و تنفیذ تشریعات و تصمیمات قاطعه آنان را از مفروضات وجدانیّه خویش شمرد. این چه موهبت عظمائینست که بخشنده مختار به صرف اختیار به دست یاران جان نثارش بر آن نمایندگان مبذول داشته و این چه مسئولیت گرانیست که بر کتف آن برگزیدگان گذاشته شمائید و سائط اعطای فیض حضرت فیاض، شمائید وسیله ابراز راز حضرت بی‌نیاز، بیت الحرام را حامیان وفادارید و شریعت ربّ الانام را مروّجینی جان نثار، خزائن علم حضرت معلومید و اواعی آن طیب مضموم، مؤسسین مدنیتی بی‌مثلید و مثلین آئینی بی‌نظیر و عدیل، بانیان ایوان ربّ یکتائید و حاملان پیامی جان‌افزا، منادیان اسم اعظمید و نمایندگان سبیل اقوم مغبوط و محسود پیشینیانید و تعلیم دهنده و پیشوای آیندگان، افتادگان شرق را منقد مهرپرورید و دردمندان غرب را طبیبان نیک‌اختر، نجات دهنده اسیران عالم امکانید و

یگانه امید هر خسته دل ناتوان، این عنایات خفیه و نعم موهوبهٔ جمال قدم جلّ اسمہ الاعظم وقتی در انجمن بنی آدم به تمام قوی جلوه نماید که آن نمایندگان محترم در انظار دول و امم مظهر و مصداق این امر مبرم محیی رم گردند" ان اجعلوا سیفکم کلمة اللّٰه و سلاحکم السلام و جیشکم معرفة اللّٰه و قائدکم التقوی و ظهیرکم الملأ الاعلی و نصیرکم ربّ السموات العلی و زادکم التوکل علی الله و قوتکم تأیید یتتابع من شدید القوی. (نقل از مجلهٔ عندلیب شماره ۴۵، مسلسل- سال چهاردهم صفحه ۶)

لزوم اطاعت از محفل روحانی و تقویت آن

حضرت عبدالبهاء در آثار مبارکه خود میفرمایند:

" آنچه مجلس شورا قرار در آن خصوص و خصوصیات

دیگر بدهند کلّ باید بدون توقّف اطاعت نمایند. " (۱۸)

" آنچه را محفل روحانی مصلحت بدانند اگر به من

تکلیف کنند من مجری میدارم ابدأ توقّف ننمایم. " (۱۹)

" بر هر فردی واجب است هیچگونه اقدامی بدون مشورت

محفل روحانی ننماید و البته باید قلباً و روحاً قرار محفل را

مطیع و نسبت به آن منقاد باشد تا امور به احسن وجه مرتّب و

منظّم گردد و الا هر شخصی مستقلاً بر وفق قضاوت خویش عمل

خواهد کرد و امیال شخصی خود را متابعت خواهد نمود. " (۲۰)

مولای حنون حضرت ولیّ امر اللّٰه میفرمایند:

"یاران باید اعضای محفل خویش را در تمام امور نمایندگان

خویش دانند و امنای الهی محسوب نمایند. هر حکمی را محفل

صادر نماید به دل و جان اجراء نمایند و در تألیف قلوب و رفع

اختلاف و تبدیل برودت و خمودت را به انجذاب و اشتعال

اعضای محفل را مساعده تامّ و معاونت قلبی نمایند. (۲۱)

" باید افراد بهائیان در هر کشور و اقلیمی به تمام قوی و در کمال صمیمیت قیام بر نصرت نمایندگان محلی و مرکزی خویش نمایند و اطاعت و تمکین قرارهای صادره از آن مراجع عالیّه رسمیه بهائی نمایند و آراء و افکار و تمایلات شخصیّه خویش را در ظلّ اراده و تصمیمات هیئت ممثلین خویش درآورند. به مساعدت و معاضدت نمایندگان منتخبه خویش برخیزند و من دون تردید مؤید و نافذ و ناشر ممثلین خود گردند... و شخصیّات را در جمیع موارد بلااستثنا تابع هیئت دانند. (۲۲)

"مقتضی می‌دانم خاطر احباء را به لزوم قبول بلاشرط هر نوع خدمت و وظیفه ای که نمایندگان یا محفل ملیّی به آنان رجوع نمایند متذکّر سازم هر گونه امتناع از قبول خدمات مرجوعه را مذموم میدانم. (۲۳)

"و از جهتی افراد احباء باید کمال انقیاد و اعتماد را به اعضای محفل روحانی خویش داشته باشند و مساعدت و تأیید آن محفل نمایند. (۲۴)

"آنچه بعد از مشورت کامل و مذاکره تام رأی اکثریت بر آن قرار گرفت به دل و جان بدون ادنی کدورت و رنجش اجرا نمایند ولو آنکه رأی اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد چه که این است حکم صریح محکم الهی چگونه تجاوز از این امر منصوص جائز. (۲۵)

"محافل روحانیه الیوم اسّ اساس است و محور و مرکز وصایای مقدسه مبارکه... لهذا احبّای الهی و اماءالرحمن هر قدر

اساس این محافل را محکتر نمایند و اسباب پیشرفت و تقدّمش را بهتر فراهم آورند و صیای مقدّسه سریع تر اجراء شود و نوایای مبارکه زودتر و کامل تر تحقّق یابد و جلوه نماید. " (۲۶)

"عموم یاران چه در داخل و چه در خارج محفل باید محفل روحانی را نماینده خود شمرند و تقویت نمایند و ترویج اجراآتش را کنند. " (۲۷)

"کلّ چه در داخل و چه در خارج باید اطاعت و انقیاد به اعضای محفل نمایند و تقویت و تأیید اجراآتش نمایند ولو رأی اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد. " (۲۸)

"نفوسی که اطاعت اوامر محفل را ننمایند و با وجود تذکّرات و انذارات متتابعه تمرّد و مخالفت نمایند از حق انتخاب در جامعه و عضویت محافل روحانیه هر دو محروم. " (۲۹)

انتقاد سازنده از محفل روحانی

در مجموعه ای از منتخباتی از نامه هائی که از طرف حضرت ولی امرالله به افراد احبّاء نگاشته شده و ضمیمه پیام مورّخه جولای ۱۹۹۶ دارالانشای بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از یاران الهی گشته چنین مذکور است:

"در چنین زمانی که دنیای سیاست آشفته است و در نتیجه فعالیت های جوامعی که تنها حقایقی ناقص در اختیار دارند اجتماع در حال احتضار به نظر می رسد یاران الهی باید متحد شوند و همچون اعضاء يك هیکل عمل کنند. هرچه وحدتشان افزایش یابد پیروزی آنان مطمئن تر خواهد بود، و این وحدت حاصل نشود مگر به اطاعت از محافل روحانی. درست است که محافل روحانی به بلوغ لازم نرسیده اند و گاه ممکن است با

بی‌حکمتی اقدام کنند ولی حمایت از آنها بیشتر به تقدّم آن مؤسّسات در جهت نظام اداری که واقعاً معرفّ نوایای این امر است کمک خواهد کرد تا انتقاد از آنها و نادیده گرفتن ارشاداتشان.

حضرت بهاء‌الله نه تنها اصول معینی را اعلان نموده اند بلکه نظامی را نیز ابداع فرمودند که وسیلهٔ تأسیس و ابقاء آن کمال مطلوب است. هر دوی این عوامل برای تحقّق وحدت جهانی ضرورت دارند. " (۲۷ فبروری ۱۹۲۲) (ترجمه)

" بهائیان کاملاً مجازند انتقادهای خود را به محافل روحانی خود عرضه نمایند و آزادانه نظرات خود را در مورد خطّ مشی‌ها یا افراد اعضای هیئت‌های انتخابی به محفل محلی یا ملی ابراز دارند ولی باید از صمیم قلب توصیه یا تصمیم محفل را بر طبق اصولی که برای این گونه موارد در نظامات بهائی وضع شده بپذیرند. " (۱۲ می ۱۹۴۵) (ترجمه)

"حضرت ولی امرالله... با علاقه‌ای خاصّ پیشنهادهای متعدّدی را که جلسهٔ اخیر محفل روحانی ملی تقدیم نموده‌اید ملاحظه فرمودند... صداقت و روحیهٔ انتقاد مثبت و بی‌مجامله‌ای که در پیشنهادهای شما نهفته است یقیناً در اعضای محفل مؤثّر واقع شده و آنان را به درک تازه و عمیق‌تری از مسئولیت‌های بی‌مانندی که در این زمان بر عهده دارند رسانده است. " (۱۹ اگست ۱۹۲۸) (ترجمه)

"پرسیده‌اید که آیا بهائیان حقّ دارند آشکارا انتقاد خود را از تصمیمات یا خطّ مشی محفل روحانی ابراز دارند، نه تنها حق بلکه مسئولیت حیاتی هر عضو وفادار و هوشیار جامعه است که با صراحت و به تفصیل و در عین حال با رعایت

احترام لازم نسبت به مقام محفل روحانی هر گونه پیشنهاد، توجیه یا نظر انتقادی را که وجداناً احساس میکند برای اصلاح برخی شرایط یا گرایش‌ها در جامعه محلی لازم میدانند تقدیم نماید و همچنین وظیفه محفل روحانی است که به این چنین اظهار نظرهایی که توسط هر یک از اعضاء جامعه تقدیم شده توجه دقیق مبذول دارد. بهترین فرضتی که برای این منظور در نظر گرفته شده ضیافت نوزده روزه است که علاوه بر جنبه های اجتماعی، روحانی آن، نیازها و مقتضیات متنوع اداری جامعه را برآورده می‌کند، اهم آنها نیاز به مشورت و انتقاد صریح و سازنده در باره شرایط داخلی جامعه محلی است.

ولی بار دیگر تأکید می‌شود که باید از انتقادهای و مباحثات منفی که منتج به بی‌اعتبار ساختن محفل روحانی به عنوان یک مؤسسه بهائی می‌شود اکیداً دوری جست. زیرا در غیر این صورت نظم امرالله به خطر خواهد افتاد و آشفتگی و اختلاف در جامعه حکمفرما خواهد شد. " (۱۲ دسامبر ۱۹۲۹) ترجمه

"حضرت ولی امرالله معتقدند که قسمت عمده دشواری‌هایی که احبای جامعه... حس می‌کنند بدان مبتلا هستند از آنجا سرچشمه می‌گیرد که نظم اداری را نه درست فهمیده‌اند و نه به درستی آن را به کار می‌بندند. بسیاری از آنان به نظر می‌رسد آماده اند همواره از تصمیمات محفل روحانی خود انتقاد کنند و به آن تصمیمات احترام نگذارند. اگر بهائیان به اساس مؤسساتی که به رغم نارسائی خود، می‌کوشند فعالیت‌های بهائی را هم آهنگ نمایند و به تنظیم امور امری پردازند لطمه وارد آورند اگر دائماً از اقدامات آنان انتقاد کنند و به تصمیمات آنان

اعتراض نمایند و آن را بی‌ارزش جلوه دهند نه تنها مانع پیشرفت واقعی و سریع امرالله خواهند شد بلکه کسانی را که در خارج جامعه قرار دارند از خود خواهند راند. اینان به حق خواهند پرسید که ما چگونه انتظار داریم جهانیان را متحد سازیم وقتی که در میان خودمان از وحدت حقیقی محرومیم. تنها يك راه حلّ وجود دارد و آن اینکه نظم اداری بهائی را بیاموزیم. از محافل روحانی اطاعت کنیم و هر فرد در تکامل شخصیت و خلق و خوی خود به عنوان يك فرد بهائی مجاهدت نماید. هرگز نمی‌توانیم همان گونه بر دیگران اثر داشته باشیم که بر خود داریم. اگر ما خود بهتر باشیم، اگر در قبال نقاط ضعف دیگران محبت، بردباری و تفاهم نشان دهیم، اگر بکوشیم که هرگز انتقاد نکنیم بلکه تشویق کنیم، دیگران نیز چنین خواهند نمود و خواهیم توانست به وسیلهٔ سرمشق رفتار و نیروی روحانی خود به امرالله حقیقتاً خدمت کنیم. همه جا وقتی که برای نخستین بار نظم اداری تأسیس می‌شود احبّاء درمی‌یابند که تطبیق دادن خود با آن نظام بسیار دشوار است. یاران باید بیاموزند که به خاطر حفظ وحدت جامعه از محفل روحانی اطاعت کنند، حتی اگر محفل اشتباه کند. یاران باید شخصیت های خودشان را تا حدّ معینی فدا کنند تا حیات جامعه به طور کلی رشد و نما نماید. این امور مشکل است ولی باید بدانیم که چون امرالله بر طبق نظم اداری بهائی مستقرّ شود ما را به راه زندگی بسی بزرگتر و کامل تر رهنمون خواهد شد." (۲۶ اکتبر ۱۹۴۲) (ترجمه)

"انتقاد بدخواهانه راستی بلایی است ولی ریشهٔ آن عدم

ایمان به نظم حضرت بهاء‌الله یعنی نظم اداری بهائی و عدم اطاعت از حضرتش است که آن را تحریم فرموده اند. اگر بهائیان از احکام بهائی در باره ابداء رأی، انتخابات، قیام به خدمت و اطاعت از قرارهای محفل روحانی پیروی کنند این همه نیروئی که در راه انتقاد از دیگران تلف می‌شود می‌تواند در مجرای همکاری و حصول به اهداف نقشه به کار افتد." (۱۸ دسامبر ۱۹۴۶) (ترجمه)

در پیام مورّخه ۲ جولای ۱۹۹۶ که قبلاً به آن اشاره گشته بیت العدل اعظم الهی در باره مطالب مجموعه منتخباتی از نامه های حضرت ولی امرالله که در فوق نقل گردید توضیحات زیر را مرقوم داشته‌اند:

"اهمّیت وحدت هم به عنوان هدف شریعت حضرت بهاء‌الله و هم به عنوان وسیله استقرار آن. حضرت بهاء‌الله نه تنها اصول معینی را اعلان نموده‌اند بلکه نظامی را نیز ابداع فرمودند که وسیله تأسیس و ابقاء آن کمال مطلوب است" و وفادار بودن یاران الهی به این دو عامل برای "تحقق هدف وحدت جهانی حضرتش" اساسی است.

بهائیان کاملاً مختارند که انتقادهای خود را به محافل روحانی خود عرضه نمایند و پیشنهادهای خود را تقدیم آن مرجع نمایند. وقتی که بهائیان انتقاد، پیشنهاد و توصیه خود را با محافل خود در میان نهادند و نظریات خود را "در باره خطّ مشی ها یا افراد اعضای هیئت های انتخابی" بیان نمودند باید "از صمیم قلب توصیه و تصمیم محفل را بپذیرند."

بین تحریم غیبت، که مشتمل بر اظهار نظرات نامطلوب در باره افراد یا تشکیلات به دیگر افراد به طور خصوصی یا

عمومی است، از يك طرف، و تشویق یاران به سبکبار نمودن خاطر خود به وسیله در میان گذاردن نگرانی‌هایشان با محفل روحانی محلی یا ملی (یا با یکی از اعضاء هیئت مشاورین یا هیئت معاونت) از طرف دیگر، تمایزی روشن وجود دارد. به این نحو، گر چه یکی از وظائف ضیافت نوزده روزه ایجاد فرصتی است که انتقادات زنده عمومی در آن مطرح گردد، و در مورد شرایط عمومی داخل جامعه محلی مشورت صورت گیرد، ولی شکایت در باره رفتار يك عضو محفل روحانی باید مستقیماً و محرمانه به محفل روحانی تسلیم گردد، نه آنکه این نوع شکایات با افراد دیگر و یا در ضیافت نوزده روزه مطرح شود.

در عین اینکه انتقاد سازنده مورد تشویق قرار گرفته است، انتقاد مخرب، مثلاً " پیوسته از تصمیمات محفل انتقاد کردن و به آنها اعتراض نمودن " مانع از رشد سریع امر می‌شود و کسانی را که در خارج از جامعه امرند از امر الهی دور می‌نماید. در واقع از " همه انتقادهای و گفتگوهای منفی که ممکن است به اعتبار محفل روحانی به عنوان يك مؤسسه لطمه وارد آورد باید شدیداً دوری نمود. زیرا در غیر این صورت نظم امر الهی به خطر افتد و موجب بروز اختلاف و اغتشاش در جامعه شود. " " انتقاد بدخواهانه واقعاً بلائی است " که ریشه آن "عدم ایمان به نظم بدیع حضرت بهاءالله است." و قصور در تبعیت از " قوانین بهائی در باره ابداء رأی، انتخابات، خدمت و اطاعت از تصمیمات محفل."

اینکه انتقاد در جامعه بهائی چگونه بیان می‌شود و به موجب آن عمل می‌گردد و اینکه چگونه محافل روحانی در حق

افراد احبّاء عدالت را اجرا می‌کنند، عناصرى از مفاهيمى بس عظيم تر است که بايد طبيعت ثانوى افراد در مذاکرات و برخوردهاى اجتماعى بهائى گردد. جامعه بهائى عبارتست از اجتماع افرادى که داوطلبانه به يکديگر می‌پيوندند تا با اعتراف به دعوى حضرت بهاء الله به مظهریت ظهور الهى در اين عصر الگوهاى معيّننى از رفتار فردى و اجتماعى را ايجاد نمایند و مؤسساتى را بنا کنند که وسيله برپا داشتن اين الگوها باشد. بسيارند افرادى که آرمان هاى مشابه اهداف امر بهائى دارند و از تعاليم بهائى الهام می‌گیرند و در عين حال با بعضى جنبه هاى آن مخالفند، وليکن كسانى که عملاً وارد جامعه بهائى می‌شوند آزادانه و به طيب خاطر تبعیت از همه تعاليم الهى را پذيرفته اند و فهميده اند که هرگاه در جريان عمل به تعاليم تردید و اختلاف نظر رخ دهد داور نهائى بر طبق نصوص صريح الهى بيت العدل اعظم است.

بيت العدل اعظم با نهايت اشتياق دعا می‌کنند که ياران الهى که در اين مجاهدت با دشوارى مواجه می‌شوند به هدايتى که به ايشان ارائه می‌شود اطمینان داشته باشند، تعاليم الهى را از نو مطالعه نمایند و برای رضای جمال مبارك محبت خود را نسبت به يکديگر تحکيم نمایند. همان طور که منشى حضرت ولى محبوب امرالله از طرف ايشان به يکى از احبّاء در ۲۵ اکتبر ۱۹۴۹ نوشته است "بدون وجود محبت حقيقى به حضرت بهاء الله، به امر مبارك و به مؤسسات نظم بدیع و بين مؤمنين نسبت به يکديگر امر الهى هرگز آن طور که بايد نخواهد توانست عده بی‌شماری از مردمان را به خود جذب نماید. زیرا

جهانیان در جستجوی محبت و عمل اند نه مقررات و مواعظ^{۱۲} طرح ها و مجاهداتی که امرالله در پهنه گیتی در دست اجرا دارد چنان عظیم و خطیر است و نیاز مردمان جهان به پیام حضرت بهاءالله چنان فوری است و مخاطراتی که بشر با آن روبروست چنان وخیم است و سیر وقایع چنان سریع است که نمی توان اجازه داد پیروان امر حضرت بهاءالله وقت و نیروی خود را در مجادلات بی ثمر تلف نمایند. در این زمان بیش از هر زمان دیگر یاران الهی باید به کمال محبت با یکدیگر رفتار نمایند، در افکار و اقدامشان متحد باشند و در اکناف جهان به فداکاری و خدمت قیام نمایند.

(نقل از مجله عنده لیب شماره ۵۹ مسلسل تابستان ۱۵۲ بدیع صفحه ۱۰ و ۱۲)

هیچ فردی مافوق حاکمیت محفل روحانی نیست

مولای توانا حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"اینکه نوشته بودید در بین بعضی از یاران این عقیده شایع است که به برخی از مؤمنین "مقامات روحانی" اعطاء شده است که آنانرا از اطاعت مقررات هیئت اداری بهائی مغاف میدارد، حضرت ولی امرالله دستور فرمودند این نکته تصریح شود که به هیچیک از یاران مقامی اعطاء نشده که او را مافوق یا خارج از حیطه حاکمیت محفل روحانی قرار دهد و به طوریکه به خوبی تشخیص داده اید این روش کاملاً مخالف روح و منظور نظم اداری امر الهی است. " (۲۰)

" با موضوعی که بدان اشاره نموده بودید این عبد کاملاً موافق بوده و قطعاً و بدون هیچ قید و ملاحظه این اصل را تائید مینمایم که اشخاص را نباید به منزله مرکز و یا محوری

قرار داد به طوریکه جامعه طائف حول آنها باشد بلکه آنان باید در جمیع احوال مطیع محافل روحانیه باشند ولو آنکه لیاقت و شایستگی آنان محرز باشد. هر قدر آن جناب و سایر همکاران راجع باین اصل مهم و اساسی که مربوط به اداره امور امری است تصریح و تأکید نمائید شایسته و رواست. (۲۱)

اختیارات و حوزه حاکمیت محفل روحانی

بر حسب نصوص الهیه حدود اختیارات محفل روحانی بسیار وسیع و شامل حاکمیت کامل نسبت بکلیه امور روحانی و اخلاقی و اجتماعی جامعه تحت اشراف خود می باشد که باید بر اساس تعالیم مبارکه اعمال شود باید توجه داشت که محفل روحانی محلی با همه توسعه اختیاراتش معذک تحت اشراف محفل روحانی ملی انجام وظیفه می نماید و در باره کلیه اقدامات و عملیات و تصمیمات خود در قبال محفل روحانی ملی مسئولیت کامل دارد.

در کتاب اصول نظم اداری بهائی صفحه ۴۰ در مورد حدود اختیارات و حوزه حاکمیت محفل روحانی چنین مذکور است:

۱ - اختیارات عمومی محفل روحانی محلی همان است که در نصوص مقدسه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله ارواحنا لهم الفدا مندرج است.

۲ - از اهم اختیارات محفل روحانی محلی حاکمیت کامل نسبت به تمام عملیات و اقدامات و امور روحانی و اداری جامعه بهائی محل خود در تحت ریاست عالی انحصاری محفل روحانی ملی است.

۳ - تمام امور مربوطه به مصالح امریه و روحانیه محلیه

که در امور عمومی کلیه مؤثر نباشد در تحت اختیار و قضاوت بدوی محفل روحانی محلی است و لکن قضاوت و اظهار نظر در اینکه کدام موضوع ملی و مربوط به منافع و مصالح عمومی است. فقط با محفل روحانی ملی است.

۴ - حوزه حاکمیت هر محفل روحانی محلی مطابق تقسیمات مملکتی است.

در نظامنامه بیت العدل اعظم در باره اختیارات و حوزه حاکمیت محفل روحانی محلی چنین مذکور است:

بند اول از ماده دوم: اختیارات و وظائف عمومی هر محفل روحانی محلی عبارتست از آنچه در باره آن در آثار مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی منصوص و در قرارهای بیت العدل اعظم مقرر شده باشد.

بند دوم: هر محفل روحانی محلی بر جمیع امور و خدمات بهائی محلّ خویش طبق اصول مدوّن در قانون اساسی محفل روحانی محلی حاکمیت کامل دارد.

بند سوم: حوزه حاکمیت هر محفل روحانی محلی را محفل روحانی ملی بر وفق اصولی که بیت العدل اعظم برای هر مملکت وضع نمایند معین خواهد کرد.

(نقل از کتاب ارکان نظم بدیع نشر دوم صفحه ۲۲۶)

در مکاتیب انگلیسی که از طرف حضرت ولیّ امرالله مرقوم گشته و در نامه‌های صادره از طرف بیت العدل اعظم در مورد حوزه حاکمیت محفل روحانی محلی و چگونگی اتخاذ تصمیم محافل روحانیه ملیه در این باره دستورات و مقرراتی مذکور است. ذیلاً ترجمه قسمتهائی از آنها ذکر میگردد.

الف- مکاتیب حضرت ولیّ امرالله:

۱- از مکتوب ۲۸ نوامبر ۱۹۴۰: در مورد وجه تمایز بین شهر و ده، این يك مسئله فنی و تخصصی است که حلّ آن بر عهده مقامات شهرداری است. هر تصمیمی که در این مورد بوسیله آنان اتخاذ شود برای احبّاء قابل پیروی است.

۲- از مکتوب ۲۶- اکتبر ۱۹۴۵: "در مورد پرسش‌هایی که مطرح کرده اید اصل کلتی که به وسیله حضرت ولیّ عزیز امرالله بنا نهاده شده است مشعر بر اینست که در هر منطقه شهری يك محفل روحانی وجود داشته باشد. برای مثال شهر نیویورک، با جمعیت عظیم و نواحی وسیع آن بر اساس همین اصل منطقی بدیهی دارای تنها يك محفل روحانی است. چگونگی اجرای این اصل در هر نقطه، امری است که محافل روحانی ملّی در باره آن اتخاذ تصمیم خواهند کرد...."

۳- از مکتوب ۸ نوامبر ۱۹۴۸: "معذک، چنانچه حدود شهری بگونه ای روشن تعیین نشده باشد به حساب آوردن اعضاء ذیرأی يك جامعه (بهائی) بر اساس استنباط اهالی از حدود شهری به عنوان اعضاء جامعه مانعی نخواهد داشت."

۴- از مکتوب ۳۰ دسامبر ۱۹۴۸: "ایشان (حضرت ولیّ امرالله) ادغام بیش از يك منطقه شهری را در يك محفل روحانی، آنگونه که شما پیشنهاد کرده اید به صلاح نمی‌دانند. بهتر آن است که احبّاء به محدوده شهر دیگر نقل مکان کنند و محفل روحانی خود را بدین نحو تشکیل دهند و یا فعالیت های خود را تا حصول شماره لازم برای تشکیل محفل یعنی نه نفر، بر امر تبلیغ متمرکز سازند."

ب- دستخط های بیت العدل اعظم

۱- دستخط ۹ مارس ۱۹۷۶: "اصل کلی و اساسی برای این مبتنی است که محفل روحانی در محدوده کوچکترین واحدهای هر کشوری تشکیل شود. چنانچه این مناطق (واحدها) بوسیله مقامات دولتی کوچکتر یا بزرگتر شوند مناطق تحت اقتدار و اختیار محافل روحانی نیز بر همان اساس تغییر خواهند کرد."

۲- دستخط ۸ جون ۱۹۷۸: به ما امر فرموده اند به اطلاع

برسانیم که این اصل و قانون کلی که بهائیان باید در تعیین حدود حوزه اختیارات محفل روحانی محلی به حدود تعیین شده بوسیله مقام های کشوری تأسی کنند، اصلی است که بوسیله شخص حضرت ولی امرالله وضع و تعیین شده است. در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۵۴ منشی حضرتشان از سوی آن حضرت مرقوم داشته که این اصل و قانون اصلی اساسی است و بهائیان سراسر جهان باید آنرا رعایت نمایند...."

۳- دستخط ۱۷ ژوئن ۱۹۹۰: "همانگونه که در نامه مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۹ به نمایندگی از سوی ساحت منیع بیت العدل اعظم عنوان شده است اینکه حوزه اختیارات هر محفل روحانی محلی شهر یا دهکده ای باید با نامی مشخص و مرزهای قابل تعریف باشد امری ممکن است ولی این نیز ضروری است که هر سیاست که اتخاذ می شود بگونه ای یکنواخت و هماهنگ در سراسر کشور بدون توجه به شماره و محل اقامت دوستان به موقع اجرا در آید."

۴- دستخط ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۰: بیت العدل اعظم الهی از ما خواسته اند توجه شما را به اهمیت یکنواختی ر اجرای هر

قانون و قاعده‌ای در رابطه با حوزه‌های تحت اشراف محافل روحانی محلی جلب کنیم زمانیکه محفل روحانی ملی در مورد اساس حدود شهری در سراسر کشور به نتیجه‌ای رسید و تصمیمی اتخاذ شد این تصمیم باید به نحوی یکسان به مرحله اجرا در آید و مناطق مزبور نباید در ارتباط با منافع آنی به مناطق کوچکتر تقسیم یا در مناطق دیگری ادغام شوند.

۵ - دستخط ۶ ژوئن ۱۹۹۱: از اینرو تشکیل جوامع بهائی جداگانه صرفاً به خاطر بالا رفتن شمار بهائیان یک جامعه امری مؤکداً غیر ممکن است. در آینده در یک جامعه محلی بهائی صدها هزار تن عضویت خواهند داشت. مسئله مهم این خواهد بود که چگونه روحیه معاونت و همکاری توأم با محبت و صمیمیت را با بالا رفتن شمار اعضای جامعه به ویژه در مدت زمانی کوتاه تقویت کرده و حفظ نماییم.

این مسئله ایست که باید هر محفل روحانی محلی به آن توجه نماید. برای مثال، ممکن است در هر منطقه یا محدوده‌ای خاص اقدام به تشکیل یک لجنه تبلیغ کرد که در مقابل محفل روحانی محلی پاسخگو باشد. در طهران، که شمار احباء چندین هزار تن بود، اعضاء جامعه بهائی برای تشکیل ضیافات نوزده روزه به چند ناحیه در سراسر شهر تقسیم شده بودند. محافل روحانی محلی برای نیل به اهداف مطلوب خود راههای متعددی را در پیش روی دارند. (ترجمه آزاد توسط جناب فواد روستائی)

مناسبات محفل روحانی با افراد جامعه

در آثار مبارکه در باره مناسبات محفل روحانی با افراد جامعه تأکید بسیار گشته که این مناسبات به هیچ وجه نباید

تنها جنبه اداری و تشکیلاتی داشته باشد بلکه با توجه به این که محفل هیئتی است روحانی باید در مناسباتش با افراد جامعه پیوسته ناظر و عامل سجایای اخلاقی و روحانی از قبیل خلوص نیت و خیرخواهی، ادب و بردباری شفقت و مهربانی و آمادگی برای شور و مشورت و استماع نظریات افراد و به طور خلاصه آنچه سبب حصول وحدت و محبت در بین جامعه می‌گردد، باشد. در فصل بیست و دوم کتاب اصول نظم اداری بهائی چنین مذکور است:

۱ - محفل روحانی علاوه بر جلسات شور عمومی که در جلسات ضیافات معمول و مجری است . باید تقاضای هر يك از افراد احباً را برای مشاوره قبول کند. هنگام مشاوره با افراد احباً محفل روحانی باید به نکات ذیل توجه فرمایند:

الف - بی‌طرفی کامل اعضاء محفل نسبت به موضوعی که مورد مشاوره است.

ب - رعایت آزادی هر فرد بهائی برای اظهار نظر و تقدیم پیشنهاد در باره مسائل امری.

ج - محفل روحانی باید این مشاوره را محرمانه تلقی کند و این اصل را رعایت نماید که قبل از خارج شدن نفوسیکه برای مشورت در جلسه حاضر شده اند تصمیمی اتخاذ نکنند (اعضاء محترم در حضور شخص مراجع هیچگونه اظهار نظری ننمایند)

۲ - محفل روحانی در مناسباتش با افراد احباً الهی نباید فقط از جنبه تشکیلاتی ناظر باشد زیرا محفل هیئتی است روحانی که باید سجایای فاضله ادب بهائی و صبر و

شکیبائی و خیرخواهی را همواره رعایت فرمایند زیرا به تجربه رسیده که بسیاری از اختلافات با اعمال قدرت اصلاح نمیشود بلکه یگانه راه اصلاح آن کشف علت حقیقی اختلاف و تکدر خاطر است.

حضرت عبدالبهاء در بسیاری از الواح مبارکه بیانی به این مضمون میفرمایند:

”بعضی نفوس طفلند باید تربیت کرد، نادانند باید تعلیم نمود. مریضند باید درمان بخشید.“

۳ - حضرت ولیّ امرالله در توقیع منیع خطاب به محفل روحانی ملّی امریکا بیانی میفرمایند که ترجمه فارسی آن بدین قرار است:

”اعضاء منتخبه مسئول ملت نبوده و حقّ اتخاذ تصمیم بدون قید و شرط از امتیازات مختصّه آنان است و باید افراد بهائی به تمام قوی و در کمال صمیمت قیام بر نصرت نمایندگان محلی و مرکزی خویش نمایند. اطاعت و تمکین قرارهای صادره از آن مراجع عالیّه رسمیه بهائی نمایند و آراء و افکار و تمایلات شخصیّه خویش را در ظلّ اراده و تصمیمات هیئت ممثلین درآورند.“

با وصف این حال در الواح مبارکه و تواقیع منیعه به امناء محافل روحانیه محلیه و ملّیه تأکید اکید گردیده که باید این قدرت ملکوتیه نوعی معتدلانه اعمال شود که منظور اصلی یعنی وحدت و محبت و الفت به نحو احسن در جامعه پیروان امر حضرت احدیت حاصل شود.“

(پایان فصل ۲۲ کتاب اصول نظم اداری)

آزادی افراد در اظهار عقیده شخصی

در کتاب نفیس نظامات بهائی صفحه ۳۱ چنین مذکور است:

”در خصوص اظهار عقیده و نظریات شخصی در مورد امور تبلیغی رأی مبارك حضرت ولیّ امرالله بر آنست که مادامی که شخص صریحاً بگوید که آنچه اظهار می‌دارد نظریات خصوصی اوست نباید آزادی او را در اظهار عقیده شخصی محدود نمود. در حقیقت این قبیل توضیحات اغلب مفید واقع می‌شود و بدان وسیله بهتر می‌توان به تعالیم الهی پی‌برد. خداوند به انسان قوه عاقله عطا فرموده که از آن استفاده شود نه آنکه عاطل و باطل ماند. معذک مقصد آن نیست که آیات منزله واجد مرجعیت مطلقه نمی‌باشد بلکه باید حتی‌المقدور کوشید تا خود را بآن میزان اعظم نزدیک ساخته و در موقع توضیح و تبیین مطالب با استشهاد از بیانات مبارکه علاقه مندی خویش را نسبت به آیات الهی نشان داد. انکار مرجعیت آیات منزله کفری است صریح و جلوگیری از اظهار عقیده شخصی در باره آیات مبارکه امری است قبیح. باید سعی کرد میان این دو حالت افراطی حدّ اعتدال را رعایت نمود. (استخراج از توقیع مبارک)

روش محفل نسبت بافراد خاطی و محرومیت از حق انتخاب

در کتاب نظامات بهائی به نقل از توقیع مبارک در صفحه

۸۲ چنین مذکور است.

”... در مورد طرد اشخاص از جامعه عقیده حضرت ولیّ امرالله بر اینست که محافل روحانیه نباید عجله و بدون تأمل اقدام نمایند بلکه باید نهایت تدبّر و دقت را رعایت کنند و الا عمل آنان فوق العاده سبب ضرر امرالله خواهد شد... هنگام

طرد اشخاص از جامعه محفل نباید از روی عجله اقدام نماید چه که این عمل مسئولیت روحانی بزرگی در بردارد اختیارات محفل تنها بر علیه افراد نبوده بلکه نسبت به آنان وظائف مهمه ای نیز عهده دار می‌باشند. محافل باید مانند شبانانِ مهربانی باشند که حضرت مسیح در مثال معروف خود ذکر نموده است. به علاوه مثل اعلای حضرت مولی‌الوری همیشه نصب العین است که هر يك از افراد احباء را به منزلهٔ جزئی از عنصر روحانی خویش ملحوظ می‌داشتند و هرچه از برای کمترین بندگان او روی می‌داد بی‌نهایت سبب کدورت و حزن خاطر مبارك میگشت. اگر اتفاقاً یکی از آنان به خطا میرفت او را نصیحت فرموده و بیشتر مورد محبت و شفقت قرار میدادند. هرگاه هیکل مبارك ملاحظه می‌فرمودند که آن شخص از تغییر رویهٔ خود مصراً امتناع می‌ورزد و ابقایش در بین یاران حیات روحانی سایرین را به مخاطره می‌افکند او را از جامعه اخراج می‌فرمودند. رویهٔ محافل نسبت به افراد نیز باید چنین باشد بهترین تشخیص درجهٔ موفقیت روحانی محفل آنست که تا چه اندازه آنان برای مصالح افراد جامعه در خود احساس مسئولیت می‌نمایند و اگر احیاناً مجبور شوند که فردی را از حق رأی محروم نمایند مبادرت به این عمل باید صرفاً برای محافظه دیگران باشد نه از برای اجرای مجازات... (ترجمه)

در کتاب نظامات بهائی صفحه ۸۴ مطلبی تحت عنوان

”محرومیت از حق انتخاب درج است که عیناً نقل می‌گردد:

” راجع به وضع افرادی که محفل محلی یا ملی محرومیت

آنان را از حق ابدای رأی و حضور در محافل و مجالس لازم دانسته سؤال نموده بودید. هر گونه عملی که محفل روحانی

محلی و یا ملی در حدود اختیارات خود بر علیه افراد خاطی انجام دهد، هر قدر هم موجّه و شدید باشد نباید در هیچ مورد این عمل را به منزلهٔ اخراج قطعی آن افراد از جامعهٔ امر دانست. محرومیت افراد از ابدای رأی و سایر حقوق اداری که امری است مشروط و موقت هرگز متضمن چنین عواقب شدیده نمی‌باشد زیرا این عمل صرفاً جنبهٔ مجازات اداری دارد و حال آنکه اخراج و طرد افراد از شریعت الهیه که جزو اختیارات خاصهٔ ولی امرالله رئیس عالیّه روحانی جامعه (در حال حاضر بیت العدل اعظم) می‌باشد دارای چنان عواقب شدیدهٔ معنوی است که در حیات روحانی آن شخص دخیل و مؤثر خواهد بود. به طوری که مذکور گشت اقدام اولیهٔ جنبهٔ مجازات اداری دارد و حال آنکه اقدام ثانوی اصلاً دارای جنبهٔ روحانی است که نه تنها به مناسبات افراد با محفل روحانی محلی و ملی مربوط است بلکه در حیات روحانی آنان در ظل امرالله نیز مؤثر است. بنابراین این شخص مؤمن می‌تواند خود را بهائی بنامد ولو آنکه از حق ابدای رأی در جامعه محروم باشد اما در صورتیکه بر حسب دستور حضرت ولی امرالله (بیت العدل اعظم) از جامعه اخراج گردد عنوان مؤمن از او سلب می‌گردد و به هیچ وجه نمی‌تواند ولو اسماً خود را بهائی معرفی کند. (استخراج از توفیق مبارک)

در کتاب نظامات بهائی صفحهٔ ۲۷ در بارهٔ نفوس مختل

الفکر و سلب حق رأی از آنها چنین مذکور است.

" در موضوع تعبیر ضعف قوای فکری باید متذکر بود که این ضعف قوا با اختلال دماغ تفاوت دارد. اختلال دماغ حالت و کیفیتی است که از نقص فکری یا عدم موافقت با راه و رسم اکثریت شدیدتر است. فقط در موارد خیلی نادر که شخص

حقيقتاً مختل الفكر بوده و اين حالت به ثبوت رسیده باشد بايد حق ابدای رأى از وی سلب شود. نهايت توجه و دقت بايد در اين خصوص مرعى گردد. شوقى ربّانى“

وظائف محفل روحانى

وظائف محفل روحانى در آثار مبارکه به طور کلی دو نوع مشخص گشته يکى اخلاقى و روحانى يعنى شرائطى که اعضاء بايد اجراء کنند و ديگرى ادارى و عمومى که شامل کلیه امور مربوط به شئون جامعه مى گردد از قبيل تبليغ و صيانت امرالله، تعليم و تربيت اطفال، رسيدگى به حال ايتام و فقرا و عجزا و غيره ها. از ميّزات نظم ادارى بهائى آنکه وظائف محفل روحانى شامل امور تقينى و اجرائى و قضائى است.

بيت العدل اعظم در دستخط مورّخه ۱۹ می ۱۹۹۴ خطاب

به محفل روحانى ملى امريکا ميفرمايند:

“... از جمله مشخصات ميّزه نظم ادارى بهائى از يك

طرف وجود مؤسّسات انتخابى است که در آنها اعضاء به صورت گروهى و با اختيارات تقينى و اجرائى و قضائى انجام وظيفه مى کنند...” (۲۲)

بنابراين در امور قضائى محفل روحانى بر اساس روح

تعالم الهيّه و بدون هيچگونه شائبه نفسانى در امور قضاوت مى نمايد و هر موقع که براى اجراى وظائف خود احتياج به وضع مقرّرات فرعيه اى داشت اين مقرّرات را که در اصطلاح امرى “قرارهاى محفل” ناميده ميشود، وضع مينمايد و در اجراى وظائف و قرارهاى خود جهد جهيد مبذول مى دارد. اعضاء محفل جمعاً و فرداً موظّف به بذل مساعى براى اجراى قرارهاى محفل مى باشند.

وظائف محفل روحانی در آثار نازل از قلم اعلی و در کتاب مستطاب اقدس نازل شده که در ابتدای این فصل مذکور شد. در یکی از الواح از قلم اعلی نازل شده:

“... جمال قدم مخاطباً الی الامم می‌فرماید در هر مدینه از مداین ارض به اسم عدل بی‌تی بنا کنند و در آن بیت علی عدد الاسم الاعظم از نفوس زکیه مطمئن جمع شوند... و بعد از ورود باید وکالة من انفس العباد در امور و مصالح کلّ تکلم نمایند. مثلاً در تبلیغ امرالله اولاً چه که این امر اهمّ امور است تا کلّ کنفس واحده در سرادق احدیه وارد شوند و جمیع من علی الارض هیکل واحد مشاهده شود و همچنین در آداب نفوس و حفظ ناموس و تعمیر بلاد و السیاسته الّتی جعلها اسأً للبلاد و حرزاً للعباد ملاحظه و تبلیغ امرالله نظر به حال اوقات و اعصار ملاحظه شود که چگونه مصلحت است و همچنین سایر امور و آنرا مجری دارند و لکن ملتفت بوده که مخالف آنچه در آیات در این ظهور عزّ صمدانی نازل شده نشود چه که حقّ جلّ جلاله آنچه مقرر فرموده همان مصلحت عباد است انّه ارحم بکم منکم انّه لهو العلیم الخبیر اگر نفوس مذکوره به شرایط مقررّه عامل شوند البتّه به عنایات غیبیه مؤید می‌شوند این امری است که خیرش به کلّ راجع می‌شود و بسیاری از امور است که اگر اعتنا نشود ضایع می‌شود و باطل خواهد ماند چه بسیار از اطفال که در ارض بی آب و أم مشاهده می‌شوند اگر توجّهی در تعلیم و اکتساب ایشان نشود بی‌ثمر خواهد ماند و نفس بی‌ثمر موتش ارجح از حیات او بوده و همچنین در اغنیاء و اعزّه که به علّت ضعف پیری و یا امر آخر به فقر و ذلّت مبتلا شده‌اند باید در

کَلَّ این امور و امورات دیگر که متعلّق به ارض است این نفوس لله تفکّر و تدبّر نمایند و آنچه صواب است اجرا دارند اگر عباد به طرف فوَاد ناظر شوند یقین می‌دانند که آنچه از مصدر امر نازل شده محض خیر است از برای من علی الارض... (۱۴)

در آثار مبارکه مرکز میثاق و مبین آیات نیر آفاق حضرت عبدالبهاء و وظائف محفل روحانی مشروحاً تعیین گردیده می‌فرمایند:

"اول فریضه اصحاب شور خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انقطاع از ما سوی‌الله و انجذاب بنفحات الله و خضوع و خشوع بین احباء و صبر و تحمل بر بلا و بندگی عتبه سامیه الهیه است و چون به این صفات موفق و مؤید گردند نصرت ملکوت غیب ابهی احاطه نماید. ثانی فریضه اثبات وحدانیت جمال غیب ابهی و مظهریت کامله ربّانیه حضرت نقطه اولی و عبودیت محضه صرفه ذاتیه کینونیه باطنه حقیقیه صریحه عبدالبهاء بدون شائبه زکری دون آن و هذه غایتی القصوی و منتهی معارجی العلیا و جنتی المأوی و هی نور وجهی و منیته قلبی و شفاء صدری و قره عینی و رواء غلّتی و برد لوعتی و براء علّتی و من اعتقد بغير هذا فقد خالف عبدالبهاء. ثالث فریضه ترویج احکام الهیه در بین احباء از صلوة و صیام و حجّ و حقوق اللّه و سایر احکام الهیه بالتمام و همچنین دائماً تشویق و تحریص کلّ احباء و به موجب نصوص قاطعه الهیه بر اطاعت و خدمت سریر سلطنت عادلّه شهریاری و صداقت و امانت در خدمات اعلی حضرت دادپرور تاجداری و تمکین اولیاء امور حکمرانی. رابع فریضه حفظ و صیانت عموم

احباء در جميع موارد و مواقع و تمشیت امور عمومی از قبیل تربیت اطفال و تهذیب اخلاق و تعلیم علوم نافعه از جميع جهات و تأسیس مدارس و مکاتب به جهت ذکور و اناث و تکفل فقراء و ضعفاء و صغار و ایتام و ارامل و ایامی و تدبیر وسائل صنعت و کسب و توسعه احوال عموم. خامساً منع عموم از آنچه سبب فتنه و فساد و عدم مداخله در امور سیاسیه بالکلیه و عدم مکالمه در این خصوص ولو بشقّ شفه و دلالت و تمکین در جميع احوال و محبت و دوستی با عموم. سادساً مدارا با اهل فتور و تشبث به جميع وسائل در ارجاع آن نفوس بر میثاق حضرت رحمن. (۲۲)

"اول وظیفه اعضاء الفت و اتحاد آنهاست که سبب حصول نتایج حسنه گردد و اگر اتحاد نباشد یا معاذالله اختلاف شود البته نبودن آن بهتر است. اگر محفل شور و یا مجلس عمومی سبب کدورت گردد باید متروک ماند... پس چون اتحاد حاصل شد ثانی وظیفه شان تلاوت آیات و مناجات و حالت تذکر و تنبه است چنانکه خود را بین یدی الله مشاهده نمایند. ثالث فکر و مذاکره در تبلیغ امرالله به جميع اطراف و اکناف است و به تمام قوی باید قیام بر این امر عظیم نمایند و تعیین و ترویج لوازم تبلیغ امرالله کنند. رابع در فکر و ذکر رعایت فقرا و ضعفا و حمایت مرضی باشند. خامس اصلاح و تدبیر امور احبباً و مسائل اخری." (۲۴)

"... اول شرط محبت و الفت تام بین اعضای آن جمعیت است که از بیگانگی بیزار گردند و یگانگی حضرت پروردگار آشکار کنند زیرا امواج يك بخرند و قطرات يك نحر، نجوم يك

افقند و اشعه يك شمس درختان يك بوستانند و گلهاى يك گلستان و اگر وحدت حال و يگانگى بى ملال در ميان نيابد آن جمع پريشان گردد و آن انجمن بى سر و سامان و شرط ثانى آن است كه رئيسى به جهت آن محفل اعضاى انجمن بالاتحاد انتخاب كنند و دستورالعمل و نظامى به جهت اجتماع و مذاكره قرار دهند و آن دستورالعمل و نظام انجمن در تحت اداره و محافظه و حمايت رئيس باشد و تنفيذ نمايد و اعضاى محفل بايد در نهايت اطاعت و انقياد باشند مكالمه حشو و زوائد در آن محفل نگرده و اعضا در حين ورود توجه به ملكوت اعلى كنند و طلب تائيد از افق ابهى و در نهايت خلوص و وقار و سكون و آداب در انجمن قرار يابند و به نهايت ادب و ملايمت كلام و اهميت خطاب به بيان آراء پردازند و در هر مسأله تحرى حقيقت كنند نه اصرار در رأى زيرا اصرار و عناد در رأى منجر به منازعه و مخاصمه گردد و حقيقت مستور ماند ولى اعضاى محترمه بايد به نهايت آزادگى بيان رأى خويش نمايند و ابدآ جائز نه كه نفسى تزييف رأى ديگرى نمايد بلكه به كمال ملايمت، بيان حقيقت كند و چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع به اكثريت آراء كنند و كلّ اكثريت را مطيع و منقاد گردند و ديگر جائز نه نفسى از اعضا محترمه بر قرار اخير چه در خارج و چه در داخل اعتراض نمايد و يا نکته گيرد ولو مخالف صواب باشد. زيرا اين نکته گيرى سبب شود كه هيچ قرارى استقرار نيابد. باري هر كارى كه به الفت و محبت و خلوص نيست فيصل شود نتيجه اش انوار است و اگر ادنى اغبرارى حاصل شود نتيجه اش ظلمات فوق ظلمات تصادم افكار و مقاومت آراء

در انجمن شور سبب ظهور شعاع حقیقت است. نباید هیچیک از اعضاء متکدر از مقاومت دیگری شود بلکه هر يك قول دیگری را با وجود مخالف بودن با رأی خویش در کمال ادب به خلوص نیت گوش دهد و غباری بر قلبش ننشیند چون چنین گردد آن انجمن، انجمن الهی است و الا سبب برودت و کدورت عالم شیطانی. و همچنین آن محفل روحانی باید قطعاً به امور سیاسی که راجع به حکومت محلی است تعرض ننماید حتی از امور سیاسیہ دم نزنند مذاکرات بتمامها محصور در امور روحانیہ که تعلق به اداره تربیت نفوس و تعلیم اطفال و اعاشه فقرا و اعانه ضعفاء جمیع فرق عالم و مهربانی به کلّ امم و نشر نفعات الله و تقدیس کلمات الله باشد در این خصوص و اجراء این شروط چون همت نمایند تأیید روح القدس رسد و آن مجمع مرکز سنوحات رحمانیہ شود و جنود توفیق هجوم کند و هر روز فتوحی جدید حاصل شود." (۲۵)

هوالله

"ای خادمان درگاه احدیت محفل روحانی صرف مجمع رحمانی است و مقبول درگاه حضرت یزدانی و مؤید به نفعات قدس آسمانی پس باید به شکرانه این موهبت به تمام وظایف خویش قیام نمائید و آن این است که مکتب اطفال ذکور را در نهایت انتظام اداره نمائید و مکتبی دیگر به جهت بنات ترتیب دهید زیرا تعلیم بنات نیز از لوازم عالم انسانی است و وقتی آید که بنات امهات گردند و باید تربیت اطفال خویش نمایند البته اگر دانا و زیرک و واقف باشند بهتر تربیت نمایند و خوشتر تعلیم کنند و دیگر آنکه ضعفاء و فقرا و عجزه و ایتم را در نهایت

احترام نگهدارى كنيد و هر بيمار محتاجى را پرستارى نماييد اين است وظائف محفل روحانى ابدأ در آن قصور و فتور جائز نه اگر چنانچه بايد و شايد به اين خدمت قيام كنيد تائيدات و توفيقات الهيه از جميع جهات مشاهده نماييد." (۲۶)

"... حضرات اعضای شور بايد محرم يکديگر باشند و کتمان سبب حزن و بلکه غضب و اختلاف ميشود مگر امورى که تخصيص به افراد دارد يعنى نفسى يکى از اعضای شور را محرم خویش کند و سرّش را بيان نمايد و خواهش کتمان کند و الاّ اگر بنا باشد که هر يك از اعضاء کتمان اسرار نمايد و چيزى ابراز نکند در اين صورت شور تحقق نيابد على الخصوص الحمدالله ما جز محبت الله و ايمان و ايقان و معرفه الله و عبوديت آستان مقدّس و اطاعت و انقياد و صداقت و امانت به سرير سلطنت و خيرخواهى عموم سرّى و رازى نداريم. جمال مبارك ما را راحت فرمودند که به جميع اهل عالم خيرخواه باشيد و با کلّ به محبّت و صداقت و مهربانى معامله كنيد على الخصوص در اطاعت اولياء امور بکوشيد و به هيچ وجه من الوجوه در امور سياسيه مداخله ننمائيد بلکه شق شفه نکنيد در اين صورت ديگر چه سرّى مى ماند که کسى کتمان نمايد مگر مصالح شخصيه که نفسى دردى داشته باشد و نخواهد کسى اطلاع يابد و يا خود محنتى داشته باشد و نخواهد کسى مطلع گردد." (۲۷)

ولى عزيز امرالله حضرت شوقى افندى در باره وظائف محافل روحانيه مى فرمايند:

"... نه نفر اعضای منتخبه در هر نقطه قبل از مباشرت

به انجام وظائف مقدّسه خویش رجوع به کلمات الهیه نمایند و در زبر و الواح مقدّسه تفحص نمایند و لوازم اصحاب شور و واجبات امنای الهی و وظائف اعضای بیوت عدل الهی را به نهایت دقت و توجه و فراغت بال مکرراً قرائت نموده اطلاع تام حاصل نمایند و هر دم آن اوامر قطعی و نصایح مشفقانه را بیاد آرند و بکوشند تا هر يك را کاملاً مجری نمایند. از جمله آنکه باید خود را خادم امین حقیقی احباء الله شمرند و نظر را متوجه و حصر در منافع عموم و مصالح امرالله نمایند نه ناظر به اشخاص و متمسک به مقاصد و مآرب شخصی گردند، باید رأی خود را در هر امری و در هر جلسه ای در نهایت صداقت و روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه بعد از مشورت کامل و مذاکره تام رأی اکثریت بر آن قرار گرفت به دل و جان بدون ادنی کدورت و رنجش اجرا نمایند ولو رأی اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد چه که اینست حکم صریح محکم الهی چگونه تجاوز و انحراف از این امر منصوص جائز. (۲۸)

... و از جمله وظائف اعضای محافل روحانیّه در این ایام اعلان و اثبات عمومیت آئین مقدّس حضرت بهاءالله است. امر عزیز الهی اختصاص به کشوری و یا نژادی و یا حزبی نداشته و ندارد، پیامش عمومی است و نقطه نظرگاهش نجات و وحدت عالم انسانی کوکب بخشایشش بر جهانیان از قریب و بعید و وضع و شریف و مقبل و معرض پرتو افکنده و به خوان نعمتش ملل و نحل خاور و باختر را دعوت فرموده ولی این مدعا را باید به عمل اثبات نمود و به قول و اعتراف اکتفا

نکرد. امیدوارم به تدریج چون اسباب مهیا گردد محافل بهائیان به مشروعات عمومیّه مباشرت نمایند و به تبرّعات خیریه و اعانه عجزه چه از اغیار و چه از اخیار پردازند تا آشنا و بیگانه شهادت دهند که اهل بهاء از تعصّبات درکنارند و به مصالح حقیقیّه نوع بشر ناظر و متمسک. عالم بینند نه خودبین مفتون حقیقتند و از حمیّت جاهلیه فارغ و آزاد...“ (۲۹)

”... وظائف محافل روحانیه که در بلدان شرق به تبشیر دین الله مشغولند در الواح مقدّسه مصرّح و ماثبوت تحسین اخلاق است و تعمیم معارف، ازاله جهل و نادانى و رفع تعصّبات است و تحکیم اساس دین حقیقی در قلوب و نفوس، اعتماد بر نفس است و اجتناب از تقلید، حسن ترتیب و نظم در امور است و تمسک به لطافت و نظافت در جمیع احوال و شئون، راستی و صداقت است و جرأت و صراحت و شجاعت، ترویج صنعت و زراعت است و تشیید ارکان تعاون و تعاضد، حریّت و ترقى عالم نساء است و تعلیم اجبارى اطفال از بنین و بنات، استحکام اصول مشورت در بین طبقات است و دقّت در حسن معاملات، تأکید در امانت و دیانت است و صدق نیّت و طیب طینت و نجات از قیود عالم طبیعت، تقدیس و تنزیه از شرور و مفاسد قویّه مستولیه بر بلاد غرب است و تمسک بر اعتدال در جمیع شئون و اوقات، تفنّن و تدقیق در علوم و فنون عصریه است و حصر نظر در ترویج مصالح جمهور، تمعّن و تفرّس در الواح سماویه است و تطبیق نصوص الهیّه به حالات و اوضاع و شئون حالیه هیأت اجتماعیه، عدم مداخله در امور مشوشه احزاب است و عدم اعتنا و تعرّض به مخاصمات سیاسیه و

منازعات مذهبی و مبادی سقیمه اجتماعی حالیه است. صداقت و اطاعت قلباً و لساناً به احکام مشروع دولت و حکومت است و احتراز از مسلك و افکار و آراء واهیة مقلدین و متجددین، احترام و توقیر و تمجید و پیروی ارباب هنر و صنعت است و تکریم و تعزیز صاحبان علوم و معارف، حریت وجدانست و عدم تنقید و تعرض به عقاید و رسوم و عادات افراد و اقوام و ملل، اینست از جمله احتیاجات ضروریة ام شرقیه، اینست وظائف مبرمه اصلیه امنای رحمن نمایندگان بهائیان اعضای محافل روحانیه... (۴۰)

"... و از جهتی اعضای محفل باید شب و روز فکری جز ترویج مصالح عمومیة امریه و تعزیز امرالله و حفظ و صیانتش از شر اعدا نداشته باشند. امیال و مصالح شخصییه را فراموش نموده خود را خادمان و نماینده جمیع احباء دانند و آنچه را مصلحت امرالله و خیر عموم است مجری دارند..." (۴۱)

"... اعضای محافل محلی و مرکزی باید از مآرب و منافع و مصالح شخصییه فردیه خود بیزار و درکنار باشند و نظر را حصر در ترویج مصالح جمهور و فوائد عمومییه و پیشرفت جامعه بهائی نمایند و در امور مفروضه موکوله تفحص و تعمق نمایند و به عدل و انصاف حکم فرمایند و در امور مرجوعه در کمال صراحت و صداقت و جدیت مشورت تام نمایند و در مذاکرات و مباحثات کل من دون استثناء مشارکت کنند و پس از مشورت کامل متمسک به حکم اکثریت گردند و تصمیم قطع بنمایند و پس از تصمیم من دون تأخیر و تردید در تنفیذ و اجرای قرارهای خویش همت بلیغ مبذول دارند..." (۴۲)

”... در هر هنگام جهد جمیل مبذول دارند تا روح مساعدت به فقرا، مرضی و ناتوان، ایتم، بی‌کسان و ارامل که از هر نژاد و طبقه و یا عقیده باشند در احبّاء قوّت یابد. با جمیع قوی بکوشند تا وسائل ترقی صوری و معنوی جوانان را از هر حیث فراهم سازند. در تربیت اطفال و ازدیاد تسهیل طرق آن بکوشند در هر نقطه که ممکن و میسر است مؤسّسات تربیت امری ایجاد نمایند عملیات آنها را در تحت نظر گرفته و کلیه طرق و تعالی آنها را تکمیل و آماده سازند.“ (۴۳)

”... و از جمله وظائف مقدّسه محافل روحانیه تعمیم معارف، تأسیس مدارس و ایجاد تسهیلات و لوازم تحصیل از برای عموم بنین و بنات است هر طفلی من دون استثناء باید از صغر سن علم قرائت و کتابت را کاملاً تحصیل نماید و به حسب میل و رغبت به قدر و مقدار استعداد خویش در اکتساب علوم عالیه و فنون نافع و لغات مختلفه و حرف و صنایع موجوده همت و سعی موفور مبذول نمایند...“ (۴۴)

”... و اعضای این هیئت (محفل روحانی) به حبل مشورت در نهایت توجّه و تجرّد از نفس و هوی تمسّک نمایند و آنچه را که اراده مبارک در آن دانند مجری دارند... لذا نظام عالم بهائی و ترتیب و تمشیت امور امریه من دون تأخیر در نهایت اتقان متوقّف بر آن است که محافل روحانی به قدر امکان در تمام امور امریه راجع به افراد و جمع احبّاء مذاکره و مشاوره نمایند و ترتیب و قرار دهند... ولی آنچه الزم و اهمّ و اعظم است تبلیغ امرالله است و تولید آن روح و ذوق و شوق ترویج کلمه‌الله در قلوب افراد احبّاء به قدر امکان نظر را باید از ترتیب و

تنظیم امور داخلهٔ احبّاء به اتّسع دائرهٔ امر و انتشار نفحات الله در بین سایرین متوجّه نمود، دقائق و جزئیات امور را تا حدّی ترك نمود و در مهام امور که ارتفاع صیت امر و حفظ حصن حصین شریعت الله است و تحسین اخلاق افراد بشر است کوشید تا لطمه‌ای بر امرالله وارد نگردد و بلیّات و شهادت حضرت ربّ اعلی و اسیری و زندانی جمال قدم و بلیّات متتابعه بر حضرت عبدالبهاء و دم اطهر شهداء هدر نرود و وعده‌های صریحهٔ منزله از قلم میثاق تحقّق یابد... " (۴۵)

"... اکنون که تشکیلات امریه علی قدر مقدور توسعه یافته و مقاصد و مرام کلیه اش علی قدر میسور مفهوم عموم گشته و احبّای الهی به طرق عملیاتی آن آشنا شده‌اند تصوّر میکنم وقت آن رسیده که نقداً به جهت مقصد اصلیه‌ای که بر آن تأسیس یافته‌اند مشغول خدمت و کار شوند جمیع این انتظامات و تشکیلات بایستی دو مقصد مهمّ را انجام دهند از جهتی برای توسعهٔ تدریجی و پیشرفت محکم امرالله در خطوط و سبلی باید مشی نمایند که جنبهٔ جامعیت و عمومیت داشته متین و عالمگیر باشد و از جانبی در استحکام اوضاع داخلی اقدامات و مشروعات موجودهٔ امریه بایستی نهایت سعی و کمال جدّیت را مبذول دارند. این تشکیلات کلیهٔ این مشروعات بایستی به نحوی به خدمت مشغول باشند که محرک قوای مودعهٔ مهیجهٔ ایمانیهٔ نفوس شوند تا زندگانی و حرکات و رفتار و اطوار افراد را کاملاً بر طبق اصول محکمهٔ امریه درآورده تا مرام و مقصد الهیه از حیات یومیّهٔ بهائیان به صورت بروز و تجسم و به مقام مشاهده و عیان رسد و در عین حال باید وسیله‌ای شود

که آراء و افکار نفوس تبادل و تصادم یافته تا بارقه حقیقت ظاهر شود و طرق متنوعه و مختلفه فعالیت در جامعه امر به وحدت و اشتراك تبدیل شود و در موقع تبشیر و تعلیم به خاطر داشته باشند که چه هنگامی با شجاعت و شهامت و با تهور و بی‌باکی پرده از وجه حقایق ساطعه اصلیه این آئین مقدس برمی‌داریم و به عالمیان اظهار و اثبات می‌کنیم و چه وقتی محتاط و غیرمستعجل و با طمأنینه به تبلیغ می‌پردازیم و چه موقعی که به وسیله انتشار کتب و فضائل اخلاقی می‌خواهیم خلق را به یوم الهی دعوت کنیم. در جمیع این مراتب و مقامات بایستی کاملاً به خاطر داشته باشیم که یگانه مقصد و مرام اصلی ما اینست که سرانجام جمیع بشر را مقرر و معترف بر علو و جامعیت و وحدانیت این امر اعظم گردانیم. به هر طریقی که شخص می‌خواهد انتخاب نماید ولو هر قدر طریقه تبشیر او دور و غیرمستقیم باشد بهائی حقیقی باید چنین مقام و معرفت و اذعان را مقصد اصلی فعالیت و اقدام خود قرار دهد و در نفوسیکه جدیداً اقبال آورده و به شرف ایمان نائل گشته اند این مرتبه و کیفیت را ایجاد نماید و در حالیکه با نهایت شرافت و وجدان به سوی این مقصد اعزّ اعلیٰ سیر و حرکت می‌نماید بایستی کامل‌ترین اطلاعات را راجع به اوضاع امریه و وسعت و ترقی عالمگیر این آئین مقدس به دست آورده و با کمال خونگرمی و فعالیت جمیع شعب تشکیلات محفل روحانی محلی و ملی را پشتیبانی و مساعدت نماید و در سهم خود بکوشد تا اعضاء و اجزای خادم در تشکیلات امریه را در خدمات خود قوی‌تر، راسخ‌تر و محکم‌تر ساخته و به روح کلیه مبادی و

اصول عالیّه الهیه هر يك را منتعش و مشتعل نماید مختصر آنکه این نکات و دقائق روح حقیقی تشکیلات کنونی عالم امر است و باید نفوسی که در خدمات امریه شرکت دارند بدین مراتب و مقامات فائز گردند این مبادی و اصول را کاملاً درک نموده و در قوای خود موجود نمایند. منتهای صبر و ایمان و کمال بردباری و ایقان و سعی و جدّیت مداوم می‌تواند ما را بالمآل به آمال دیرینه نائل گرداند. (۴۶) (ترجمه)

”... البته از وظائف اولیه آنهاست که چنین میراث عظیم گرانبھائی را در دست دارند دائماً به دعا برخاسته و نهایت دقّت را بنمایند که مبادا اسباب از سبب و فرع از اصل پیشی گیرد یعنی ادارات و تشکیلات امر شعله ایمان و آتش خلوص را خللی وارد آورد. دقّت‌های بی‌موقع در باره جزئیات امور که از تشکیلات نتیجه می‌گردد افکار موظّفین را تیره سازد زندها زندها که طرفداری و جاه طلبی و تعلق دنیا در امور رسوخی نماید زیرا به مرور زمان نورانیّت آئین مقدّس را ظلمانی و طهارت و تنزیهش را لکه‌دار و اثرات عمیق‌اش را فلج و معلول خواهد ساخت.“ (۴۷)

”... هر چند امر تبلیغ و کلیّه اقدامات مربوط به اداره کردن و تمهید وسائل و توسعه و استحکام این مشروع همواره جزء مصالح مهمّه امریه محسوب بوده و هست ولی نباید محافل روحانیه جمیع توجّه خود را حصر در مطالعه و مشورت راجع به این موضوع بخصوص بنمایند چنانچه در الواح مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء تمعّن و تفرّس شود واضح و مشهود می‌گردد که وظائف دیگری نیز بر عهده امنای منتخبه هر

نقطه محوّل گشته که به همان درجه دارای اهمّیت است. از جمله وظائف محافل روحانیه آنست که همواره با نهایت مواظبت و مراقبت و حزم و احتیاط حصن امراللّه را از سهام اهل فساد و هجوم اهل عناد محافظت نمایند و نیز محافل روحانیه باید روح محبّت و اتّحاد و اتّفاق را در بین یاران تقویت کنند و ادنی آثار اغبرار و بیگانگی را از افنده نفوس زائل و به جای آن حسّ همکاری مجدّانه و صمیمانه ای برای خدمت امراللّه در نفوس ایجاد نمایند و از جمله فرائض آنست که همواره با کمال فتوّت نسبت به فقرا و مرضی و عجزه و ایتام و ارامل هر ملّت و نژاد و مذهبی ابراز مساعدت نمایند و همچنین محافل روحانیه باید با جمیع وسائل ممکنه در تعالی و ترقّی مادّی و معنوی جوانان سعی بلیغ نمایند و در توسعه موجبات تعلیم و تربیت اطفال بکوشند و در صورت امکان مؤسّسات بهائی به جهت امر تعلیم و تربیت ایجاد نمایند و امور این مؤسّسات را با کمال مراقبت و نظم و ترتیب اداره نمایند و به جهت ترقّی و توسعه این مشروعات بهترین وسائل را مهیا سازند و نیز محافل روحانیه همواره با مراکز مختلفه امریه در سراسر عالم باب مکاتبه رسمی و مستمر و منظم را مفتوح نمایند و آنانرا از چگونگی خدمات و اقدامات خویش مستحضر دارند و اخبار امری و بشارات واصله از خارج را به اطلاع عموم افراد جامعه خویش رسانند و نیز باید به انواع وسائل که در اختیار دارند کوشش و اهتمام نمایند که با اشتراك و ارسال اخبار و مقالات موجبات توسعه و تقویت مجلّات و نشریات بهائی فراهم شود و همچنین بر عهده محافل روحانیه است که از برای انعقاد

جلسات ضیافت و اعیاد و ایام متبرکه و تشکیل احتفالات مخصوص به منظور پیشرفت مصالح اجتماعی و فکری و روحانی افراد جامعه اقدامات لازمه به عمل آورند و نیز در این ایام که امرالله هنوز در مرحله طفولیت است محافل باید بر جمیع نشریات و ترجمه‌های مطالب امری نظارت داشته و به طور کلی وسائلی فراهم سازند که معارف بهائی به نحوی صحیح و شایسته بین عموم معرفی و منتشر گردد. این امور از جمله وظائف مهمهٔ اعضای هر یک از محافل روحانیه است... اعضای این محافل باید کاملاً حبّ و بغض و منافع و تمایلات شخصی را کنار گذاشته و افکار خویش را حصر در اموری نمایند که سبب رفاه و آسایش جامعهٔ بهائی شود و موجب مزید خوشی و سعادت عمومی گردد... همچنین باید متوجه بود که مقصد اصلی شریعهٔ الله حکومت جابرانه و استبداد رأی نبوده بلکه اساس آن دوستی و مودت خاضعانه و مشورت آزاد و صمیمانه است. تا شخص واجد روح بهائی حقیقی نباشد هرگز موفق نخواهد شد که خصلت رحم را با عدالت و حریت را با انقیاد، مقدّس بودن حقوق افراد را با تسلیم و تفویض و مراقبت و حزم و احتیاط را با محبت و صفا و شهامت وفق دهد. وظائف نفوسی که یاران آنانرا از روی کمال آزادی و معرفت به سمت امناء خود انتخاب می‌کنند از حیث اهمّیت و لزومیت کمتر از وظائف انتخاب کنندگان نیست. وظائف اعضای محفل امر کردن و تحکم نبوده بلکه مشورت است و آنهم نه تنها مشورت بین خود بلکه باید هر چه بیشتر ممکن شود با منتخبین خود نیز مشاوره نمایند و باید صرفاً خود را به منزلهٔ وسائلی بدانند که برای معرفی

امرالّٰه به طور شایسته و مؤثر انتخاب شده اند. آنان نباید هرگز چنین تصوّر نمایند که به منزلهٔ زینت و زیور هیکل امرالّٰه بوده و فطرتاً از حیث استعداد و لیاقت بر دیگران تفوّق داشته و یگانه مروجین تعالیم و مبادی امرالّٰه می‌باشند و باید با کمال خضوع به وظائف خود قیام کرده با فکری روشن و از روی نهایت انصاف و وظیفه‌شناسی و با صراحت و سادگی و با تعلق تام به منافع و مصالح یاران و امرالّٰه و عالم انسانیت چنان همتی نمایند که نه تنها مورد اطمینان و حمایت واقعی و احترام موگّلین خود واقع شوند بلکه باید قدرشناسی و محبت قلبی آنانرا جلب کنند و باید در جمیع احیان از روح تفوّق و استکبار و روش استتار اجتناب نمایند و از رفتار تسلّط طلبی بیزار شوند و در مشاورات خود هرگونه تعصّبات و امیال شخصی را کنار گذارده و با کمال تدبّر و حکمت احبّاء را محرم اسرار خود قرار داده طرح و نظریهٔ خود را با آنها در میان نهند و مشکلات و معضلات خود را در حضور آنها مطرح سازند و از آنها استشاره و مصلحت‌جوئی نمایند و چون موقع اخذ تصمیم فرا رسد باید از روی خلوص نیّت و حسن طویت و کمال رغبت مشورت کرده و سپس به آستان الهی توجّه و تبثّل نمایند و با صفای قلب و ایمان کامل و شهامت تام ابدای رأی نموده و مطیع نتیجهٔ آراء اکثریت گردند زیرا به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء رأی اکثریت ندای حقّ بوده و قبال احتجاج نیست و باید همواره با کمال میل و اشتیاق به مورد اجرا گذارده شود این رأی اکثریت را باید یاران قلباً قبول کنند و آنرا یگانه وسیلهٔ صیانت و پیشرفت امرالّٰه شمرند. شوقی ربّانی“ (۴۸) (ترجمه)

... اعضای منتخبه مسئول ملت نبوده و حق اتخاذ و تصمیم بدون قید و شرط از امتیازات مختصه آنان است و باید افراد بهائی به تمام قوی در کمال صمیمیت قیام بر نصرت نمایندگان مطی و مرکزی خویش نمایند اطاعت و تمکین قرارهای صادره از آن مراجع عالییه رسمیه بهائی نمایند و آراء و تمایلات شخصی را در ظل اراده و تصمیمات هیئت ممثلین درآورند." (۴۹) (ترجمه)

بیت العدل اعظم در قانون اساسی خود (ماده چهارم نظامنامه) وظائف اعضاء محافل روحانیه را به شرح زیر مقرر فرموده اند، "از جمله وظائف خطیره مقدسه اعضاء محافل روحانیه که عهده دار تمشیت و هدایت و تنظیم امور امرالله اند آنکه باید حتی القوه اعتماد و محبت نفوسی را که بر خدمتشان مفتخرند جلب نمایند و نظریات ملحوظه و عواطف عمومیه و اعتقادات شخصییه یارانی را که بر ترویج مصالح عالییه شان مکلف اند تحرری کنند و با آنان آشنائی یابند و مذاکرات و تمشیت امور عمومیه خویش را به نحوی انجام دهند تا از اینکه شائبه تفرّد و کناره جوئی یابد و تهمت استتار پذیرد و فضای اختناق آور تحکم و استبداد رأی را به وجود آورد به کلی پاک و مبری و از هر قول و عملی که رائحه غرض ورزی و خودخواهی و تعصب از آن استشمام شود کاملاً فارغ و مقدس باشد و در عین آنکه حق مقدس اتخاذ تصمیم نهائی را برای خود مسلم و محفوظ می دانند به گله و شکایات نفوس توجه نمایند و از پیشنهادهای و نظریاتشان حسن استقبال کنند و احساس تعاون و تعاضد و شرکت در امور و حسن تفاهم و اعتماد متقابل را بین خود و

سایر بهائیان تقویت نمایند.

ذیلاً قسمتهائی از نصوص و آثار مبارکه در باره وظائف

اجرائی و قضائی محفل روحانی نقل می‌گردد:

الف - وظائف اجرائی

لزوم حضور مرتّب در جلسات محفل

حضرت ولی امرالله در توطیع مورّخه ۲۷ ژانویه ۱۹۲۰ که ترجمه آن در صفحه ۶۴ کتاب نظامات بهائی مندرج است می‌فرمایند:

”بدیهی است مادام که عضوی نتواند مرتباً در جلسات محفل روحانی محلی خویش حضور بهم رساند محال است بتواند وظائف مفروضه خود را ایفاء و مسئولیت های خویش را به عنوان نماینده جامعه انجام دهد. عضویت محفل روحانی محلی حقیقتاً توأم با الزام و توانائی تماس نزدیک با جزئیات (امور) امریه محلیه و حضور مرتّب در جلسات محفل است.“

در صفحه ۸۲ کتاب نظامات بهائی با توجه به بیان مبارک فوق مطلبی درج شده که کاملاً منطبق بر اساس موازین تشکیلات اداری بهائی است ذیلاً نقل می‌گردد:

”هرگاه یکی از اعضای عامله یا يك عضو عادی محفل روحانی محلی نتواند برای مدت نامحدودی انجام وظیفه نماید و معلوم نباشد که آیا در آتیه خواهد توانست به خدمت خود ادامه دهد، محفل باید او را رسماً معذور داشته و از احبّای محل دعوت نماید که به وسیله تشکیل يك جلسه عضو جدیدی انتخاب کنند.“

نقل و انتقال افراد

در باره نقل و انتقال افراد احبّاء در کتاب نظامات بهائی

صفحه ۸۶ مطالبی مذکور است که در این مقام نقل می‌گردد:

” در مواردی که افراد احبّاء محل اقامت خویش را تغییر می‌دهند اغلب در باب چگونگی طرز صحیح انتقال آنان سئوالاتی به عمل می‌آید.

۱ - انتقال از جامعه به جامعه دیگر - هنگامی که یکی از احبّاء محلّ اقامت خود را از شهری که دارای محفل روحانی است به شهر دیگری که آن هم دارای محفل روحانی است تغییر دهد باید محفل روحانی شهری که در آنجا مقیم بوده مراسله‌ای مبنی بر اینکه مشارالیه عضو ذی رأی جامعه بوده است خطاب به محفل روحانی شهری که در آنجا قصد اقامت دارد صادر و به او تسلیم نماید. به موجب این مراسله محفل روحانی اخیرالذکر می‌تواند بدون هیچ تردیدی در باره بهائی بودن آن شخص او را به عنوان عضو ذی رأی جامعه رسماً بپذیرد. در مورد این گونه نقل و انتقالات محافل مربوطه باید مراتب را به محفل روحانی ملّی اطلاع دهند.

۲ - انتقال از يك جامعه به نقاطی که هنوز دارای محفل روحانی و یا جمعیت بهائی نیست - موقعی که يك فرد بهائی محلّ اقامت خود را از شهری که دارای محفل روحانی است به شهری که دارای محفل روحانی نیست تغییر دهد محفل روحانی مربوطه باید مراتب را ضمن ارسال آدرس دائمی جدید آن فرد به محفل روحانی ملّی اطلاع دهد (اگر در بدو امر آدرس دائمی مشخص نباشد در مورد آن بعداً باید اقدام شود) سپس محفل روحانی ملّی از لجنه تبلیغ آن ناحیه تقاضا می‌نماید که يك نسخه کارت مربوط به تغییر محلّ به مشارالیه تسلیم نمایند تا

آنرا تکمیل نموده و به دفتر محفل ملی ارسال دارد در این مورد اعم از اینکه شخص جدیدالورود در آن شهر بهائی منحصر بفرد بوده و یا اینکه جمعیت بهائی در آن شهر وجود داشته باشد لفظ بهائی منفرد نسبت به او اطلاق می‌شود.

۳ - تغییر محلّ بهائی منفرد به نقطه‌ای که دارای محفل روحانی باشد - هر فرد بهائی که محلّ اقامت خود را به شهری که دارای محفل روحانی است تغییر دهد باید به محفل روحانی ملی مراجعه و تقاضا نماید مراسله‌ای مبنی بر اینکه مشارلیه جزو احبّای منفرد بوده برای او صادر نماید. هنگامی که این مراسله به محفل روحانی مربوطه ارائه شود آن محفل بدون اینکه نسبت به بهائی بودن او تردید نماید مشارلیه را به سمت عضو ذی رأی جامعه بهائی رسماً خواهد پذیرفت محفل روحانی مربوطه باید موضوع این نقل و انتقال را به محفل روحانی ملی اطلاع دهد.

در کتاب اصول نظم اداری بهائی صفحه‌های ۵ در مورد معرفی‌نامه قراری از محفل روحانی ملی ایران مذکور است که عیناً نقل می‌گردد:

۱ - به موجب ماده چهارم از نظامنامه محافل روحانیه محلیه، محفل روحانی محلی به بهائیانیکه از آن محلّ به نقاط دیگر مسافرت می‌کنند باید اوراق معرفی‌نامه بدهد و اوراق معرفی‌نامه صادره از محافل دیگر بهائی را رسیدگی و پس از تشخیص صحّت و سقم آن به نحو مقتضی رفتار نماید.

۲ - احبّائی که به خارج ایران مسافرت می‌نمایند باید معرفی‌نامه محفل روحانی محلّ خود را به محفل روحانی ملی

بهائیان ایران تسلیم و از محفل ملی به نام محافل روحانیه خارج ایران معرفی‌نامه دریافت کند. زیرا به موجت ماده اول از نظامنامه محفل روحانی ملی بهائیان ایران محفل ملی در کلیه اقدامات روحانیه مشترکه بین بهائیان ایران و بهائیان ممالک دیگر سمت نمایندگی دارد.

۲ - منشیان محافل روحانیه و یا جمعیت‌های بهائی در هر محل از نفوسیکه وارد آن محل می‌شوند باید معرفی‌نامه بخواهند و بدون آن کسی را وارد جامعه نکنند.

۴ - در صورت اقتضا منشیان محافل روحانیه و یا جمعیت‌های بهائی می‌توانند به محفل روحانی محلی که شخص تازه وارد سابقاً در آن محل بوده مراجعه و راجع به سوابق امری او تحقیقات لازمه بنمایند.

اعیاد و ایام محرّمه

در ایام محرّمه اشتغال به کار نهی شده. حضرت عبدالبهاء در لوح مبارکی می‌فرمایند:

هو الله

"ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید از کثرت مشاغل جواب مختصر مرقوم می‌گردد. در ایام سنه نه روز اشتغال به شغلی فی الحقیقه جائز نه بعضی نصوص الهیه و بعضی قیاس به آن. یوم اول و ثانی محرّم، سه روز عید رضوان، یوم هفتادم نوروز و یوم نیروز و یوم بیست و هشتم شعبان و یوم پنجم جمادی الاولی... این نه روز اشتغال به کسب و تجارت و صناعت و زراعت جائز نه همچنین مقتضای مناصب و وظائف یعنی اجرای خدمت حکومت و عليك البهاء الابهی. ع (۵۰)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

”اشتغال به امور در لیل و نهار هر دو از محرّمات حتمیه

است...“ (۵۱)

” در خصوص خبّازها و قصابها و صاحبان این قبیل
مشاغل در نقاطیکه مشاغل مزبور منحصر به احبّاست سؤال
نموده بودید که در این قسمت استثنائی در ایّام محرّمه متبرّکه
برای آنان هست یا نه فرمودند بنویس کسر حدود به هیچ وجه
من الوجوه جائز نه و استثنائی مقبول و محبوب نبوده و نیست.
سستی و تهاون در این موارد علّت ازدیاد جرأت و جسارت
دشمنان امرالله خواهد گشت.“ (۵۱)

” و امّا محافل و لجنات و دوائر امریه در ایّام اعیاد و
مصیبات تعطیل آنها احسن و اولی ولی قرار قطعی و نهائی در
این خصوص راجع به بیت عدل عمومی است. (۵۲)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

” در حقّ چوپان در ایّام ممنوعه از کار در عید رضوان
سخت گرفته نشده است به جهت این است که ظلم به حیوانست
امّا آبیاری می‌تواند محلی مهیا نماید که ایّام ممنوعه آب در آنجا
جمع گردد و در اوقات سائره به زراعت داده شود. (۵۲)

” امّا تواریخ این ظهور بعضی شمسی است و بعضی قمری
عید رضوان و عید نوروز و لیلۀ صعود شمسی است ولی عیدین
مبارکین (تولّد حضرت اعلی و تولّد حضرت بهاءالله) به صریح
کتاب توأم و این جز به حساب قمری محقّق نگردد و در ایّام مبارک
بعثت حضرت اعلی روحی له الفداء و شهادت حضرت نقطه اولی
به حساب قمری گرفته می‌شد ولی صریح کتاب اقدس نه...“ (۵۴)

” در خصوص روز مبعث حضرت اعلیٰ روحی له الفداء مرقوم نموده بودید در سؤال و جواب مندرج یوم کمال از شهر عظمت واقع و یوم شهادت در یوم سلطان از شهر رحمة واقع این نصّ قاطع است و نصوص قاطعه را هیچ امری معارضه ننماید بعد چنین خواهد شد ولی چون در ایّام مبارک این دو یوم مقدّس در پنجم جمادی‌الاول و بیست و هشتم شعبان گرفته می‌شد و در ساحت اقدس احبّاء حاضر شده یوم بعثت را اظهار سرور می‌فرمودند و یوم شهادت را اظهار حزن و تأثیر شدید از شمایل مبارک ظاهر لهذا ما نیز الی‌الآن این دو یوم را در این دو تاریخ می‌گیریم ولی آنچه منصوص است بعد مجری می‌شود.“ (۵۴)

در لوح جناب هائی نجف آبادی نازل از کلک مرکز میثاق چنین مذکور است:

رابع - در خصوص یوم بعثت حضرت نقطهٔ اولیٰ روح ما سواه فداه که به حساب قمری در پنجم جمادی‌الاول و یوم شهادت که در بیست و هشت (۲۸) شعبان گرفته میشود آیا سزاوار و جائز است که اولیٰ در شهر عظمت و ثانی در شهر رحمت از شهر امریه گرفته شود و یا نه فرمودند این نیز به نصّ صریح راجع به بیت عدل اعظم است.“ (۵۵)

حضرت ولی امرالله در آثار مبارکه خود در باره ایّام محرّمه بهائی میفرمایند:

” جشن مولود و ایّام اعیاد منصوصه مختصّ به جمال قدم و حضرت اعلیٰ و حضرت عبدالبهاء، جواهر الارواح لرمسهم الاطهر فدا است و اما برای ما عدا هم ذکر یوم مخصوص و جشن مولود و غیره به هیچ وجه جائز نه. لهذا ایّام فرح و سرور و اوقات جشن و حبور

منحصر به آن مطالع و مظاهر مقدسه مبارکه است و رضایت و سرور این عبد در آنست طبقاً به آنچه ذکر می شود مجری گردد. (۵۰)

حضرت عبدالبهاء در خصوص یوم تعطیل بهائی در ایام هفته در لوح استاد علی فخار طهران چنین میفرمایند:

" ... یوم راحت در این دور روز جمعه است و عليك

البهاء الابهی ع.ع." (۵۰)

در کتاب نظامات بهائی صفحات ۱۶، ۱۷ در باره ایام متبرکه چنین مذکور است:

"در امر بهائی شروع و پایان روز غروب آفتاب است بنابراین تاریخ انعقاد جلسات ایام متبرکه باید با اوقات تقویم بهائی تطبیق نماید... حضرت ولی امرالله توصیه می فرمایند که یاران در صورت امکان در بعضی از اعیاد و ایام محرّمه مواقع ذیل را برای احتفال اختیار کنند:

یوم بعثت حضرت باب تقریباً دو ساعت بعد از غروب یوم ۲۲ می. (اول خرداد)

یوم اول عید رضوان تقریباً ساعت سه بعد از ظهر یوم ۲۱ آوریل. (اول اردیبهشت)

یوم شهادت حضرت باب در حدود ظهر یوم ۹ ژوئیه. (۱۸ تیر)

صعود مبارک حضرت بهاءالله ساعت سه بعد از نصف شب یوم ۲۹ می. (هشت خرداد)

صعود مبارک حضرت عبدالبهاء ساعت یک بعد از نصف شب یوم ۲۸ نوامبر. (هفت آذر)

در سایر ایام متبرکه احباء مختارند در هر موقعی از روز که مناسبتر دانند احتفال نمایند. (استخراج از تویق مبارک)

و اما راجع به نوروز اگر اعتدال ربیعی روز ۲ مارس قبل از غروب واقع شود احتفال نوروز در همان روز برپا می‌شود ولی اگر بعد از غروب آفتاب واقع گردد چنانچه حضرت بهاءالله مقرر فرموده‌اند یوم ۲۲ مارس نوروز محسوب می‌گردد شوقی ربّانی.

فاضل فقید جناب اشراق خاوری در کتاب گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحات ۴۲۴ و ۴۲۵ نکاتی راجع به اعیاد و ایام محرّمه بهائی مرقوم داشته که ذیلاً نقل می‌گردد:

”اول- به موجب نصوص صریحه که در توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله جلّ سلطانه نازل یوم صعود حضرت عبدالجباء جلّ ثنائه که یوم ششم قوس است از ایام مخصوصه محسوبست نه از ایام محرّمه.

دوم- زیارتنامه مبارکه راجع به جمال اقدس ابهی و حضرت ربّ اعلیّ جلّ جلالها است که باید در لیلۀ صعود هر یک تلاوت شود....

سوّم- حضرت ولی امرالله جلّ سلطانه در لوح جناب بدیع الله آگاه آباءه می‌فرمایند قوله الاحلی:

”پوشیدن لباس سیاه در ایام مخصوصه احزان امر اجباری نبوده و نیست ولی مستحب است و در این مقام رجال و نساء مساویند ترجیح و امتیازی نه.“ انتهى

چهارم- تاریخ وقایع این ظهور به حساب شمسی است و آنچه از وقایع قمری بوده به سال شمسی تبدیل خواهد شد مگر اول و دوّم محرّم.

در باره عدم رعایت تعطیلات سابقه در کتاب نظامات

بهائی صفحه ۲۱ نصی از حضرت ولی امرالله ذکر شده که عیناً نقل می‌گردد:

”در خصوص رعایت اعیاد مسیحی از طرف یاران البتّه احسن و اولی بلکه بسیار شایسته و سزاوار است که احبّاء در روابط خویش با یکدیگر از رعایت تعطیلاتی از قبیل عید میلاد و عید سال نو (مسیحی) خودداری کنند و به جای آن این قبیل احتفالات و جشن ها را در ایّام هاء و نوروز تشکیل دهند.“ شوقی ربّانی

در مورد ساعات تشکیل احتفالات ایّام متبرّکه دارالانشای بیت العدل اعظم متحدالمالی به تاریخ ۱۵ مارچ ۱۹۹۲ صادر نموده اند ترجمه آن ذیلاً نقل می‌گردد:

”از آنجا که وقت غروب خورشید در نقاط مختلف عالم متفاوت است و در بعضی کشورها ساعات تابستانه و زمستانه تغییر میکنند، در مورد زمان دقیقی که در صورت امکان باید جلسات ایّام متبرّکه برگزار شود پرسش‌هایی مطرح شده است. چون این مطلب در سال مقدّس برای یاران حائز اهمّیت خاصّ خواهد بود بیت العدل اعظم مقرّر فرمودند مراتب ذیل به استحضار عموم یاران برسد:

همانطور که حضرت ولی امرالله بیان فرموده اند مراسم برگزاری صعود جمال اقدس ابهی در صورت امکان باید در ساعت سه بامداد روز ۲۹ می و محفل صعود حضرت عبدالبهاء در ساعت یک بامداد روز ۲۸ نوامبر ترتیب داده شود. این اوقات در هر نقطه باید بر حسب ساعات رسمی تعیین گردد و اگر رعایت ساعات تابستانه و زمستانه مرسوم است تشکیل جلسات

را باید طبق ساعت رسمی (نه ساعات تابستانه و زمستانه) ترتیب داد بنابراین مراسم برگزاری هر يك از ایام متبرکه در اطراف عالم به ترتیب یکی بعد از دیگری بیست و چهار ساعت که زمین يك بار به دور محور خود می‌چرخد معمول خواهد شد.
(نقل از پیام بهائی شماره ۱۵۰ صفحه ۷)

عدم مداخله در امور سیاسی

در کتاب مستطاب اقدس چنین نازل شده:

"لیس لاحد أن يعترض على الذين يحكمون على العباد
دعوا لهم ما عندهم و توجّهوا الى القلوب. (۵۶)
"تالله لا نريد أن نتصرّف في ممالككم بل جئنا لتصرّف
القلوب." (۵۷)

قلم اعلیٰ در لوح ذبیح می‌فرمایند:

"لسان قدم در این سجن اعظم می‌فرماید ای احبّای حقّ از
مفازۀ ضیقۀ نفس و هوئی به فضاهاى مقدّسه احدیه توجّه نمایند
ابدأ در امور دنیا و ما يتعلّق بها و رؤسای ظاهره آن تکلم جائز
نه. حقّ جلّ و عزّ مملکت ظاهره را به ملوک عنایت فرموده بر
احدی جائز نه که ارتکاب نماید امری را که مخالف رأى رؤسای
مملکت باشد و آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد
بوده و احبّای حقّ الیوم به منزله مفاتیح‌اند انشاءالله باید کلّ
به قوه اسم اعظم آن ابواب را بگشایند این است نصرت حقّ که
در جمیع زبر و الواح از قلم فالق الصباح جاری شده. (۵۸)

-ر آثار مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء بیانات بسیاری
مذکور گشته از جمله موارد ذیل:

"ای احبّای الهی باید سریر سلطنت هر تاجدار عادل را

خاضع گردید و سُدّه ملوکانه هر شهریار کامل را خاشع شوید. به پادشاهان در نهایت صداقت و امانت خدمت نمائید و مطیع و خیر خواه باشید و در امور سیاسی بدون اذن و اجازه از ایشان مداخله ننمائید زیرا خیانت با هر پادشاه عادلّی خیانت با خداست هذّه نصیحۀ منّی و فرض علیکم من عندالله فطوبی للعالمین. " (۵۹)

"احبّای الهی را کاری به اختلاف و اتّفاق اولیای امور نه ابدأ چنین انکار را حتّی بر زبان نباید برانید تکلیف احبّای الهی اطاعت اوامر و احکام اعلیحضرت پادشاهی است آنچه امر فرماید اطاعت کنند و همچنین کمال تمکین و انقیاد به جمیع اولیای امور داشته باشند ولی در بین آنان اگر برودتی حاصل چه تعلق به احبّای الهی دارد 'حافظ وظيفه' تو دعا گفتن است و بس' مقصود این است که احبّاء نباید کلمه از امور سیاسی بر زبان رانند زیرا تعلق به ایشان ندارد بلکه به امور و خدمات خویش مشغول شوند و بس، در فکر آن باشند که به خدا نزدیک شوند و به رضای الهی قیام نمایند و سبب راحت و آسایش و سرور و شادمانی عالم انسانی گردند و هر نفسی بخواهد در نزد احبّاء نذکری از امور حکومت و دولت نماید که فلان چنین گفته و فلان چنین کرده، آن شخص که از احبّای الهی است باید در جواب گوید ما را تعلق به این امور نه ما رعیت شهریاری هستیم و در تحت حمایت اعلیحضرت پادشاهی صلاح و مصلحت خویش خسروان دانند و بس... علیالخصوص که به نصّ قاطع الهی ممنوع از مداخله و محاوره در امور حکومتیم شما این مطلب را به جمیع احبّاء تفهیم و توضیح نمائید... به کلّی اینگونه امور مباین رضای ربّ غفور است." (۶۰)

"نفسی از احبّاء اگر بخواهد در امور سیاسیه در منزل خویش یا محفل دیگران مذاکره کند اول بهتر است که نسبت خود را از این امر قطع نماید و جمیع بدانند که تعلق به این امر ندارد خود میدانند." (۶۱)

"میزان بهائی بودن و نبودن این است که هر کس در امور سیاسیه مداخله کند و خارج از وظیفه خویش حرفی زند یا حرکتی نماید همین برهان کافیهست که بهائی نیست دلیل دیگر نمی‌خواهد." (۶۱)

"ابدأ در مجلس شور از امور سیاسیه دم نزنند بلکه جمیع مذاکرات در مصالح کلیه و جزئیة اصلاح احوال و تحسین اخلاق و تربیت اطفال و محافظه عموم از جمیع جهات باشند و اگر چنانچه نفسی بخواهد کلمه ای از تصرفات حکومت و اعتراضی بر اولیای امور نماید دیگران موافقت ننمایند زیرا امرالله را قطعاً تعلق به امور سیاسیه نبوده و نیست. امور سیاسیه راجع به اولیای امور است چه تعلقی بیه نفوس دارد که باید در تنظیم حال و اخلاق و تشویق بر کمالات کوشند باری هیچ نفسی نباید که از تکلیف خود خارج شود." (۶۲)

"خامساً منع عموم از آنچه سبب فتنه و فساد و عدم مداخله در امور سیاسیه بالکلیه و عدم مکالمه در این خصوص ولو به شقّ شفه و دلالت بر تمکین در جمیع احوال و سکون و محبت و دوستی با عموم." (۶۲)

در کتاب نظامات بهائی در صفحات ۲۲ و ۲۴ دو فقره از بیانات حضرت ولی امرالله مذکور که عیناً نقل میگردد:

"حضرت ولی امرالله خود را موظّف به اظهار این مطلب

می‌دانند که رویهٔ متّخذ از طرف حضرت عبدالبهاء در خصوص اینکه اتباع امریکا موظّفند در انتخابات عمومی شرکت جویند مشروط به شروطی است بنابراین حضرت ولی امرالله این امر را به وجدان افراد واگذار می‌فرمایند تا هر فرد بهائی در عین پیروی از دستور مبارك مراقب باشد که ابدای رأی در انتخاب مأمورین دولتی و یا شرکت در امور مملکتی به هیچ وجه متضمن قبول نقشه و سیاستی منافی با اصول امری اعم از روحانی یا اجتماعی نباشد... اکنون خود را موظّف می‌دانم که در تصریح و تشریح بیان فوق که از قبل این عبد مرقوم گشته متذکّر گردم که ابدای رأی یا اشغال مقامی از طرف فرد بهائی مستلزم آن نیست که رأی دهنده و یا شاغل مقام مزبور با کلیهٔ پروگرام و خطّ مشی احزاب سیاسی موافقت نماید. علیهذا هیچ فرد بهائی را نمی‌توان عیناً به مفهوم جمهوری‌خواه و یا دمکرات شناخت چه که وی مافوق سایر امور حامی و طرفدار اصول و مبادی است که حضرت بهاءالله وضع فرموده‌اند و این عبد کاملاً معتقدم که پروگرام هیچیک از احزاب سیاسی با این اصول و مبادی موافقت تام نداشته و ندارد. حضرت مولی الوری یقیناً هرگز مایل نبوده‌اند که احبّاء نفوذ خود را برای تحقّق و پیشرفت سیاست‌هایی بکار برند که مخالف اصول امرالله باشد. احبّاء می‌توانند برای انتخابات عمومی ابدای رأی نمایند مشروط بر اینکه با انجام این عمل خود را در سلك هیچیک از احزاب وارد نکنند. ورود در صحنهٔ سیاست‌های حزبی یقیناً به منافع و مصالح آئین الهی لطمه وارد آورده و سبب ضرر امرالله خواهد گشت. وظیفهٔ افراد احبّاء آنست که از حقّ ابدای رأی نوعی

استفاده نمایند که از سیاستهای حزبی برکنار بوده و همواره متذکّر باشند که رأی خود را بنا به لیاقت و شایستگی فرد منتخب ابداء می‌نمایند نه به علّت اینکه شخص مزبور منسوب به فلان حزب است. این موضوع باید برای افراد احبّاء کاملاً توضیح و تشریح شود. سپس آنانرا آزاد گذارند تا بصواب دید و تشخیص خویش عمل کنند اما اگر فردی وارد سیاست های حزبی گردد و از برای تفوّق يك حزب بر دیگری تلاش نماید و علیرغم تذکّرات و ابلاغات محفل به این رویه ادامه دهد در این صورت محفل حقّ خواهد داشت که حقّ ابدای رأی در انتخابات بهائی را از او سلب نماید.

”حضرت ولی امرالله فرمودند خاطر احبّاء را بوسیله شما بدین نکته معطوف دارم که احبّای الهی هنگام ایراد خطابات عمومی کمال دقّت را ملحوظ دارند که به هیچ وجه بر له یا علیه رجال سیاسی ذکری ننمایند. باید این موضوع را مقدّم بر هر امر دیگری همواره مدّ نظر داشت و الاّ سیاسیون احبّاء را در امور سیاسی دخالت خواهند داد که بی‌نهایت برای امر خطرناک است.“

عضویت در تشکیلات غیر بهائی

در کتاب نظامات بهائی صفحه ۲۵ دستوری از حضرت ولی امرالله بشرح زیر مذکور است:

انتساب رسمی و قبول عضویت در تشکیلاتی که پروگرام یا مرام آنها با تعالیم مبارکه کاملاً وفق نمی‌دهد از این مبحث خارج است... هرگاه ناطق بهائی یکی دو مرتبه در موضوعی که مطابق با روح تعالیم بهائی باشد در مجامع عمومی غیر امری ایراد نطق نماید دلیل موافقت وی با تمام پروگرام آن جمعیت نخواهد بود

ما باید هر فرصتی که پیش آید ولو هر قدر ساده و جزئی باشد استقبال کنیم تا بدان وسیله موجبات اشتهار امر را بیشتر فراهم سازیم و جامعیت و روش آزادی خواهی و استقلال و صفای آئین الهی را اثبات کنیم ولی در عین حال چه قولاً و چه عملاً نباید خود را تابع پروگرام ها یا مرام های سیاسی قرار دهیم که با مبادی و معتقدات امر مبارک کاملاً تطبیق نمی کند. شوقی ربانی“

عضویت در تشکیلات دینی

در کتاب نظامات بهائی صفحه ۲۶ مطالب زیر از توفیق

مبارک نقل شده است:

”در خصوص عضویت در مجامع دینی غیر بهائی حضرت ولی امرالله آن اصل کلی را که سابقاً در توفیعات مبارکه خطاب به آن محفل و نیز به افتخار افراد یاران ذکر گشته بار دیگر تأکید می فرمایند مشعر بر اینکه هیچ فرد بهائی که بخواهد صمیمانه و خالصانه حامی اصول ممتازۀ امر الهی باشد نمیتواند در هیچیک از تشکیلات دینی غیر بهائی قبول عضویت تأمه نماید... زیرا این مسئله کاملاً واضح و روشن است که امر حضرت بهاءالله در بیشتر شعائر اصلیه اش با عوائد و آداب مؤسّسات عتیقه کاملاً منافات دارد. در ایّام مبارک حضرت مولی الوری امرالله هنوز در مرحله ای بود که چنین انفصال صریح قاطع بین امر الهی و سایر تشکیلات دینی بالخصوص دیانت اسلام نه فقط مقرون به صلاح نبود بل تحقق آن قطعاً غیر مقدور بود. ولی پس از صعود مبارک در سراسر عالم امر بالخصوص در اقلیم مصر که محاکم شرعیه اسلامیّه بر استقلال آئین بهائی رسماً شهادت دادند و قایعی رخ داده و امر به مقامی رسیده که

اعلان استقلال آئین الهی از مرحلهٔ آمال و آرزو گذشته و به مقام ضرورت قطعی رسیده است... در مفهوم "عضویت" و "معاشرت" نباید سوء تفاهمی حاصل شود زیرا در عین اینکه عضویت در تشکیلات دینی جائز نیست، ارتباط و معاشرت با آنان نه فقط مشروع بلکه باید مورد تشویق قرار گیرد و از برای اثبات عمومیت امر الهی طریقه ای بهتر از این نه زیرا حضرت بهاءالله به پیروان خود تأکید می‌فرمایند که با کلّ ادیان و ملل با نهایت روح و ریحان معاشرت نمایند و این دستور روح و جوهر پیام الهی به عالم انسانی است. (استخراج از توفیق مبارک)

ارتباط با نهضت‌های اجتماعی

در کتاب نظامات بهائی تحت عنوان فوق دستوری از حضرت ولی امرالله بشرح زیر مذکور است:

"البتّه ضروری است که یاران با نهضت‌های اجتماعی جدید ارتباط حاصل نمایند و منظور اصلی آنان باید این باشد که نفوس بیشتری را به روح و تعالیم امرالله هدایت کنند. باید از تجربیات دیگران عبرت گیرند که مبادا از حدّ معین تجاوز کرده و عاقبت در نهضت‌های دیگر تحلیل رفته و امرالله را فراموش نمایند. شوقی ربّانی"

ب - وظائف قضائی

حلّ و تسویه اختلافات بین افراد

"مولای توانا حضرت ولی امرالله ضرورت و اهمّیت اجتناب از مراجعه به محاکم کشوری را در مورد حدوث اختلافات بین احبّاء حتّی در مسائل غیر امری تأکید می‌فرمایند "وظیفهٔ محافل روحانیه آنست که برای حلّ اینگونه اختلافات به طریق دوستانه

سعى و اهتمام نمايند تا از طرفى حسن شهرت و حيثيت امر محفوظ ماند و از طرف ديگر براى توسعه دائره عمليات خویش در آتیه تجارب لازمه کسب کنند. " استخراج از توقيع مبارك (۶۲) ابتدا به محفل محلى و سپس به محفل ملى بايد رجوع کرد

در کتاب نظامات بهائى دستور حضرت ولی امرالله مذکور گشته ذیلاً نقل میگردد:

"به نظر حضرت ولی امرالله از لحاظ تسهیل امور و جلوگیری از سوء تفاهات اصلح و انطباق آنکه آنجناب و افراد احباً به محفل روحانى ملى رجوع نمایند و در صورت ارجاع موضوع به محفل یقین است که آن جناب رضایت تام حاصل خواهند نمود. مقصود هیکل مبارك در این مورد مجامله نبوده بلکه منظور اصلی تسهیل امور و رفع سوء تفاهات است. در جمیع موارد یاران باید ابتدا به محفل محلى و سپس به محفل ملى و فقط در مواردیکه رضایت حاصل نگردد به ولی امرالله مراجعه نمایند. بدین طریق از بسیاری مشکلات جلوگیری می شود. (استخراج از توقيع مبارك)

طرز رسیدگی محفل به امور قضائى

در کتاب نظامات بهائى صفحه ۱۱۷ تحت عنوان فوق چنین مرقوم است:

۱ - اموریکه از لحاظ قضائى مورد رسیدگی محفل واقع میشود باید سه وحله متوالی و جداگانه ذیل را طی نماید.

الف - تحقیق و تعیین کیفیت موضوع.

ب - تعیین اینکه کدام يك از اصول و مبادى امرى با

قضایا تطبیق دارد.

ج- اتخاذ رأی نهائی راجع به موضوع که بر اساس ذیل مبتنی خواهد بود:

۱- راپرت کتبی قضایا که مورد قبول محفل واقع شده باشد.
 ۲- تشریح کتبی اصول امری که مورد استناد واقع شده که آن هم باید به تصدیق محفل رسیده باشد.

۳- کلیه راپورتهای و اظهار نظرهایی که نسبت به موضوع به عمل آمده است خواه قبل و یا بعد از صدور رأی نهائی باید حصر در راپورتهای و اظهار نظرهایی باشد که مورد قبول محفل بوده و مشروحاً در خلاصه مذاکرات محفل درج شده باشد.

۴- در موقع اتخاذ رأی نهائی محفل باید به کمال خلوص ملاحظات شخصی را کنار گذاشته و نسبت به هیچیک از کسانی که در باره آنها رأی نهائی صادر میشود حبّ و بغض ابراز ندارند. محفل باید از روی کمال بیطرفی حقایق موضوع و اصول و مبادی مربوطه را مورد توجه قرار دهد نه اشخاص را و همواره باید در موقع صدور رأی نسبت به کلیه مرافعات این بیان مبارک حضرت بهاءالله را که میفرمایند: "احبّ الاشیاء عندی الانصاف" در نظر گیرند.

حضرت ولی امرالله میفرمایند:

"راجع به اختلاف بین یاران باید به محافل روحانیه رجوع نمایند و آنچه قرار دهند اجراء نمایند ولی در امور جزائی که تعلق به حکومت دارد و مداخله محفل با مقررات جاریه مملکتی مخالف باید رجوع به دوائر کشوری گردد ولی حتی الامکان باید به شکایات و اختلافات و سوء تفاهات در محافل روحانیه به کمال سکون و متانت و همت و دقت مطرح مذاکره واقع گردد

و پس از تصمیم امنای محفل طرفین قرار قطعی هیئت نمایندگان جامعه را تنفیذ نمایند.

ازدواج بهائی

سه فقره از دستورات حضرت ولی امرالله در باره ازدواج بهائی از کتاب نظامات بهائی صفحات به ترتیب ۱۱، ۱۲، ۸۸ نقل می‌گردد:

”حضرت ولی امرالله تصویب می‌فرمایند که جمیع محافل تسجیل شده محلّیه، به دفاتر ازدواج ناحیه خویش مراجعه و تقاضا نمایند که مراسم ازدواج بهائی به رسمیت شناخته شود. در اجرای مراسم ازدواج بهائی رئیس و منشی محفل روحانی سمت نمایندگی محفل را خواهند داشت. مراسم ازدواج باید بسیار ساده باشد. راجع به رضایت والدین در امر ازدواج بهائی نظر به اینکه این موضوع نهایت ضرورت و اهمّیت را دارد وظیفه محفل آنست که قبل از ابراز موافقت اطمینان کامل حاصل نمایند که ابویین به طیب خاطر به این امر رضایت دارند.“

(استخراج از توقیع مبارک)

”اینکه سؤال نموده‌اید آیا تحصیل رضایت ابویین طرف غیر بهائی در ازدواج با فرد بهائی لازم است یا نه به طوریکه حضرت بهاءالله فرموده‌اند رضایت ابویین طرفین به منظور تحکیم وحدت و اجتناب از اختلاف ضروری است و چون در کتاب مستطاب اقدس استثنائی در باره این حکم نازل نشده نظر مبارک حضرت ولی امرالله بر آن است که در جمیع موارد رضایت ابویین واجب و لازم است. شوقی ربّانی“

اینکه از نوع و کیفیت ازدواج بهائی سؤال نموده

بودید به طوریکه مرقوم داشته اند ازدواج بهائی معلق به رضایت کامل ابوین طرفین است و نیز اینکه نوشته بودید اصل وحدت عالم انسانی نمی‌گذارد شخص بهائی حقیقی موضوع نژاد را مانعی برای تحقق امر ازدواج قرار دهد کاملاً با تعالیم آئین الهی در این خصوص مطابق است زیرا حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء هرگز امر ازدواج بین الاجناس را رد نفرموده و مذموم نشمده‌اند در حقیقت تعالیم بهائی من حیث الاصول مافوق تمام حدودات نژادی است و لهذا هرگز نباید و نمیتوان آنرا در ردیف هیچیک از مکتب‌های فلسفه نژادی محسوب داشت. شوقی ربّانی خوانندگان گرامی برای اطلاع از کلیه مقررات ازدواج می‌توانند به باب هفدهم کتاب گنجینه حدود و احکام مراجعه فرمایند.

طلاق

در کتاب مستطاب اقدس می‌فرمایند:

”و ان حدث بینهما کدورة او کره لیس له ان یطلقها و له ان یصبر سنّه کاملة لعل تسطع بینهما رائحة المحبة و ان کملت و ما فاحت فلا بأس فی الطلاق انه کان علی کلّ شیء حکیماً. (بند ۶۸) و در لوح جمال که جواب سئوال ملا علی بجزستانی در آن نازل شده می‌فرمایند:

”از اول فصل الی انتهای سنه واحده باید دو نفس مطلع باشند او ازید و هم شهداء اگر در انتها رجوع نشد طلاق ثابت باید حاکم شرعی بلد که از جانب امنای بیت عدل است در دفتر ثبت نماید ملاحظه این فقره لازم است لئلا یظهر ما یحزن به افئدة اولی الالباب.“ (۶۴)

حضرت ولی امرالله میفرمایند:

”امر طلاق بسیار مذموم و قبیح و مخالف رضای الهی است. آنچه از قلم حضرت عبدالبهاء در این خصوص نازل بین عموم یاران انتشار دهند و کلّ را بیش از پیش متذکّر دارند. اجرای حکم طلاق مشروط به تصویب و اجازه امنای محفل روحانی است باید در این قضایا اعضای محفل مستقلاً به کمال دقت تمعّن و تفحص نمایند و اگر چنانچه عذر شرعی موجود و اتحاد و ایتلاف به هیچ وجه من الوجوه ممکن نه، تنفّر شدید و اصلاح و رفع آن محال طلاق و افتراق را تصویب فرمایند.“ (۶۵)

و نیز میفرمایند:

”از فصل و وصل زوج و زوجه سؤال نموده بودید چون زوج قصد فصل نماید باید اعلان نماید تا نفوس بر این مسئله مطلع گردند بعد جدائی جوید مدّت يك سنه اگر اجتناب به ایتلاف مبدل نگشت یعنی دو باره الفت حاصل نشد طلاق واقع و باید این نیز اعلان گردد که مدّت تمام شد لهذا زوجه آزاد است اگر زوج آخر اختیار کند مختار است.“ (۶۶)

و نیز میفرمایند:

”راجع به امر طلاق و اصطبار زوج يك سنه كامله و اعطاء نفقه به زوجه در مآت اصطبار سؤال نموده بودید که آیا این حکم در حقّ زوجین بهائیت و اگر زوجه بهائی نباشد حکمش چگونه است فرمودند بنویس شخص بهائی باید متمسک به حکم کتاب باشد انحراف به هیچ وجه من الوجوه جائز نه ولو زوجه غیر بهائی باشد اقتران با اغیار معلق و مشروط به اجرای احکام کتابست از طرف شخص بهائی و الاّ اقتران بهائی با غیر

بهای جئز نه. (۶۶)

برای استحضار کامل از مقررات و دستورات مربوطه به امر طلاق به کتاب گنجینه حدود و احکام باب سی و هفتم مراجعه فرمائید.

استیناف از آراء محافل روحانی

اگر چه با تأکیدات بسیاری که در آثار مبارکه در باره لزوم اطاعت از دستورات محافل روحانی شده یاران الهی قطعاً آراء این مراجع منصوص را به جان و دل پذیرا بوده و موضوع استیناف به ندرت عملی خواهد شد. معذک چون در آثار مبارکه پیش‌بینی این امر شده در این مقام اشاره‌ای به موضوع می‌گردد:

مولای توانا حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

در مسائل حقوقی استیناف از آراء محافل محلیه جئز ولی به قدر امکان اکتفا به قرار و آراء صادره محافل محلیه نمایند تا علت استحکام اساس این محافل گردد و محفل روحانی ملی به امور عمومی و ترویج مصالح جامعه پردازد (۶۷)
در نظامنامه بیت العدل اعظم الهی در باره استیناف از آراء محافل روحانی چنین مرقوم است:

" ماده هشتم - استیناف: حق استیناف در موارد ذیل محفوظ و طرز اجرای آن بدین قرار است:

بند اول: الف- هر فردی از افراد يك جامعه بهائی می‌تواند از تصمیم محفل روحانی محلی خود به محفل ملی استیناف دهد و محفل ملی می‌تواند قضاوت در قضیه محوله را خود بر عهده بگیرد و یا برای تجدید نظر مجدداً به محفل محلی احاله دهد.

هرگاه این استیناف مربوط به عضویت فردی از افراد در جامعه بهائی باشد محفل روحانی ملی موظف است رسیدگی به موضوع را خود بر عهده گیرد و رأی صادر نماید.

ب- هر فردی از افراد بهائی می‌تواند از رأی محفل روحانی ملی خود به بیت العدل اعظم استیناف دهد و بیت العدل اعظم می‌تواند قضاوت در قضیه محوله را خود بر عهده گیرد و یا آنرا به همان محفل روحانی ملی برای اخذ تصمیم نهائی رجوع دارد.

ج- هر گاه فی مابین دو یا چند محفل از محافل محلیه اختلافی حاصل شود که بر حلش قادر نباشند هر يك از آن محافل می‌تواند موضوع را به محفل روحانی ملی ارجاع نماید و در این صورت محفل ملی به نفسه قضاوت در موضوع را بر عهده خواهد گرفت و اگر رأی محفل روحانی ملی را هر يك از آن محافل مزبور نامناسب داند و یا هر گاه هر يك از محافل محلیه اقدامات محفل روحانی ملی خود را مخالف مصالح و حفظ وحدت جامعه بطلی خویش تشخیص دهد در هر دو مورد چنانچه بذل مساعیش در رفع اختلاف نظر با محفل ملی به نتیجه نرسد حق خواهد داشت موضوع را به بیت العدل اعظم استیناف دهد و بیت العدل اعظم می‌تواند قضاوت در موضوع را خود بر عهده گیرد و یا آنرا برای اخذ تصمیم نهائی به محفل روحانی ملی ارجاع دهد.

بند دوم- استیناف دهنده اعم از فرد یا مؤسسه باید در وهله اولی به همان محفل که در باره رأیش تقاضای استیناف دارد مراجعه و استدعا نماید که آن محفل یا در موضوع تجدید نظر

نماید و یا آنرا به مقام بالاتر احاله دهد و در صورت اخیر محفل مکلف است استیناف را با شرح و تفصیل کامل تقدیم دارد. چنانچه محفل از ارجاع استیناف به مقام بالاتر امتناع ورزد و یا ارجائش را به عهده تأخیر اندازد استیناف دهنده می‌تواند رأساً قضیه را به مقام بالاتر احاله دهد. (۶۸)

در مادهٔ دهم نظامنامهٔ محافل روحانی محلی نیز موضوع استیناف مذکور گشته که در متن نظامنامهٔ مزبور در آخر این مبحث ملاحظه خواهید فرمود.

انتخاب محفل روحانی

از جمله امتیازات نظم اداری بهائی نسبت به سایر انظمهٔ متداوله، کیفیت انتخابات بهائی است. خصائص و شئون انتخابات بهائی در آثار حضرت ولی امرالله مذکور و مشخص گشته. در انتخابات بهائی آزادی و نظم، روحانیت و خلوص نیت به هم آمیخته و ضامن جامعیت و صحت و اصالت آن می‌باشد از جمله شرایط اساسی انتخاب بهائی "سری و آزاد و عمومی" بودن آنست. سری بدین معنی که احدی از کیفیت رأی انتخاب کننده نباید مطلع گردد. "حتی اطلاع زوج بر کیفیت انتخاب و رأی زوجه" جایز نیست و در خانواده نباید احدی از چگونگی رأی دیگری مطلع گردد.

در انتخابات بهائی "ابدای رأی و تصریح اسم" به هیچ وجه من‌الوجه جایز نمی‌باشد.

انتخاب بهائی آزاد است یعنی هر فرد ذیرأی در دادن رأی کاملاً آزاد است که به هرکس که وجداناً و قلباً شایسته و دارای شرایط لازمه تشخیص دهد، رأی بدهد. هیچگونه اجبار و اکراه و

ملاحظه‌ای در انتخابات بهائی نباید وجود داشته باشد.

تعیین کاندیدا از طرف هیچ مرجعی و به هیچ عنوان ولو به اشاره و رمز جائز نبوده و نخواهد بود.

انتخاب بهائی عمومی است و با توجه به اینکه محفل روحانی یگانه مرجع صالح برای اداره امور اجتماع هر شهری و محلی است و واحد اصلی هر اجتماع فرد است لهذا افراد بهائی عموماً وجداناً موظفند که در مقدرات جامعه خود شرکت نموده و از این امر مهم و حیاتی به هیچ عنوان کناره گیری نکنند.

حق رأی دادن از حقوق مسلمة اولیه هر فرد بهائی است و البته باید از این حق به کمال خلوص و صداقت و حسن نیت استفاده نماید و آنرا وظیفه وجدانی و تکلیف روحانی و از شرائط ایمانی خود بداند.

انتخاب بهائی از "دسائس و مفسد و مکاره سیاسیون" کاملاً منزّه و مبرّی است.

"آنتریک و پارتی بازی و پروپاگاندا" که در آثار مبارکه حتی اسمش کریه مذکور گشته وجود ندارد و هرگونه تفتین نفوس متنفذه تقبیح شده است.

در ذیل موارد چندی از نصوص مبارکه صادره از کلک گهر بار حضرت ولی امرالله در باره مطالب فوق نقل میگردد:

"... کلّ بدانند که انتخاب در درجه اول و ثانی سرّی و آزاد است حتی اطلاع زوج بر کیفیت انتخاب و رأی زوج جائز نه و البته باید از دسائس و مفسد و مکاره سیاسون اجتناب نمایند و با توجهی تام و نیّتی خالص و روحی آزاد و قلبی فارغ اقدام نمایند." (۶۹)

"... انتخاب در جامعه بهائیان سرّی و عمومی و آزاد است و از تدابیر و تشبّثات و مفساد و مگاره اهل دسیسه و عدوان به کلی منزّه و مبرّا. انتخاب سرّی و آزاد است حتّی اطلاع زوج بر کیفیت انتخاب و رأی زوجه جائز نه و همچنین مابین افراد يك خانواده امر انتخاب باید مکتوم باشد. ابداء رأی و تصریح اسم به هیچ وجه جائز نه..." (۷۰)

"... انتخاب محفل امری است سرّی، آزاد و عمومی. دسیسه مذموم. استعفاء و کناره جوئی ممنوع. یاران را فوراً متذکّر دارید کلّ من دون استثناء مشارکت نمایند." (۷۱)

"... چنانچه از قبل تأکید گشته باید کلّ مشارکت نمایند (در انتخاب محفل روحانی) و کناره نگیرند و استعفاء ننمایند و کلّ بدانند که انتخاب در جامعه بهائیان سرّی و عمومی و آزاد است و از تدابیر و تشبّثات و مفساد و مگاره اهل دسیسه و عدوان به کلی منزّه و مبرّاست و آنچه از تفرّعات انتخاب محسوب راجع به امنای محفل مرکزی طهران است." (۷۲)

"... زهار زهار راحه منتنه احزاب و ملل خارجه بلاد غرب و شئونات و عوائد و رسوم مضره شان از قبیل آنتریک و پارتی بازی و پروپگاند که حتّی اسمش کریه است به جمع احباء رسد و در نفوس یاران ادنی تأثیری نماید و روحانیت را به کلی سلب نماید. یاران باید به خلوص و صفا و حبّ و وفا و یگانگی و خیرخواهی بنیان این مفساد قویه را براندازند نه آنکه تقلید نمایند و تأسی کنند. تا از این عوالم و افکار و عوائد به کلی بیزار و مبرّی نگردند روح الهی در جسم عالم بلکه در جمع احباء تأثیر و نفوذ کلی را ننماید." (۷۲)

”... در خصوص تفتین بعضی نفوس متنقذ بین احبّاء در اوقات انتخابات فرمودند این امریست بسیار وخیم باید به تدابیر الهیّه تشبّث کرد و پناه به خداوند قادر علیم برد بلکه اینگونه اشخاص منتخب نشوند و پس از انتخاب غلبه نمایند...“ (۷۴)

”... عقیده این عبد بر آنست که قبل از شروع انتخابات

ذکر اشخاص معینه سبب بروز سوء تفاهم و اختلافات خواهد شد. احبّاء باید با یکدیگر آشنائی کامل حاصل کنند و به تبادل افکار پردازند و به کمال آزادی باهم آمیزش و مؤانست جویند و راجع به شرایط و خصایص نفوسی که باید به عضویت محفل انتخاب شوند با یکدیگر بحث و مذاکره نمایند و حتّی به طور غیر مستقیم هم ذکر نام و یا توصیف اشخاص معینه را ننمایند. همواره باید از اعمال نفوذ در افکار و نظریات دیگران و تبلیغات به نفع اشخاص معینه خودداری نمود و لکن باید تأکید کرد که یاران به صفات و شرایط لازمه نفوس منتخبه به طوری که در الواح مبارکه مولای محبوب مذکور است معرفت کامل حاصل نمایند و شخصاً به طور مستقیم در مقام تحقیق برآمده نسبت بیکدیگر اطلاعات و آشنائی بیشتری کسب کنند نه آنکه از اقوال و عقاید دیگران استفاده نمایند. شوقی افندی“ (۷۵)

شرایط و تکالیف انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

در توابع منیعه و آثار مبارکه حضرت ولی امرالله شرایط و تکالیف انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان تشریح گردیده است در ذیل موارد چندی از نصوص مبارکه را نقل مینماید:

”... و اصول انتخاب از این قرار چون یوم انتخاب رسد باید جمیع یاران متحداً متفقاً متوجّهاً الیه منقطعاً عن دونه

طالباً هدایت‌ه مستعیناً من فضلہ به دل و جان اقدام نمایند و انتخاب اعضای محفل روحانی خویش را از وظائف مقدّسه مهمّه وجدانیّه خویش شمرند ابدأً اهمال در این امر نکنند و کناره نگیرند و دوری نجویند." (۷۶)

"... همچنین چون وقت تجدید انتخاب اعضای محفل روحانی به میان آید باید هر يك از افراد تصویت یعنی ابدای رأی را از وظائف مقدّسه وجدانی خویش شمرد و به قدر امکان اهمال در این امر ننماید و مستقلّ الرأی و در نهایت توجّه و خلوص و تجرّد و فارغ از هر مآرب نفسیه و مقاصد شخصیّه نفوسی را که خالصاً وجداناً قابل این مقام که عضویت محفل روحانی است داند انتخاب نماید..." (۷۷)

"... و یاران آن نفوس را که خالصاً لوجه الله مستعدّ و قابل عضویت محفل روحانی دانند بر ورقه علیحده اسماء نه نفر از یاران را من دون امضاء بنگارند و مکتوم دارند و تسلیم محفل روحانیّه حالیه نمایند تا این اوراق جمع گردد و آن نه نفریکه بیش از همه دارای اصواتند اسماء آنان اعلان شود و این نفوس اعضای محفل روحانی گردند." (۷۸)

"... در هر نقطه چه شهر و چه قریه که عدّه مؤمنین... از سنّ بیست و يك و ما فوق آن تجاوز از نه نمود احبّای آن نقطه نه نفر از جمع خود در نهایت توجّه و انقطاع کتباً و مستقلاًً انتخاب نمایند و نام آنرا محفل روحانی گذارند و تمام امور که راجع به مصالح امریه در آن نقطه است به اعضای آن محفل هر يك از احبّا مراجعه نمایند." (۷۹)

"... و نیز همین اصل راستی و حقیقت و حسن نیت و

خلوص طویت است که باید زینت بخش حالات و سکنات منتخبین بهائی هنگام انجام وظیفه مقدّس انتخاب و استفاده از چنین حقّ متعالی مشروع قرار گیرد...“ (۸۰)

”... باید هر يك (هر عضو جامعه بهائی) در انتخاب این محافل روحانیه وجداناً و با کمال جدّیت شرکت نموده تصمیمات محافل را اطاعت و اوامرشان را تنفیذ و در انجام وظائفشان که همانا تسریع پیشرفت امر مبارک در جمیع انحاء است از صمیم قلب اشتراک مساعی نمایند...“ (۸۱)

”... عزّت و تقدّم جامعه بهائیان منوط به انتخاب نفوس سلیمه مؤمنه فعّاله است...“ (۸۲)

”... و اما در خصوص عامّی بودن اهل قریه، بی‌علم بودن آنان سبب عدم انعقاد محفل روحانی نخواهد بود زیرا هرچه باشد حیات اهالی چنان دهی به مدد مشورت زیباتر و به انعقاد محفل امور و احوالشان خوشتر و بهتر خواهد بود...“ (۸۳)

”... ناخبین از مؤمنین و مؤمنات باید به کمال توجّه و خلوص و تأمل و تدبیر، نفوس مؤمنه مخلصه مجرّبه مقتدره مستعدّه که قابل عضویتند انتخاب نمایند عدم تغییر در هیئت محفل اهمّیتی ندارد اصل، توجّه و انقطاع است و اهتمام در انتخاب نفوس سلیمه مستعدّه لایقه...“ (۸۴)

”... اصولاً تجدید انتخاب کلیّه اعضای محفل و یا عده ای از آنان مانعی ندارد مشروط بر آنکه اعضای منتخبه کاملاً واجد شرایط لازمه برای این مقام بوده باشند. شرط اصلی لیاقت و قابلیت اشخاص است. انتخاب نفوس جدیده و یا نفس تجدید انتخابات هر دو از امور فرعیه محسوب می‌گردد. تغییر و تبدیل

اعضای محفل تا درجه ای مطلوب است که به شرایط و صفاتی که برای عضویت محفل لازم است لطمه وارد نسازد. به مجرد اینکه انتخابات محفل پایان یافت نتیجه آراء باید از روی خلوص ایمان و بدون چون و چرا از طرف قاطبه احبّاء مورد قبول واقع شود نه به جهت آنکه این انتخابات صرفاً انعکاس ندای حقیقت و یا اراده حضرت بهاءالله است بلکه از برای این مقصد اعزّ اعلی که وحدت و یگانگی در بین جامعه محفوظ و برقرار ماند. " (۸۵)

موقع انتخاب محفل روحانی

مولای توانا حضرت ولی امرالله تاریخ انتخاب محفل روحانی را در یوم اوّل عید سعید رضوان تعیین فرموده اند و ضمناً متذکّر شده اند که این تاریخ تا زمانیکه بیت العدل اعظم تأسیس نگشته و یا بیت العدل الهی تاریخ دیگری را مقرر نفرموده اند رعایت شود. این تاریخ در ماده دوّم نظامنامه بیت العدل اعظم تأیید و تسجیل شده است. ذیلاً مواردی از نصوص الهیه نقل می‌گردد:

"... محافل روحانی یاران در شرق و غرب عالم باید من دون استثناء هر سالی در یوم اوّل عید سعید رضوان تجدید شود و انتخاب در آن یوم مبارک باید در نهایت متانت و روحانیت شروع و اجراء گردد اگر ممکن همان یوم نتیجه انتخابات معلوم و اعلان شود... " (۸۶)

"... امید و طید چنان است که چون یوم اوّل عید سعید رضوان انتخابات محافل روحانی در تمام نقاط شرق و غرب در نهایت روحانیت و جلال و کمال تجدید گردد و احبّاء من دون استعفا به دل و جان متحداً اقدام نمایند... " (۸۷)

”... در ایام رضوان چون میعاد تجدید انتخابات محافل محلی و مرکزی رسد به دل و جان به این امر خطیر من دون استثناء و استعفاء اقدام کنند و در این عمل مبرور بر یکدیگر سبقت جویند...“ (۸۸)

”... از برای اینکه امر انتخابات در جمیع صفحات شرق و غرب به طور متحدالشکل اجراء شود، تا زمانیکه بیت العدل اعظم تأسیس نگشته انتخابات کلیه محافل محلیه باید سالی یک مرتبه در یوم اول رضوان تجدید و نتیجه آراء در صورت امکان در همان روز اعلان گردد...“ (۸۹)

ماده دوم نظامنامه بیت العدل اعظم الهی به شرح زیر است:
 ماده دوم - محافل روحانیه محلیه: هر وقت که عده بهائیان ساکن محل معینی که به سن بیست و یک سالگی بالغ شده باشند از نه نفر تجاوز نماید این اشخاص در اول عید سعید رضوان جمع شده یک هیئت ادارى محلی نه نفری را انتخاب نمایند که به نام محفل روحانی بهائیان آن محل موسوم خواهد بود و از آن به بعد هر ساله در روز اول عید رضوان محفل مزبور را مجدداً انتخاب خواهند نمود و اعضاء محفل مدت یک سال و تا وقتی که قائم مقامان آنان انتخاب شوند به عضویت باقی خواهند بود ولی هرگاه عده بهائیان محلی فقط نه نفر باشد این نفوس در اول عید رضوان تشکیل محفل روحانی خود را مجتمعاً اعلان نمایند.“ (۹۰)

هیأت نظار انتخابات

حضرت ولی امرالله میفرماید:

”... اما راجع به مسئله انتخابات و تعیین نظار معتمداً به

برای جمع آوری آراء که همه ساله از طرف محفل روحانی معین و معمول می‌باشد فرمودند: هیأت نظار باید نفوس زگیه مخلصه امینه مقتدره باشند و کمال مواظبت را نمایند که انتخابات آزاد و سزّی و عمومی باشد از فساد و خدعه و دسیسه و اکراه جلوگیری و ممانعت کنند... (۹۱)

جلسه سالیانه برای انتخاب محفل روحانی

در کتاب نظامات بهائی صفحه ۶۹ در باره جلسه سالیانه انتخاب محفل روحانی چنین مذکور است:

”ب- جلسه سالیانه ای که در ۲۱ آوریل (اول عید رضوان) برای انتخاب محفل روحانی تشکیل می‌شود فرصت مناسبی است از برای اینکه راپورتهای سالیانه محفل و تمام لجنه‌های آن به جامعه تقدیم گردد. ریاست این جلسه به عهده رئیس محفل سابق است. دستور جلسه از اینقرار است:

تعیین حضور و غیاب، تلاوت قسمتهائی از بیانات مبارکه مربوط به موضوع انتخابات، تعیین هیئت نظار، توزیع اوراق رأی، دعا و مناجات برای هدایت رأی دهندگان، مبادرت به امر انتخاب، عرض راپورت سالیانه، راپورت هیئت نظار راجع به انتخابات و تصویب راپورت هیئت نظار.“

بدیهی است تشکیل جلسه سالیانه در صورتیکه مقتضیات و امکانات اجازه دهد میسر بوده و در غیر اینصورت محفل روحانی ترتیبات لازمه را برای اخذ و استخراج آراء خواهند داد.

تساوی آراء نفر نهم با نفرات بعد

در انتخابات محفل روحانی گاهی اتفاق می‌افتد که نفر نهم با یکی یا بیشتر از نفرات بعدی تساوی آراء دارند. در این

قبیل مواقع بر حسب دستور حضرت ولی امرالله در صورتیکه یکی از افرادی که تساوی رأی دارند منسوب به یکی از اقلیت‌های آن جامعه باشد حق تقدّم داشته و شخص مزبور برای عضویت نفر نهم مشخص می‌گردد و الا بر حسب رویه تشکیلات امری به ترتیبی که در کتاب نظامات بهائی صفحه ۷۹ مندرج است بین افرادی که تساوی رأی داشته‌اند باید تجدید انتخاب شده و یک نفر معین گردد.

در مورد حقّ تقدم نفوس منسوب به اقلیت‌ها مولای توانا می‌فرماید:

”در مسئله نژادی یا غیر آن هر جامعه متشکله که در ظلّ لوای اسم اعظم مستظل و به این نام پرافتخار مفتخر و متباهی است باید بر خلاف ملل و نحل ارض چه شرقی و چه غربی چه حکومت عامّه و دموکراسی و چه سیاست مطلقه و استبدادی چه اشتراکی و چه سرمایه داری خواه مربوط به عالم قدیم و یا متعلّق به دنیای جدید که اقلّیات جنسیه و دینیّه و سیاسیّه را در دائره قدرت و حکومت خویش نادیده انگاشته و یا حقوق آنان را پایمال نموده و یا بالمرّه از ریشه برافکنده‌اند، این امر حیاتی را اولین وظیفه خویش شمارد که هر اقلّیتی را که در بین آن جمعیت موجود و از هر جنس و ملت و از هر طبقه و رتبت تقویت و تأیید نماید و حفظ و حمایت کند این اصل اصیل به درجه‌ای مهم و حیاتی است که هرگاه در مواردی مانند امر انتخاب تعداد آراء در حقّ افرادی از اجناس مختلف و یا مذاهب و ملیتهای متنوع در داخل جامعه یکسان و یا خصائص و شرایط لازمه جهت احراز رتبه و مقامی بین افراد مذکور علی حدّ سواء باشد اولویت و تقدّم باید بالاترید به فردی تعلّق

گیرد که منتسب به اقلیت است و این ترجیح و تقدّم صرفاً از لحاظ آنست که اقلیت مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد و به آنان فرصت و موقعیت مساعد داده شود تا در خدمت جامعه و پیشرفت مصالح عمومیّه قدمهای بلندتر بردارند نظر به این اصل خطیر و با توجه به این امر مبرم دقیق یعنی لزوم اشتراك افراد اقلیت در فعالیتهای امری و قبول مسئولیت آنان در تمشیت امور اجتماعی است که هر جامعه بهائی موظف است امور خویش را نوعی ترتیب دهد که افراد منسوب به اقلیتهای مختلفه در داخل جامعه خواه از اقلیت جنسی و غیر آن چنانچه متّصف به صفات لازمه و واجد خصائص و شرایط مشخصه باشند تا آخرین مرحله امکان در مؤسّسات امریه اعم از محافل روحانیّه و انجمن های شور و یا کنفرانس ها و لجنه ها که فی الحقیقه نمایندگان جامعه محسوب شرکت و عضویت یابند و خدماتشان در تشکیلات مذکوره مورد استفاده قرار گیرد. اتّخاذ چنین رویه و تمسّک شدید به آن نه تنها منشاء الهام و مایه تقویت و تشجیع عناصری است که از لحاظ تعداد قلیل و اشتراکشان در مسائل اجتماعی محدود و محصور بلکه در اثر اجراء این اصل عمومیت آئین حضرت بهاءالله معلوم و فراغت پیروانش از لوث تعصّبات باطله و حمیّات جاهلانه در انظار عالم و عالمیان ثابت و محقّق گردد. حمیّات و تعصّباتی که چنین انقلاب و تشنّج عظیم در شئون داخلی ملل همچنین در روابط و مناسبات خارجیشان در قبال یکدیگر ایجاد نموده است... " (۹۲)

در باره تساوی آراء بین افراد شرح زیر از نظامات بهائی

نقل میگردد:

”... در انتخابات محافل ملی و محلی هرگاه در نتیجه اخذ آراء هشت نفر از اعضاء انتخاب و هنگام تعیین عضو نهم دو یا چند نفر رأی مساوی داشته باشند. در موقع تجدید رأی که برای تعیین عضو نهم به عمل می‌آید باید آراء به آن دو یا چند نفری که دارای رأی مساوی بوده‌اند منحصر گردد...“

اعضای اصلی و اعضاء علی البدل

در گذشته معمول بود که هرگاه عضوی از اعضاء محفل به علت مسافرت یا علل دیگری برای مدت محدود نسبتاً طولانی از حضور در جلسات محفل معذور بود عضوی علی‌البدل به جای او انتخاب می‌شد این امر بر حسب دستخط منیع بیت العدل اعظم الهی مورّخه ۵ شهر القدره ۱۵۱۶ بدیع (۸ نوامبر ۱۹۹۶) خطاب بمؤلّف ”از حیّز اجراء خارج شده است“ متن دستخط مزبور به شرح زیر است:

”دوم- مطالب مربوط به اعضاء علی‌البدل محافل روحانیه مربوط به اوائل تأسیس محافل روحانیه است. بعد از تهیه نظام نامه محافل روحانیه و تحکیم تشکیلات اداری بهائی قضایای مربوط به اعضاء علی‌البدل متروک مانده و از حیّز اجرا خارج شده است.“

لازم بتذکر است که این مطلب نباید سببی برای غیبت‌های طولانی اعضاء محافل روحانیه گردد و لزوم شرکت مرتّب در جلسات محفل که قبلاً مذکور گشته باید مورد توجّه و عنایت اعضاء محترم باشد.

استعفاء از عضویت محفل

حضرت ولی امرالله استعفای از عضویت محفل را فقط در صورت

وجود عذر حقیقی که مورد تأیید محفل روحانی باشد جائز دانسته‌اند می‌فرمایند: "منتخبین و منتخبین به هیچ وجه دم از استعفاء نزنند بلکه در نهایت افتخار و جدیت و سرور ابدای رأی نمایند و عضویت محفل را قبول نمایند ولی اگر فی‌الحقیقه عذر شرعی موجود و به هیچ وجه ممکن نه آنوقت ناچار اقدام نمایند." (۹۲)

"... راجع باستعفاء دادن اعضاء محفل از عضویت پس از انتخاب فرمودند: حق استعفاء نداشته و ندارند تشخیص و قبول عذر از خصائص محافل محلیه است هر نفسی اطاعت ننماید از متمرّدین محسوب و از حق انتخاب و عضویت محافل محروم...." (۹۴)

"... هر نفسی منتخب شود باید قبول عضویت نماید و به هیچ وجه عذر او مسموع نه مگر آنکه عذر حقیقی شرعی و امر اجباری داشته باشد مانند کسالت مزاج که همه شهادت بر صحت و اهمّیت آن عذر بدهند و من دون آن استعفاء و عذر مقبول نیست زیرا نفوس پرانتباه در خدمت نوع انسان تحمل ناملايمات نمایند و شکیبائی در مشاهده مشکلات دارند...." (۹۵)

جلسات محفل و برنامه کار آن

پس از اعلان نتیجه انتخابات محفل روحانی و معرفی نه نفر اعضاء منتخبه عضوی که دارای حد اکثر آراء است باید در اولین فرصت ممکنه از سایر اعضاء برای تشکیل اولین جلسه محفل دعوت نماید و اداره جلسه را تا انتخاب هیئت رئیسه محفل بر عهده گیرد. در صورت عدم حضور شخص مزبور در محفل و یا معذوریت او نفر دوم اقدام خواهد کرد.

اگر بین دو یا چند نفر از اعضاء تعداد بیشترین آراء

مساوی باشد با قرعه يك نفر را تعیین می‌نمایند.

چنانچه در اولین جلسهٔ محفل کلیهٔ نه نفر اعضاء محفل حضور داشته باشند در همان جلسه هیئت رئیسه دائم را انتخاب مینمایند و در غیر این صورت ناچار هیئت رئیسه موقت انتخاب و در اولین جلسه ای که همه اعضاء حضور داشتند اقدام به انتخاب هیئت رئیسه دائم میشود.

در مورد سایر جلسات محفل و برنامهٔ کار آن در کتاب اصول نظم اداری بهائی صفحه ۲۹ چنین مذکور است.

۱ - جلسه محفل روحانی وقتی رسمی است که رسماً از (کلیهٔ) اعضاء دعوت بعمل آمده باشد بعبارة اخری وقتی که فرد فرد اعضاء از مکان و زمان انعقاد جلسات محفل مسبوق و مستحضر باشند. محفل علی‌الاصول قراری برای اوقات انعقاد جلسات خود و محلّ تشکیل آن در طی سال می‌دهد و ثبت این قرار در خلاصه مذاکرات به منزله اعلان رسمی برای اعضاء است.

۲ - جلسهٔ فوق العاده محفل بر حسب تقاضای رئیس و در غیاب او به خواهش نائب رئیس و یا سه نفر از اعضاء محفل به وسیلهٔ منشی به اطلاع تمام اعضاء میرسد و اگر فی‌المثل یکنفر از اعضاء نیز از انعقاد جلسه بی‌خبر بماند آن جلسه از رسمیت ساقط است (مگر در موارد استثنائی که دعوت عضوی به علت بودن او در مسافرت و یا علل دیگر مقدور نباشد)

۳ - برنامهٔ کار محفل در جلسات منعقدہ علی‌الاصول به طریق ذیل است.

الف - تلاوت مناجات شروع

ب - حاضر و غائب (رسیدگی به حضور و غیاب) به وسیله

منشی محفل یا خلاصه نویس یا عضو دیگری.

ج- قرائت و تصویب خلاصه مذاکرات جلسات قبل.

د- توضیحات منشی محفل و یا متصدی مراسلات در باره

مکاتیب واصله بمحفل و طرح پیشنهادات واصله از ضیافت ۱۹ روزه

ه- تقریر امین صندوق محفل

و- قرائت راپرت لجنه ها (و مذاکرات لازمه در باره آنها)

ز- شور در باره اموریکه ناتمام باقی مانده است.

ح- طرح مسائل جدید.

ط- ملاقات با افرادی که ناچار از مراجعه به محفل

هستند من جمله نفوسی که تقاضای تسجیل و انضمام به جامعه

امر را نموده اند.

ی- مناجات خاتمه*

هیأت رئیسه محفل روحانی و وظائف آنها

در ماده چهارم نظامنامه محفل روحانی هیئت رئیسه شامل

رئیس، نائب رئیس، منشی و خزانه دار و متصدیان دیگری که

محفل برای اداره امور خود لازم بدانند، از جمله خلاصه نویس

مذکور گشته. هیأت رئیسه محفل با انتخاب کتبی تعیین و باید

با اکثریت مطلق انتخاب شوند. اکثریت بر دو نوع است، اکثریت

* در مجموعه الواح و مناجات های مبارکه به نام "توشه رحمانی" که به عربی، فارسی و انگلیسی توسط "فتانه اساسی اسکات" در جولای ۱۹۸۰ در امریکا نشر یافته دو مناجات مبارک از حضرت عبدالبهاء، با عنوان "مناجات شروع" و "مناجات ختم" برای محفل روحانی مذکور شده و مرجع آنها را نجم باختر جلد ۱ صفحه ۶ و صفحه ۲۸ معین نموده اند. مناجات های مبارکه زیب صفحات اولیه کتاب است.

مطلق و اکثریت نسبی. اکثریت مطلق موقعی است که بیش از نصف رأی دهندگان رأی داده باشند فی‌المثل در مورد محفل روحانی حدّ اقل پنج نفر از نه نفر اعضاء رأی بدهند. اکثریت نسبی در موقعی است که يك نفر نسبت به فرد دیگری آراء بیشتری داشته باشد ولو آنکه از نصف رأی دهندگان هم کمتر باشند. بدین نحو اعضاء محافل روحانی با اکثریت نسبی و هیئت رئیسه محافل و لجنات امری با اکثریت مطلق انتخاب میگردند.

اداره امور جلسات محفل (یا هر مشروعی از مشروعات امری)

بر طبق نظامنامه و پروگرام کار و بر حسب موازین مشورت بهائی بر عهده رئیس و در غیاب او معاون رئیس می‌باشد. در تشکیلات بهائی رئیس هیچ گونه امتیازی در مذاکرات و از لحاظ رأی نسبت به سایر اعضاء ندارد. حتی مرجح است که رئیس در مورد صحبت به سایر اعضاء اولویت دهد و خود پس از اظهار نظر سایر اعضاء مبادرت به ارائه نظر خویش نماید. وظیفه منشی انجام مخابرات و مراسلات محفل است و کلیه مکاتبات محفل با امضاء منشی انجام می‌شود.

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

”... باید در امر مخابرات و مراسلات فتور و تأخیر و اهمال به هیچ وجه حاصل نشود تا روابط صوری و معنوی در بین افراد و اعضاء هیئت بهائی عالم مستحکم گردد و وحدت شرق و غرب میسر شود و چون مخابرات و مکاتبات در هر محفلی بر عهده منشی محفل خواهد بود و مخابرات فقط به امضای او ممضی و به عنوان او از این به بعد ارسال خواهد شد. خوب است احباء منشی محفل خویش نفسی را انتخاب نمایند

که معروف و مشهور و موثوق و قابل و مقتدر باشد چه در حقیقت و وظیفه منشی اهمّ و اشغالش بیشتر از مقام رئیس است. چون نتیجه انتخابات معلوم گردد احبّ و اولی آنکه در هر نقطه اعضاء محفل روحانی اسماء اعضاء محفل مع عنوان کامل منشی را نزد محفل مرکزی اقلیم خود ارسال دارند." (۹۶)

منشی محفل موظّف است همه ساله تا قبل از دی ماه صورتی از اعضاء ذی‌رأی جامعه بهائی خود را برای اطلاع و تصویب به محفل روحانی ملّی ارسال دارد. تصمیمات محفل روحانی را در هر جلسه منشی ثبت و در دفتر رسمی ضبط می‌نماید و سوادى از آنها در هر جلسه به فرد فرد اعضاء می‌دهد. در صورتی که برای نوشتن خلاصه مذاکرات شخص دیگری به جز منشی انتخاب شده باشد این وظیفه بر عهده اوست. امین صندوق محفل مسئول امور مالی و اموال محفل (اعم از منقول و غیر منقول) میباشد و جمیع پرداختهای از صندوق محفل باید با تصویب و اجازه قبلی محفل انجام شود.

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

"... در هر نقطه ای از نقاط امریه که محفلی روحانی تأسیس گشته فوراً بعد از وصول این نامه صندوق خیریه ای تشکیل گردد و تحت اراده مطلقه محفل روحانی باشد و جز به اطلاع و صواب دید اعضاء محفل فلسی از آن صرف نگردد." (۹۷)

در نظامات بهائی صفحه ۶۴ چنین مذکور است:

"محفل روحانی چون هیئتی است دائمی در تمام مدّت بقای خود به عنوان مؤسسه بهائی مسئول نگاهداری تمام اوراق خود از جمله صورت خلاصه مذاکرات جلسات و مکاتبات و اسناد

مالی است لذا هر يك از اعضای هیئت عامله در پایان تصدی خود تمام اوراق را که مربوط به امور محفل است به محفل تحویل خواهد داد.

نظامنامه محفل روحانی محلی

نظامنامه محفل روحانی محلی ابتدا تحت هدایت و ارشاد مولای توانا حضرت ولی امرالله در امریکا برای محفل روحانی نیویورک تهیه گشته و متن آن در جلد چهارم کتاب عالم بهائی درج و نشر یافته. سپس بر حسب دستور مبارک محفل روحانی بهائیان ایران آنرا بفارسی ترجمه و تهیه و انتشار داده‌اند و از همان موقع مورد توجه و عمل محافل روحانیه محلیه در کشور مقدس ایران قرار گرفته است.

دستور حضرت ولی امرالله برای ترجمه متن انگلیسی نظامنامه ذیلاً نقل میگردد:

”در کتاب عالم بهائی جلد رابع که امسال در امریک طبع می‌شود نصّ نظامنامه محفل نیویورک درج می‌گردد و این علاوه بر نظامنامه محفل مرکزی است که قبلاً طبع شده و انتشار یافته لهذا نظامنامه محافل روحانی احبای ایران چه مرکزی و چه محلی باید به تمامها جزئی و کلی مطابق این دو نظامنامه باشد البته پس از وصول جلد رابع کتاب به ایران لجنه ترجمه نصّ نظامنامه محلی را ترجمه نمایند و بین یاران انتشار دهند زیرا میزان دستور و نظام محلی محافل روحانیه شرق و غرب عالم بهائی است.“ (۹۸)

بیت العدل اعظم الهی به صرف فضل و عنایت متن نظامنامه محفل روحانی محلی را مرحمت فرموده اند. در مرقومه

دارالانشای معهد اعلی در باره نظامنامه چنین مرقوم گشته:

”نظامنامه محفل روحانی محلی و دستور جامعه بهائی در سال ۹۲ بدیع به صورت جزوه کوچکی به خط جناب آقا میرزا علی اکبر خان روحانی خوش نویسی و منتشر گشته...“

متن نظامنامه در ذیل نقل میگردد:

نظامنامه محفل روحانی محلی

مادهٔ اول - بهائیان شهر... که بیش از... سال موجودیت دائمی داشته‌اند برای اینکه به اداره امور جمعیت دیانتی خود صورت قانونی مناسبی بدهند از سال... محفل روحانی تشکیل داده و از سال ۹۱ بهائی مطابق ۱۳۱۲ هجری شمسی که اولین انجمن شور روحانی مرگب از نمایندگان قسمتهای امریه برای انتخاب اولین محفل روحانی ملی بهائیان ایران در طهران منعقد و اولین محفل روحانی ملی ایران انتخاب و تشکیل گردید منظمأ همه ساله نمایندگان خود را به جلسات سالیانه انجمن مزبور فرستاده‌اند و این محفل حال در صورت اساسی محافل روحانی محلی که مورد شناسائی محفل روحانی ملی ایران می‌باشد مثبت و مسطور است.

امناء یعنی محفل روحانی تصدیق می‌نمایند که این اقدام به اتفاق آراء و موافقت تامه به عمل آمده است و از طرف خود و قائم مقامان خود منظور مقدس و مقصود عمومی دیانت بهائی را که اصول و تعالیمش تحقق وعود الهیه ادیان سابقه است قبول می‌نمایند.

مادهٔ دوم - محفل روحانی در اداره امور دیانت بهائی بر وفق مصالح بهائیان شهر... و بر طبق این دستور در ظل تعالیم

دیانتی و اصول اداری آئین بهائی عملیات خود را با وظائف محفل روحانی محلی که در نظامنامه محفل روحانی ملی مندرج و از طرف محفل مزبور برای اطلاع و دلالت بهائیان ایران تهیه و منتشر گردیده است مطابقت خواهد داد.

ماده سوم - محفل روحانی در انجام تعهدات و مسئولیت های خود در ظل این دستور نسبت به تمام عملیات و امور مربوطه به جمعیت بهائی شهر... دارای سلطه و اقتدار انحصاری بوده و در اجرای این دستور اختیارات عالییه خواهد داشت. صحت و درستی تبلیغ بهائی کتبی و شفاهی که در بین جمعیت محلی اجراء میشود و پاکی آن از هر گونه آلایشی تحت نظارت و مسئولیت محفل روحانی محلی خواهد بود. کتب و آثار مطبوعه بهائی را برای استفاده عموم تهیه نموده و نماینده جمعیت بهائی محل خود در روابط آنها با محفل روحانی ملی و ولی امر بهائی (بیت العدل اعظم) و جمعیت های بهائی محلی دیگر و عموم اهالی و ساکنین شهر... خواهد بود. اتخاذ تصمیم راجع به شناسائی کلیه تقاضا کنندگان که درخواست عضویت جمعیت بهائی محلی را می نمایند بر عهده محفل است و در باره هر یک از اعضاء و یا کلیه جمعیت بهائی که عضویت آنها از حیث ادامه حق انتخاب مورد گفتگو است تصمیم اتخاذ خواهد نمود دعوت جمعیت برای اجتماع در مجالس جشن و تذکر و اعیاد و جلسات مشاوره و جلسه سالیانه و انعقاد جلسه برای انتخاب نمایندگان انجمن شور روحانی به عهده محفل است. محفل تمام لجنه های امری بهائی را تعیین و در امور آنها نظارت خواهد نمود. همچنین محفل عهده دار جمع آوری و صرف کلیه وجوهی

است که برای تأمین احتیاجات خویش لازم می‌داند. تولیت و سرپرستی کامل و مطلق مراکز و محلّهای اجتماع جمعیت بهائی با محفل خواهد بود. محفل صورت اعضاء رأی دهنده جمعیت بهائی را هر ساله و یا هر موقعی که محفل روحانی ملّی تقاضا نماید برای اطلاع و تصویب به آن محفل ارسال خواهد داشت ولی محفل روحانی ملّی هر موقع می‌تواند اعلام نماید که چه قسم از اقدامات امور جمعیت بهائی شهر... دارای جنبه ملّی و از این جهت در ظلّ حاکمیت و صلاحیت محفل روحانی ملّی خواهد بود و محفل روحانی این حقّ و اقتدار محفل ملّی را بایستی قبول و تصدیق نماید. به همین نحو محفل برای هر يك از اعضاء جمعیت محلی این حقّ را قائل است که در هر مسئله که تصمیم محفل روحانی محلی را مخالف تعالیم مصرّحه دیانت بهائی یا مباین با مصالح معیّنه امریه بداند به محفل روحانی ملّی مراجعه و تقاضای تجدید نظر و اتخاذ تصمیم نماید و از طرف دیگر محفل حقّ و اقتدار این را خواهد داشت که در هر يك از مسائل مربوط به دیانت بهائی در شهر... به ولی امر بهائی (بیت العدل اعظم) مراجعه و نسبت به تصمیم صادره از محفل روحانی ملّی در آن باب تقاضای تجدید نظر و صدور تصمیم نهائی نماید.

ماده چهارم - محفل روحانی در اداره و تمشیت امور خویش همواره آمال و نوایای عالیّه مکنونه در تعالیم مقدّسه امر بهائی را در خصوص روابط بین محفل روحانی و جمعیت بهائی و روابط افراد این جمعیت با یکدیگر و روابط بهائیان نسبت به غیر بهائی که خالی از شائبه تعصّب نژادی و مذهبی و

طبقاتى و ملّى مى‌باشد بايد نصب العين خود نمايد بنا بر اين مقدم بر هر چيز محفل به وظيفه مقدسه خود يعنى حفظ وحدت و يگانگى كامل بين قاطبه اهل بهاء و ترفيه حال مرضى و مضطرين و كمك به فقرا و بينوايان و حفظ و صيانت ايتام و عجزه و سالخوردهگان و تربيت اطفال بهائى بر طبق عالى‌ترين موازين دينى و عقلى و رفع اختلافات و عدم موافقت بين اعضا جمعيت و ترويج اصول تمدن الهى كه از قلم حضرت بهاء الله نازل گرديده و انتشار مرام بهائى كه وحدت عالى انساني است به جميع وسائل ممكنه بايستي متوجه و متمسك باشد. محفل بايد با نهايت صداقت و صميميت كليۀ اقدامات عمومي بهائى و مشروعات و مقاصدى را كه محفل روحانى ملّى ايجاد و محافظه نموده تائيد و ترويج نمايد.

محفل در جميع مسائلى كه محفل روحانى ملّى آن را حائز اهميت عمومي و شايسته توجه كليۀ بهائيان اعلام دارد بايد با محافل محلى ديگر در ايران به تمام قوى تشريك مساعى و معاضدت نمايد و همچنين بايد از هر گونه اقدام يا اعمال نفوذ چه مستقيم چه غير مستقيم كه رايحه مداخله از طرف يك هيئت بهائى در مسائل مربوط به سياست عمومي و قضاوت كشورى داشته باشد شديدتاً اجتناب نمايد. محفل بايد مرابطه و مخابره بين افراد جمعيت بهائى شهر... و جمعيت هاى ديگر بهائى را كه مورد قبول واقع شده باشند تشويق نمايد و به بهائيانى كه از شهر... مسافرت مى‌كنند اوراق معرفى‌نامه بدهد و اوراق معرفى‌نامه صادره از محافل ديگر بهائى را رسيدگى و پس از تشخيص صحت و سقم آن به نحو مقتضى رفتار نمايد.

محفل باید نسبت به بهائی و غیر بهائی اختیارات خود را وسیله خدمتگذاری بدانند نه اینکه آن را منشاء عملیات و اقتدار مستبدانه قرار دهد و با اینکه حق مقدس اصدار تصمیم قطعی را در تمام مسائل مربوطه به جمعیت بهائی دارد باید همواره به مذاکره و مشاوره با افراد جمعیت بهائی شائق و راغب بوده جمعیت را از تمام مسائل مطلع نگاهداشته و در جمیع مسائلی که مربوط به دیانت بهائیت است افراد جمعیت را به مذاکره و مباحثه آزادانه و کامل دعوت نماید.

ماده پنجم - بهائیان شهر... که این محفل برای حفظ منافع آنها ایجاد می شود عبارتند از کلیه اشخاص ساکن شهر... که محفل روحانی آنها را حائز شرایط عضو رأی دهنده جمعیت بهائی محلی شناخته باشد. برای اینکه نفسی عضو رأی دهنده این جمعیت بهائی گردد باید:

الف - در شهر... مطابق حدودیکه در ماده ۹ همین دستور تعیین گردیده ساکن باشد.

ب - به سن بیست و یک سالگی رسیده باشد.

ج - محفل روحانی را قانع کرده باشد (با تصویب محفل روحانی ملی) که به صفات لازمه ایمان به دیانت بهائی متصف و اعمال و رفتار حائز لیاقت انتساب به دیانت بهائی مطابق اصول ذیل باشد:

اعتراف تامّ به مقام حضرت اعلی که مبشّر و به مقام حضرت بهاءالله که شارع و به مقام حضرت عبدالبهاء که مبین و مثل اعلای این امر بوده اند و اطاعت و قبول بلاشرط کلیه آثار نازله از اقسام مبارکه ایشان و تمسک شدید صادقانه نسبت به

تمام جمل وصیت نامه حضرت عبدالبهاء و ارتباط کامل با روح و شکل اصول اداری کنونی امر بهائی در جمیع عالم.

ماده ششم - محفل روحانی مرگب از ۹ نفر عضو است که بهائیان شهر... از بین خود به طریقه ای که ذیلاً ذکر می شود انتخاب و برای یکسال یا تا موقعی که قائم مقامان آنها انتخاب گردند مشغول ایفای وظائف عضویت خود خواهند بود.

ماده هفتم - هیئت رئیسه محفل روحانی مرگب است از رئیس و نائب رئیس و منشی و امین صندوق و اعضاء دیگر محفل که عندالزوم برای حسن جریان امور مربوطه به سمتی انتخاب شوند. هیئت رئیسه به رأی مخفی و اکثریت آراء تمام اعضاء محفل انتخاب خواهد گردید.

ماده هشتم - جلسه اول محفل جدید باید از طرف عضوی که بیشتر از سایرین دارای رأی باشد (و در صورت تعدد چنین عضو به وسیله یکی از آنها که به حکم قرعه تعیین می گردد) دعوت و تشکیل شود و عضو مزبور تا تعیین رئیس دائمی سمت ریاست را دارا خواهد بود و جلسات بعد باید تماماً به تقاضای رئیس و در غیاب او یا در وقتی که معذور باشد به تقاضای نائب رئیس و یا به خواهش سه نفر از اعضاء محفل توسط منشی تعیین و تشکیل شود مشروط بر اینکه جلسه سالیانه محفل بر طبق اصول اداری که مورد قبول تمام محافل بهائی است در یوم اول عید سعید رضوان تشکیل گردد.

بند اول - حضور پنج نفر از اعضاء به محفل می تواند رسمیت دهد و رأی اکثریت این عده که حد نصاب رسمی شدن محفل می باشد با توجه به اصل وحدت و همکاری صمیمانه که لازمه

تشکیل محفل روحانی است برای انجام امور کافی می‌باشد مگر در مواردی که به موجب این نظامنامه مستثنی شده باشد. تصمیمات و عملیات محفل روحانی را باید منشی در هر جلسه ثبت نماید و سواد آن را پس از هر جلسه به فرد فرد اعضاء بدهد و سواد نیز در دفتر رسمی محفل ضبط کند.

بند دوم- در صورتی که محلّ يك یا چند نفر از اعضاء محفل محلی خالی ماند قائم مقام آن عضو یا اعضاء در جلسه مخصوصی که از جمعیت بهائیان محلی برای همین مقصد چنانکه باید از طرف محفل مزبور دعوت می‌شود انتخاب خواهد شد. اگر عدّه اعضائی که محلّ آنان خالی مانده از چهار تجاوز نماید و حدّ نصاب رسمیت محفل محلی به همین جهت ممکن نگردد انتخاب مزبور باید در تحت نظارت محفل روحانی ملی انجام شود. ماده نهم- حوزه حاکمیت محفل روحانی از حیث صلاحیت عضویت افراد بهائی از نقطه نظر محل سکونت و حق دادن رأی عبارت از محلی است که محدود به حدود کشوری شهر... باشد ولی بهائیان که در نقاط متّصله و حومه دور یا نزدیک شهر ساکن و می‌توانند منظمّاً در جلسات محافل جمعیت بهائی محلی حاضر شوند ممکن است در صورت اسامی اعضاء رأی دهنده محفل روحانی مذکور و تا موقعی که يك محفل محلی در جمعیت محلی آنها تشکیل نشده از تمام حقوق ابداء رأی در جمعیت بهائی محلی... بهره‌مند باشند.

ماده دهم- بند اول- هرگاه یکی از تصمیمات محفل برای يك یا چند نفر از اعضاء جمعیت محلی قابل قبول نباشد محفل باید پس از اعمال مساعی برای رفع این اختلاف رأی آن

عضو یا اعضاء را دعوت کند که به محفل روحانی مّلی مراجعه و تقاضای تجدید نظر نمایند و نیز باید به محفل روحانی مّلی مراتب را اطلاع داده و از اینکه محفل حاضر است طرف استیناف واقع شود محفل مّلی را مستحضر نماید.

بند دوم- به همین ترتیب هرگاه اختلاف نظری بین محفل و یک یا چند محفل محلی دیگر در ایران واقع شود محفل باید مراتب را به محفل مّلی راپورت و اعلام دارد که حاضر است مسئله را با شرکت آن محفل یا محافل به محفل مّلی برای اتخاذ تصمیم مراجعه نماید.

بند سوم- ولی هرگاه نتیجه این استیناف برای محفل روحانی رضایت بخش نباشد و یا در هر زمان محفل به دلیلی معتقد باشد که عملیات محفل روحانی مّلی برای سعادت و وحدت جمعیت بهائی شهر... دارای اثرات نامطلوبی است پس از اعمال مساعی برای رفع این اختلاف نظر به وسیله مشاوره مستقیم با محفل مّلی، محفل حقّ دارد به حضرت ولی امرالله (بیت العدل اعظم) مراجعه نماید.

بند چهارم- به همین نحو محفل حقّ خواهد داشت در هر موردی که یک یا چند نفر از اعضاء جمعیت محلی مسائل مربوطه به امور و منافع و نفوذ محلی بهائی را به محفل مّلی قبل از اینکه فرصتی به محفل محلی برای اقدام داده شده باشد مراجعه نمایند به محفل مّلی شکایت نمایند.

ماده یازدهم - جلسه سالیانه محفل که در آن اعضاء محفل باید انتخاب شوند در روز اول عید سعید رضوان در ساعت و محلی که محفل تعیین نماید تشکیل میشود و محفل

باید تشکیل این جلسه را اقلأ پانزده روز قبل از تشکیل به
اعضاء جمعیت محلی بهائی اعلان نماید.

بند اول - محفل باید آراء اعضائی را که به علت ناخوشی
و یا معاذیر موجهه دیگر از حضور در انتخابات معذورند و آراء
خود را قبل از شروع انتخاب به محفل می‌فرستند قبول نماید.
بند دوم - انتخاب اعضاء محفل روحانی به اکثریت
نسبی صورت می‌گیرد.

بند سوم - تمام اعضاء رأی دهنده جمعیت بهائی محلی حائز
شرایط برای انتخاب شدن به عضویت محفل روحانی می‌باشند.
بند چهارم - محفل باید پروگرامی برای جلسه سالیانه
تهیه نماید که متضمن مراتب ذیل باشد:

راپورتهای و اقدامات محفل از زمان انتخاب، صورت وضعیت
مالی متضمن جمع و خرج کلیه وجوه محفل، راپورت‌های لجنه
های محفل و بیان مسائل دیگری که مربوط به امور جمعیت
بهائی محلی است. محفل قبل و بعد از انتخاب سالیانه باید
جمعیت را به بحث در مسائل دعوت و از پیشنهادات آنان حسن
استقبال نماید تا نقشه عملیاتی نماینده افکار و نوایای تمام
جمعیت باشد.

بند پنجم - محفل روحانی باید نتیجه انتخابات را به
محفل ملی راپورت دهد.

ماده دوازدهم - محفل علاوه بر جلسه سالیانه باید ترتیب
جلسات محافل مرتب جمعیت بهائی را در طی سال هر نوزده روز یک
مرتبه مطابق تقویمی که در تعالیم دیانت بهائی مذکور است بدهد.

ماده سیزدهم - محفل روحانی پس از وصول ابلاغ از

محفل روحانی ملی باید عدهٔ اعضای رأی دهنده جمعیت محلی را به محفل ملی راپورت دهد تا محفل ملی از عدهٔ نمایندگانی که باید برای جمعیت محلی شهر... بر طبق اصل نمایندگی نسبی تعیین نماید که در انتخاب سالیانهٔ اعضاء محفل ملی شرکت و نظارت نمایند صحیحاً مطلع باشند.

بند اول - محفل روحانی پس از اطلاع از عدهٔ نمایندگانی که برای جمعیت محلی تعیین شده باید جلسهٔ مخصوصی از جمعیت برای انتخاب آن عده که در جلسهٔ سالیانهٔ محفل روحانی ملی نمایندهٔ جمعیت محلی باشند تشکیل دهد.

بند دوم - انتخاب نمایندگان انجمن شور روحانی با اکثریت نسبی خواهد بود.

بند سوم - تمام اعضاء رأی دهنده جمعیت بهائی دارای حق انتخاب شدن به سمت نمایندگی جلسه سالیانه محفل روحانی ملی (انجمن شور روحانی ملی) می‌باشند.

بند چهارم - نتیجهٔ انتخاب را محفل روحانی به محفل ملی راپورت می‌دهد و محفل تمام شرایطی را که محفل ملی برای شناسائی محافل روحانی محلی و شرکت جمعیت های بهائی محلی در انتخاب سالیانهٔ محفل روحانی ملی تعیین نموده باید مراعات نماید.

مادهٔ چهاردهم - مهر محفل باید مستدیر و دارای کلمات ذیل باشد: (محفل روحانی بهائیان شهر ... مهر محفل).

مادهٔ پانزدهم - این نظامنامه به رأی اکثریت محفل روحانی در هر يك از جلسات عادی یا جلسات مخصوصی ممکن است با تصویب محفل ملی تعدیل و اصلاح شود مشروط براینکه اقلاً

چهارده روز قبل از تاریخی که برای جلسه مزبور تعیین شده سوادى از اصلاح یا اصلاحات پیشنهادى از طرف منشى محفل به هر يك از اعضا ارسال گردد.

ج - دوائر و مؤسّسات تابعه محفل روحانى

لجنه های محلی

لَجْنَه در فرهنگ لغات منتخبه به معنی "جمعی که برای اظهار نظر و یا تنظیم اموری مجتمع گردند" ذکر شده. این کلمه عربی است و جمع آن براساس قواعد زبان عربی لجان است. چون این کلمه در زبان فارسی وارد شده لهذا در آثار مبارکه که در این قسمت ملاحظه می فرمائید جمع آن لجنه ها ذکر شده است. قسمتهائی از آثار مبارکه حضرت ولی امرالله ذیلاً نقل میگردد:

"اگر چنانچه در نقطه ای از نقاط امور امریه اتّسع یافته وظائفی که در طیّ این نامه قبلاً درج شده یعنی امر تبلیغ و محافظه امرالله و جهد در تألیف قلوب و معاونت محتاجین و تشکیل مدارس و ترتیب محافل و مجالس یاران و مخابره با اطراف و ترویج امر مشرق الانکار و تأسیس مجلات امریه و طبع و نشر و ترجمه الواح و بشارات امریه و ماشاگله محفل روحانى هر يك را محوّل به لجنه مخصوص نماید و آن لجنه را خود انتخاب کند و عده اعضاى هر لجنه را هر قدر محفل صلاح داند خود تعیین نماید اعضاى لجنه را از بین تمام احباء در آن نقطه چه در داخل محفل و چه در خارج از آن انتخاب نماید و تمام لجنه ها در ظلّ محفل روحانى و مسئول و مطیع آن و کیفیت انتخاب و امتداد هر لجنه ای به عهده اعضاى محفل روحانى چون محافل تجدید شود تمام لجنه ها منحل گردد و محفل

جدید لجنه هائی مجدداً انتخاب نماید." (۹۹)

"و اگر چنانچه در نقطه ای از نقاط دائره امر اتّساعی یافته امور امریه مانند تبلیغ و مخابرات امریه و تأسیس مدارس بهائی و امر مشرق الانکار و طبع و انتشار الواح و کتب و مقالات امریه و ترتیب و تنظیم محافل و مجالس احباء و سایر تشکیلات روحانیه عمومیه علمیه کلّ باید محوّل به لجنه ای مخصوص گردد و اعضای هر لجنه ای را محفل روحانی خود انتخاب نماید و در ظلّ و اطاعت و اراده خود درآورد مرجع و مخاطب محفل روحانیست و سایر لجنه ها کلّ اجزای آن محفلند و مسئول و در ظلّ آن...". (۱۰۰)

"امنای محفل باید نفوسی را از بین افراد جامعه انتخاب نمایند که لیاقت تامّ و استعداد کامل را حائز و متفّن و متخصص در شعبه خدمت که محوّل به لجنه علیحده گشته باشند." (۱۰۰)

"در نقاطی که امرالله به اندازه کفایت وسعت یافته برای حسن جریان امور و منع اغتشاش و درهم بودن مشاغل هر يك از این وظائف مختلفه در عهده لجنه ای گذارده می شود که هر يك در مقابل محفل مسئولیت خواهند داشت و اعضای این لجنات از مابین احبای همان محلّ انتخاب شده و بایستی متفّن و متخصص در وظائف محوله باشند. عملیات لجنات دائماً و عموماً در تحت نظر محفل روحانی محلی است." (۱۰۱)

"... و آنچه از محفل و کمیته های متنوعه از برای حفظ و ترویج امرالله در بین احبای در شهری تأسیس گردد کلّ باید در ظلّ محفل روحانی آن بلد باشند اطاعت آنرا نماید و بر حسب دستورالعمل محفل روحانی حرکت نماید مرجع و مخاطب محفل

روحانی باشد نه سایر محافل خصوصی احبّاء... " (۱۰۲)

"... و هر امری از امور مهمّه را بیک لجنه محوّل نمایند از جمله لجنه تبلیغ و لجنه مخابرات امریه و لجنه تعلیم و تربیت اطفال و لجنه ترتیب و تنظیم محافل و مجالس و لجنه طبع و نشر الواح و آثار مبارکه و لجنه امور عمومیه و قسّ علیّ ذلك هر يك را به لجنه مخصوص محوّل نمایند و خود اعضای لجنه را انتخاب کنند و اطلاعات عمومی را بر اقدامات هر لجنه داشته باشند و تمام لجنه ها از شعب محفل روحانی محسوب و در ظلّ آن و مسئول اعضای آن است. " (۱۰۳)

"... امر مهمّ تبلیغ، مخابرات رسمیه امریه، ترتیب محافل و مجالس، تأسیس و اشتراك به مجلات امریه، طبع و انتشار الواح مبارکه و کتب و مقالات امریه، امور مشرق الانکار، انشاء و اداره مدارس بهائی و سایر تشکیلات خیریه علمیه امریه در هر نقطه از نقاط کلّ باید در تحت اداره و به اطلاع و صواب دید محفل روحانی باشد و امر هر يك را محفل روحانی محوّل به لجنه مخصوص نماید و اعضای آن لجنه را نفس محفل روحانی در حین تشکیل انتخاب نماید و در ظلّ و اطاعت خود آورد... " (۱۰۴)

"محفل روحانی محلی نمی تواند به هیچ يك از لجنه های محلی اختیار دهد که به امور لجنه یا هیئت دیگری که از طرف محفل انتخاب شده رسیدگی یا نظارت نماید. کلیه لجنه های محلی مستقیماً و منحصرأً مسئول محفل روحانی محلی هستند و محفل محلی یگانه مرجعی است که حقّ نظارت در امور آنها دارد. (۱۰۵) (ترجمه)

"در موقعیکه عضو لجنه ای با سایر اعضاء در موضوع

مخصوصی توافق نداشته باشد حق استیناف به محفل از او ساقط است بلکه باید تابع اکثریت باشد. (۱۰۶) (ترجمه)

در مورد حدود اختیارات لجنات امری و محدوده آزادی آنها در اخذ تصمیمات و اقدامات حضرت ولی عزیز امرالله می‌فرمایند:

“اعتدال را از دست ندهند نه چندان محدود و نه چندان آزاد و خود مختار باشند.” (۱۰۷)

علی‌الاصول چنانچه محافل مقدسه روحانیه پس از انتخاب لجنات، برای هر لجنه نظامنامه و شرح وظائف و حدود اختیاراتی تعیین فرمایند بسیار مستحسن بوده و در نظم و ترتیب امور و جریان وظائف محوله بر طبق اصول امری مؤثر خواهد بود.

مطلبی که در خاتمه عنوان هیئت رئیسه محفل و وظائف آنها در باره مسئولیت نگاهداری اوراق و اسناد و دفاتر خلاصه مذاکرات و غیره‌ها و تحویل آنها در پایان تصدی خود مذکور گشته در مورد لجنات نیز کاملاً صادق بوده و باید رعایت گردد.

صندوق خیریه

در فصل هیجدهم از کتاب اصول نظم اداری بهائی چنین مرقوم است.

اول - در ماده چهارم از نظامنامه محافل روحانیه محلیه که در شرق و غرب دنیای بهائی معتبر و مجری است منجمله چنین مرقوم است.

“ترفیه حال مرضی و مضطربین و کمک به فقرا و بینوایان و حفظ و صیانت ایتام و عجزه و سالخوردهگان و تربیت اطفال بهائی بر طبق عالیترین موازین دینی و عقلی از وظائف اصلیه

محافل روحانیه است.

دوم - برای اجرای این وظائف اصلیّه مهمه در الواح مقدّسه مبارکه دستور تأسیس صندوق خیریه صادر شده که قسمتی از آن بیانات متعالیه زیب این اوراق میشود.

۱- حضرت عبدالبهاء جلّ ذکره و ثنائی می فرمایند قوله الاعلی: شرکت خیریه از تأسیسات ربّ البریه است زیرا ربّی ایتام و کافل راحت فقرا و عجزا و مساکین انام است و سبب تعلیم اطفال و تبلیغ امر حضرت رحمن باید این شرکت خیریه را نهایت اهمّیت بدهید تا نفوسی از مبلّغین تعیین گردند و در اطراف به تبلیغ پردازند ترتیل آیات نمایند و نشر نفحات کنند و تلاوت کلمات فرمایند هر نفسی که معاونت شرکت خیریه نماید در جمیع مراتب. تأیید و توفیق الهی شامل گردد و هر نواقصی کامل شود و سبب عزّت ابدیه آن نفوس گردد یا احبّاء الله علیکم به هذا الامر المبرور و الحظّ الموفور و السعی المشکور و سوف ترون انّ کلّ جمعیة خیریه اصبحت مؤیّده به جنود من الملاء الاعلی و غدت منصوره به جیوش من الملكوت الابهی.

۲- حضرت ولی امر الله ارواحنا فداه می فرمایند قوله الاحلی:

الف- مقصود از شرکت خیریه همانا صندوق خیریه است که به مرور ایام چون توسعه یابد اعضای محفل در نهایت دقت مواظبت و امانت تبرّعات یارانرا سرمایه شرکتی قرار دهند و تمام واردات و منافع این شرکت خیریه را صرف تقدّم و پیشرفت امرالله و ترویج منافع عمومیّه نمایند.

ب- تقویت و تقدّم سریع و تمشیت امور محفل که در

مستقبل ایام اهمّیتی جدید و مرکزیتی عظیم خواهد یافت معلّق

و متوقف بر وجود اسباب ظاهره و وسائل مادّيه و وسائط ماليه است لذا افراد احباءالله را اعانه و مساعدۀ محفل از وظائف مقدّسه و جدانيه محسوب بايد هر نقطه از نقاط امريه كه محفلى روحانى تأسيس گشته فوراً بعد از وصول اين نامه صندوق خيريه اى تشكيل گردد و در تحت اداره مطلقه محفل روحانى باشد و جز به اطلاع و صواب ديد اعضاى محفل فلسى از آن صرف نگردهد و آنچه را اعضاى محفل در ترويج امر تبليغ و تأسيس مدارس و اعانه محتاجين و طبع و انتشار كتب و الواح و مخابره و مراسله به اطراف صلاح دانند از آن مبلغ برداشته صرف نمايند اعانه در اين سبيل از احتياجات ضروريه امرالله است و از امور لازمه اساسيه محسوب. بعد از اداى حقوق الله فى الحقيقه اعظم وظيفۀ شخص بهائىست زيرا آنچه در اين سبيل تقديم گردد و صرف شود رأساً ترويج امر الهى است و تعزيز و تقويت آئين ربّانى ولى اين وظيفه وظيفۀ مقدّسه ايست و امريست وجدانى و تكليفى است روحانى احدى مجبور بر آن نه هر نفسى به قدر استطاعت خویش اعانتى به اين صندوق خيريه نمايد و تقديم محفل روحانى كند اجرش عندالله عظيم است چه كه به اين واسطه ترويج امرالله نموده و اسباب تبليغ فراهم آورده و امر تربيت را تعميم و تقويت كرده و دائره خدمات و اقدامات محفل روحانى را اتّساع داده. اگر ياران مساعده اى در اين سبيل كاملاً مقررّاً مستمرّاً نمايند امرالله تقدّم و انتشارى سريع نيابد اسباب ميسر نگردد و امور معوق و معطل ماند فيوضات الهيه را اسباب مادّيه لازم و تأييدات غيبيه را وسائط و وسائلى فعّاله شرط و واجب از اعضاى

محفل وغیره باید کلّ به کمال همت به این امر اقدام نمایند و فوراً تأسیس این صندوق خیریه نموده به عهده محفل روحانی گذارند و آنچه را تقدیم نمایند به اسم ترویج امرالله باشد و تسلیم امین صندوق محفل روحانی گردد. هر نفسی به قدر استطاعت و اقتدار خویش این اعانه مالی را به محفل نماید شبهه نیست نصرت امرالله نموده و دستگیری از ضعفاء کرده و تبلیغ امر و ارتفاع کلمه الله نموده تأیید الهی شامل حالش گردد و ابواب برکات بر وجهش مفتوح شود.

ج- و از فرائض محافل روحانیه تشویق نفوس در ادامه و توسعه دایره صندوق خیریه یارانست باید امنای الهی به تبرّعات مستمره خویش سرمشق افراد گردند و به قدر امکان به صندوق خیریه محفل مرکزی اقلیم خویش مجتمعاً اعانت مالی ارسال دارند از فرائض وجدانیه یاران الهی چه از اغنیا و چه از فقرا و چه از اعضای محافل و چه غیر از آن در هر بلده و قریه ای اشتراک در این امر خطیر است تکلیف به نفوس جائز نه و مطالبه شخصی مضرّ به مصالح امریه اگر چنانچه هر فردی از افراد چه در مواقع عسرت و چه در ایام رفاهیت به قدر وسع و استطاعت خویش به طیب خاطر مستمراً مستقیماً به محفل خصوصی علی الخصوص به محفل مرکزی اقلیم خویش اعانه ای تقدیم نمایند و در این مسلک شریف مداومت کند مبالغ گلی نزد امنای رحمن جمع شود و در حین احتیاج صرف اعانه محتاجین و تأسیس مشروعات مهمه و ترویج عمومیّه و انتشار شریعت الهیه گردد.

د- اعضای محفل شور هر چندی عموماً و کتباً احبّای الهی را دعوت و ترغیب و تشجیع بر اعانه نمایند و آنچه در

این صندوق خیریه جمع گردد تمام آن در تحت اداره مطلقه کامله دائمه اعضاء محفل روحانى است و هیچکس را حق مداخله و تصرف نبوده و نیست آنچه را اعضاء محفل شور بالاتفاق قرار دهند و هر مبلغی را تعیین و تخصیص نمایند باید امین صندوق من دون زیاده و نقصان ادا نماید و اگر چنانچه اتفاق آراء غیر ممکن آنچه اکثریت قرار دهد مقبول و مجری است هیچ نفسی را منفرداً مستقلاً حق تصرف در واردات محافل روحانیه نبوده و نیست باید هیئت پس از مشورت و تفحص و تدقیق در لوازم امریه و احتیاجات نفوس به قدر قوت و استطاعت خویش تخصیصاتی معین نمایند تا فقرا و عجزا و محتاجین از تمام طبقات به مرور ایام مساعده گردند و منافع عمومیه و مصالح امریه نیز ترویجی سریع یابد و همچنین تشکیل و ادامه و توسعه صندوق خیریه مرکزی کشور اقلیم ایران از الزم لوازم و امور اساسیه محسوب باید احبای الهی و اماء الرحمن را در تمام کشور ایران به این امر مهم دلالت کرد زیرا اعانه به صندوق خیریه مرکزی مقدم بر اعانه صندوق خیریه محلی بوده و هست چه که از عوامل مهمه بلکه یگانه محور اقدامات و تشکیلات و تأسیسات امریه است احسن و اولی آنکه عموم افراد در تمام اقلیم ایران و محافل روحانیه نقاط امریه مشترکاً به صندوق خیریه مرکزی مستمراً اعانه نمایند تا اسباب ترویج این امر عظیم در مرکز و سایر نقاط کما ینبغی و یلیق فراهم گردد و واردات صندوق خیریه مرکزی بتمامها در تحت تصرف و اداره مطلقه اعضاء محفل روحانى مرکزی است و فقهم الله على وقایة امره و اعزاز دینه و بسط تعالیمه و هدایة

خلقه فی تلك الانحاء.

۵- اهتمام در امرالله و توسعه صندوق‌های خیریه محلی و مرکزی از لوازم ضروریه این ایام محبوب علی‌الخصوص صندوق خیریه مرکزی که در تحت مواظبت و اداره محفل روحانی مرکزی است باید به تمام قوی کوشید تا دائره‌اش یوماً فیوم اتّسع یابد و اساسش استقرار یابد و محکم و متین گردد. (انتهی)

چنانکه از بیانات مبارکه بالصّراحه مستفاد میشود در هر اقلیمی دو نوع صندوق خیریه موجود یکی محلی و دیگری مرکزی یا ملی. صندوق‌های خیریه محلی تحت نظارت محافل روحانیه محلیه و برای تأمین حوائج ضروریه هر نقطه امری است و صندوق خیریه مرکزی تحت مراقبت محفل ملی و مخصوص احتیاجات ملیه عمومیه است. به صریح بیان مبارک تقویت و تائید صندوق خیریه مرکزی مهمتر و لازمتر از صندوق‌های خیریه محلی است و لهذا محافل روحانیه محلیه باید پیوسته یاران عزیز محلّ خویش را به تقدیم دو نوع اعانه تشویق نمایند محلی و ملی و اعانات ملی را مقدم بر تبرّعات محلی بدانند آنچه را دوستان رحمانی از بابت صندوق مرکزی تقدیم میکنند باید بدون تأخیر و تهاون به محفل ملی ایصال دارند.

تبصره اول - قبول اعانات از نفوسی که منفصل اداری شده‌اند جائز نیست.

تبصره دوم - قبول اعانه برای مؤسّسات امریه از نفوسی که خود را بهائی میدانند و لکن نام خود را در دفاتر مجلات محفل ثبت ننموده‌اند قطعاً جائز نه. (بطریق اولی در دیانت بهائی از افراد غیربهائی تبرّع قبول نمیگردد.)

مشروعات اداری بهائی

تبصره سوم - میزانیه محافل محلّیه (رقم کلّ عایدات و مخارج یکساله) باید در رأس هر سنه بمحفل مرکزی ارسال شود....
تبصره چهارم - راجع به لاطار این دستور مبارک صادر
قوله الاعلی:

"در خصوص امر لاطار امور غیر منصوصه به نصّ کتاب وصایا راجع و محوّل به بیت العدل اعظم است عجالتاً آن محفل مقدّس مرکزی و محافل محلی روحانی از ممانعت و ترغیب خودداری نمایند و از تحسین و تقبیح هر دو احتراز کنند یاران را در این خصوص آزاد و مختار گذارند تا من بعد تکالیف قطعی معین شود ولی امر لاطار منحصر در امور خیریه باشد و عایداتش تماماً راجع به صندوق خیریه محافل روحانیه گردد."*

در این جا که مطالب فصل هیجدهم کتاب اصول نظم اداری بهائی خاتمه می‌یابد. چند مورد نصوص مبارکه در این موضوع ذیلاً نقل می‌گردد.

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"در خصوص شرکت خیریه البتّه باید اهمّیت داد. اصحاب حضرت روح روحی له الفداء یازده نفر بودند و صندوق خیریه تشکیل نمودند پس ترتیب صندوق آنقدر اهمّیت داشت." (۱۰۸)

"ای احبّای الهی یقین نمائید که در مقابل این اعانت اضعاف مضاعف خیر و برکت در زراعت و تجارت حاصل گردد. من

* در بخش یادداشتهای کتاب اقدس صفحه ۲۱۸ مرقوم است: "طبق دستور بیت العدل اعظم اعانت به صندوقهای امری از طریق لاتار و بخت آزمائی و امثال آن موافق و مناسب نیست."

جاء بالحسنه فله عشر امثالها. شبهه ای نیست که حیّ قدیر اهل انفاق را تأیید شدید فرماید.“ (۱۰۹)

”اعانه خیریه را بسیار مهم شمرند و به نهایت اهمّیت در این مبرور بکوشند این اعانه خیریه از لوازم امور است تا از محتاجان و مضطربان دستگیری شود و از اطفال صغار علی‌الخصوص ایتمام و فقراء که امانت الله اند معاونت گردد و اسباب تربیت فراهم آید این قضیه تعاون و تعاضد اساس متین در این دور مبین باید همّت را در تأسیس و ترویج اعانه خیریه مبذول داشت تا امور منتظم گردد و اساس ترقی در جمیع مراتب محکم شود.“ (۱۱۰)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

از قبل تأکید گشت که از برای پیشرفت امور روحانیه و فتوحات امریه اسباب مادّیه و وسائل مالیه لازم. تا این اسباب میسر نگردد پیشرفت کلی ممتنع و محال.“ (۱۱۱)

در کتاب نظامات بهائی صفحه ۱۶ مذکور است.

محک ایمان - هر يك از افراد مؤمنین بدون آنکه از اوضاع مشوّش و خطرات و عسرت مالی مملکت بیم و هراس به خود راه دهد باید قیام کرده تا حدّ اعلای قدرت و استطاعت خود در ایصال وجوه به طور مستمر و کافی به صندوق ملی سعی بلیغ مبذول دارد زیرا حصول موفقیت در اجرای نقشه منظوره اساساً منوط باین امر است... در این ایام که بدایت رشد تشکیلات امری است اهمّیت مؤسسه صندوق ملی بهائی را که وسیله ضروری برای پیشرفت و توسعه امرالله است به آنان تأکید نمایند. به علاوه تقدیم تبرّعات به این صندوق طریقه عملی و مؤثری است که بدان وسیله هر يك از مؤمنین می‌تواند پایه و کیفیت ایمان خود

را سنجیده و عملاً میزان علاقه خود را به امرالله ثابت نماید. ما باید به مثابه منبع و چشمه‌ای باشیم که مدام فیضان و فوران نموده و از مخزن غیب مستمراً کسب فیض می‌نماید. سرّ زندگی حقیقی و واقعی در این است که از برای ترفیه حال همنوع خویش مستمراً بذل جود و احسان نمائیم و به فیوضات لاریبیهٔ منبع خیر و غنا متکی باشیم بدون اینکه از فقر و مسکنت بیم و هراسی به خود راه دهیم.

”مصلح عمومیّه مقدّم است۔ حضرت ولی امرالله در خصوص بذل و انفاق مال برای پیشرفت امر این نکته را تذکر می‌فرمایند که مصلح عمومیّه امر مقدّم بر منافع شخصیّه افراد است. مثلاً تبرّعات برای اعانت اشخاص نسبت به تقدیم اعانات به صندوق ملّی و محلّی و مشرق الانکار در درجهٔ دوّم واقع است. (استخراج از توفیق مبارک) (۱۱۲)

”اما تأدیّهٔ قروض را باید همیشه فرض و واجب دانسته و بر سایر امور مقدّم دانست بدین معنی که پرداخت قروض مقدّم بر تقدیم اعانات و تبرّعات امریه است زیرا اساس حیات اقتصادی، بر این اصل مبتنی است.“ (۱۱۲)

بیت العدل اعظم چنین می‌فرمایند:

”حسن تمشیت و نفوذ روحانی مؤسّسات نوزاد امریه که ید قدرت حضرت بهاءالله تأسیس و خریطهٔ آنرا مرکز عهد و میثاق ترسیم فرموده است، موکول به میزان فداکاری و بذل همّتی است که از طرف یاران در اهداء اعانات به منصّهٔ ظهور میرسد.“ (۱۱۴)

”عموم احبّاء ولو درآمدشان ناچیز باشد باید در این امر شرکت جویند. تأثیر و نفوذ روحانی این مؤسّسات اداری که به

مشیت حضرت بهاء‌الله و به موجب نقشه ترسیمی مرکز عهد و میثاقش به وجود آمده مستقیماً منوط به درجه فداکاری احبّاست که به صورت تبرّعات انفرادی مبذول می‌گردد. (۱۱۴)

ضیافت نوزده روزه

ضیافت نوزده روزه را حضرت اعلیٰ در کتاب مستطاب بیان تشریح فرموده‌اند و جمال اقدس ابهی این حکم الهی را تأیید و در باره آن در کتاب مقدّس اقدس، امّ‌الکتاب چنین نازل فرموده‌اند:

” قد رقم علیکم الضیافة فیکل شهر مرّة واحدة ولو بالماء ان الله اراد ان یؤلف بین القلوب ولو باسباب السموات و الارضین. ایاکم ان تفرّقکم شئونات النفس و الهوی کونوا کالاصابع فی‌الید و الارکان للبدن كذلك یعظکم قلم الوحی ان انتم من الموقنین.“ (۱۱۵)

در رساله مبارکه سؤال و جواب چنین مذکور است:

”س- رقم علیکم الضیافة واجب است یا نه“

”ج- واجب نه. انتهى“ (۱۱۶)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”در خصوص ضیافت در شهر بهائی سؤال نموده بودید مقصود از این ضیافت الفت و محبّت و تبثّل و تذکّر و ترویج مساعی خیریه است یعنی به ذکر الهی مشغول شوند و تلاوت آیات و مناجات نمایند و با یکدیگر نهایت محبّت و الفت مجری دارند و اگر در میان دو نفس از احبّاء اغبراری حاصل هر دو را دعوت نمایند و به اصلاح مابین کوشند و در امور خیریه و اعمال بریه مذاکره نمایند تا نتایج مدوحه حاصل گردد.“ (۱۱۷)

”... این مهمانی روزی از نوزده روز حضرت باب تأسیس

بنمود و جمال مبارك امر و تشویق و تحریص فرمود لذا نهایت اهمیت را دارد البتّه کمال دقت در آن بنمائید و اهمّیت بدهید تا آنکه مقرر و دائمی گردد احبّای الهی مجتمع شوند و در نهایت محبّت و روح و ریحان الفت نمایند و به کمال آداب و وقار حرکت فرمایند و ترتیل آیات الهی کنند و مقاله های مفیده قرائت نمایند و نامه های عبدالبهاء بخوانند و یکدیگر را به محبّت جمیع تشویق و تحریص نمایند و با کمال روح و ریحان مناجات کنند و قصائد و نعوت و محامد حیّ قیوم تلاوت نمایند و نطقهای فصیح مجری دارند و صاحب منزل باید به نفس خویش خدمت یاران نماید و همه را دلجوئی کند در کمال خضوع مهربانی فرماید اگر مجلس چنانکه باید و شاید بر وجه محرّر انعقاد یابد آن عشاء عشاء ربّانی است زیرا نتیجه همان نتیجه است و تأثیر همان تأثیر. (۱۱۸)

" مهمانی نوزده روزه در نهایت همت بین عموم باید مجری گردد... " (۱۱۹)

" از میهمانی های هر نوزده روز مرقوم نموده بودید این ضیافت سبب بشارت گردد و مورث مسرت شود و اساس اتحاد و اتّفاق است و واسطه الفت و مؤانست و نشر وحدت عالم انسان. " (۱۲۰)

" ای بندگان صادق جمال قدم در هر کور و دوری ضیافت مقبول و محبوب و تمدید مانده به جهت احبّای الهی ممدوح و محمود علی الخصوص در این دور عظیم و کور کریم که نهایت ستایش را دارد زیرا از محافل ذکر اللّه و مجالس پرستش حق فی الحقیقه شمرده میشود. چه که در مجالس ضیافت آیات الهیه تلاوت می گردد و قصائد و محامد نعوت الهیه خوانده می شود و

نفوس در نهایت انجذاب مبعوث می‌گردد اصل مقصود این سنوحات رحمانیه است و در این ضمن بالتبع غذائی نیز صرف می‌گردد تا عالم جسمانی مطابق عالم روحانی گردد و تن حکم جان گیرد همچنانکه نعم روحانیه سابق است نعم جسمانیه نیز کامل شود. باری خوشا به حال شما که این حکم لطیف را مجری می‌دارید و سبب تذکر و تنبه و روح و ریحان احباء الله می‌شوید. ع (۱۲۰) در ماده دوازدهم نظامنامه محافل روحانیه محلیه تشکیل مرتب جلسات ضیافت نوزده روزه ضمن وظائف محافل روحانیه مقرر و چنین مرقوم گشته:

"محفل روحانی علاوه بر جلسه سالیانه باید ترتیب جلسات محافل مرتب جمعیت بهائی را در طی سال هر نوزده روز يك بار مطابق تقویمی که در تعالیم امر بهائی مذکور است بدهد." بدین ترتیب ضیافت نوزده روزه از مشروعات نظم اداری بهائی محسوب و محافل مقدسه روحانیه باید در تشکیل مرتب آنها بر طبق ضوابط مقرر اقدام بفرمایند.

در ترجمه مجموعه مبارکه بهائی پروسیجر که به عنوان "نظامات بهائی" از طرف محفل روحانی ملی بهائیان ایران منتشر گشته در صفحه ۱۷ در باره ضیافت نوزده روزه چنین مرقوم است:

"حضرت ولی امرالله این مشروع را که از طرف حضرت بهاءالله تأسیس گردیده به منزله اساس نظم بدیع جهان آراء توصیف فرموده اند. آنچه محفل روحانی ملی (محفل روحانی ملی امریکا) از بیانات مبارکه درک می‌کند اینست که بر هر يك از افراد احباء فرض و واجب است که در جلسات ضیافت حضور یابد مگر در صورت کسالت یا مسافرت در توقیع عمومی

که چند سال قبل به افتخار محافل روحانیه محلیه شرف صدور یافته مذکور است که حسب الامر حضرت ولی امرالله ضیافت نوزده روزه باید طبق پروگرام ذیل منعقد شود:

قسمت اول پروگرام که صرفاً دارای جنبه روحانی است باید صرف تلاوت آثار مبارکه گردد. قسمت دوم متضمن شور عمومی در باره مسائل امریه است که در آن موقع محفل روحانی محلی عملیات خود را به استحضار جامعه رسانیده و تقاضای اظهار نظر و تبادل آراء می نماید و ضمناً پیامهائی که از طرف حضرت ولی امرالله و محفل روحانی ملی دریافت شده به اطلاع عموم میرساند (پیامهای بیت العدل اعظم الهی در همین قسمت منظور میگردد. مؤلف) قسمت سوم پروگرام مخصوص ضیافت و ملاقات بین افراد احباً است.

در ضیافت نوزده روزه فقط نفوسی می توانند شرکت نمایند که در جامعه حق ابدای رأی داشته باشند ولی جوانانی که سنشان از بیست و یکسال کمتر و نامشان در سجلات محفل به ثبت رسیده باشد مخصوصاً اگر عضو خانواده بهائی باشند میتوانند در جلسات مزبور حضور یابند.

در حیات جامعه بهائی این جلسات را به منزله قلب می توان محسوب داشت. ضیافت نوزده روزه هرگاه بخوبی اداره شود و جمعیت بهائی که در آن شرکت میکنند کاملاً به اهمیت آن واقف باشد باعث تجدید و تقویت روح ایمانی ما شده استعداد و قابلیت ما را برای اتحاد در عمل افزایش بخشیده سوء تفاهات را زائل و ما را از جریانات و مجهودات مهمه امریه اعم از محلی و ملی و بین المللی کاملاً آگاه می سازد. (محفل روحانی ملی)

مشورت با جامعه

در کتاب نظامات بهائی تحت عنوان فوق از صفحه ۶۴ تا ۶۹ چنین مذکور است:

”الف - مناسب ترین و مشروع ترین فرصت از برای مشاوره عمومی در بین جامعه و شور میان محفل روحانی و افراد جامعه جلسات ضیافت نوزده روزه است. اداره کردن ساعات مخصوص شور در جلسات ضیافت نوزده روزه از وظائف مخصوصه هر محفل روحانی است. حضرت عبدالبهاء در نطق مبارک در لندن در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۱۲ که در اخبار امری امریکا شماره ۱۴ درج گردیده چنین می فرمایند:

”ضیافت نوزده روزه را حضرت باب تأسیس و حضرت بهاءالله در کتاب اقدس تصویب فرمود به جهت آنکه نفوس دور هم مجتمع شده به الفت و محبت پردازند تا اسرار الهی مکشوف گردد مقصود حصول وفاق است تا به وسیله این الفت و اتفاق قلوب با یکدیگر متحد گشته تعاون و تعاضد برقرار گردد و چون حیات افراد جامعه انسانی بدون اتحاد ممکن نه لذا همکاری و معاضدت اساس جامعه بشریت است و بدون تحقق این دو اصل عظیم هیچ امر مهمی پیشرفت ننماید.“ انتهى

حضرت ولی امرالله ضیافت نوزده روزه را به منزله اساس نظم جهان آرای حضرت بهاءالله توصیف فرموده اند. ضیافت نوزده روزه باید طبق پروگرام ذیل اداره شود:

قسمت اول که کاملاً جنبه روحانی دارد مخصوص تلاوت آثار مبارکه بهائی است. قسمت ثانی عبارت از مشورت عمومی در باره امور امریه است. (مشورت بهائی دارای اصول و ضوابطی

است که در فصل بعد مشروحاً ذکر خواهد شد) قسمت ثالث پذیرائی و مهمانی و حشر و مؤانست عموم یاران با یکدیگر است و در این قسمت ضیافت جنبه روحانی نیز باید رعایت گردد. یاران باید این ضیافت را به منزله محور عملیات روحانی خویش و وسیله استفاضه از رموز بیانات الهیه و مظهر اتحاد وثیق بین یاران شمرند به طوریکه این وحدت و عمومیت از هر گونه قیود جنسی و طبقاتی و ملی و مذهبی و شخصی منزه و مبرا باشد و نیز ضیافت نوزده روزه فرصت مغتنمی است که افراد در عرصه خدمات عمومی برای تقویت امرالله بذل مساعی نمایند.

تاریخ انعقاد ضیافات نوزده روزه

(در این قسمت تاریخ های میلادی مطابق اول هر ماه بهائی مذکور گشته و تاریخ تشکیل ضیافت در اول هر ماه بهائی مقرر گشته است.) محفل روحانی مسئول تشکیل ضیافت نوزده روزه است در صورتیکه مراعات تقویم امری نظر به معاذیر موجهی غیر مقدور باشد محفل می تواند انعقاد آن ضیافت را به نزدیکترین تاریخ ممکن موکول دارد.

فقط اعضای جامعه بهائی و احبای مسافر می توانند در این جلسات حضور یابند و نیز جوانان کمتر از بیست و یکسال که تعالیم الهیه را آموخته و قصد خود را دائر به الحاق به جامعه هنگام بلوغ به سن بیست و یکسال اظهار نموده اند می توانند حضور یابند. حضور مرتب در ضیافت نوزده روزه فریضه هر فرد بهائیت و کسالت و مسافرت تنها عذر موجه غیبت محسوب می گردد. از افراد احباء انتظار میرود امور شخصی خویش را طوری ترتیب دهند که بتوانند مرتباً در ضیافات حضور بهم رسانند.

پروگرام ساعت مشاوره

در ساعت مشاوره رئیس یا نماینده دیگری که از طرف محفل روحانی معین شده باشد ریاست جلسه را عهده دار خواهد بود. محفل روحانی ابلاغیه‌هایی که از طرف حضرت ولیّ امرالله (بیت العدل اعظم) یا محفل روحانی ملّی رسیده باشد به اطلاع جامعه رسانیده و به این وسیله زمینه مشاوره را مهیا می‌سازد. همچنین محفل شرح عملیات و نقشه اقدامات خود را به انضمام انتخابات اعضای لجنه‌ها که ممکن است از جلسه گذشته به این طرف صورت گرفته باشد و راپورت مالی و ترتیباتی که برای احتفالات عمومی داده شده به سمع حضار رسانیده به طور کلی جمیع مسائل مربوطه به امر را با جامعه در میان می‌گذارد و متعاقب این راپورت‌ها مشاوره به عمل می‌آید مطلبی که در این جلسات حائز اهمیت فوق العاده است مطالعه در شئون ملّی و بین‌المللی بهائی به منظور تقویت بنیه جامعه برای همکاری در پیشرفت مصالح عالیّه امرالله و توسعه معلومات احباء راجع به مناسبات جامعه محلی با جامعه جهانی بهائی می‌باشد. افراد بهائی باید از جلسات ضیافت نوزده روزه استفاده کرده و به آن وسیله پیشنهادات و نظریات خود را به محفل روحانی ملّی تقدیم نمایند. نظریات مزبور بدوآ باید به جامعه بهائیان محلّ تقدیم نهاد و پس از تصویب به محفل روحانی محلی تقدیم شود و محفل بر حسب تشخیص خود می‌تواند آنرا به ضمیمه نظریات خویش به محفل ملّی ارسال دارد.

راپرت‌های لجنات و بحث در اطراف هر يك از آنها باید در پروگرام منظور گردد سپس جلسه باید به تقدیم پیشنهادها و

نظریات مختلفه مربوط به هر گونه مسائل امری اختصاص یابد. جامعه بهائیان محلّ می‌تواند با رأی اکثریت هر موضوعی را به محفل روحانی پیشنهاد و توصیه نماید. بر هر يك از افراد جامعه ذکوراً و انثاءاً فرض است که جداً در امر مشورت شرکت نماید زیرا منظور اصلی آنست که احبّاء با روح و فکر واحد اجتماع کرده و یگانه مقصدشان پیشرفت مصالح امرالله باشد. منشی محفل روحانی هر گونه رأی و نظری را که به تصویب جامعه رسیده باشد و همچنین پیشنهادهای مختلفه ای را که در طی جلسه مطرح شده در خلاصه مذاکرات جلسه قید و برای ملاحظه به محفل روحانی می‌فرستد و هر نوع اقدامی که محفل روحانی به عمل آورد باید در جلسه ضیافت بعد راپورت داده شود. امور شخصی را باید به محفل روحانی مراجعه نمود نه به جامعه در ضیافت نوزده روزه.

حضرت عبدالبهاء در وصف حالتی که احبّاء در حین حضور

در ضیافتات باید دارا باشند چنین میفرمایند:

" قبل از ورود باید خود را از جمیع شئون عارضه بر قلوب پاک و مقدّس نمائید. " (ترجمه)

حضور جوانان بهائی در ضیافتات نوزده روزه

راجع به شرکت جوانان بهائی در جلسات ضیافتات نوزده

روزه ترتیب ذیل اتخاذ گردیده است:

اطفال احبّاء می‌توانند در جلسات ضیافتات نوزده روزه و

سایر محافل انس و احتفالات امری حضور یابند ولی پس از بلوغ

به سنّ پانزده سالگی محفل روحانی باید از این قبیل جوانان

تقاضا نماید که ضمن اظهارنامه ای علاقه خود را نسبت به

امرالله ابراز و قصد خود را دائر بر اینکه پس از وصول به سنّ

بیست و یک عضویت جامعه را با حق ابدای رأی قبول میکنند اعلام نمایند. جوانان دیگری که بهائی زاده نباشند نیز پس از بلوغ به سن پانزده سالگی با تقدیم چنین اظهارنامه‌ای به محفل روحانی محلی میتوانند در جلسات ضیافت نوزده روزه و سایر مجالس بهائی حضور بهم رسانند. محفل روحانی ملی امریکا (۱۲۱) طریقه صحیح مشورت

در کتاب نظامات بهائی صفحه ۲۰ ذیل عنوان مقابل چنین مذکور است:

”عقیده راسخ حضرت ولی‌امرالله بر اینست که امر مشورت باید بین محفل روحانی ملی و قاطبه اقباء برقرار باشد مادام که جلسات انجمن شور روحانی دائر نیست امر مشورت را میتوان به وسیله محافل محلیه که یکی از وظائف حتمیه آنان حفظ ارتباط بین جامعه های محلی و اعضای محافل ملی است باحسن وجه اجرا نمود. منظور اصلی از ضیافت نوزده روزه آنست که افراد یاران بتوانند هر گونه پیشنهادی را به محفل روحانی محلی خویش تقدیم دارند تا آن محفل به نوبه خود مراتب را به محفل روحانی ملی ارجاع نماید بنابراین محفل روحانی محلی واسطه صلاحیت داری است که بدان وسیله جامعه های محلی می‌توانند با محفل ملی ارتباط داشته باشند.“

(استخراج از توقیع مبارک)

قسمتی از مرقومه دارالانشای بیت العدل اعظم در مورد اینکه آیا میتوان از آثار حضرت ولی‌امرالله در قسمت روحانی ضیافت نوزده روزه استفاده نمود که در مجله پیام بهائی شماره ۱۷۱ صفحه ۴۲ درج گشته نقل میگردد:

”مطابق توقیعی که از حضرت ولی‌امرالله خطاب به محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان امریکا در دست است در قسمت روحانی ضیافات نوزده روزه باید از آثار جمال قدم و مظاهر مقدّسه و حضرت عبدالبهاء استفاده گردد.“

مطابق ابلاغیه دیگری که حسب الامر هیکل اطهر به تاریخ ۱۱ اپریل ۱۹۴۹ خطاب به محفل ملّی امریکا صادر شده تصریح گشته که در شرق مرسوم بوده است که از آثار حضرت ولی‌امرالله نیز در قسمت روحانی ضیافات استفاده گردد. رسم متداول در شرق به این لحاظ است که آثار فارسی حضرت ولی‌امرالله مخصوصاً مناجاتهای صادره از قلم هیکل اطهر به لحن و صورتی است که می‌تواند در قسمت روحانی ضیافات که اختصاص به ادعیه و مناجات دارد زیارت گردد ولی آثار انگلیسی مبارک به این صورت عزّ صدور نیافته است. تصریحات معهد اعلی در این خصوص نشان می‌دهد که ضیافت نوزده روزه می‌تواند با ادعیه و مناجات‌های نازله از قلم جمال قدم، حضرت ربّ اعلی و حضرت مولی‌الوری آغاز گردد و سپس با زیارت الواح مبارکه و یا فقراتی از کتب مقدّسه قبل و یا آثار حضرت ولی‌امرالله ادامه پیدا نماید. مقصود آنست که آثار حضرت ولی‌امرالله پس از تلاوت ادعیه و مناجات قرار گیرد و با آن ممزوج و مخلوط نگردد. البته در قسمت دوم ضیافات که قسمت مشورت است از آثار مبارکه می‌توان استفاده نمود.“

حظیره القدس

این کلمه مرکّب از دو کلمه ”حظیره“ و ”قدس“ تشکیل شده در فرهنگ لغات منتخبه حظیره به معنی ”هر محل محصور با

نرده یا شاخهٔ درختان - خوابگاه گوسفندان و در جمع حضائر“ آمده و “قدس” به معنی “پاک و منزّه شدن یا بودن” ذکر گشته و اما کلمهٔ “حظیره القدس” به معنی “بهشت، جنت” مذکور گشته و در بارهٔ آن چنین مرقوم شده:

“ این نام را حضرت ولی امرالله در توقیع مبارکه تموز ۱۹۲۵ برای محلّ تجمّع و مشورت و ملاقات احبّاء و تشکیل مجالس و محافل انتخاب و اطلاق فرمودند.”

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

“... آنچه الیوم نیز از لوازم ضروریه و جالب و جاذب برکت سماویه و کافل حفظ و حراست بندگان حضرت احدیّت است وقف و تخصیص محلّی مناسب از برای تعیین مرکزیت امرالله است. در هر نقطهٔ از نقاط امریه باید یاران الهی در صفحات شرق نظر به مقتضیات حالیه به ملاحظهٔ اعتدال و سکون و حکمت و آرامی حرکت نمایند ولی مقصود از حکمت خاموشی و فراموشی و اهمال و تأجیل در اجرای این امر نه بلکه مقصود آن است که اعلان مرکزیت در بین جمهور نگردد و اسباب مهمه و عربده و هیاهوی ناس نشود ولی تعیین مرکز ولو در زیرزمین باشد از احتیاجات شدیدۀ این یوم عظیم است. اگر ممکن و اوضاع محلّیه مانع نه اجتماعات عمومیه از برای ترتیل الواح و ادعیه و مناجات و انعقاد محافل روحانیه و مجالس تبلیغ و نطق و تذکار و اعیاد و ضیافات کلّ در نقطهٔ ولو احقر نقاط باشد جمع و حصر گردد و اگر مناسب باشد و در مستقبل بنیان رفیع مشرق الانکار در آن نقطهٔ مبارکه نیز مرتفع شود نورّ علی نور گردد و آن نقطه حظیره القدس نامیده شود تا نفحات مسکیه

تصرفات قلبیه و مذاکرات روحانیه و اجراءات جلیله اهل بهاء از حظائر قدس به صفحات مجاوره سرایت نماید و مشام مزکوم این عالم علیل را باز نماید و معطرّ و عنبرین کند." (۱۲۲)

"... راجع به حظیرهالقدس امر و اراده مقدسه متعالیه چنان که این بنیان باید من جمیع الجهات جامع و مکمل و مزین و ممتاز باشد و مجامع عمومی و اعیاد و جلسات محفل روحانی و لجنه‌های امریه و کتابخانه امری و محفظه آثار ملی و دوائر محاسبات و معاملات محفل روحانی و لجنه‌های آن نیز جمعاً حصر در این مرکز گردد تا مغناطیس تأیید شود و در انظار عموم جلوه حیرت انگیز نماید." (۱۲۲)

"... حظیرهالقدس با واجد بودن جنبه‌های سه‌گانه تبلیغی و اداری و اجتماعی خواهد توانست وظیفه خود را به نحو اتمّ و اکمل اجرا نماید و آن این است که نمونه بارزی از جامعه دائم الاتساع بهائیان ... و محور و مدار خدمات و نقشه‌های جامعه بهائی در آن اقلیم گردد. شوقی ربّانی." (۱۲۴)

مسافرخانه

در ابلاغیه مبارک خطاب به محفل مقدس روحانی طهران می‌فرمایند:

"حسب الامر اقدس حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفداء فرمودند تأسیس محلی در هر شهری به اسم مسافرخانه لازم تا احباء و حضرات مبلغین در هر جا وارد شوند از جهت محلّ و مأوی اشکالاتی برای آنها نباشد و دیگر مسافرخانه از تأسیسات فرعیه حظائر قدس است. فرمودند باید به همت محافل روحانیه تأسیس شود و موقع آن در هر شهری باید در جوار

حظیره القدس باشد. حسب الامر مبارک مرقوم گردید. " (۱۲۵)

اماکن متبرکه و املاک امری

مولای علیم حضرت ولی امرالله میفرمایند:

"... از جمله فرائض و وظائفی را که به جز امنای محافل روحانیه احدی بر انجام و ایفای آن کما ینبغی و یلیق قادر و مستعد نبوده و نیست و تأخیر و اهمال در این مورد من بعد باعث مشکلات گوناگون گردد، تجسس و تحقیق و تعین و حفظ و تملک مواقع متبرکه تاریخیه امریه بلدان شرقیه است... بسیاری از نقاط و مقامات دیگر از قبیل مدفن اصحاب و اولیاء و قتلگاه شهداء و منفی و محبس رجال امر و قلاعی که در اوائل ظهور مأمّن و مرکز غزوات دفاعیه اصحاب بوده و دیار و اماکن که ملاذ و ملجاء اسراء و غرباء و موطن و مسقط الرأس اعظام و مشاهیر اصحاب در دوره بیان و عصر بهائیان است ... احسن و اولی آنکه محافل روحانیه هر یک لجنه مخصوص از قدامی احباب و اصحاب و مجرب و فعال من دون تأخیر و تعویق تعیین و تشکیل نمایند... آن هیأت محترمه به اطلاع و صواب دید امنای محفل روحانی در هر نقطه به تجسس و تفحص از یار و اغیار پردازند." (۱۲۶)

مشرق الانکار

در کتاب گلزار تعالیم بهائی صفحه ۹۲ و ۹۳ نشر اول مطلبی تحت عنوان فوق مذکور است که عیناً نقل میگردد:

حضرت بهاءالله در کتاب اقدس میفرمایند:

" طوبی لمن توجه الی مشرق الانکار فی الاسحار ذاکراً متذکراً مستغفراً و اذا دخل یقعد صامتاً لاصغاء آیات الله الملك العزیز الحمید." و بعد میفرمایند:

” قل مشرق الانکار انه کل بیت بنی لذکری فی المدین و القرى كذلك سئى لدى العرش ان انتم من العارفين. (بند ۱۱۵) و در رساله سئوال و جواب می‌فرماید: سئوال از ذکر در مشرق الانکار فی الاسحار جواب: ”اگر چه در کتاب الهی ذکر اسحار شده و لکن در اسحار و طلوع فجر الی طلوع آفتاب و دو ساعت هم بعد از آن لدى الله مقبول است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

”مشرق الانکار مغناطیس تأیید پروردگار است. مشرق الانکار اسّ اساس عظیم حضرت آمرزگار. مشرق الانکار رکن رکین آئین کردگار. مشرق الانکار تأسیس سبب اعلاء کلمة الله. مشرق الانکار تهلیل و تسبیحش مفرّح قلوب هر نیکوکار. مشرق الانکار نفحات قدسش روح بخش کلّ ابرار. مشرق الانکار نسیم جان پرور حیات بخش احرار. مشرق الانکار مصابیحش مانند نور صباح روشنی بخش آفاق است. مشرق الانکار آهنگش مفرّح ارواح ملاء اعلی است مشرق الانکار ترتیل آیات توحیدش سبب سرور و حبور اهل ملکوت ابهی است. الیوم اعظم امور و اتمّ خدمات در آستان مقدّس الهی تأسیس مشرق الانکار است. (صفحه ۱۴۹ جلد چهارم امر و خلق) و نیز می‌فرمایند: ”مشرق الانکار هر چند بظاهر بنیان جسمانیست ولی تأثیر روحانی دارد و سبب الفت قلوب و اجتماع نفوس گردد. (صفحه ۹۳ منتخباتی از مکاتیب) و نیز می‌فرمایند: ”اگر ممکن بود که محلی را ولو در نهایت سرّ مشرق الانکار می‌نمودند بسیار موافق بود ولی در نهایت حکمت که مبادا سبب فساد اهل عناد گردد و چون این امر عظیم در نهایت اهمّیت است به قدر امکان قصور نباید نمود. (صفحه ۱۵۰)

جلد چهارم امر و خلق) و نیز میفرمایند: "در این ایام اهمّیت حاصل نموده است* و فرض عین گشته که در هر دهکده که دو نفر احبّاء باشد باید مشرق الاذکار تعیین شود ولو زیر زمین باشد تا در* مستقبل نتایج مستحسنه مشاهده گردد.. (صفحه ۱۵۱ جلد چهارم امر و خلق) و نیز میفرمایند: "در حین تلاوت مناجات و ترتیل آیات باید مجلس در نهایت سکون و سکوت و قرار* و تکبیر را حین ورود در اثناء ترتیل آیات باید در قلب گفت." (صفحه ۱۸۹ گنجینه حدود و احکام)

استنساخ آیات

حضرت ولی امرالله میفرمایند:

"... و از جمله امور لازمه مبرمه که از احتیاجات ضروریه و اسّاس تشریعات و محور اجراءات آتیّه بیت عدل عمومی است استنساخ و جمع و ترتیب و تدوین و حفظ آثار است و این امر خطیر از وظائف حتمیه اصلیّه محافل روحانیه است... باید جمیع افراد مؤمنین و مؤمنات من دون استثناء در نهایت خلوص و امانت و جدّیت آنچه را از الواح و توقیعات مقدّسه که از سماء مشیّت جمال اقدس ابهی و حضرت نقطه اولی و حضرت عبدالبهاء روحی لآثار هم المشعّشه المقدّسه الفداء نازل گشته موجود و محفوظ دارند نسخه های اصلیّه را که اکثر مزین به مهر و امضای مبارک است به واسطه منشی به رسم امانت تقدیم و تسلیم محفل روحانی محلّی خویش نمایند و در مقابل آن

* در صفحه ۲۴ جلد چهارم امر و خلق کلمه "باشد" در این جا ذکر شده و او حذف گشته.

ورقه رسمی از محفل تسلیم گیرند تا پس از استنساخ و مقابله محفل محلی فوراً آن الواح را کاملاً به صاحبانش ارجاع نمایند و همچنین باید هر محفل محلی لجنه‌ای را مخصوص تعیین نمایند تا اعضای این لجنه از هر لوح و توقیعی به اطلاع و تصویب محفل دو نسخه استنساخ و مقابله نمایند و اسم صاحب لوح و تاریخ استنساخ را ثبت کنند. اگر چنانچه موقع و تاریخ نزول تعیین گشته آن را نیز ثبت و ضبط نمایند. باید جمیع این امور یعنی تحقیق و اثبات و استلام و استنساخ الواح و ترتیب و محافظه نسخه‌های آن کل به اطلاع و صواب دید اعضای محفل روحانی باشند و هر نسخه به مهر و امضای محفل تصدیق و تصویب شود و اگر چنانچه لوحی و یا توقیعی نزد فردی از افراد احباء باشد که بسیار محرمانه و سترش لازم و واجب باید صاحبش اصل لوح را سربسته و مهمور به رسم امانت تسلیم محفل روحانی محلی خویش نماید و محفل محلی نفس امانت را سربسته به واسطه محفل مرکزی آن اقلیم به ارض اقدس نزد این عبد با شخص کامل امینی ارسال نماید تا پس از استنساخ در ارض مقصود به واسطه محفل مرکزی این عبد به صاحبش ارجاع دارم... و آنچه نسخه‌های الواح نزد محافل روحانیه محلی جمع شود باید متدرجاً نسخه‌های اول را در نهایت دقت و متانت نزد محفل مرکزی خویش ارسال دارند و نسخه‌های ثانی را نزد خود و در محفظه آثار محفوظ دارند.“ (۱۲۷)

مطبوعات و نشریات امری

چند مورد از آثار مبارکه حضرت ولی‌امرالله ذیلاً نقل

می‌گردد:

"اشترک مجلات امریه که به واسطه محافل از قبل ترتیب آن ذکر شد... امید چنان است که محض تمشیت و ترغیب و تشجیع این مجلات امریه یاران به قدر امکان اشترک خواهند نمود و مقالات شتی و رسائل ادبیه علمیة روحانیه به این مجلات به واسطه و تصویب محفل روحانی خویش ارسال خواهند داشت و به این واسطه بر عزت و شوکت امرالله خواهند افزود." (۱۲۸)

"در خصوص اشترک مجلات امریه از فرائض احبای الهی آن است که به تمام قوی تقویت و معاونت این مجلات بهائی نمایند و در صورت استطاعت احبباء جمعاً و رسماً به واسطه محفل روحانی خویش اشترک به این مجلات کنند و بشارات امریه خود را نیز به واسطه محفل روحانی به آن مجلات ارسال دارند." (۱۲۹)

"جمع و طبع و ترجمه الواح مقدسه الهیه و کتب سماویه و مقالات امریه است و انتشار و توزیغش در بین یاران و اماءالرحمن، اقدام به تمام آن از این به بعد باید با اطلاع و تصویب اعضای محفل روحانی باشد." (۱۲۹)

"اتساع دائره مطبوعات و نشریات امریه به اذن و اجازه مقامات رسمیه در این ایام از لوازم ضروریه محسوب زیرا مدّ امر تبلیغ است و مروج آئین ربّ جلیل امید چنان است که به همت آن برگزیدگان اسم اعظم و مساعده زمامداران آن کشور مکرم و وسائل تأسیس اولین مطبعه بهائی در عاصمه آن مملکت مستقلاً فراهم گردد و دائره اش اناً فأناتساع یابد و بدین وسیله خدماتی شایان به مصالح دولت و ملت نمایند." (۱۲۰)

”امروز یکی از وسائل مهمّه به جهت انتشار افکار و فوائد ملیّه توزیع روزنامه‌جات است و توسیع دوائر مطبوعات و نشر اخبار مفیده و بسط مضامین و دلائل علمیّه و انتشار مسائل مهمه فرمودند من مکرّر به احبّای الهی نوشتم و این امر را مؤکّد داشتم که احبّاء در اشتراك روزنامه‌جات و مجلّات امریه نباید خودداری نمایند و در هر اقلیمی مطبوعات و مجلّات بهائی سایر اقالیم را خریداری کنند و در نشر اخبار و وسائل روحانیه بی‌اختیاری نمایند و در اینگونه امور از سائر اقوام اگر سبقت نجویند اقلّاً از دیگران عقب نمانند لهذا مکرّر فرمودند که به اعضای آن محفل مقدّس نگاشته شود که در متحدالمآلهای عدیده این مسأله را توضیح نمایند و با کمال تأکید ترویج فرمایند و در اشتراك احبّاء با روزنامه و مجلّه‌های امری سعی بلیغ مبذول دارند... بلکه محافل روحانیه در هر مدینه و قریه امین و وکیلی قرار دهند که در همه جا وکلاء مجلّات بهائی در کمال سعی و انتظام این خدمت را انجام دهند و نشر معارف روحانیه را از فرائض خدمات مهمّه خویش شمارند و در این عمل مبرور جهد موفور مبذول دارند.“ (۱۳۱)

”و از وظائف اعضای محافل تأیید و تقویت مجلّات امریه عالم بهائیست امنای الهی باید در فکر انتشار و ازدیاد و نفوذ و تنظیم و ترتیب و توسعه دایره این مجلّات امریه باشند اخبار و بشارات روحانیه را مقررّاً به عنوان مجلّات امریه من دون استثناء ارسال نمایند و احبّاء را به اشتراك و تبرّعات و تحریر مقالات تشویق کنند و هر گونه مساعدّه مالی و ادبی نمایند تا انشاءالله این مجلّات امریه مرایای صافیّه تعالیم الهیه

و وقایع تاریخیه و اقدامات محافل روحانیه شرق و غرب گردد و انعکاسات بدیعه اش جمّ غفیری را مطلع و آگاه سازد و به شریعه بقا هدایت نماید." (۱۲۲)

" عقیده راسخ حضرت ولی امرالله در خصوص نشریات محلی آنست که در رتبه اولی مندرجات این نشریات باید حصر در اخبار و مجهودات محلی گردد و در هیچ مورد نباید حاوی مطالبی باشد که نسبت به خطّ مشی محفل روحانی ملی جنبه انتقاد و یا حتی مداخله داشته باشد. ممکن است گاهی در اطراف مواضیعی که جنبه ملی دارد بحث نمایند اما این بحث باید فقط به منظور مساعدت و معاضدت در اجرای نقشه ها و تصمیمات محفل ملی باشد نه اینکه علت تعویق و تأخیر گردد. بنابراین بین نشریات محافل ملی و محلی حدّ فاصل معین موجود است. امور محلی باید همواره تابع اقداماتی گردد که جنبه ملی داشته و حائز اهمّیت است. مقصد آن نیست که از سهم محافل محلیه در اداره امور امریه بکاهیم بلکه منظور آنست که میان محفل محلی و هیئت ملی ارتباط صحیح و مرتّبی تأمین و برقرار گردد." (۱۲۳) (ترجمه)

همانطور که صندوق محلی باید در جمیع موارد تابع صندوق ملی باشد به همان قسم هر نشریه محلی نیز باید متفرّع بر راپرت محفل ملی در هر کشور باشد. این گونه ارتباط بین مجهودات محافل محلی و ملی نه تنها از لحاظ فوائد اقتصادی ضرورت تام دارد بلکه اساساً حسن جریان امور کلیه تشکیلات امر نیز بالضروره منوط و مربوط به رعایت این اصل است زیرا امر الهی بر اساس نظم و ترتیب و الفت و اتحاد استوار

است و نباید آنرا عرصهٔ منافع متضاده و امیال متخالفه قرار داد." (۱۳۴) (ترجمه)

محفل روحانی ملی بهائیان امریکا راجع به نشریات محلی قراری صادر نموده‌اند که به تصویب و تأیید محفل روحانی ملی بهائیان ایران رسیده و در کتاب "اصول نظم اداری بهائی" صفحهٔ ۷۰ ترجمهٔ آن مندرج است. قرار مزبور ذیلاً نقل می‌گردد:

"با ترقی و پیشرفت امرالله و توسعهٔ دائرهٔ تبلیغ در بین جامعه‌های محلی بهائی گاهگاهی این موضوع به میان می‌آید که آیا محافل روحانی (محلیه) حق طبع و انتشار آثار امریه را دارند یا خیر؟ بنابر خطّ مشی که از طرف محفل روحانی ملی تعیین شده بین مطبوعاتی که برای فروش و مطبوعاتی که برای توزیع مجانی تهیه می‌شود تفاوتی موجود است یعنی حقّ طبع و انتشار آثار بهائی جهت فروش فقط به لجنهٔ نشریات که از طرف محفل روحانی ملی انتخاب می‌شود واگذار گشته است زیرا در غیر این صورت نمی‌توان امر طبع و نشر آثار ملی را از روی نظم و اسلوب صحیح و با قید مسئولیت اداره نمود. از طرف دیگر چنانچه محفل روحانی محلی بخواهد از لحاظ پیشرفت امور تبلیغی خود رساله‌ای را برای توزیع مجانی طبع نماید به نظر محفل روحانی ملی این عمل طبق اصول اداری بهائی مجاز خواهد بود مشروط بر اینکه مطالبی که به طبع میرسد قبلاً به تصویب لجنهٔ تألیفات رسیده باشد. مولای علیم حضرت ولی‌امرالله میفرمایند:

"راجع به مطبوعات و نشریات امریه عموماً فرمودند 'نشریات امریه چه مطبوع و چه غیر مطبوع باید جمیع من دون

استثناء به تصویب و اجازهٔ لجنةٔ مرکزی مخصوص که از طرف محفل مرکزی تعیین و تشکیل می‌شود برسد و الاً طبع و انتشارش جائز نه. (۱۳۵)

مؤلف معتقد است که نمایشنامه و کاست صوتی و نوارهای تلویزیونی و اسلایدهائی که در جلسات امری به معرض نمایش گذارده میشود کلاً از نشریات امری محسوب و در بارهٔ آنها باید رعایت دستور مبارک بشود و محافل روحانیه مراقبت لازم در این باره بفرمایند برای آنکه این نظریه قابل قبول برای یاران عزیز باشد از ساحت معهد اعلیٰ استدعای هدایت گردیده. ضمن مرقومهٔ مورّخهٔ ۵ شهرالقدرهٔ ۱۵۱ (۸ نوامبر ۱۹۹۴) چنین مرقوم داشته‌اند:

”ششم - بر حسب تصریحات صادره از طرف معهد اعلیٰ در این ایّام که امر الهی مراحل اولیهٔ تاریخ خود را می‌گذراند تمام آثاری که به وسیلهٔ احباء در بارهٔ امر مبارک تهیه و منتشر می‌شود اعم از کتاب، رساله، ترجمه، شعر و یا موادی که برای برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و تهیهٔ فیلم و اسلاید تحریر و تنظیم می‌گردد باید به تصویب مراجع بهائی برسد“

ترجمهٔ آثار امری

حضرت ولی امرالله میفرمایند:

”... باید لجنةٔ مخصوص ترجمه محفل مرکزی تعیین نمایند و اعضای این لجنة مترصد و منتظر مواد امریه که از بلاد غرب می‌رسد و به آن صفحات ارسال می‌گردد باشند و در ترجمه کمال دقت را نمایند و همچنین به تدریج اسبابی فراهم آورند که به لغت انگلیزی راپورتهای امریه و مراسلات مهمه

تألیف گردد و باید بدرجه‌ای رفیع و منیع باشد که نفس را پرت
توسط یاران غرب طبع و نشر شود نه ترجمه آن. " (۱۲۶)
" در خصوص حق اقدام محافل روحانیه محلیه در ترجمه
آثار امری و نشر آن سؤال نموده بودید فرمودند بنویس:
ترجمه آثار امری و تهیه رسائل و جزوات و تجدید کتب
به واسطه محافل روحانی جائز ولی انتشارش مشروط به تصویب
لجنه ملی نشریات است. " (۱۲۷)

احصائیه

در توابع منیعه حضرت ولی امرالله در باره احصائیه
کامل و جامع بهائیان تأکیدات بسیار شده از جمله میفرمایند:
"البته مؤکداً در جمع و انتشار آن اوراق و تعیین عدد
مؤمنین و مؤمنات در جمیع نقاط ایران من دون تعویق و
استثناء همّت بگمارند و سعی بلیغ مبذول دارند." (۱۲۸)
"مره آخری به عموم مراکز امریه به واسطه مراکز قسمت‌ها
اطلاع و تذکر دهند که عموم من دون استثناء رجالاً و نساءً
اقدام و مشارکت نمایند. احصائیه ناقص مقبول نه." (۱۲۸)
"تسریع و اهتمام بلیغ در تهیه احصائیه دقیق کاملی از کافه
مؤمنات و مؤمنین آن اقلیم از سن بیست و یک و مافوق آن." (۱۲۹)

فصل سوّم

مشورت بهائی

اهمّیت و لزوم مشورت

مشورت در این دور مبارک حائز اهمّیت بسیار است. در آثار مبارکه طلعاعات قدسیه در باره مشورت و لزوم و اهمّیت آن تأکیدات فراوان شده از جمله از قلم ملهم اعلیٰ چنین نازل گشته:

”آسمان حکمت الهی به دو نیّر روشن و منیر است مشورت و شفقت. در جمیع امور به مشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت راه نماید و آگاهی عطا کند کذلک یخبرکم الخبیر انه لهو العليم الحكيم.“ (۱)

”و ما ذکرک فی المشاوره انا جعلناها مرقاةً لسماء الفوز و الفلاح طوبی لآخذی زمامها و حافظی مقامها. صعود به آسمان امن و امان به مرقات مشورت معلّق انشاءالله در جمیع احوال اهل الله به او متمسک باشند... شاوروا فی الامور متوکّلین علی الله المهیمن القیوم.“ (۲)

”مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظنّ و گمان را به یقین تبدیل نماید. اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی. راه نماید و هدایت کند. از برای هر امری مقام کمال و بلوغ بوده و خواهد بود و بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظاهر و هویدا.“ (۳)

”آنچه از مشورت اخیار ظاهر شود هو حکم الله المهیمن القیوم.“ (۴)

”در امور مشورت نما آنچه از شوری برآید عمل کن چه

که در الواح شتّی کلّ را به مشورت امر نمودیم نَسألُ الله ان یؤیدک و اولیاء علی ما یحبّ و یرضی. " (۵)

" و اینکه در باره کسب و معاملات ذکر نمودی این امور در کتاب الهی به مشورت معلق شده با نفوس مؤمنه مستقیمه مشورت نمائید یعنی در کسب و اقتراف و امثال آن آنچه ظاهر شود متوکلاً علی الله عمل کنید هذا حکم الله و هذا امر الله طوبی لمن سمیع و ویلٌ للغافلین. " (۶)

حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق امر بهاء می فرمایند:

" قضیه مشورت در امور بسیار مهمّ و از اعظم وسائل راحت و سعادت نفوس... مشورت از اوامر قطعیه ربّ البریه است. " (۶)

"در جمیع امور جزئی و کلی خویش شور نمائید حتّی به جهت زراعت و صناعت و تجارت و کسب هر یک کرات مرات مشاورت و معاونت نمائید چه شور از اوامر الهیه است و سبب فتوح کلی در امور است و جاذب عون و عنایت حقّ. " (۷)

"هوالبهی ای جمع در امور جزئی و کلی انسان باید مشورت نماید تا به آنچه موافق است اطلاع یابد شور سبب تبصّر در امور است و تعمّق در مسائل مجهول. انوار حقیقت از رخ اهل مشورت طالع گردد و معین حیات در چمنستان حقیقت انسان جاری گردد. انوار عزّت قدیمه بتابد و سدره وجود به اثمار بدیعه مزین شود ولی باید اعضاء مشورت در نهایت محبّت و الفت و صداقت با یکدیگر باشند اصول مشورت از اعظم اساس الهی و باید افراد ملت در امور عادیه نیز شور نمایند. " (۸)

"در خصوص مشورت مأمورّ بها سئوال نموده بودید از

مشورت مقصود آنست که آراء نفوس متعدده البته بهتر از رأی واحد است نظیر قوّت نفوس کثیره البته اعظم از قوّت شخص واحد است لهذا شور مقبول درگاه کبریاء مأمور به و آن از امور عادیّه شخصیه گرفته تا امور کلیه عمومیه مثلاً شخصی را کاری در پیش البته اگر به بعضی اخوان مشورت کند البته تحرّی حقیقت و کشف آنچه موافق است گردد و حقیقت حال واضح و آشکار شود و همچنین مافوق آن اگر اهل قریه‌ای به جهت امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند البته طریق صواب نمودار شود و همچنین هر صنف از اصناف مثلاً اهل صنعت در امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند و تجّار در مسائل تجّاریه مشورت کنند. خلاصه شور مقبول و محبوب و در هر خصوص و امور." (۸)

" ای احبّای الهی در امور مشورت نمائید و از یکدیگر رأی طلبید آنچه که از شور درآید مجری دارید خواه موافق فکر و رأی شما باشد خواه نباشد زیرا معنی شور این است که آنچه را اهل شور موافق بینند مجری دارند و حکمت را در جمیع موارد ملاحظه داشته باشند زیرا حکمت از نصوص صریحه کتابست و علیکم التحیه و الثناء ع . " (۹)

" مکرّر این کلمه علیا از لسان مبارک شنیده شده فرمودند الهام می‌فرمایند در قلوب نفوسی که لوجه الله در محل شوری جمع شوند و در مصالح عباد تکلم نمایند انّه ولیّ المحسنین. " (۱۰)

لزوم قبول رأی اکثریت

مرکز میثاق و مبین آیات حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:
 "آنچه مجلس شور قرار در آن خصوص و خصوصیات

دیگر بدهند کلّ باید بدون توقّف اطاعت نمایند زیرا اگر چنین نباشد از حکمت دور است و اسباب هرج و مرج امور و علّت اختلاف و ازدیاد بلائیه عبدالبهاء. " (۱۱)

"و چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع به اکثریت آراء کنند و کلّ اکثریت را مطیع و منقاد گردند و دیگر جائز نه که نفسی از اعضاء محترمه بر قرار اخیر چه در خارج و چه در داخل اعتراض نمایند و یا نکته گیرد ولو مخالف صواب باشد زیرا این نکته گیری سبب شود که هیچ قراری استقرار نیابد." (۱۲)

مولای توانا حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

"باید رأی خود را در هر امری و در هر جلسه‌ای در نهایت صداقت و روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تام رأی اکثریت بر آن قرار گرفت به دل و جان بدون ادنی کدورت و رنجش اجراء نمایند ولو آنکه رأی اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد چه که اینست حکم صریح محکم الهی چگونه تجاوز و انحراف از این امر منصوص جائز." (۱۳)

"و چون موقع اخذ تصمیم فرا رسد باید از روی خلوص نیت و حسن طویت و کمال رغبت مشورت کرده و سپس به آستان الهی توجه و تبثّل نمایند و با صفای قلب و ایمان کامل و شهامت تام ابدای رأی نموده و مطیع نتیجه آراء اکثریت گردند زیرا به فرموده حضرت عبدالبهاء رأی اکثریت ندای حق بوده و قابل احتجاج نیست و باید همواره با کمال میل و اشتیاق به مورد اجراء گذاشته شود. این رأی اکثریت را باید یاران قلباً قبول کنند و آنرا یگانه وسیله صیانت و پیشرفت امرالله شمرند." (۱۴)

شرایط و آداب مشورت بهائی

حضرت عبدالبهاء مولى الورى میفرمایند:

" اول شرط محبت و الفت تام بین اعضای آن جمعیت است که از بیگانگی بیزار گردند و یگانگی حضرت کردگار آشکار کنند زیرا امواج يك بحرنند و قطرات يك نهر، نجوم يك افقند و اشعه يك شمس، درختان يك بوستانند و گلهای يك گلستان و اگر وحدت حال و یگانگی بيملال در میان نیاید آن جمع پریشان گردد و آن انجمن بی سر و سامان و شرط ثانی آن است که رئیسی به جهت آن محفل اعضای انجمن بالاتحاد انتخاب کنند و دستورالعمل و نظامی به جهت اجتماع و مذاکره قرار دهند و آن دستورالعمل و نظام انجمن در تحت اداره و محافظه و حمایت رئیس باشد و تنفیذ نماید و اعضای محفل باید در نهایت اطاعت و انقیاد باشند مکالمه حشو و زوائد در آن محفل نگردهد و اعضاء در حین ورود توجه به ملکوت اعلی کنند و طلب تأیید از افق ابهی و در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند و به نهایت ادب و ملایمت کلام و اهمیّت خطاب به بیان آراء پردازند و در هر مسأله تحرّی حقیقت کنند نه اصرار در رأی زیرا اصرار و عناد در رأی منجر به منازعه و مخاصمه گردد و حقیقت مستور ماند ولی اعضای محترمه باید به نهایت آزادگی بیان رأی خویش نمایند و ابدأ جائز نه که نفسی تزییف رأی دیگری نماید بلکه به کمال ملایمت بیان حقیقت کند و چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع به اکثریت آراء کنند و کلّ اکثریت را مطیع و منقاد گردند و دیگر جائز نه که کسی از اعضاء محترمه بر قرار اخیر

چه در خارج و چه در داخل اعتراض نماید و یا نکته گیرد ولو مخالف صواب باشد زیرا این نکته گیری سبب شود که هیچ قراری استقرار نیابد باری هر کاری که به الفت و محبت و خلوص نیت فیصل شود نتیجه اش انوار است و اگر ادنی اغبراری حاصل شود نتیجه اش ظلمات فوق ظلمات. تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمن شور سبب ظهور شعاع حقیقت است نباید هیچیک از اعضاء مکدر از مقاومت دیگری شود بلکه هر يك قول دیگری را با وجود مخالف بودن رأی خویش در کمال ادب به خلوص نیت گوش دهد و غباری بر قلبش ننشیند چون چنین گردد آن انجمن انجمن الهی است و الا سبب برودت و کدورت عالم شیطانی.“ (۱۵)

” اصول مشورت را مجری دارند یعنی هر يك در هر خصوص دلائل و براهین بیان نماید تا قناعت حاصل گردد و اگر طرف دیگر مقاومت کند و اعتراض نماید صاحب رأی اول نباید مکدر گردد و محزون شود بلکه ممنون گردد و بیان نماید تا قناعت حاصل گردد و اگر چنانچه ملاحظه نمود که رأی دیگری موافق تر است تسلیم کند زیرا انوار حقیقت یعنی رأی صحیح و موافق از تصادم افکار و موافقت آراء ساطع گردد و الا محسنات و مضرات هر امری معلوم و مشهود نشود باری مقصود این است که در امور تعمق و بحث دقیق مجری گردد تا افکار و آراء ترقی نماید.“ (۱۶)

حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

” اعضاء این محافل روحانیه باید در تمام امور مرجوعه همت بگمارند و تحقیقات کامله اجراء نمایند و تعقیب هر

مسئله‌ای کنند و تمعّن و تدبّر در جزئیات هر امری نمایند و از روی دلسوزی و حکمت به نشاط تام قیام کنند و به مشورت حقیقی پردازند و به دو مبدأ صراحت و صداقت تمسک تام جویند و به عدالت تام حکم کنند و در اجرای فوری قرارهای خویش همت و سعی کامل مبذول دارند تا قابل و لائق اعتماد و ثقة و اتکال و انقیاد و اطاعت و تأیید و مساعدت سایر یاران شوند." (۱۷)

در فصل هفتم کتاب اصول نظم اداری بهائی در باره کیفیت مشورت بهائی مطالبی مرقوم است که قسمتی از آن عیناً در این جا نقل می‌گردد:

"۳- در نظامات اداری بهائی مصرّح است که مشورت وقتی به نتیجه مطلوبه خواهد رسید که اصول و ارکان آن کاملاً محکم و متین باشد و بر وفق نصوص مبارکه جریان یابد محفل روحانی و یا لجنه‌های امری و به طور کلی هر هیئتی که در امری از امور روحانی عهده دار مشورت است باید کمال دقت و مراقبت نماید که شور و تعاطی افکار و تبادل آراء و مراحل ذیل را یکی بعد از دیگری طی کند:

مرحله اول- جریان مسلم و محقق موضوع مورد بحث تعیین و در باره آن توافق نظر حاصل گردد. مثلاً به محفل خبری رسیده که فلان عضو جامعه بر خلاف اصول و مقررات امری ازدواج کرده قبل از ورود به شور و مذاکره راجع به کیفیت مجازات شخص مرتکب باید بر اعضاء و محفل مسلم و محقق گردد که آیا این خبر صحیح است و آیا جریان امر همان است که به اطلاع محفل رسیده به عبارۀ آخری در مرحله اولی باید

جریان مسلم این موضوع (به نحوی) که هیچکدام از اعضا محفل در آن شك و ریب نداشته باشند محقق گردد و کلّ تعیین نمایند که فی الحقیقه این خبر مسلم و درست (است) و فلان شخص به همین کیفیت به چنین انحرافی مبادرت نموده است... .
مرحله دوم - انطباق موضوع با نصوص الهی و نظامات ادارى امری.

وقتی جریان موضوع مسلم شد و دیگر در حقیقت و صحت آن تردیدی باقی نبود قبل از بیان افکار و نظریات شخصی باید به نصوص الهی و نظامات ادارى امری مراجعه نمود و دانست و فهمید که در این مورد چه تعلیمی از قلم اعلی و یراعه مقدسه حضرت عبدالبهاء و کلک گهربار مولای توانا حضرت ولی امرالله وارد و یا در نظامات ادارى امری چه دستوری در این باب صادر شده است اگر نص صریح راجع به موضوع مورد بحث موجود است و یا در نظامات ادارى امری دستور واضح مذکور باید اصحاب شور موضوع را با نصوص الهیه و یا نظامات امریه منطبق بسازند و سر موئی از تعلیمات مقدسه تجاوز نمایند این است که منشیان محافل روحانیه باید همواره مجموعه تواقیع منیعه و نظامات ادارى امری و دستورهائى محفل ملى را مطالعه نمایند و در جلسات شور با خود داشته باشند که در صورت ضرورت مورد مطالعه و دقت قرار گیرد.

مرحله سوم - مذاکره کامل و آزاد راجع به موضوع مورد بحث تا منجر به تقدیم پیشنهاد شود. وقتی راجع به موضوع مورد بحث نصی نباشد و یا در نظامات ادارى دستوری راجع به آن وارد نشده باشد مشورت یعنی تبادل افکار و آراء در آن

باره آغاز می‌شود و اعضاء شور نظر خویش را بیان می‌فرمایند تا بالنتیجه امر به پیشنهادی صریح برای اخذ رأی منجر گردد و مشورت وارد مرحله چهارم یعنی اخذ رأی در باره پیشنهاد تقدیم شده گردد.

در موقع مشورت توجه به نکات ذیل ضرور و لازم است:

الف - رئیس جلسه حتی الامکان باید نظر و رأی خود را بعد از سائر اعضاء بیان نماید:

ب - اعضاء در بیان افکار و آراء خود باید آزاد باشند و لکن در عین حال کاملاً دقت فرمایند که از اطناب و اسهاب در کلام اجتناب نمایند و توضیح واضحات نکنند و از تکرار بیانات دیگران بپرهیزند و خارج از موضوع صحبت ننمایند و خلاصه القول وقت را از روی کمال عقل و درایت به مصرف برسانند.

ج - هیچ پیشنهادی قابل بحث و یا اخذ رأی نخواهد بود مگر آنکه لااقل از طرف یکی دیگر از اعضاء به جز عضو پیشنهاد دهنده تأیید شود.

د - هر پیشنهاد باید فی حد ذاته واضح و روشن باشد ولی اگر عضوی از اعضاء خواست آن پیشنهاد را اصلاح و ترمیم نماید و به اصطلاح اداری پیشنهاد اصلاحی بدهد... اگر مورد تأیید قرار گیرد رئیس جلسه نسبت به آن اخذ رأی می‌نماید (زیرا) در این مورد اخذ رأی در باره پیشنهاد اصلاحی مقدم بر پیشنهاد اصلی است. پیشنهاد اصلاحی نباید منافی با پیشنهاد اصلی و ناقض آن باشد و فقط باید جنبه اصلاح پیشنهاد اصلی را داشته باشد.

هـ - رئیس و یا قائم مقام او در مذاکره و ابدای رأی دارای همان اختیار و مسئولیتی است که سائر اعضاء دارند.

و - بحث و مذاکره در هر موضوع وقتی خاتمه می‌یابد که پیشنهاد کفایت مذاکرات بشود. وقتی یکی از اعضاء مذاکرات را کافی بداند حق دارد به رئیس جلسه پیشنهاد کفایت مذاکرات بدهد. اگر این پیشنهاد تأیید و تصویب گردد رئیس باید فوراً راجع به موضوع مورد بحث اخذ رأی نماید و دیگر به اعضاء اجازه مذاکره ندهد.

ز - امتناع از رأی جائز نیست و هر عضوی باید نظر خود را نفیاً او اثباتاً در باره موضوع مورد بحث اظهار نماید.

ح - هر وقت محفل در جلسه ای راجع به موضوعی اتخاذ تصمیم نماید آن تصمیم برای یکایک اعضاء اعم از اینکه در آن جلسه حاضر بوده اند یا غائب، موافق بوده‌اند یا مخالف، الزام آور و مطاع است زیرا، (در مشورت بهائی) اکثریت و اقلیت به مفهوم دیگران نداریم و بعد از آنکه اکثریت اعضاء حکمی نمودند آراء و نظرات نفوسی که در اقلیت مانده‌اند باید در اراده هیئت محفل حل شود و از بین برود ولی ممکن است در جلسه یا جلسات بعد تقاضای تجدید نظر شود تا چنانچه اکثریت تصویب نمود مجدداً مطرح (برای شور مجدد) گردد. (۱۷)

فصل چهارم

محفل روحانی ملی

مرکز میثاق امر بهاء حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا بطوری که سابقاً مذکور گشته بر حسب فرموده حضرت ولی امرالله متمم و مکمل کتاب اقدس محسوب است، بیت عدل خصوصی و یا محفل روحانی ملی را حلقه اتصال بین مشروعات محلی و مرجع اعلائی نظم اداری بهائی یعنی بیت عدل عمومی قرار داده اند و چنین می‌فرمایند:

”... و اما بیت عدل الذی جعله الله مصدر کل خیر و مصوناً من کل خطاء باید به انتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضاء باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی و خیرخواه جمیع نوع انسانی باشند و مقصد بیت عدل عمومی است یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل، بیت عدل عمومی انتخاب نماید.“ (۱)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

”در خصوص انتخاب محافل روحانی ملی و طریقه آن واضح است که در الواح وصایا اشاره مصرّحی در این باب نگشته ولی حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح اولیه خود که به یکی از دوستان در ایران خطاب فرموده بیانات ذیل مصرّحاً مرقوم است.“ در هر زمان که جمیع احباء در هر دیار وکلائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس

هیأتی را انتخاب نمایند، بیت العدل اعظم است" این کلمات به ما می‌فهماند که انتخاب دارای سه درجه یا سه مرتبه است. در الواح وصایا مصرحاً مرقوم است که بیت العدل های ثانوی (محافل روحانی ملی) بیت العدل الهی را انتخاب می‌نمایند همین نکته است که می‌فهماند اعضای محفل ملی باید غیرمستقیم از بین یاران هر مملکتی معین شوند و به واسطه همین دستور مکمل بود که در مرقومه خود مورخه ۱۲ مارچ ۱۹۲۳ از احبای عزیز الهی در هر مملکتی درخواست شد که نمایندگان انتخاب نمایند تا آنها به نوبه خود نمایندگان ملی را معین نمایند (بیت عدلهای خصوصی یا محافل روحانی ملی) و امتیاز اعظم و وظیفه شان همان انتخاب اعضاء بیت العدل الهی است." (۲)

و در لوح مبارک خطاب به محفل عشق آباد می‌فرمایند:

"... و اما تشکیل محفل مرکزی اقلیم ترکستان باید

منتخب منتخبین باشد یعنی احباء و اماءالرحمن از سن بیست و یک و مافوق آن به حسب تعداد و قوه شان در هر نقطه ای از نقاط امریه عده وکلای از مابین خود انتخاب نمایند و این وکلاء در یک نقطه مجتمع شده و یا کتباً نه نفر انتخاب نمایند..." (۲)

انجمن شور روحانی ملی

متذکر می‌گردد در برخی از نصوص و آثار مبارکه که در بخش‌های قبلی نقل گشته و همچنین ضمن بیانات مبارکه در باره انجمن شور روحانی ملی که ذیلاً ذکر می‌گردد اشاره به محفل مرکزی طهران و محفل ملی شده باید توجه داشت که از حیث تاریخ وقایع نخست محفل مرکزی طهران و سپس محفل مرکزی ایران و بالأخره محفل روحانی ملی تشکیل شده است.

در زیر چند مورد از توابع مبارکه حضرت ولی امرالله در باره انجمن شور روحانی ملّی نقل میگردد:

”... آنچه از حیث اصول راجع به کیفیت انتخاب، قلم میثاق تصریح فرموده آن است که باید محافل مرکزی روحانی بهائیان ایران که من بعد به بیوت عدل خصوصی معروف و موصوف خواهند گشت مستقیماً اعضای بیت عدل اعظم الهی را انتخاب نمایند و همچنین منصوص و مصرح است که این محافل مرکزی در ممالک شرق و غرب باید به انتخاب عمومی در هر مملکتی علیحده به نحوی غیر مستقیم منتخب شوند یعنی جمهور ملّت در رتبه اولی وکلای خویش را انتخاب نمایند و این هیأت وکلای منتخبه که حال در خطه ایران به انجمن شوروی روحانی موسوم و موصوف است در رتبه ثانیه هیأت مجلّه محفل مرکزی آن اقلیم را مستقیماً به انتخاب عمومی انتخاب نماید حال نظر به وسعت جامعه امر در آن اقلیم جلیل و تعدّد محافل روحانیه و تأسیس قسمتهای امریه (۴) احسن و اولی آنکه وکلای جمهور ملّت را به عدد مبارک نود و پنج تعیین و تخصیص و تحدید گشته در هر قسمتی جداگانه جمهور مؤمنات و مؤمنین از سنّ بیست و یک و نه محافل روحانی در آن قسمت انتخاب نمایند یعنی عدّه معین از وکلاء بالنسبه به تعداد بهائیان آن قسمت مستقیماً از طرف جمهور احبّای آن قسمت انتخاب گردد به نحوی که مجموع وکلای تمام قسمت های امریه بالغ بر نود و پنج گردد و از این عدد مبارک تجاوز ننماید (۵) و تعیین و تخصیص عدد وکلاء از برای هر قسمتی از قسمت های امریه راجع به محفل روحانی مقدّس مرکزی آن اقلیم است و چون این

هیأت وکلاء از طرف جمهور بهائیان در هر قسمتی انتخاب گردد باید این هیأت مجلّه نمایندگان اگر چنانچه اجتماعش در نقطه ای از نقاط غیر میسر و مناسب به انتخاب کتبی مباشرت نموده در هر سنه در ایّام عید رضوان از بین عموم بهائیان آن کشور مقدّس مجتمعاً نه نفر را به نهایت دقّت و خلوص نیّت و حکمت و متانت و جدیّت انتخاب نمایند این نه نفر اعضای محفل مرکزی آن اقلیم خواهند بود پس معلوم و واضح گشت که بر حسب تعلیمات مقدّسه حضرت عبدالبهاء بیوت عدل خصوصی که در وقت حاضر به محافل مرکزی روحانی معروف و مشهورند منتخَب منتخبینند حال آنچه از الزم احتیاجات و تمهیدات ضروریه محسوب است ایجاد وسائل متقنه به همت و واسطه هیأت نمایندگان و به معاضدت محافل روحانیه در هر قسمتی از برای تحقیق و تعیین و ثبت عدد کامل جمهور مؤمنات و مؤمنین در هر قسمتی از قسمت های امریه زیرا تا عدد مؤمنین و مؤمنات تعیین نگردد و معلوم نشود و احصائیّه مرتّب صحیح کاملی به دست نیاید اجرای انتخابات ملّیه روحانیه که از لوازم تشکیل و تأسیس محافل مرکزی روحانی است غیر ممکن و چون نتیجه تحقیقات راجع به احصائیّه از تمام قسمت ها به واسطه نمایندگان به طهران ارسال گردد از آن مرکز پس از مذاکره و مشاوره با اعضای انجمن شوروی روحانی عدّه وکلای هر قسمتی تعیین و اعلان و ابلاغ شود. (۶)

۲ - باید امنای محفل مرکزی طهران پس از مشاوره و مخابره با این عبد عدّه وکلای هر قسمتی از قسمت های امریه آن سامان را به کمال دقّت تعیین و اعلان نمایند و عدّه وکلاء در هر

قسمتی باید بالنسبه به عدد مؤمنین و مؤنات آن قسمت باشد و مجموع وکلاء از نود و پنج تجاوز ننماید و در وقت حاضر هیأت وکلاء باید محصور به مؤمنین باشد و چون حجاب بالکلیه مرتفع گردد نساء با رجال در عضویت این هیأت و محفل ملی روحانی هر دو مشارکت خواهند نمود. (۷)

۳ - عقد مشورت... در ایجاد وسائل و رفع موانع و تأمین موجبات انتخاب هیأت وکلاء و اجتماع و اکثریت آن هیأت مجلّه در هر سنه در عاصمه مملکت... .

۴ - ... باید مؤمنین و مؤنات از سنّ بیست و یک و مافوق آن در هر سنه و در هر قسمتی علی حدّه به کمال توجه و همت و دقت وکلای خویش را از مابین آن قسمت رأساً انتخاب نمایند چنانچه از قبل تأکید گشته باید کلّ مشارکت نمایند و کناره نگیرند و استعفا نمایند و کلّ بدانند که انتخاب در جامعه بهائیان سرّی و عمومی و آزاد است و از تدابیر و تشبّثات و مفساد و مکاره اهل دسیسه و عدوان به کلی منزّه و مبرا است و آنچه از تفرّعات کیفیت انتخاب محسوب راجع به امنای محفل مرکزی طهران است... اجتماع وکلای منتخبه بهائیان در عاصمه مملکت ... اکثریت اعضای محفل که عدد آن در این ایام به نه منحصر گشته مرتّباً در نقطه ای مجتمع گردند... به کمال حزم اقدام به انتخاب آن محفل مجلّل روحانی نمایند... .

۶ - ... باید هیأت وکلاء که منتخبین جمهور بهائیانند در اجتماعی که اقلّاً شصت نفر از آن در مدینه طهران در حظیره القدس مرکزی رأساً و مستقیماً از بین عموم مؤمنین ساکنین آن اقلیم اعضای محفل ملی روحانی را انتخاب نمایند و اما

وکلائی که از حضور در این جلسه ممنوع و محروم گشته اند البته باید رأی خویش را کتباً به مرکز اجتماع ارسال دارند... اعضای این هیأت مجلّه که از اعمده بیت عدل اعظم محسوب من بعد به بیت عدل خصوصی اقلیم ایران موصوف و معروف خواهد گشت افراد جامعه رأساً انتخاب نمایند و محافل مجلّه و این عبد را نیز به هیچوجه من الوجوه حقّ مداخله نبوده و نیست...“ (۸)

”... اگر کانونشن توأم با انتخاب محفل ملّی در روز اوّل رضوان عملی نمی‌شود بایستی اقلّاً در مدّت ایّام رضوان عملی گردد. وقت و محلّ کانونشن را باید محفل ملّی معین نماید که تجدید انتخاب شود اگر قرار گذاشت که منعقد نشود باید نوعی کند که به مکاتبه صورت گیرد و اگر یکی از نمایندگان نتواند در اجتماع حاضر شود عیبی نیست که رأی خود را کتباً به عنوان منشی ملّی ارسال دارد ولی در وهله اوّل وجود و حضور هر نماینده در انجمن ملّی ضرورت دارد تا بتواند بعد از مراجعت وقایع انجمن و تصمیمات و پیشرفت امر را به انتخاب کنندگان و غیرهم برساند...“ (۹)

کیفیت و مقصد انجمن شور روحانی ملّی

در کتاب نظامات بهائی از صفحه ۱۲۱ تا ۱۲۶ ترجمه قسمتهائی از آثار مبارکه حضرت ولی امرالله را تحت عنوان بالا و ذیل هشت شماره مذکور گشته که عیناً نقل می‌گردد:

۱ - در آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء صریحاً مذکور است که محافل روحانیه ملّی باید به طور غیر مستقیم از طرف یاران انتخاب گردد به این معنی که یاران هر کشور باید یک

عده نماینده تعیین نمایند و این نمایندگان به نوبه خود از بین کلیه یاران آن کشور اعضای محفل روحانی ملی را انتخاب نمایند... در هر محلی که عده احبای بالغ تسجیل شده بیش از نه نفر باشد یاران باید آن عده وکلای را که به نسبت تعداد نفوس آن نقطه تعیین شده‌اند انتخاب کنند و سپس این وکلای منتخبه حتی الامکان حضوراً و الا کتباً با توجه و تمعن به جریان امور امر در کلیه کشور از بین یاران آن کشور نه نفر را انتخاب و این نه نفر اعضای محفل روحانی ملی خواهند بود.

۲ - تا به حال انجمن شور روحانی اصولاً برای این منظور تشکیل می‌شده که مسائل مختلفه مربوط به انتخاب محفل روحانی ملی را مورد دقت و مطالعه قرار دهد ولی به نظر این عبد با توجه به توسعه و اهمیت روزافزون دائره امرالله و افکار و تمایلات یاران و روابط متزایده بین محافل روحانیه ملیه در سراسر عالم بهائی انجمن نمایندگان احبای امریکا باید نه تنها به وظیفه اصلی خویش یعنی انتخاب اعضاء محفل ملی مبادرت نمایند بلکه باید آنطور که شایسته يك هیئت مترقی است با مشاورات و اشتراك مساعی خود سبب ازدیاد تجربه و علو شأن و تقویت مقام و كمك فکری محفل روحانی ملی گردد.

عقیده راسخ این عبد بر آنست که از لحاظ منافع امرالله اعضای محفل ملی جدید پس از آنکه از طرف وکلای انجمن شور روحانی انتخاب شدند باید از آراء و افکار نظریات هیئت نمایندگان استفاده کامل بنمایند.

اعضای محفل روحانی ملی باید از روش استتار و استکبار و مضایقه از ابراز عقاید و افکار اجتناب ورزیده و

نقشه‌ها و آمال و مشکلات خود را با کمال مسرت و نشاط به نظر نمایندگان برسانند. آنان باید خاطر نمایندگان را به مسائل مختلفه که در سال جاری محتاج توجه و مطالعه است آشنا سازند و آراء و افکار نمایندگان را قلباً و قالباً مورد استفاده قرار دهند. محفل ملی جدیدالانتخاب در طی دوره انعقاد جلسات انجمن و پس از خاتمه آن باید طرق و وسائلی فراهم نمایند تا حسن تفاهم ایجاد و موجبات تبادل آراء تسهیل و اطمینان و اعتماد ازدیاد یافته و از هر جهت ثابت نمایند که یگانه میل و آرزوی آنان همانا خدمت و کوشش در راه سعادت عموم است. چه بسا اتفاق می‌افتد که پست‌ترین و بی‌تجربه‌ترین افراد احباً بر اثر خلوص و انقطاع صرف مؤید به الهاماتی می‌شود که می‌تواند در دقیقترین مباحث شرکت کرده و رأی و نظر صائب و ممتازی ابراز دارد. نفوسی که از طرف نمایندگان برای احراز مقام ارجمند عضویت محفل انتخاب می‌شوند باید به ظهورات مهمه خفیه قوه الهام که از خلوص و انقطاع محفل ناشی می‌شود توجه تام مبذول دارند معذک نظر به اینکه تشکیل دوره اجلاسیه طولانی و متعدد انجمن شور روحانی مواجه با مشکلات و موانعی است لهذا اتخاذ تصمیمات نهائی نسبت به کلیه مسائلی که مربوط به مصالح امرالله در امریکا است با محفل روحانی ملی خواهد بود مانند قضاوت در اینکه فلان محفل محلی طبق اصول مقررّه مربوط به اداره و پیشرفت امور امریه عمل می‌نماید یا خیر.

رجای واثق این عبد آنست که اعضای محفل با توجه به مقام پرمسئولیت خود نه تنها هم خود را برای حسن اداره امور

امریه مصروف بلکه در سبیل همکاری با افراد و جامعه همواره در تحکیم و توسعه روح مودت و تعاضد صمیمانه نهایت کوشش را مبذول دارند. حق رسیدگی به اعتبار نامه‌های نمایندگان انجمن شور روحانی به عهده محلل روحانی ملّی سابق است و در هنگام تشکیل محلل روحانی محلی جدید تشخیص و تعیین صلاحیت افراد ذیرأی و همچنین در مورد بروز اختلاف بین یک فرد و محلل روحانی محلی در موضوع حق رأی قضاوت نهائی به عهده محلل روحانی ملّی است. در موقع انعقاد جلسات انجمن شور روحانی و بعد از آنکه نمایندگان از بین احبّای آن کشور اعضای محلل روحانی ملّی را برای سال جاری انتخاب کردند آنچه نهایت اهمّیت و لزومیت را دارد اینست که حتی المقدور کلیه مسائلی که محتاج به تصمیم فوری است به طور کامل و علنی مورد توجه قرار داده همواره سعی نمایند تصمیمات مهمه پس از شور کافی به اتفاق آراء اتخاذ شود. حضرت عبدالبهاء همواره شائق و مایل بودند که احبّاء در مشاورات خود اعم از محلی و ملّی با رعایت صراحت و حسن نیت و وحدت نظر و شور کافی در کلیه مسائل اتفاق رأی حاصل نمایند و هر گاه این رویه در مواردی میسر نگردد رأی اکثریت قاطع است و اقلیت باید در جمیع احوال با کمال سرور و رغبت تبعیت نمایند. جز تأییدات نافذه محیطه الهیه و قوه محبت الله ممکن نیست این نظم بدیع الهی در میان طوفان شدائد و بلایای عصر کنونی قوت یافته و نشو و نما نماید و دعوی بزرگ خود را مبنی بر اینکه جمیع اهل عالم باید آنرا یگانه ملجاء سعادت و صلح دائمی بشناسند، بالمآل به ثبوت رسانند. بدیهی است در چنین

موقعیتی وجود محفل روحانی ملى فوق العاده ضروری است و اهمیت خاص آن غیر قابل انکار است زیرا محفل روحانی ملى به منزله محوری است که جمیع مجهودات احبای امریکا در حول آن طائف است. مقام محفل روحانی ملى شامخ و مسئولیت آن خطیر و وظائف آن بی شمار و دشوار است. امنای محفل روحانی ملى که باید با خدمات درخشان خود تاریخ امرالله را زینت بخشند انتخابشان به عهده نمایندگان انجمن شور روحانی محول گشته و این خود افتخاری است بس عظیم و وظیفه ای بی نهایت مهم. چنانچه به فضائل و کمالات مختصه اعضای محافل روحانیه به قسمیکه حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه آن را توصیف فرموده اند ناظر گردیم به عدم لیاقت و ناتوانی خود پی برده و به کلی از خود مأیوس می شویم ولی چیزی که مایه تسلی خاطر است آنکه هر گاه کماینبغی قیام به انجام وظائف خود نمائیم کلیه نواقص حیاتی ما بر اثر فیض و نزول عنایات لانهایه او جبران خواهد شد بنابراین وظیفه نمایندگان منتخبه آنست که بدون کمترین شائبه نظر و غرضی و بدون هیچگونه ملاحظات مادی فقط نفوسی را در نظر گیرند که صفات لازمه وفاداری صرفه و خلوص محضه و حسن درایت و لیاقت و کفایت و تجارت کافیه را بیش از سایرین حائز باشند.

۲ - راجع به انعقاد انجمن شور روحانی سالیانه این عبد معتقد است با اینکه تشکیل این هیئت نمایندگان همه ساله حتمی و ضروری نیست معذک نظر به اینکه این هیئت در ایجاد الفت و اتحاد و رفع سوء تفاهات و اعتلای مقام امرالله عامل مهمی به شمار میرود محفل روحانی ملى باید برای تشکیل

سالیانه هیئت نمایندگان جامعه بهائی... اهتمام وافى مبذول دارد. چنانچه محفل روحانی ملّی بتواند ترتیبی دهد که انعقاد انجمن شور روحانی مقارن تجدید انتخابات محفل ملّی گردد هر چند ضرورت قطعی ندارد ولکن از بعضی جهات مناسب تر و مطلوب تر است و این دو امر یعنی انعقاد انجمن شور و تجدید محفل ملّی اگر در یوم اوّل رضوان مقدور نباشد باید لااقل در ظرف این دوازده روز که فی الحقیقه اعظم اعیاد بهائی محسوب است انجام پذیرد. به غیر از انتخابات محافل محلیه که باید عموماً در اوّل رضوان تجدید گردد تعیین وقت و محل انعقاد انجمن شور روحانی و انجام انتخابات ملّی کاملاً بسته به نظر محفل روحانی ملّی است که با توجه به مراتب در این مورد تصمیم اتخاذ نمایند. چنانچه محفل روحانی ملّی پس از دقت و تمعّن کامل صلاح بداند که در یکسال انجمن شور روحانی تشکیل نگردد در این مورد به خصوص می توان طرق و وسائلی در نظر گرفت که انتخابات سالیانه محفل روحانی ملّی با ارسال آراء به وسیله پست انجام یابد مشروط براینکه اجرای آن به طور کامل و از روی نظم و سرعت امکان پذیر باشد در عین حال باید به هر یک از نمایندگان منتخب این نکته را تصریح نموده و همواره تذکر داد که حضور آنان در صورت امکان در جلسات انجمن شور وظیفه ای مقدّس و امری لازم است تا در کلیه امور انجمن عملاً شرکت نمایند و در موقع مراجعت همکاران خود را از اقدامات و تصمیمات و آمال و کلاء جامعه بهائیان امریک مستحضر نمایند. اما اگر نمایندگانی باشند که مسافرت آنان به محلّ انعقاد انجمن شور مقدور نباشد در این

صورت به نظر این عبد باید آنان را مختار و یا حتّی ملزم نمایند که آراء خود را فقط در مورد انتخاب اعضای محفل روحانی مّلی به وسیلهٔ پست برای منشی به محفل ارسال دارند زیرا تصوّر می‌رود این ترتیب بر مراتب مندرجه در مکتوب آن محفل مزیت داشته باشد.

۴ - راجع به بهترین و عملی‌ترین روشی که باید در مورد انتخاب محافل روحانی بهائی اتّخاذ شود به نظر این عبد چون دستورات معین و مشروحو که طرز و کیفیت انتخابات بهائی را تشریح نماید نه از قلم حضرت بهاءالله صریحاً نازل و نه در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء مذکور است لهذا اعضای بیت العدل عمومی موظّفاند يك رشته قوانین وضع و اجراء نمایند که منطبق با مبادی و اصولی باشد که مؤسس و مبین امرالله برای اداره کردن امور جامعهٔ بهائی مقرر فرموده اند بنابراین این عبد از تعیین روش قطعی و متّحدالشکلی جهت انتخابات محافل روحانیه در شرق و غرب عالم خودداری و آنان را آزاد گذارده است تا طرز عملی را که غالباً از بیست سال قبل از صعود مرکز میثاق بدان رفتار نموده اند ادامه دهند. آنچه در شرق عموماً معمول است اینست که انتخابات بر اساس اکثریت نسبی است نه اکثریت مطلق یعنی وکلائی که عدّهٔ آراء آنها از همه بیشتر است صرف نظر از اینکه از مجموع آراء حائز اکثریت مطلقه باشند یا نه بالطبع و به طور قطع انتخاب می‌گردند با اینکه ظاهراً عیب این طرز عمل آنست که شخص منتخب از مجموع آراء اکثریت مطلقه را به دست نمی‌آورد ولی در عوض این عیب بزرگتر را زائل می‌کند که

آزادی شخص انتخاب کننده محفوظ می ماند یعنی بدون تقید به تشریفات انتخاباتی به نفوسی رأی می دهد که در اثر دعا و توجّه به خاطر او خطور کند به علاوه موضوع کاندید کردن اشخاص به حالت آرامش و توجّهی که لازمه انتخابات بهائی است لطمه وارد می سازد و موجب عدم اعتماد است زیرا این روش به کسانی که از بین عدّه کاندیدهای محفل حائز اکثریت اند و با توجّه به اوضاع حاضر اغلب در برابر مجموع نمایندگان انجمن شور در اقلیت می باشند مجال خواهد داد که حقّی را که خداوند به هر فرد انتخاب کننده عطا فرموده از او سلب نمایند و آن حقّ آنست که انتخاب کننده هرکس را وجداناً از همه لایق تر می شناسد انتخاب کند. هرگاه این روش ساده موقتاً اتخاذ گردد آزادی کامل انتخاب کننده که حقّ روحانی اوست حفظ و تأمین خواهد شد و در نتیجه آراء اولیّه رأی دهنده محفوظ و مصون خواهد ماند و ضمناً از اشکالاتی که در تحصیل اسامی کاندیدها از نمایندگان غائب پیش می آید جلوگیری نموده و از شرکت دادن نمایندگان غائب در آراء بعدی که غالباً برای حصول اکثریت آراء لازم است و امری است غیر عملی احتراز خواهد گردید.

۵ - میل مبارک بر آنست که محفل روحانی ملی این نکته را به احبّای آن اقلیم متذکّر گشته کاملاً تصریح نماید که یگانه هیئت عالیّه در امریکا و کانادا که مختار و موظّف به وضع و اصلاح الغای اصول اداری با تصویب حضرت ولی امرالله (بیت العدل اعظم) می باشد محفل روحانی ملی است نه انجمن شور روحانی هر چند که انجمن مزبور از طرف جمهور احبّاء انتخاب می گردد. از طرف دیگر وظیفه مقدّس و مهمّ محفل ملی آنست که

به هیچ وجه آزادی نمایندگان انجمن شور را که مکلف به انتخاب امنای محفل ملی و تقدیم هر گونه پیشنهادات مفیده می‌باشند محدود ننماید، نظریاتی را که محفل (انجمن) شور روحانی ابراز می‌دارد صرفاً جنبهٔ پیشنهاد و توصیه را خواهد داشت و با اینکه از برای محفل ملی که در مورد مسائل اداری حق اتخاذ تصمیم نهائی را دارد اظهار نظر نمایندگان این انجمن لازم الاجراء نخواهد بود معهذا نهایت دقت و مراقبت به عمل آید که نمایندگان مزبور بتوانند بلامانع و با کمال آزادی وظائف خود را انجام دهند هیچگونه اعمال نفوذ و یا فشار از هر ناحیه ولو از طرف محفل روحانی ملی نباید در هیچ مورد در نظریات نمایندگان انجمن شور روحانی تأثیرنموده و آزادی آنها را محدود نماید. نمایندگان مزبور باید از تشکیلات اداری جدا و مستقل بوده وظیفهٔ خود را با نهایت خلوص انجام داده توجه خویش را به امور مهمهٔ ضروری معطوف نمایند.

نظر مبارک بر این است که حق انتخاب رئیس و منشی انجمن باید به هیئت نمایندگان تفویض گردد تا مبادا چنین تصور شود که اعضای محفل ملی سابق در صداند جریان مذاکرات را طوری ترتیب دهند که به نفع شخصی آنان تمام شود با وجود این محفل ملی باید همواره مواد اساسنامه و نظامنامهٔ محفل را که از برای محفل و انجمن شور هر دو لازم‌الاطاعة است با کمال دقت مورد رعایت و حمایت و اجراء قرار دهند. محفل روحانی ملی حق وضع و اجراء و تغییر اساسنامهٔ ملی جامعهٔ بهائیان آن اقلیم را خواهد داشت ولی چنانچه محفل فی‌الحقیقه بخواهد کاملاً رعایت اساسنامه را بنماید نمی‌تواند

یکرشته نظاماتی را وضع نماید که آزادی مطلق نمایندگان را در اظهار نظر و انتخاب افراد شایسته‌ای که حائز شرایط لازمه جهت عضویت این هیئت عالی باشند محدود نماید ولو هر قدر این نظامات جزئی و فرعی باشد.

رأی مبارک آنست که کسانی که نمایندگان در جلسات حضور دارند حق مداخله مستقیم در مذاکرات انجمن شور روحانی نخواهند داشت و چنانچه نظریاتی داشته باشند می‌توانند به وسیله یکی از نمایندگان به طور غیر مستقیم اظهار عقیده کرده و به این نحو در مذاکرات انجمن مزبور شرکت جویند و هر گاه از برای این جلسات که در درجه اولی اختصاص به نمایندگان جامعه بهائی دارد قیود و نظاماتی وضع نشود شکی نیست که در آینده بی‌نظمی و اختلال کلی رخ خواهد داد. با وجود این محدودیت، محفل ملی موظف است موجباتی فراهم کند که هر نماینده بتواند از همکاران خود بلکه از عموم احباء کسب نظر و اطلاعات نماید. حضرت ولی‌امرالله از هیچیک از اصول مسلمة اداری منحرف نگشته‌اند یعنی نه اختیارات تقنینیه محفل روحانی ملی را سلب و نه اختیارات بی‌موردی به انجمن شور تفویض فرموده که بتواند با محفل ملی رقابت نموده و یا بر آن تفوق جوید. منظور مبارک آنست که خاطر یاران را بیش از پیش به این دو اصل مهم اداری متوجه سازند یکی اینکه از اختیارات تام و مطلق محفل روحانی ملی در اموری است که بر طبق اساسنامه و نظامنامه معین شده است و دیگر آنکه نمایندگان انجمن شور روحانی در اظهار نظر و شور و وسائل امری و انتخاب اعضاء محفل ملی آزادی کامل دارند.

حضرت ولی امرالله اطمینان دارند که آن محفل این اصول مسلمة را توضیح و تشریح و انتشار کامل خواهند داد زیرا ترقی و تعالی و وحدت مؤسّسات ادارى بهائى به این اصول بستگی دارد. در این مورد باید نهایت دقت و مراقبت به عمل آید که مبادا نسبت به این مسائل مهمه سوء تفاهات دیگری حاصل گردد. با اجرای این دستورات اسّ اساس تشکیلات امرى کاملاً محفوظ و ادنى انحرافى از اصول مسلمة آن حاصل نگردیده و اختیارات کامل محفل ملى امریکا تأیید و آزادى تمام افراد نمایندگان بهائى در اجرای وظائف محوّله بار دیگر تأکید و تصریح می‌گردد و پیشرفت و موفقیت تشکیلات بهائى که حضرت عبدالبهاء آن را تأسیس فرمودند منوط به همکارى دائم و نزدیک محفل روحانى ملى و انجمن شور روحانى بهائیان امریکا است امید و طید چنان است که انجمن شور روحانى سال آینده شاهد انجام این دو اصل اصیل گردد.

۶ - راجع به مقام و اختیارات و امتیازات انجمن شور روحانى حضرت ولی امرالله مایل اند این موضوع برای عموم یاران کاملاً روشن گردد که این مجمع سالیانه نمایندگان به هیچ وجه انجمن شورى نیست که در تمام سال برقرار باشد و وظائف دوگانه آن یعنی انتخاب اعضاى محفل ملى و دادن پیشنهادهاى عملى در مورد اداره امور امرى محدود به مدت معینى است و بالنتیجه نظر بعضى از یاران مشعر بر اینکه نمایندگان انجمن شور در تمام سال به سمت مشاور باقى خواهند ماند با اصول مسلمة ادارى امر مباینّت دارد هر چند که این اصول هنوز کاملاً مشخص و معین نگشته است. عقیده

راسخ حضرت ولی امرالله این است که میان محلل ملّی و جمهور احبّاء مشورت باید همواره برقرار باشد و این مشورت مادام که انجمن شور روحانی منعقد نیست بهتر آنست به وسیله محافل محلّی به عمل آید زیرا یکی از وظائف اساسی محافل مزبور آنست که بین جامعه های محلّی با امناء محلل ملّی واسطه باشند. مقصد اصلی از انعقاد ضیافات نوزده روزه آنست که افراد احبّاء بتوانند هرگونه نظر و پیشنهادی داشته باشند به محلل محلّی تقدیم نمایند که آن محلل هم به نوبه خود پیشنهادهای مزبور را به محلل ملّی ارسال دارند بنابراین محفل محلّی تنها وسیله صلاحیتداری است که جامعه های محلّی بتوانند بدانوسیله با امناء محلل ملّی ارتباط حاصل نمایند و انجمن شور روحانی را باید به منزله هیئت موقّتی دانست که در ظرف مدت محدود باید وظائف معینی را انجام دهد و به این ترتیب دوره عمل آن محدود به همان چند جلسه ایست که تشکیل می دهد و امر مشاوره در سایر اوقات به عهده هیئت جامعه است که به وسیله محافل روحانیّه محلّیه صورت می گیرد.

۷ - این عبد لازم می داند بدون ادنی تردید و ابهام این نکته را تأکید نماید که انجمن شور روحانی سالیانه هیئتی نیست که بتواند مانند پارلمانهای معمولی حکومتهای دموکراسی وظائفی انجام دهد. نظم اداری بهائی را که از تعالیم حضرت بهاءالله سرچشمه می گیرد و یاران امریکا در سبیل تحقّق آن بذل همت نموده اند نباید به هیچ وجه با اصول دموکراسیهای موجود مقایسه نموده و یا با حکومتهای اشرافی و یا استبدادی مشابه دانست زیرا نظم اداری بهائی به کلّی

منزّه و مبرّی از معایب این نوع حکومتها است و حقایق عالیه و عوامل مفیده‌ای که در گذشته آیام هر يك از این حکومتها به هیئت اجتماع اعطا کرده‌اند در نظم اداری بهائی چنان به هم آمیخته که در دستگاه‌های سیاست بشری تا کنون سابقه نداشته است و اساس و شالوده این نظم بدیع بر مشورتی است که با آزادی و صراحت توأم باشد هر چند اختیارات در دست امناء محفل ملی متمرکز است ولی در مرحله اولی قدرت و ابتکار ناشی از هیئت جامعه است که به وسیله انجمن شور اعمال می‌گردد. وکلای انجمن شور روحانی دارای دو وظیفه‌اند که فوق‌العاده مهمّ و منحصر به آن هیئت است و آن وظائف عبارتند از اینکه به کمال روح و ریحان اقدام به انتخاب امنای محفل ملی نمایند و نیز در اوقات معین با اعضای محافل قدیم و جدید با نهایت آزادی و تعمّق به مشورت پردازند. بدیهی است انجمن شور روحانی بدون همکاری نزدیک و دائم بین تشکیلات مختلفه بهائی موفق به انجام وظائف عالیّه خویش نخواهد گردید.

۸- راجع به مقام و موقعیت اعضای محفل قدیم و جدید

در جلسات انجمن شور روحانی نظر حضرت ولی امرالله آنست که باید اعضای هر دو محفل کاملاً حقّ شرکت در مذاکرات انجمن را داشته باشند و آن عده از اعضای محفل که سمت نمایندگی انجمن شور را دارا باشند علاوه از شرکت در مذاکرات حقّ ابدای رأی نیز خواهند داشت تا بدین ترتیب از مذاکرات و پیشنهادات نمایندگان نتیجه بهتر حاصل گردد. به عقیده مبارک اعضای محفل روحانی ملی با استفاده از این حقّ می‌توانند با اعضای انجمن شور روحانی با کمال دقت و

صراحت مشاوره و تبادل نظر نموده و مصالح و احتیاجات امرالله را مورد توجه قرار دهند. این اقدامات به نظر مبارک از اهمّ وظائف انجمن شور روحانی میباشد. (ترجمه)

با توجه به اینکه ضمن دستورات مبارکه مولای توانا به دفعات ذکر محفل ملی امریکا و جامعه بهائیان امریک شده متذکر می‌گردد که دستورات مبارکه در باره اصول نظم اداری بهائی چه به کشورهای غربی و چه شرقی کلاً جنبه عمومی داشته و در سراسر عالم بهائی مجری است به طور مثال محفل روحانی ملی امریکا بر اساس دستورات مبارکه مشروحه‌ای در باره انجمن شور روحانی ملی تهیه و به حضور مبارک تقدیم داشته‌اند و مولای علیم در ذیل آن دستور فرموده‌اند که نسخه‌ای جهت محفل روحانی ملی ایران برای دلالت آنان ارسال گردد. ترجمه مشروحه مزبور از کتاب نظامات بهائی صفحه ۱۲۷ تا ۱۴۶ تحت عنوان "انجمن شور روحانی و دستور طرز اداره..." عیناً نقل می‌گردد.

انجمن شور روحانی

۱ - انجمن شور روحانی دارای دو وظیفه مخصوص است یکی شور در امور جاری و دیگری انتخاب محفل روحانی ملی مذاکرات باید آزاد و بلامانع باشد و انتخاب محفل باید با روح تضرع و توجه که یگانه وسیله اطاعت و انقیاد از نوایای حضرت ولی‌امرالله است انجام گیرد.

پس از آنکه رئیس محفل ملی انجمن را افتتاح و منشی محفل به حضور و غیاب نمایندگان مبادرت نمود انجمن شور روحانی با رأی مخفی بر وفق اصول انتخابات بهائی اقدام به

انتخاب رئیس و منشی خواهد نمود.

۲ - به غیر از نمایندگان کسی نمی‌تواند در مذاکرات انجمن شرکت نماید مگر اعضای محفل روحانی ملی که حق شرکت در مذاکرات دارند از اعضای محفل هم فقط کسانی که به نمایندگی انتخاب شده‌اند در موقع اخذ رأی در مسائل مورد شور ابدای رأی خواهند کرد.

۳ - مسئولیت تقدیم راپرت اقدامات محفل و لجنات ملیه در سنه ماضیه بر عهده محفل روحانی ملی سابق است انتخاب محفل ملی باید در اواسط جلسات انجمن صورت گیرد تا محفل روحانی لاحق بتواند با نمایندگان مشورت کند.

۴ - انجمن آزاد است که علاوه بر مطالب مذکوره در راپرتهای سالیانه هر گونه مطالب دیگری را مورد بحث قرار دهد. انجمن موظف است برای اداره و انتظام مذاکرات مقرراتی وضع نماید مثلاً به وقتی که برای اظهارات نمایندگان اختصاص داده میشود یا هرگاه وقت بیشتری تقاضا نمایند چه محدودیتی میتوان قائل شد. برای اینکه نمایندگان بتوانند به طور کامل و در نهایت آزادی و بدون فشار و مضیقه به انجام وظائف خویش بپردازند محفل روحانی ملی حق نمایندگان را محفوظ خواهد داشت.

۵ - رسمیت انجمن شور روحانی تنها محدود به مدتی است که دوره اجلاسیه آن برقرار است و پس از ختم جلسات هیچ نوع وظیفه‌ای نخواهد داشت مگر انتخاب کسری اعضاء محفل که ممکن است در جریان سال پیش آید.

۶- انجمن در حین انعقاد هیچ نوع وظائف مستقل

تقنینی و یا اجرائی و یا قضائی ندارد و برای اقدامی که در مورد انتخاب محل روحانی ملی معمول می‌دارد مذاکرات انجمن تصمیمات قاطعه نبوده بلکه به منزله توصیه‌ایست که بر وفق دستورات مبارک حضرت ولی‌امرالله باید مورد مطالعه دقیق محل روحانی ملی قرار گیرد.

۷- محل روحانی ملی بالاترین هیئت اداری بهائی در جامعه بهائیان امریکا است و حاکمیت آن بلاانقطاع در طول مدت انجمن مثل بقیه سال و بدون در نظر گرفتن شخصیت افرادی که محل را تشکیل می‌دهند ادامه دارد. هر موضوعی که مستلزم اتخاذ تصمیم تقنینی و یا اجرائی و یا قضائی باشد اعم از اینکه در مدت انعقاد انجمن و یا هر موقع دیگر پیش آید باید به محل روحانی ملی مراجعه شود. محل روحانی ملی مسئول تنفیذ اصول اداری مربوط به انعقاد انجمن است چنانچه مسئول اجرای کلیه و سایر اصول اداری امری نیز می‌باشد. بنابراین اگر انجمن از اصول مقرر از طرف حضرت ولی‌امرالله در باره انجمن‌های شور منحرف شود و از حدود وظائف محوله خویش تجاوز نماید فقط در این صورت محل روحانی ملی می‌تواند و باید مداخله نماید و تصمیم در این باب که چه وقت و به چه سبب این قبیل مداخله لازم است از اختیارات محل ملی است نه انجمن شور روحانی.

۸- محل روحانی ملی در قبال وکلاء و تمام جامعه یاران خود را موظف میداند کلیه حقایق را که برای روشن کردن مطالب مورد بحث در انجمن لازم است توضیح و تشریح نماید. در این انجمن مهم هرگاه نظریه‌ای ناقص و یا ناصواب حکمفرما

گردد دلیل بر این است که شور واقعی بهائی صورت نگرفته است. "محفل روحانی ملی مشروحهٔ شما راجع به انجمن شور روحانی قابل تحسین و کاملاً مورد تصویب حضرت ولی امرالله واقع گردید ارادهٔ مبارکشان آنکه نسخه‌ای از آنرا به اسرع مایمکن به محفل روحانی ملی ایران برای تعلیم و هدایت آنان ارسال دارند. شوقی ربّانی"

دستور طرز ادارهٔ انجمن شور روحانی سالیانه

مقدمه

۱ - انجمن شور روحانی

خلاصه‌ای از اصول تشکیلاتی انجمن شور روحانی از طرف محفل روحانی ملی تهیه و به تصویب حضرت ولی امرالله رسیده است. خلاصه مزبور در ورقهٔ اخبار امری امریکا مورّخهٔ آوریل ۱۹۲۵ طبع و منتشر گردیده مقتضی است به موادّ هفت‌گانهٔ آن مراجعه فرمائید.

۲- دعوت انجمن شور روحانی

محفل روحانی تاریخ و محلّ انعقاد و دور عمل انجمن شور روحانی را تعیین و وسیلهٔ تشکیل جلساتی را که از لحاظ انجمن شور روحانی لازم می‌داند فراهم خواهد کرد.

۳- دستور انجمن شور روحانی

در بیست و ششمین انجمن شور روحانی منعقد در سال ۱۹۲۴ رأی داده شده که به محفل روحانی ملی توصیه و از آن تقاضا شود که برای ادارهٔ انجمن شور روحانی نظامات پارلمانی در نظر گرفته شود و موادّ حاضر برای رفع حوائج منظوره تهیه شده است:

پروگرام کار

تلاوت مناجات و آیات مبارکه که از طرف محفل روحانی ملی سابق تهیه شده باشد، افتتاح انجمن از طرف رئیس محفل روحانی ملی، حاضر و غایب کردن نمایندگان به وسیله منشی محفل روحانی ملی، انتخاب رئیس و منشی انجمن شور روحانی ملی با رأی مخفی، هیئت عامله انجمن باید به وسیله نمایندگان حاضر در انجمن و از میان کلیه نمایندگانی که حضور دارند انتخاب شود، قرائت راپرت سالیانه محفل روحانی ملی، عرض پیام انجمن به حضرت ولی امرالله (بیت العدل اعظم)، قرائت راپرت های سالیانه لجنه ها که قسمتی از راپرت سالیانه محفل روحانی ملی به شمار میرود و در صورت امکان باید قبل از انعقاد انجمن در ورقه اخبار امری برای اطلاع نمایندگان درج گردد.

مواضع شور

هر يك از نمایندگان قبل از انعقاد انجمن می‌توانند مواضعی را که حائز اهمیت کافی برای قید در پروگرام انجمن (تشخیص) بدهند به محفل روحانی ملی پیشنهاد نمایند و محفل روحانی ملی باید از صورت مواضع واصله از نمایندگان و همچنین از مطالبی که در نتیجه اطلاعات و تجربیات خود مقتضی میداند دستور یا پروگرام کار تهیه و به انجمن توصیه نماید. از جمله مواردی که ممکن است در دستور قرار گیرد و قسمتی از راپرت محفل ملی را تشکیل میدهد مواضع مخصوصه از طرف اعضای صلاحیت دار و نمایندگان لجنه ها و یا متفنین غیر بهائی است که اظهار نظر آنان برای اطلاع انجمن مفید باشد.

بنا بر پيشنهادى كه رسماً تقديم و تأييد و تصويب شود ممكن است هر يك از مواضع شور را حذف و نيز بنا بر پيشنهادى كه رسماً تقديم و تأييد و تصويب شود ممكن است موضوع ديگرى را براى شور پيشنهاده نمود.

(موقع) انتخابات ساليانه

انتخاب اعضاى محفل روحانى ملى بايد تقريباً در اواسط دوره جلسات انجمن به عمل آيد تا وكلاء بتوانند بر طبق نوآيى مصرّحه حضرت ولى امرالله با محفل روحانى سابق و لاحق هر دو مشاوره نمايند.

اداره كار

هر هيئتى كه به منظور شور تشكيل ميشود و براى اينكه وظائف خود را به نحو احسن اجراء نمايد بايد مذاكرات خود را طبق اصول و قواعد معينى انجام دهد. دستور شورى كه در اين مورد براى انجمن شور روحانى تدوين شده مبتنى بر دستورالعملى است كه در مورد جلسات محافل روحانى محلى و جامعه هاى بهائى اتخاذ گرديده است. بنا بر اين همان دستورالعملى كه نمايندگان در مورد سائر اجراءات امرى خود براى مذاكره و شور به كار ميبرند در جلسات انجمن شور روحانى نيز مجرى و معمول خواهد بود. مشورت در انجمن شور روحانى جهت تأمين سه منظور ذيل است:

حصول اطلاع كامل از اوضاع و احوال جاريه و مشاكل موجوده و اقدامات ممكنه در امور امريه امريكا، تقديم آراء حكيمانه و راهنمايى ها و پيشنهادهات مفيده نمايندگان انجمن شور روحانى به محفل روحانى ملى لاحق، تقويت مبانى وحدت

جامعه بهائیان امریکا روحاً و عملاً.

آزادی هر يك از نمایندگان برای شرکت در مذاکرات و ابدای پیشنهادات محفوظ است مگر در مواقعی که حرکات بی‌رویه یکی از نمایندگان به حقوق سایر نمایندگان لطمه وارد سازد. هر نوع تحدیدی که نسبت به مذاکرات افراد نمایندگان لازم باشد چنانچه مقررات خاصی از طرف خود نمایندگان در آن باب وضع نشده باشد به اختیار و رأی رئیس انجمن خواهد بود. وظیفه رئیس انجمن شور تشویق نمایندگان به شرکت در شور عمومی و فراهم نمودن موجبات مشارکت عملی اکثریت عدّه نمایندگان حاضر در مذاکرات خواهد بود. رئیس انجمن شور دارای همان اختیار و مسئولیتی است که سایر نمایندگان در مورد مباحثات و تصویب پیشنهادات دارا می‌باشند. اعضای محلل ملی سابق و لاحق که سمت نمایندگی ندارند می‌توانند در مذاکرات شرکت نمایند ولی حق رأی نخواهند داشت. هیچ طرح تصمیم یا پیشنهادی مورد شور و اخذ رأی قرار نمی‌گیرد مگر اینکه مطابق مقررات تقدیم و تأیید شده باشد. بهتر است هر طرح تصمیمی فی نفسه روشن و کامل باشد ولی همین که طرح اصلاحی تقدیم و تأیید شد رئیس ابتدا به طرح اصلاحی و سپس به اصل پیشنهاد رأی خواهد گرفت هر طرح اصلاحی باید مربوط به اصل پیشنهاد باشد نه مخالف آن، رئیس انجمن با اظهار شفاهی موافق و مخالف رأی می‌گیرد ولی در موردیکه نتیجه آراء مشکوک باشد ممکن است با بلند کردن دست یا برخاستن رأی گرفته شود. رأی اکثریت مناط اعتبار خواهد بود. مذاکره در هر موضوع ممکن است با تقدیم پیشنهادی که

تأيد و تصویب شده باشد خاتمه پذیرد و به این وسیله از رئیس انجمن تقاضا می‌شود که فوراً به اخذ رأی مبادرت جسته و به موضوع دیگری بپردازد. صورت عملیات انجمن به وسیله منشی یادداشت و پس از تصدیق هیئت رئیسه انجمن به محفل ملی تقدیم خواهد شد.

چگونگی انتخابات سالیانه

در انتخابات سالیه (محفل ملی) انتخاب کنندگان عبارت از نمایندگانی هستند که نام آنان در فهرستی که به وسیله محفل روحانی ملی تهیه شده است قید گردیده. اوراق رأی و اوراق چاپی مخصوص مستخرجین آراء نیز از طرف محفل ملی تدارک خواهد شد، ابدای رأی با نظارت انجمن شور روحانی به عمل خواهد آمد ولی نمایندگانی که نتوانند در انجمن حضور یابند حق دارند رأی خود را با پست ارسال دارند. رئیس انجمن سه نفر برای استخراج آراء از میان نمایندگان حاضر انتخاب خواهد نمود. جریان انتخاب به طریق ذیل خواهد بود:

۱ - منشی انجمن از روی فهرست اسامی نمایندگان را خوانده و سپس هر نماینده به نوبت رأی خود را در صندوق آراء می‌اندازد و همانطور که اسامی قرائت میشود آرائی هم که با پست رسیده است توسط منشی محفل ملی در موقع خود در صندوق آراء ریخته میشود.

۲ - سپس صندوق آراء به هیئت مستخرجین تحویل میشود و آنها از تالار انجمن خارج شده و به استخراج آراء می‌پردازند.

۳ - نتیجه آراء توسط هیئت مستخرجین راپرت داده

می‌شود و راپرت مزبور باید به تصویب انجمن شور روحانی برسد.

۴ - اوراق آراء با راپرت مستخرجین آراء که به تصدیق کلیه اعضا آن هیئت رسیده باشد برای ضبط به محفل روحانی ملی تحویل میگردد.

ضبط اوراق انجمن

اوراقی که ضبط دائمی انجمن شور روحانی می‌ماند به قرار ذیل خواهد بود:

۱ - دعوت نامه‌های انجمن شور که از طرف محفل روحانی ملی صادر گردیده به انضمام فهرست اسامی مراکز امری که در انجمن شور نماینده دارند.

۲ - فهرست نمایندگان منتخبه.

۳ - راپرتهای سالیانه محفل ملی و لجنه‌های تابعه آن

۴ - پیامهائی که به حضور ولی امرالله (بیت العدل اعظم) تقدیم و یا از حضور مبارك (آن معهد اعلى) دریافت گردیده است.

۵ - تصمیمات و اقدامات دیگر نمایندگان.

۶ - نتیجه انتخابات سالیانه. محفل روحانی ملی.

وظائف محفل روحانی ملی

وظائف خطیره و تکالیف مهمه محافل مقدسه روحانی ملی در تلو توابع و آثار مبارکه حضرت ولی امرالله مشخص و مصرح گشته مواردی چند ذیلاً نقل میگردد.

... مقصود اولیه از تشکیل چنین هیأتی (محفل روحانی ملی) این است که به واسطه مشاوره‌های عمیق شخصی خود محرک و مشوق اقدامات جمیله دوستان گردند ایجاد روح وحدت و یگانگی و تشریک مساعی در جمیع محافل محلی نمایند و در عین حال

دائماً به واسطه مکاتبه و رابطه با ارض مقصود در تماس کلی باشند تصمیمات قطعی نهائی اخذ نمایند و روی هم رفته جمیع امور مربوطه به امر در هر کشوری منوط و مربوط به آن هیئت و رتق و فتق امور امری هر مملکتی در حیطة اختیار و قدرت آن جمعیت قرار گرفته." (۱۰)

"... علاوه بر اینها مقصد عظیم دیگری نیز بر عهده این محافل قرار گرفته در الواح وصایا به بیت العدل های ثانوی تعبیر گشته و بر طبق نصّ صریح آن الواح مبارکه بر عهده محفل هر کشوری است که با معیت سایر محافل ملی تمام عالم عده اعضای بیت العدل را انتخاب نمایند که بالمآل رجال بیت العدل جمیع امور امری جهان را متحد ساخته قوت میدهد مرتب نموده و راهنمایی میکنند... وظائف بسیار سنگین بر عهده آنهاست چه که بایستی جمیع محافل محلی را در حیطة اختیار و مراقبت خود قرار داده و اقدامات یاران را اداره نمایند و با نهایت قوت در حفظ امرالله کوشیده و امورات مربوطه به امر را در سرتاسر اقلیم خود در تحت مراقبت و دقت دائمی خویش قرار داده تصمیمات کلیه منوط به مسائل امری مملکتی را از قبیل ترجمه و انتشار کتب و الواح، مشرق الاذکار، امر تبلیغ و اموری از این قبیل را که به کلی مجزی از امور محلی است در تحت سرپرستی و مراقبت خود مقرر دارند تصمیمات قطعی نهائیه در جمیع امور مربوطه محوله با این است." (۱۰)

"... و نیز از اختیارات محفل ملی است که برخی مسائل را محلی و بعضی را ملی تشخیص دهد و یا بالکل امری را منوط و مربوط به تصمیم محفل ملی شمارد تا به شخصه در امری

رسیدگی تام نماید و دقت مخصوص در آن مصروف دارد." (۱۱)
 "... در خصوص مسائل و اموری که بایستی به ارض
 مقصود مراجعه و ارسال شود نیز همین هیأت (محلل مَلّی) شور
 نموده تصمیم میگیرد." (۱۱)

"... و این نفوس زکیه مجلّه که منتخب منتخبین
 جمهور بهائیان ایرانند باید اقلّاً ماهی یک دفعه در نقطه ای موافق
 و مناسب مجتمع گردند و دستورالعمل کافی وافی به لجنه‌های
 ملیّه امریه دهند و تصمیمات مهمّه انجام فرمایند و در امور ملیّه
 روحانیه مشورت نمایند و محافل محلیه را به یکدیگر مرتبط
 نمایند و در تشیید روابط با اولیای امور سعی بلیغ مبذول
 دارند و به ترتیب و توسعه دائره نشریات عمومیّه امریه قیام
 نمایند و در اعزام مبلّغین و تقویت امر تبلیغ همّتی فوق العاده
 نمایند و باب مخابره و مراسله با محافل ملیّه روحانیه و مراکز
 خارجه جامعه امر مفتوح سازند و مستعد مشارکت با سایر محافل
 ملیّه روحانیه در انتخابات بین المللی که منتهی به تشکیل
 بیت عدل اعظم الهی گردد و تنفیذ احکام منصوصه کتاب الله در
 هیئت جامعه بهائی مشغول و مألوف گردند این وظائف عالیّه مهمه
 و تکالیف مبرمه و فرائض منصوصه مؤکده منوط و مشروط به
 تشکیل و استقرار محلل روحانی مَلّی بهائیان ایران است..." (۱۲)
 "... لزوم تمرکز قدرت و اختیارات در محلل مَلّی و محافل
 محلیه وقتی معلوم و مبرهن می‌گردد که متوجّه گردیم امر حضرت
 بهاءالله هنوز در مرحله طفولیت و دوره تحوّل است و متذکّر
 شویم که هنوز به معانی و تلویحات تعلیمات عمومی حضرت
 عبدالبهاء و اهمّیت آن به طوری که در الواح وصایا مندرج است

کاملاً پی برده نشده و امرالله به طور شاید و باید در انظار عالمیان جلوه ننموده است، این وظیفه عظمی در رتبه اولی بر عهده محافل روحانیه ملی در سراسر عالم بهائی است چه که تنظیم و تمشیت امور امرالله و کلیه مجهودات و اقدامات روحانیه امری به آنها سپرده شده و در دست آنها تمرکز یافته و چون این محافل در هر کشور در انظار عموم تنها هیئت عالی است که رسماً معرف و حافظ و ضامن مصالح متنوعه امریه است لذا رجای واثق و منتهی آرزوی قلبی این عبد آنست که با تأییدات لاریبیه حضرت بهاءالله و عنایات شامله حضرت عبدالبهاء این محافل نوعی عمل نمایند که برای سایر مؤسسات بهائی و محافل محلیه سرمشقی اتم و اعلی باشند و به آنها نشان دهند که در نتیجه اتحاد و اتفاق کامل و تعمق و تدبیر در امور و همکاری و معاضدت صمیمانه به چه موفقیت هائی می توان نائل شد. هرگاه این هیئت که رسماً معرف و مسئول امور امرالله است به این فریضه اصلیه که لازمه هرگونه موفقیت است پی نبرد بنیان امرالله متزلزل و نقشه عظیمی که در وصایای مبارکه حضرت مولی الوری از برای مستقبل ایام پیش بینی شده است مختل و به نحو تأثرآوری دچار تعویق خواهد گردید.

میل مبارک حضرت ولی امرالله آنست که این نکته مجدداً تأکید گردد که قدرت و اختیار محفل ملی نسبت به کلیه امور امرالله در امریکا و کانادا غیر قابل تقسیم و غیر قابل احتجاج بوده و بنابراین اطاعت و انقیاد افراد احباء نمایندگان و جمعیتها و محافل نسبت به مرجع مزبور قطعی و ضروری و باید از روی کمال صمیمیت و بدون قید و شرط باشد. عقیده

مبارک آنست که قبول بلاشرط و اجرای کامل این اصل مهم اداری از برای حفظ اتحاد کامل در بین یاران بسیار ضروری است و برای حسن جریان امور امریه در هر کشور فرض و واجب است. این عبد لازم می‌داند که به عبارتی صریح و قطعی این موضوع را مجدداً تأکید نماید که مرجعیت تامه محفل ملّی در کلیه مسائلی که مربوط به مصالح امریه در آن سرزمین است باید مسلم شناخته شود، حدود اختیارات هیچک از مراجع بهائی اعم از محلی یا ملّی و یا بین المللی هیچگونه اختلافی به هیچ عنوان موجود و متصور نیست. هر چند محفل ملّی یگانه هیئتی است که میتواند اساسنامه و نظامنامه خود را تغییر نماید معذک چنانچه در قلمرو حاکمیت آن، هیئت و مؤسسه‌ای از حدود اختیارات خود تخطی و تجاوز نماید و یا از اجرای وظائف و اختیارات خود ابا و امتناع ورزد مسئولیت آن مستقیماً و اخلاقاً متوجه خود محفل خواهد بود زیرا محفل حافظ امین و منشاء اقدامات و عملیات متنوعه و محور مصالح عموم جامعه‌های ملّی در سراسر عالم بهائی است و نیز یگانه وسیله‌ایست که جامعه‌های ملّی را با بیت العدل عمومی یعنی هیئت عالی اداری دیانت بهائی مرتبط میسازد.

هرگاه موضوعی که با مصالح امریه تماس داشته و مربوط به محفل ملّی باشد مورد عدم رضایت محافل محلیه و یا افراد احباء واقع گردد باید آن موضوع به خود محفل ملّی مراجعه شود. جامعه احباء به طور عموم و محافل محلیه و حتی نمایندگان انجمن شور روحانی هیچکدام حق ندارند تقاضاهای تجدید نظر را که نسبت به رأی محفل ملّی به عمل آید بپذیرند

چنانچه موضوع به ولی امرالله (بیت العدل اعظم) مراجعه گردد و حسب الوظيفه مورد کمال دقت واقع و تصميم خواهند گرفت که آیا موضوع ايجاب میکند که شخصاً نسبت به آن رسیدگی فرمایند و یا اینکه کاملاً آنرا به اختیار و نظر محفل ملی واگذارند.

این دستور اداری که حضرت ولی امرالله مجدداً آن را توضیح و تصریح فرموده اند به قدری واضح و جامع و ساده است که تصور نمی‌فرمایند مجال هیچگونه سوء تعبیر در آن باقی بماند در این قاعده هیچگونه استثنائی وجود نداشته و حضرت ولی امرالله هرگونه شرح و بسط دیگری را نسبت به این موضوع اساسی که کاملاً تشریح و توضیح گردیده زائد میدانند. (استخراج از توقيح مبارك) (۱۲)

مسئولیت محفل روحانی ملی

در نصوص مبارکه الهیه و آثار متعالیه حضرت ولی امرالله مسئولیت محفل روحانی ملی کاملاً تشریح و توضیح گردیده. بطور کلی ادارهٔ جمیع امور روحانی و اخلاقی و اجتماعی جامعه بهائی هر کشوری بر عهدهٔ محفل روحانی ملی آن کشور است. در کتاب نظامات بهائی صفحهٔ ۱۰۴ ببعد چنین مذکور است:

”مسئولیت محفل روحانی ملی - به موجب تعالیم بهائی تأسیس محفل روحانی ملی برای انجام وظائف مهمه چندی است و این وظائف در اساسنامه و نظامنامه‌ای مندرج است که به تصویب حضرت ولی امرالله رسیده و اکنون حکم سندی را یافته است که کلیهٔ امور امریه در ممالک امریکا و کانادا (۱۴) به

موجب آن اداره میشود به طوریکه در سند مزبور قید شده محلل روحانی ملی هیئتی است که دارای موجودیت مستمر و بلاانقطاع بوده و واجد اختیارات کلی در قلمرو حاکمیت خود میباشد و استفاده از این اختیارات صریحاً تابع اوامر عالیله ولی امرالله و همچنین تابع بیت العدل عمومی است هر موقع تشکیل شود. ذکر خلاصه وظائف و مسئولیتهای محلل ملی نشان میدهد که حسن تفاهم و اتفاق نظر کامل بین اعضای آن و توجه تام آنان به حقوق و وظائف فردی و جمعی خود به عنوان امنای محلل تا چه درجه حائز اهمیت است.

- ۱ - محلل ملی بهائیان امریکا و کانادا (۱۴) نسبت به حق رأی افراد احباء و عضویت آنان در جامعه بهائی اختیار تام دارد.
- ۲ - اعلام رسمیت یا عدم رسمیت هر يك از محافل روحانیه محلی با محلل ملی است.
- ۳ - محلل روحانی ملی میتواند نسبت به امور مربوطه به دو یا چند محلل محلی حکمیت نماید.
- ۴ - در مورد هر گونه طرح و پیشنهادی که از طرف افراد احباء و جمعیت های محلی و محافل محلیه و نمایندگان انجمن شور روحانی تقدیم شود تصمیم نهائی با محلل روحانی ملی خواهد بود.
- ۵ - محلل ملی عهده دار کلیه عواید امر در امریکا و کانادا خواهد بود.
- ۶ - محلل ملی هر گونه نظامات و قوانین مشروحي که مورد لزوم باشد وضع خواهد نمود.
- ۷ - محلل روحانی ملی دارای جنبه اجرائی و تقنینی و

قضائی میباشد.

۸- محفل روحانی ملی به منزله نماینده افراد احباء و محافل روحانیه محلیه در پیشگاه ولی امرالله (بیت العدل اعظم) و همچنین به منزله نماینده ولی امرالله (بیت العدل اعظم) در مقابل احباء و محافل محلیه می باشد.

۹- محفل روحانی امریکا و کانادا هیئتی است که از طرف احباء آن اقلیم در انتخابات بیت العدل عمومی شرکت خواهد نمود.

با اجرای وظائف مشروحه فوق محفل ملی همواره سعی خواهد نمود که جمیع تصمیمات خود را به اتفاق آراء اتخاذ نماید معذک هر موقع که عده اعضاء در جلسه رسمی برای اخذ رأی کافی باشد عمل به رأی اکثریت جائز است در مورد مسائل مهمه محفل خود را موظف می داند که نظریات و آراء اعضاء غائب را کسب و در خلاصه مذاکرات خود قید نماید و این رویه برای آنست که در اینگونه امور به رأی اکثریت عده حاضر اکتفا نشده بلکه تصمیم قطعی از روی رأی اکثریت کلیه اعضاء اتخاذ شود. تنفیذ رأی اکثریت حقی است که در الواح حضرت عبدالبهاء منصوص و مقرر و به موجب همان الواح اقلیت موظف به اطاعت از رأی اکثریت است و بعد از آنکه تصمیم نهائی اتخاذ گردید در بین آراء اکثریت و اقلیت هیچگونه فرق و امتیازی نباید قائل شد.

قطعیت رأی اکثریت و لزوم پذیرا شدن صادقانه آن حتی از طرف افرادی که موافق نبوده اند و مذموم بودن افشاء نظرات اعضاء محفل در خارج بر همه گان واضح است در کتاب نظامات

بهائی صفحه ۱۰۷ مذکور است:

" ... قرار بر این شد که مطالبی که در جلسات محفل مطرح میشود تا وقتی که در باره آنها به اتفاق یا اکثریت آراء رأی گرفته نشده به عنوان تصمیم محفل شناخته نشود و پس از آن تصمیم مزبور را باید به منزله رأی عموم اعضاء تلقی نمود و بنابراین چنانچه پس از حل و فصل موضوع مابین نظریات افراد اعضاء تبعیضی قائل شویم و یا آراء و نظریاتی که اعضاء محفل قبل از تصمیم ابراز میدارند افشاء شود این عمل به روحانیت محفل ملی لطمه شدیدی وارد خواهد کرد، برای حفظ مقام حقیقی محفل ملی هیچیک از اعضاء مجاز نیست در خارج از جلسه محفل آراء افراد اعضاء را ابراز نماید و جز در باره تصمیمات متّخذة نسبت به سایر جزئیات محفل روحانی ملی در خارج نباید گفتگوئی شود.

اصولاً به هر يك از اعضاء هنگام شور و قبل از اخذ آراء برای بیان عقیده و اظهار نظر خویش ولو به حقوق سایر اعضاء تجاوز گردد آزادی کامل داده شده است.

حضرت عبدالبهاء در لوحی که در صفحه بیست و يك Baha'i Administration از طرف حضرت ولی امرالله نقل شده در خصوص تصمیمات محفل ملی بیانات ذیل را می‌فرمایند.
قوله الاحلی:

" باید به نوعی مذاکره و مشاوره کرد که اسباب اختلافی فراهم نیاید و آن اینست حین عقد مجلس هر يك حریت رأی خویش را بیان و کشف برهان نماید اگر دیگری مقاومت میکند ابداً او مکدر نشود زیرا تا بحث در مسائل نگردد رأی موافق

معلوم نشود و بارقه حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است. در نهایت مذاکره اگر اتفاق آراء حاصل گردد فنعم المراد و اگر معاذالله اختلاف حاصل شود به اکثریت آراء قرار دهند. تجربه به خوبی نشان داده است که مادام که یکی از اعضاء محفل ضمن مذاکرات خود با احباء نسبت به تصمیمات محفل اظهار عدم رضایت و یا اعتراض نماید و مادام که یکی از اعضاء قولاً و یا فعلاً به طور مستقیم و یا غیر مستقیم روش محفل و یا اعضای آن را در خارج مورد انتقاد قرار دهد محفل ملی نخواهد توانست وظائف خود را با موفقیت کامل انجام داده و به طریق اولی نخواهد توانست خود را در بین یاران سرمشق اتحاد و اتفاق معرفی نماید. بزرگترین مسئولیتی که هر يك از اعضاء محفل به عهده دارند همانا نسبت به خود محفل روحانی ملی است هیچیک از اعضای محفل نمی‌تواند حقاً نسبت به محفل ملی و یا جامعه محلی خود و یا دوستان خصوصی خویش بیشتر از آنچه نسبت به محفل ملی ابراز علاقه میکند دلبستگی داشته باشد. اعضای کنونی محفل روحانی ملی چنین استنباط میکنند که در امر حضرت بهاءالله نمایندگان منتخبه بر خلاف روش حکومت‌های دموکراسی صرفاً عاملین بلااراده منتخبین خود نیستند و بر خلاف معمول حکومت‌های اشرافی در دیانت بهائی تشکیلاتی با امتیازات مخصوص وجود ندارد که اعضای آن تشکیلات مزبور را وسیله جلب منافع شخصی و طبقاتی قرار دهند و نیز در امر حضرت بهاءالله بر خلاف تشکیلات ادیان سائره اشخاص و مؤسسات و یا مراجع ذوالاختیاری وجود ندارد که بتواند ابداع عوائد و رسوم نموده

و یا دعوی مقامات روحانی کرده و یا اینکه به نحوی از انحاء جزئی از احکام دیانت بهاء‌الله را تغییر داده و یا نسخ نمایند.

محلل روحانی ملّی ... برای صیانت امرالله و پیشرفت مصالح آن و حفظ وحدت جامعهٔ احبّای ... به وجود آمده است. برای ایفای این خدمت نظر محلل همواره متوجّه تعالیم بهائی و دستورات حضرت ولی امرالله است و تمایلات و نظریات فرد یا جمعی از دوستان نمی‌تواند محلل را از انجام وظائف و تکالیف خود باز دارد. محلل ملّی پس از معرفت کامل نسبت به منظوری که از برای آن تأسیس شده است عقیدهٔ راسخ دارد که هر فردی که به عضویت محلل انتخاب می‌شود باید با اطاعت محضه از تصمیمات محلل اعم از اینکه تصمیمات مزبور با اکثریت و یا به اتفاق آراء اتخاذ شده باشد اصل مهم اتحاد و اتفاق را در جمیع احوال نصب‌العین قرار دهد. در صورت بروز اختلافی در میان اعضای محلل ملّی که نتوان آن را با مشاورهٔ آزاد و کامل عموم اعضاء حلّ و تصفیه نمود موضوع باید به حضور حضرت ولی امرالله (بیت العدل اعظم) عرض و قبل از اتخاذ تصمیم قطعی نظر مبارک سئوال شود. (محلل روحانی ملّی)

لجنه های محلل ملّی

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

مسائل مهمه‌ای که به طور کلی ارتباط با امور روحانیهٔ امریهٔ آن کشور دارد از قبیل ادارهٔ نجم باختر و یا امر نشریهٔ دیگری که محلل ملّی به عنوان نشریهٔ بهائی انتشار دهد و همچنین موضوع طبع و نشر آثار امری و توزیع آن بین محافل و تهیهٔ وسائل پیشرفت و ادامهٔ امر تبلیغ و امور مشرق‌الاذکار

و مسئله نژاد از لحاظ امر بهائى و موضوع پذيرفتن شرقى‌ها و حشر با آنان و حفظ و مواظبت فيلم گرانبهائى كه قسمت مختصرى از ايام اقامت حضرت عبدالبهاء را در امريكا نشان ميدهد و همچنين حفظ صفحه اصلى و صفحات ديگر صوت مبارك و ساير مجهودات روحانيه ملّيه تحت نظارت انحصارى هيچيك از محافل محليه و جمعيت بهائى نبوده بلكه بايد هر يك از اين امور دقيقاً و كلاً به وسيله لجنه مخصوصى اداره شود كه آن لجنه از طرف محفل ملّى انتخاب و مسئول آن بوده و تحت نظر دائمى و عمومى محفل انجام وظيفه نمايد. به طوريكه قبلاً تذكر داده شد وظيفه عمده اين لجنات كه از طرف محفل ملّى انتخاب ميگردند آن است كه نسبت به امور محوله مطالعه دقيق و كامل به عمل آورده و ضمن راپرت‌هاى تقديمى خود نظريات خويش را ابراز و در اجراى تصميماتى كه بايد از طرف محفل ملّى منحصرأ و مستقيماً نسبت به امور مهمه اتخاذ گردد معاضدت نمايند محافل ملّيه كه جديدأ انتخاب مى‌شوند بايد در هر سال موضوع تجديد لجنات و تعيين اعضاء و وظائف و عمليات هر يك از آنانرا مورد مطالعه و نظر قرار دهند هرگاه اين لجنات بخواهند آنطور كه در خور مقام و مسئوليت آنان است وظائف محوله را انجام دهند بايد مراقبت تام و جديت كامل معمول دارند و با رعايت مقتضيات وقت به نوعى حفظ تعادل نمايند كه معايب تمرکز مفرط كه امور امريه را دچار اشكال و اختلال نموده و بالمآل از ارزش و اهميت خدمات امريه خواهد كاست از طرفى و مضار عدم تمرکز كه نتيجه آن سلب اختيار از امنائى منتخبه جامعه امرا لله است از

طرف دیگر مرتفع گردد. چنانچه اعضای محفل مَلّی بخواهند خود به جزئیات امور اداری امری رسیدگی نمایند بدیهی است این عمل حسن جریان و اجرای صحیح و دقیق امور امریه را مختل نموده و از طرف دیگر تفویض اختیارات بی‌مورد هم به هیئت‌هائی که فقط جنبه مشاورین فنی و معاونین در امور اجرائی را دارند به اقتدارات محیطه که از مزایای مقدسه محافل مَلّیه است که بالمآل به بیت عدل مَلّی بهائی تبدیل خواهد شد لطمه وارد خواهد ساخت. شوقی ربّانی“ (۱۵)

”امور تبلیغ و مخابرات امریه و ترتیب محافل و مجالس و اشتراك به مجلات امریه و طبع و انتشار الواح و کتب و مقالات امریه و امر مشرق‌الاذکار و انشاء و اداره مدارس بهائی و سایر تشکیلات خیریه علمیّه امریه که راجع به نقطه مخصوص از نقاط امریه نباشد بلکه راجع به مصالح عمومیّه امرالله در آن اقلیم است هر يك را به لجنه مخصوص محوّل نمایند و این لجنه‌ها تماماً در ظلّ محفل مرکزی هستند مسئول اعضای آن محفلند و مطیع و منقاد آن“ (۱۶)

۷- تعیین و انتخاب اعضای لجنه‌های امریه مرکزی که

از وظیفه امنای محفل مَلّی روحانی ایران است.“ (۱۷)

”محافل مَلّی هر کدام از این امور مختلفه متنوعه را به لجنه‌ای محوّل داشته‌اند اعضای آن لجنات از بین جمیع احبّای مملکت انتخاب میگردد روابط این لجنات با محفل مَلّی مانند روابط محافل محلی و مَلّی است.“ (۱۸)

”... این محفل مرکزی مانند محافل خصوصی باید به همان ترتیب لجنه‌های مخصوص انتخاب نماید و به هر يك

وظیفه‌ای معین محول نماید و وظائفش کلّ عمومی و راجع به مصلحت یاران در تمام آن اقلیم است نه محصور به امور مخصوصه نقطه‌ای از نقاط امریه... (۱۹)

"... تعیین و انتخاب اعضای لجنه‌های امریه مرکزی که از وظیفه امنای محفل ملی ایران است. اعضای این محفل باید از بین جمهور مؤمنین در ایران اعضای لجنه‌های مرکزی را نوعی انتخاب نمایند که اجتماع اعضای منتخبه به کمال سهولت تحقق پذیرد و مشکلات و موانعی فراهم نگردد... (۲۰)

"... عضویت و مشارکت امنای محفل ملی در لجنه‌های مرکزی از لوازم ضروریه و اصول امریه محسوب نه، تکلیف و منع هر دو مخالف مبادی امرالله است.

امنای محفل باید نفوسی را از بین افراد جامعه انتخاب نمایند که لیاقت تام و استعداد کامل را حائز و متفّن و متخصص در شعبه خدمت که محول به هر لجنه علیحده گشته باشند... (۲۱)

حدود اختیارات لجنات ملی

عیناً مانند اختیارات لجنات محلی منتهی در سطح ملی است. اختیارات لجنات محلی در فصل مربوط به محفل روحانی محلی قسمت "ج - دوائر و مشروعات تابعه محفل روحانی - لجنه‌های محلی" مذکور گشته است.

صندوق ملی

در کتاب نظامات بهائی صفحه ۱۱۰ چنین مذکور است:
 " نظر به اینکه پیشرفت و توسعه مجهودات روحانیه منوط و مربوط به وسائل مادیه است لهذا لازم و ضروری است که بلافاصله بعد از تأسیس محافل محلیه و ملیه اقدام به

تشکیل يك صندوق اعانات امری تحت نظر مخصوص محفل به عمل آید. کلیه اعانات و تبرّعات امریه باید به این صندوق محفل تحویل گردد تا منحصراً برای پیشرفت مصالح امریه در ناحیه و یا کشور مربوطه مصرف شود. وظیفه مقدّس هر بنده مخلص و با وفای حضرت بهاءالله که طالب پیشرفت امر مبارک اوست اینکه برای ازدیاد عواید صندوق از روی کمال میل و رغبت و فتوّت تبرّعاتی تقدیم نماید. اعضای محفل روحانی بنابه تشخیص خویش وجوه مزبور را برای ترویج امر تبلیغ و دستگیری محتاجین و تشکیل مؤسّسات امریه جهت تعلیم و تربیت و توسعه دایره خدمات امریه به مصرف خواهند رسانید. امید و طید این عبد آنست که عموم یاران با توجّه به لزومیت این مشروع جهد بلیغ مبذول داشته و در سبیل تأسیس فوری و تقویت این صندوق به پرداخت اعاناتی ولو هر قدر در وهله اول ناچیز باشد مبادرت نمایند.

راجع به صندوق اعانات امریه که اخیراً در میان یاران تأسیس یافته اطمینان دارم که حال عموم یاران آن سامان به اهمّیت آن پی برده اند، به طوریکه این عبد سابقاً متذکّر گردیده با اینکه افراد احباء و محافل محلّیه در تعیین مصرف وجوه تقدیمی کاملاً آزاد و مختارند معذک به نظر این عبد از لحاظ اهمّیت فوق العاده امر تبلیغ و اثبات اعتماد تام نسبت به امنای محفل ملی نهایت ضرورت را دارد که افراد احباء و همچنین محافل محلّیه در آن کشور از برای تقویت و ازدیاد وجوه صندوق ملی تبرّعاتی هرچند هم در وهله اول ناچیز باشد بپردازند تا اعضای محفل ملی بتوانند بنا به تشخیص خود

وجوه مزبور را صرف امور فوری و ضروری بنمایند.

در خصوص تأسیس صندوق ملی و تهیه و تنظیم بودجه که در خلاصه مذاکرات آن محفل مذکور این عبد لازم میدانند خاطر امنای آن محفل را متذکر سازد که اصل مهمّ اساسی که همواره باید مورد نظر و توجّه قرار داد این است که پرداخت جمیع اعانات باید صرفاً از روی میل و رغبت باشد. باید این نکته را به هر يك از یاران توضیح و تصریح نمود که هر نوع اجبار ولو جزئی و غیر مستقیم باشد به اصل و اساسی که صندوق اعانات همواره از بدو تأسیس بر آن مبتنی بوده است لطمه شدید وارد خواهد ساخت گرچه درخواست اعاناتی که جنبه عمومی داشته و ضمن عباراتی سنجیده و لحنی مؤثر و متین به عمل آید مقبول و مطلوب معذک در جمیع موارد باید هر يك از احبّاء را در تعیین نوع و مبلغ و منظور اعانه‌ای که برای ترویج امرالله بپردازد کاملاً آزاد گذاشت.

همانطور که دایره خدمات جامعه احبّاء ... توسعه می‌یابد و حیثیت و موقعیت این جامعه در سراسر عالم رو به ترقی می‌رود صندوق ملی هم که به منزله اساس است که سایر تأسیسات امری باید بر آن استوار شود بر اهمیتش افزوده می‌گردد و جمیع احبّاء اعم از اینکه داخل جمعیت بهائی و جامعه‌ای باشند که دارای محفل روحانی است باید چه به طور انفرادی و چه به وسیله مساعی عمومی بر میزان کمک خود به صندوق مزبور بیافزایند.

در این ایام اعانت و تقویت صندوق ملی از برای مؤسّسات جوانی که یاران الهی بر تأسیس آنها همت گماشته‌اند

به منزله نیروی حیاتی است و اهمّیت این موضوع به حدّی است که توصیف نتوان کرد و مجهوداتی که در این سبیل مبذول گردد یقیناً مشمول عنایات مالانهایه خود خواهد بود.

علاوه بر این به عقیده این عبد از جمله مسائلی که باید همواره به منزله یک اصل مسلم و مهمی از اصول اداری امرالله شمرده شود آنست که در مورد اجرای اموری که صرفاً جنبه امری داشته و متمایز از اقدامات و مجهوداتی است که در مستقبل ایام در ظلّ امرالله به صورت خدمات انسان دوستی و یا نوع پروری و یا امور خیریه انجام می‌شود باید فقط از نفوسی برای شرکت در این قبیل امور دعوت نمود که مؤمن به امرالله بوده و جزو یاران صمیمی و حقیقی شناخته شوند.

در این مورد توجّه به مطالبی که ذیل عنوان "صندوق خیریه" در فصل دوم قسمت "ج" مندرج است مفید خواهد بود

محفظه آثار

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

"و نیز از امور مطلوبه مستحسنه تأسیس محفظه آثار امریه است در هر نقطه از نقاط مرکزی اقلیمی بهائیان و این محفظه آثار در تحت صیانت و اداره محافل روحانیه مرکزی یاران است و محتویات آن در حین تجدید انتخابات به محافل روحانیه مرکزی جدید الانتخاب به تمامها تقدیم و تسلیم می‌شود و هر فردی از افراد علی‌الخصوص نفسی که وراثش از اهل بها محسوب نه و یا طرف ثقه و اعتماد او نباشد به صرافت طبع و طیب خاطر از آثار امریه چه از الواح و کتب و صور و امتعه و ما شاکلها تقدیم محفظه آثار محفل روحانی مرکزی خویش نماید

اجرش عندالله عظیم و اسمش در سجل محافل روحانی و یادگارش در محفظه آثار الی الابد باقی و برقرار خواهد ماند و همچنین محفظه آثاری در ارض اقدس اخیراً تشکیل گشته تا آنچه را از افراد و محافل روحانیه از آثار منیعه علی الخصوص آثاری که جمعش در یک نقطه احسن و اولی و تشتتش مایه خسارت و فقدان است طوعاً تقدیم محفظه آثار ارض اقدس کنند به نام آنان در محلی مخصوص محفوظ و مصون ماند و به مرور ایام زوآر ارض مقصود از جمیع اطراف و اکناف به زیارت آن آثار فائز گردند و یاد آن مقربین درگاه کبریا را نمایند و به ذکر خیر و دعا در حق آنان مشغول گردند." (۲۲)

لجنه ترجمه

مولای توانا حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" باید لجنه مخصوص ترجمه محفل مرکزی تعیین نماید و اعضای این لجنه مترصد و منتظر مواد امریه که از بلاد غرب میرسند و به آن صفحات ارسال می گردد باشند و در ترجمه کمال دقت را نمایند و همچنین به تدریج اسبابی فراهم آورند که به لغت انگلیزی راپرتهای امریه و مراسلات مهمه تألیف گردد و باید به درجه ای رفیع و منیع باشد که نفس راپرت توسط یاران غرب طبع و نشر شود نه ترجمه آن." (۲۲)

اتساع دائره مطبوعات

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" اتساع دائره مطبوعات و نشریات امریه به اذن و اجازه مقامات رسمیه در این ایام از لوازم ضروریه محسوب زیرا ممد امر تبلیغ است و مروج آئین ربّ جلیل امید چنان است که به

همت آن برگزیدگان اسم اعظم و مساعده زمامداران آن کشور مکرم و سائل تأسیس اولین مطبوعه بهائی در عاصمه آن مملکت مستقلاً فراهم گردد و دائره‌اش آنآ فائزاً اتّسع یابد و بدین وسیله خدماتی شایان به مصالح دولت و ملت نمایند. (۲۴)

مؤسسه ملّی مطبوعات امری ایران

در این مقام اشاره بسیار کوتاهی به سابقه مؤسسه ملّی مطبوعات بهائی ایران که تحت اشراف محفل مقدّس روحانی ملّی این کشور مکرم سنوات چندی به خدمات فائقه موفّق بوده، با استفاده از اطلاعاتی که جناب عنایت الله صادقیان که خود از خادمین فعّال در زمینه نشریات امری بوده‌اند می‌نماید.

تأسیس مؤسسه مطبوعات بهائی از اهداف نقشه جلیله دهساله مهاجرت بوده که اجراء و انجام شده و خدمات مهمه انجام می‌داده در سال ۱۳۲۴ در اثر وقایع و اتّفاقاتی که بر علیه امر الهی و یاران روحانی از طرف متعصّبین با پشتیبانی مقامات دولتی پیش آمد و نزد یاران به ضوضای فلسفی معروف است مؤسسه موقتاً تعطیل و خدماتش متوقف شد. در سال ۱۳۲۸ شمسی محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران با تعیین هیئت مدیره مؤسسه را مجدداً به فعالیت انداختند این مؤسسه حدود ده سال فعّالیت قابل تحسینی داشته و در نشر آثار امری از موفقیت‌های شایسته برخوردار بوده تا آنکه در ابتدای انقلاب اسلامی مانند سایر مشروعات و تشکیلات بهائی مصادره و تعطیل شد.

مدیر عامل این مؤسسه در ابتدا جناب جلال میثاقی و بعد از ایشان برای مدّت کوتاهی جناب شهود خاضع و بالاخره

جناب عنایت اللہ محبوبی بوده‌اند. کتب و نشریات امری پس از تصویب لجنهٔ ملی تصویب تألیفات به وسیلهٔ لجنهٔ ملی نشر آثار امری تنقیح و برای نشر آماده می‌شد و به وسیلهٔ مؤسسهٔ مزبور نشر می‌یافته است امید است مورّخین و محققین بهائی تاریخچهٔ مشروح این مؤسسهٔ جلیله را تهیه نمایند.

تأسیس اوقاف بهائی

مولای بی‌همتا حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

۱۰ - تأسیس اوقاف بهائی در عاصمهٔ مملکت و ایالات و ولایات... باید قبالةٔ آن کلّ من دون استثناء به اسم امنای محفل ملی بهائیان ایران ثبت گردد و انتقال یابد و در تحت تصرّف اعضای آن هیئت باشد و عایدات آن راجع به صندوق خیریه مرکزی آن محفل است احدی را حقّ مداخله و تصرّف در آن نبوده و نیست.

۱۱ - اقدام به تشکیل شعبه‌های محفل ملی روحانی ایران در ارض اقدس و ولایات متّحده و اقطار سائره در شرق و غرب عالم بهائی... و حال این عبد مشتاق و منتظر است... و به تأسیس شعبه‌ای از آن محفل روحانی نورانی در ارض اقدس مؤید و مفتخر گردند تا آنچه را وقف مقام اعلیٰ نموده‌اند و قبالةٔ آن چندی قبل به طهران ارسال گشته به اسم هیأت امنای محفل ملی بهائیان ایران ثبت و منتقل گردد.

۱۲ - بذل همّت در تأسیس شعبه‌ای از محفل روحانی ملی بهائیان امریک در خطّهٔ ایران و انتقال قطعی بعضی از مواقع متبرّکه و اماکن تاریخیهٔ آن سامان به اسم آن هیأت محترمه. (نقل از کتاب امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحهٔ ۲۹۷)

و نیز می‌فرمایند:

در وقت حاضر مستقلات امریه در آن اقلیم راجع به محفل ملی است و اگر چنانچه واقف وقف خویش را مقید به قیدی ننموده و بدون قید و شرط تقدیم امر نموده تصرف و تبدیل آن به احسن وجه جائز و الا مراعات شرط واقف کاملاً لازم و واجب. حضائر قدس و ابنیه و مدارس بهائی از اوقاف محسوب.

(نقل از کتاب امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۲۹۹)

قانون اساسی جامعه بهائیان ایران

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

"اولین وظیفه محفل ملی وضع نظامنامه امری و تدوین قانون اساسی جامعه مطابق دستور محفل ملی بهائیان امریک است نص این نظامنامه باید به کمال نقت و من دون تغییر و تبدیل ترجمه گردد زیرا آنچه در آن منصوص از اصول و مبادی اساسی جامعه بهائیان است. این قانون ناموس اکبر است و نظامنامه بیت عدل عمومی که مهیمن بر عموم محافل ملیه است ناموس اعظم و همچنین ترجمه مجموع مکاتیب این عبد که در امریک طبع و منتشر گشته اساس و مواد این نظامنامه و مصدر متمم آن است در این ایام که یاران آن سامان مباشرت به انتخابات و تأسیسات ملیه نموده اند لازم و واجب زیرا محتویاتش از اصول محسوب و آنچه مذکور نه از متفرعات است و اختلاف و تنوع در امور ثانویه مخل امور نبوده و نیست." (۲۵)

"نظامنامه ملی بهائی احبای ایران باید بتمامها مطابق نظامنامه بهائی که در مصر منتشر شده و مطابق نظامنامه محفل مرکزی امریکا وضع گردد... زیرا مواد این نظامنامه‌های امریه در شرق و غرب جمیعش راجع به مبادی اساسیه و اصول

و قوانین دفاتر و مؤسّسات امریه است و در امور اصلیه اختلاف و تنوّع جائز نه زیرا اصل است نه فرع و آنچه مذکور و منصوص نه راجع به محافل مرکزی است و از امور ثانویه و از ملحقات دستور محسوب. " (۲۶)

" تنوّع در امور فرعیه مقبول و ممدوح بلکه لازم و واجب ولی در منصوصات دستور ملّی و محلّی تصرّف و تغییر و تبدیل جائز نه محافل ملّی روحانی یاران هند و مصر و عراق و انگلستان و آلمان و استرالیا کلّ متمسّک به نصّ این دو دستورند و در اکثر این اقالیم مباشرت به ترجمه و طبع و انتشار آن نموده‌اند در اقلیم ایران نیز باید امنای محفل ملّی همت نمایند تا نصّ این دو دستور در جزوه علی‌حدّه طبع و منتشر گردد (۲۷) و مندرجاتش تنفیذ و تعمیم یابد و من بعد تقدیم اولیای امور گردد و اعتبارنامه رسمی از طرف اولیای امور صادر شود و اوقاف ملّی و محلّی به کمال متانت مطابق اوامر الهیه تأسیس شود. " (۲۸)

" وضع نظامنامه ملّی بهائیان ایران و قانون اساسی جامعه پیروان امر حضرت رحمن، این دستور باید من تمام الوجوه مطابق دستور محفل روحانی بهائیان امریک باشد که ترجمه‌اش در سجل محفل مرکزی طهران موجود و مثبتوت است ارسال نسخه‌ای از این نظامنامه محفل ملّی روحانی به ارض اقدس به عنوان این عبد البتّه لازم تا پس از تدقیق و تعدیل به طهران ارسال گردد و در سجل محفل روحانی ثبت شود و بین محافل محلّیه منتشر گردد و به تصویب و تصدیق آنان برسد. " (۲۹)

" تقدیم نظامنامه ملّی جامعه بهائیان ایران به اولیای

امور در مدینه طهران... و اگر چنانچه تسجیل هیئت محفل ملی بهائیان ایران در دوائر دولت به عنوان هیئت دینی مستقل مشروعی ممکن و میسر نه محفل خویش را موقتاً نظیر شرکتهای تجاری و صناعی مشروعه معتبره آن مملکت در سجل حکومت ثبت نمایند و وسائل عقار و مسقفات که وقف امرالله گشته بنام این هیئت در دوائر ثبت اسناد مملکت فراهم آرند." (۲۹)

"قانون اساسی جامعه یاران که ترجمه نموده‌اند منقسم به دو قسم است. قسم اول عنوانش از این قرار:

"بیان نامه هیأت امناء به واسطه محفل روحانی ملی بهائیان ایران" عنوان قسمت ثانی "نظامنامه محفل روحانی ملی بهائیان ایران" قانون اساسی شامل بر بیان نامه و نظامنامه است و بیان نامه مقدمه نظامنامه محسوب و این دو قسمت دارای اصول و قوانین اساسیه جامعه یاران است و هر يك جزو قانون اساسی و یا دستور بهائی محسوب و آنچه در این قانون چه ملی و چه محلی منصوص و مذکور نیست از امور فرعیه محسوب و راجع به امنای محافل ملی در جامعه بهائی است." (۳۰)

متن قانون اساسی جامعه بهائیان ایران شامل بیان نامه و نظامنامه به قرار زیر است: (۳۱)

قانون اساسی جامعه بهائیان ایران - بیان نامه هیئت امناء محفل روحانی ملی بهائیان ایران

این جانبان ولی الله و رقا، حاجی غلامرضا امین امین، فاضل مازندرانی، یونس افروخته، شعاع الله علایی، علی اکبر فروتن، محمود بدیعی، عنایت الله احمد پور، احمد یزدانی که از طرف نمایندگان بهائیان ایران در انجمن شور روحانی ملی

ساليانه منعقد در طهران در ايام رضوان ۹۱ مطابق سنه ۱۹۲۴ ميلادى و ۱۳۱۳ شمسى بر طبق مقررات به عضويت محفل روحانى ملى بهائيان ايران با اختيار تامه براى تعيين حقوق و وظائفى كه ذيلاً تشریح مى شود منتخب گرديده ايم اعلان مى نمايم كه اجراء و اداره و تنفيذ اقتدارات و مسئوليت ها و حقوق و امتيازات و تعهداتي كه حضرت بهاء الله مؤسس ديانت بهائى و حضرت عبدالبهاء مبيّن و مثل اعلاى اين ديانت و حضرت شوقى افندى ولى آن براى محفل روحانى ملى ايران مقرر فرموده اند از اين تاريخ بر عهده محفل روحانى ملى مذکور در فوق و قائم مقامان صلاحيت دار آن كه بر طبق مقررات در ظلّ "اين بيان نامه هيئت امناء" تعيين مى شوند خواهد بود محفل روحانى ملى به نام هيئت ادارى يك جمعيت دينى كه از ۹۰ سال قبل در ايران موجوديت و مسئوليت دائمي داشته اين شكل از اجتماع و اتّفاق و همكارى را قبول و سمت امناء بهائيان را براى خود انتخاب مى نمايد و در نتيجه اين فعاليت محفل روحانى ملى عهده دار اداره امور و اموال متنوعه دائم التزايد بهائيان ايران گرديده و ما اعضاى محفل مزبور حال احساس مى كنيم كه لازم و مقتضى آن است كه به عمليات جمعى خود صورت قانونى تر و مشخص تری بدهيم اين عمل به اتّفاق آراء و با علم كامل به مناسبات مقدسيكه در نتيجه آن ايجاد مى شود انجام يافت و ما از طرف خود و قائم مقامان خود كه در ظلّ اين "بيان نامه هيئت امناء" تعيين مى شوند ميزان عالى ديانتى را كه حضرت بهاء الله براى هيئت هاى مديره بهائى در آيه ذيل تصريح فرموده اند شعار خود قرار مى دهيم قوله تعالى "كونوا امناء الرحمن بين الامكان" و

برای تحقّق این دستور از حضرت کبریا عون و عنایت می‌طلبیم.
 مادهٔ اوّل - اسم این هیئت "محلل روحانی ملّی بهائیان
 ایران" خواهد بود.

مادهٔ دوّم - با شرکت در امانی و آمال و معاونت و مساعی
 و مجهودات برادران بهائی خود در ترویج تعالیم روحانی و
 تهذیب اخلاق نفوس بشری و بسط فضائل عالم انسانی و ایجاد
 اخوت کامله و روح ایمانی و اخلاق عالیّه و انقطاع بین نوع
 بشر که علّت اصلی تشریح شرایع و منتهی آمال شارعین ادیان
 الهی بوده و در حیات و تعالیم آنان ظهور و بروز یافته و در
 عصر حاضر به واسطهٔ ظهور و قیام حضرت بهاءالله حیات جدیدی
 پیدا نموده و در تعالیم و زندگانی ایشان تجسّم تام حاصل کرده
 و با مقتضیات عصریه کاملاً توافق یافته اعلام می‌داریم که
 منظور اصلی این هیئت ادارهٔ شئون دیانت بهائی بر وفق
 مصالح و احتیاجات بهائیان ایران و مطابق اصول اداری و
 دیانتی امر بهائیتست که حضرت بهاءالله اعلان و تأسیس و
 حضرت عبدالبهاء تبیین و تشریح و حضرت شوقی افندی و...
 (بیت العدل اعظم) که بر طبق الواح وصایای حضرت عبدالبهاء
 تعیین می‌شوند قیام بر تحکیم و ترویج آن فرموده و خواهند
 فرمود برای اجراء و تنفیذ این مقاصد تشبّث به وسائل ذیل
 ضروری و لازم است. اجتماعات دینیّه، مجالس عمومیّه، محافل و
 کنفرانس‌ها به منظور ترویج وحدت عالم انسانی و تربیت اخلاقی
 و تهذیب روحانی، طبع کتب و مجلّات و جرائد، بنای معابد و معاهد
 و ابنیه و مؤسّسات به منظور خدمت به عالم انسانی، نظارت در
 مجهودات بهائیان ایران و متحد ساختن مساعی و تشویق و

ترغیب آنها و بالجمله اجرای امور مذکوره به طریقی که واجبات و وظائف و مقاصد دینیة بهائیان ایران صورت گیرد و به هر وسیله دیگری که برای اجرای يك یا تمام این مقاصد مناسب و مقتضی باشد اما مقاصد و منظورات دیگر این محفل این است:

الف- حق انعقاد و اجرای هر گونه قراردادی با هر شخصی و یا تجارتخانه یا جمعیت یا شرکت خصوصی و عمومی یا بلدی یا هر جامعه و یا هر حکومتی در داخل و خارج ایران برای تحقق نوایا و مقاصد محفل روحانی ملی و به موجب مواد این "بیان نامه" محفل روحانی ملی دارای همان حقوق و اختیاراتی است که قوانین مملکتی برای يك شخص عادی و یا يك شرکت در حال و استقبال تعیین و مشخص نموده و خواهد نمود.

ب- حق قبول هر نوع انتقال و تولیت و وکالت یا وقف به موجب اسناد رسمی یا عادی یا به موجب هر وصیتنامه یا نوشته دیگری که قائم مقام وصیتنامه باشد و به منظور هبه یا وقف یا انتقال تنظیم شده و در ظل آن نوشته حقوق و تولیت هائی در نقطه ای از نقاط دنیا و ایران به محفل روحانی ملی واگذار شده باشد و استفاده از مواد فوق الذکر و قبول هدایا و هبات و اموال منقول و غیر منقول و همچنین نقود و اجناس.

ج- اجرای جمیع مقاصد و منظوراتی که در کتب و رسائل حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی منصوص و در ظل آن حق قضاوت و اقتدارات و حقوق معینه ای به محفل روحانی ملی برای اجرای مقاصد مذکوره اعطاء گردیده است.

د- و بالجمله اجراء و انجام هر امری که امناء مذکوره یعنی محفل روحانی ملی بهائیان ایران برای اکمال و انجاح

مقاصد این هیئت لازم و ضروری می‌شمارد.

مادهٔ سوّم - بند اوّل - کلیه اشخاص و تجارتخانه‌ها و شرکت‌های متّحده و جمعیت‌هائی که با امنای مذکور در فوق یعنی محلل روحانی ملّی بهائیان ایران و اعضای آن وارد هر گونه قراردادی شده و یا هر گونه اعتباری به محلل داده‌اند و هر گونه ادّعائی چه بر طبق قانون و چه به مقتضای عدالت چه مربوط به قرارداد و چه غیر آن نسبت به محلل یا اعضای آن داشته باشند باید فقط خود را با سرمایهٔ محلل و اموال و املاک آن برای اخذ غرامت یا طلب یا خسارت یا مبلغ محکوم به یا هر وجهی که به علل دیگر لازم است از طرف محلل پرداخته شود طرف بدانند به طوری که هیئت امنای محلل جمعاً یا فرداً یا وکلا و یا عمّال و یا مباشرین محلل که به شرح ذیل تعیین می‌شوند شخصاً برای ایفای تعهدات فوق‌الذکر ذمه‌دار نخواهند بود.

بند دوّم - محلل روحانی ملّی بهائیان ایران کلیهٔ پیشنهادات و نوشتجات و تعهدات و اسناد و قراردادهای را به وسیلهٔ اعضاء رئیسه یا نمایندگان خود که بر طبق مقرّرات به آنان صلاحیت و اختیارات تفویض شده در ظلّ این "بیان نامهٔ هیئت امناء" تنظیم و اجرای آن را تعهد می‌نماید.

مادهٔ چهارم - محلل روحانی ملّی برای اجرای وظائف و اموری که در طیّ این "بیان نامهٔ هیئت امناء" به عهدهٔ او محوّل گردیده موظّف است که دستورات و مقرّرات و نظامنامه‌های داخلی که برای تعیین و اجرای وظائف اداری خود و وظائف محافل محلّی و سایر مؤسّسات جامعهٔ بهائیان ایران لازم باشد وضع و مقررّ دارد ولی مقرّرات و نظامات مزبوره باید با اصول و مقرّرات

این "بیان نامه هیئت امناء" متباین نبوده و کاملاً مطابق باشد با دستورات مؤکّدی که حضرت شوقی ربّانی ولی امر حضرت بهاءالله تا کنون به ما داده اند و این دستورات بر بهائیان ایران روشن و معلوم و برای اداره و اجرای امور دیانتی آنها معمول می باشد.

ماده پنجم - مرکز محفل روحانی ملی بهائیان ایران شهر طهران است.

ماده ششم - مهر محفل روحانی مستدیر و به این عبارت منقوش است "محفل روحانی ملی بهائیان ایران"

ماده هفتم - این "بیان نامه هیئت امناء" ممکن است به رأی اکثریت محفل روحانی ملی بهائیان ایران در هر جلسه که برای این موضوع بخصوص بر طبق مقرّرات منعقد و تشکیل می شود اصلاح و تغییر یابد به شرط آنکه اقلّ سی روز قبل از تاریخ جلسه مزبور منشی محفل سوادى از اصلاح یا اصلاحات پیشنهاد شده برای هر يك از اعضای محفل ارسال دارد.

نظامنامه محفل روحانی ملی بهائیان ایران

ماده اول - محفل روحانی ملی در انجام وظائف مقدسه خود در حدود این "بیان نامه" دارای حاکمیت و اقتدار انحصاری نسبت به کلیه اعمال و شئون امر بهائی در سرتاسر ایران خواهد بود که شامل اختیار نامحدود در اداره نمودن شئون مربوط به این "بیان نامه" نیز می باشد این محفل جدیت خواهد نمود که اقدامات متنوعه محافل روحانی محلی (که قریباً زکیشان خواهد آمد) و افراد بهائیان ایران را توحید و توافق داده تقویت و تشویق نماید و به جمیع وسائل ممکنه آنها را

کمک کند که به وحدت عالم انسانی خدمت نمایند محفل مزبور عهده دار شناختن محافل محلی و امعان نظر در صورت اعضاء منتخبه آن محافل و دعوت به انعقاد مجمع سالیانه و یا مجامع مخصوصه و تعیین عده نمایندگان و تقسیم آن بر قسمت های امریه است این محفل باید تمام لجنه های بهائی را تعیین و در طبع و نشر الواح و اوراق امریه و تجدید نظر در تمام نوشتجات راجعه به امر بهائی و بنا و اداره مشرق الانکار و امور و مؤسّسات تابعه آن و جمع آوری و صرف کلیه وجوه برای انجام مقاصد مذکوره در این "بیان نامه" نظارت نماید محفل ملی باید تشخیص دهد که رسیدگی به مواضع مختلفه در حدود صلاحیت خود یا محافل محلیه است در مواردی که لازم صلاحیت شخص یا هیئتی برای ادامه حقّ رأی و عضویت در هیئت بهائی مورد بحث باشد حقّ صدور رأی نهائی خواهد داشت به علاوه در روابط مشترکه روحانیه و عادیه بین بهائیان ایران و بهائیان ممالک دیگر سمت نمایندگی را داشته و در ایران یگانه هیئت انتخاب کننده برای تشکیل بیت عدل عمومی که در بیانات مبارکه منصوص است خواهد بود و مافوق تمام این مسائل محفل روحانی ملی همواره سعی خواهد بود که در فداکاری نسبت به امر حضرت بهاءالله به مقامی از وحدت و یگانگی فائز گردد که موجب جلب تأییدات ملکوت ابهی و موفق به خدمت در سبیل تأسیس صلح اعظم گردد و در تمام مطالعات و تبادل افکار و عملیات خود دائماً این بیان حضرت بهاءالله را سرلوحه اقدامات و رهنمای مقدّس خود بداند قوله جلّ اسمه:

" و ینبغی لهم (یعنی محافل روحانی) ان یکونوا امناء

الرحمن بین الامکان و وکلاء اللّٰه لمن علی الارض کلّها و یشاوروا
فی مصالح العباد لوجه اللّٰه کما یشاورون فی امورهم و یختاروا
ما هو المختار کذلک حکم ربّکم العزیز الغفّار.

مادهٔ دوّم - بهائیان ایران که این "بیان نامه" برای ادارهٔ
منافع و مصالح آنها تنظیم شده مجموع نفوس ساکن در ایران
هستند که محفل روحانی ملّی ایشانرا واجد شرایط رأی دادن و
عضویت در جمعیت محلی بهائی شناخته باشد برای داشتن حقّ
رأی در مرکزی از مراکز بهائی شخص باید واجد شرایط ذیل باشد:
الف - ساکن محلی باشد که به موجب مقرّرات بند
دوازدهم از مادهٔ هفتم این نظامنامه داخل حوزهٔ صلاحیت محفل
آن محلّ باشد.

ب - به سنّ بیست و یک رسیده باشد.

ج - محفل روحانی محلی را قانع کرده باشد (به شرط
تصویب محفل روحانی ملّی) که حائز لیاقت انتساب به دیانت
بهائی و عمل به تعالیم بر طبق اصول ذیل می‌باشد:

اعتراف تامّ به مقام حضرت اعلی که مبشّر و به مقام
حضرت بهاء اللّٰه که شارح و به مقام حضرت عبدالبهاء که مبین و
مثّل اعلای این امر بوده اند و تسلیم و اطاعت و خضوع تامّ
نسبت به کلیهٔ آثار صادره از اقلام مبارکهٔ ایشان و انقیاد و
خضوع تامّ نسبت به تمام جمل مندرجه در وصیتنامهٔ مقدّسهٔ
حضرت عبدالبهاء و ارتباط کامل با روح و شکل اصول اداری
کنونی امر بهائی در جمیع عالم.

مادهٔ سوّم - محفل روحانی مرکّب از نه نفر عضو است که
بهائیان ایران از بین خود به طریقی که ذیلأ ذکر می‌شود

انتخاب و برای مدّت یکسال یا تا موقعی که قائم مقامان آنها انتخاب گردند مشغول ایفای وظائف عضویت خود خواهند بود. ماده چهارم - هیئت رئیسه محفل روحانی مرکّب است از رئیس و نایب رئیس و منشی و خزانه دار و عند اللزوم اعضاء دیگری نیز انتخاب می‌شوند که امور مربوطه را به طور منظم انجام دهند. هیئت رئیسه به رأی مخفی و اکثریت آراء تمام اعضاء محفل انتخاب خواهد گردید.

ماده پنجم - جلسه اول محفل روحانی ملّی جدید باید از طرف عضوی که بیشتر از سایرین دارای رأی باشد (و در صورت تعدّد چنین عضو به وسیله یکی از آنها که به حکم قرعه تعیین می‌گردد) دعوت و تشکیل می‌شود و عضو مزبور تا تعیین رئیس دائمی سمت ریاست را دارا خواهد بود و جلسات بعد باید تماماً از طرف منشی به درخواست رئیس و در غیاب او و یا موقعی که معذور باشد به تقاضای نایب رئیس و یا به خواهش سه نفر از اعضاء محفل تعیین و تشکیل شود به شرط اینکه جلسه سالیانه محفل (مقصود انجمن شور روحانی است) در محلّ و زمانی تشکیل گردد که مطابق مقرّرات ذیل به رأی اکثریت محفل تعیین شده باشد.

ماده ششم - حضور پنج نفر از اعضاء به محفل می‌تواند رسمیت دهد و رأی اکثریت این عده که حدّ نصاب رسمی شدن محفل می‌باشد با توجه به اصل وحدت و همکاری صمیمانه که لازمه تشکیل محفل روحانی است برای انجام امور کافی می‌باشد مگر در مواردی که به موجب این نظامنامه مستثنی شده باشد تصمیمات و عملیات محفل روحانی ملّی را باید منشی در

هر جلسه ثبت نماید و سواد آن را پس از هر جلسه به فرد فرد
اعضاء بدهد و سوادى نیز در دفتر رسمى محفل ضبط نماید.

ماده هفتم - هر وقت که عده بهائیان ساکن محلّ معینی
در ایران (شهر، قصبه یا قریه) که مورد شناسائی محفل ملى
واقع شده باشند از نه نفر تجاوز نماید این اشخاص در اول
عید رضوان جمع شده و به رأى اکثریت هیئت اداری نه نفری
تشکیل می‌دهند که به نام محفل روحانی جامعه بهائی آن محلّ
موسوم خواهد بود و از آن به بعد همه ساله در روز اول عید
رضوان محفل مزبور را مجدّد انتخاب خواهند نمود و اعضاء
محفل مدّت یکسال و تا وقتی که قائم مقامان آنان انتخاب و
دارای صلاحیت شوند به عضویت باقی خواهند بود ولی هرگاه
عده بهائیان محلّی فقط نه نفر باشند این نفوس در اول عید
رضوان و در سالهای بعد در صورتی که عده آنان اضافه نشده
باشد نیز در اول عید رضوان به وسیله اظهارنامه رسمی جمعی
خود را به نام محفل روحانی آن محلّ نامیده تشکیل محفل
می‌دهند و پس از ثبت این اظهارنامه از طرف منشی محفل
روحانی ملى دارای امتیازات و حقوق و وظائف محفل روحانی
محلّی خواهند شد که به موجب این ورقه تعیین شده است.

بند اول - هر محفل روحانی محلّی جدیدالانتخاب باید
فوراً به شرح ماده چهار و پنج این نظامنامه هیئت رئیسه خود
را که عبارتست از رئیس و یک نایب رئیس، یک منشی، یک
خزانه دار و یا متصدیان دیگری که محفل برای انجام و اجرای
امور مربوطه روحانیه صلاح و لازم بداند تعیین نماید، سپس
منشی فوراً صورتی از اسامی اعضاء محفل جدید و هیئت

رئیس‌ه برای منشی محلّ روحانی ملّی ارسال خواهد داشت.

بند دوّم - وظائف و اختیارات عمومی محلّ روحانی محلّی همان است که در آثار قلمی حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی ربّانی مندرج و مذکور است.

بند سوّم - از جمله وظائف معینۀ محلّ روحانی محلّی حاکمیت کامل نسبت به تمام عملیات و اقدامات و امور جامعهٔ بهائی محلّ خود در تحت ریاست عالی انحصاری محلّ روحانی ملّی که در این "بیان نامه" ذکر شده می‌باشد.

بند چهارم - در صورتی که محلّ یک یا چند نفر از اعضاء محلّ خالی ماند قائم مقام آن عضو یا اعضاء در جلسهٔ مخصوصی که از جامعهٔ بهائیان محلّی برای همین مقصد از طرف محلّ مزبور دعوت می‌شود انتخاب خواهد شد اگر عدّهٔ اعضائی که محلّ آنان خالی مانده از چهار تجاوز نماید و حدّ نصاب رسمیت محلّی به همین جهت میسر نگردد انتخاب مزبور باید در تحت نظارت محلّ روحانی ملّی انجام شود.

بند پنجم - امور محلّ محلّی باید بعینه مطابق مقرّرات راجع به تبادل افکار محلّ ملّی که در مادّهٔ ششم مذکور است انجام و اجراء گردد.

بند ششم - محلّ محلّی باید در مورد هر فردی از افراد جامعهٔ بهائی قبل از اینکه به او حقّ رأی و عضویت جامعه داده شود تبادل افکار نموده صلاحیت او را تصویب نماید ولی هرگاه از تصمیم محلّی در خصوص عضویت در جامعهٔ بهائی و حقّ رأی نداشتن ناراضی باشد می‌تواند از محلّ ملّی تقاضای تجدید نظر نماید و محلّ ملّی باید فوراً حاکمیت

قضیه را قبول نموده و تصمیم نهائی خود را صادر نماید.
 بند هفتم - بر هر یک از منشیان محافل محلیه لازم است که تا اوّل دی ماه هر سال صورت صحیحی از اسماء کلیّه بهائیان که در قسمت آن محفل محلی واجد حقّ انتخاب باشند توسط منشی محفل ملی برای اطلاع و تصویب به محفل روحانی ملی ارسال دارند.

بند هشتم - تمام مسائلی که در قسمتی از قسمتهای امری واقع و کاملاً مربوط به مصالح عمومی ملی تماس نداشته باشد در تحت قضاوت بدوی محفل محلی آن قسمت خواهد بود ولی اتخاذ تصمیم و تفکیک مسائل مربوطه به محافل محلی و مصالح عمومی جامعه بهائی از وظائف محفل روحانی ملی می باشد.

بند نهم - هر یک از افراد جامعه بهائی می تواند از تصمیم محفل روحانی خود به محفل ملی استیناف دهد و محفل ملی می تواند قضاوت در آن مسئله را خود بر عهده گرفته حکم نهائی صادر نماید و یا برای تجدید نظر به محفل محلی احاله دهد.

بند دهم - هر گونه اختلافی که بین بهائیان قسمتی از قسمتهای امری حادث شود و به مساعی محفل روحانی محلی مرتفع نگردد قضیه باید از طرف آن محفل به محفل ملی برای مطالعه و رسیدگی مراجعه شود و تصمیم محفل ملی قاطع خواهد بود.

بند یازدهم - هرگاه در مسئله ای از مسائل فیما بین دو یا چند محفل از محافل محلیه و یا فیما بین بهائیان قسمتهای مختلفه امری اختلاف حاصل شود باید فی الحال به محفل ملی عرضه گردد و آنچه او حکم نماید قطعی و نهائی است.

بند دوازدهم - حوزه حاکمیت هر محلّ محفل مطابق تقسیمات مملکتی است و بهائیان ساکن هر محلّی (شهر، قصبه، قریه) مطابق همان تقسیمات حقّ رأی و اشتراك در انتخابات محلّ محفل را خواهند داشت و هرگاه بهائیان در نواحی متّصله یا خارج از حدود آن محلّ سکنی داشته و مرتّباً بتوانند در مجامع و محافل امریه آن محل حاضر شوند می‌توانند تا زمانی که محلّ روحانی در محلّ اقامت آنها تشکیل نشده به عضویت جمعیت بهائی محل مجاور مذکور و محسوب و در انتخابات آن محلّ شرکت نمایند هرگونه اختلاف نظری راجع به حوزه حاکمیت هر محلّ محفل محفل یا راجع به انضمام يك فرد و یا عده‌ای از بهائیان به یکی از قسمت‌های امریه در ایران باید به محلّ روحانی ملّی ارجاع و تصمیم محلّ مزبور نهائی خواهد بود.

ماده هشتم - اجتماع سالیانه محلّ روحانی ملّی که اعضاء محلّ ملّی باید در آن انتخاب شوند به نام انجمن شور روحانی ملّی بهائیان ایران موسوم و باید در محلّ و زمانی تشکیل شود که محلّ ملّی آنرا تعیین و به توسط محافل محفل اقلّ سه ماه قبل از اجتماع مزبور اعلان تشکیل آن به قسمت‌های امری داده شود و در همان موقع محلّ ملّی عده نمایندگان انجمن شور روحانی را که برای هر قسمت امری به نسبت عده بهائیان آن قسمت تعیین کرده به طوری که مجموع نمایندگان بالغ بر نود و پنج نفر گردد (۵) به هر يك از محافل محفل اطلاع خواهد داد و هر يك از محافل محفل باید در ظرف مدت مناسبی پس از وصول اعلان مزبور و با دادن فرصت کافی به عموم بهائیان قسمت خود مجمعی از افراد رأی دهنده که اسامی

آنها در دفاتر مربوطه ثبت است برای انتخاب نماینده یا نمایندگان انجمن شور روحانی ملی که آن قسمت امری باید انتخاب نماید دعوت و تشکیل دهد و تا سی روز قبل از تاریخ انعقاد انجمن شور روحانی ملی منشی هر محفل محلی باید صورت مصدقی از اسامی و آدرس نمایندگانی که به این نحو انتخاب شده‌اند برای منشی محفل ملی ارسال دارد.

بند اول - انتخاب نمایندگان انجمن شور روحانی به اکثریت آراء صورت می‌گیرد، اشخاصی که به علت مرض یا عذر موجه دیگری نمی‌توانند شخصاً در انتخابات حاضر شوند حق دارند به ترتیبی که مورد رضایت محفل محلی باشد رأی خود را به وسیله پست یا تلگراف ارسال دارند.

بند دوم - کلیه نمایندگان انجمن شور روحانی باید از افرادی باشند که در انتخابات قسمت مربوطه حق رأی داشته‌اند.
بند سوم - نماینده نمی‌تواند حق و امتیازات نمایندگی خود را به دیگری انتقال دهد و یا وکیلی به جای خود معین نماید.
بند چهارم - شناسائی نمایندگان و تصویب حضور آنها به سمت نمایندگی در انجمن شور روحانی ملی از وظائف محفل روحانی ملی است.

بند پنجم - نمایندگانی که نمی‌توانند شخصاً در انجمن شور روحانی ملی حضور یابند حق دارند به نحوی که محفل ملی تعیین نماید رأی خود را برای انتخاب اعضاء محفل روحانی ملی به وسیله پست یا تلگراف اظهار دارند.

بند ششم - هر گاه در یکی از سنوات محفل روحانی ملی تشخیص دهد که اجتماع نمایندگان برای تشکیل انجمن شور

روحانی بر خلاف حکمت یا غیر عملی است محفل باید وسائلی فراهم کند که کار انجمن شور روحانی به وسیله مکاتبه یا مخابره صورت گیرد هر اقدامی که در این موارد به عمل آید باید بر طبق رأی اکثریت کلیه نمایندگان باشد.

بند هفتم - رئیس محفل روحانی ملی که در انجمن شور روحانی حضور دارد باید نظم مجمع نمایندگان را بر عهده گیرد تا انجمن به تشکیلات دائمی خود و انتخاب رئیس و منشی و اعضاء رئیسه دیگری که برای اجرای عملیات و وظائف انجمن به نحو اکمل لازم باشد بپردازد.

بند هشتم - کار عمده انجمن شور روحانی ملی انتخاب نه نفر (اعضاء) محفل روحانی ملی آینده و رسیدگی و مراجعه به راپرتهای مالی و سایر عملیات محفل ملی سابق و لجنات مختلفه آن و مطالعه در کلیات امور مربوطه به امر بهائی می باشد ولی معلوم است که بر طبق اصول اداری بهائی که حضرت ولی امرالله تصریح فرموده اند، به استثنای انتخاب اعضاء محفل روحانی ملی آینده تمام عملیات و مطالعات نمایندگان شور روحانی ملی فقط به منزله اظهار نظر و توصیه به محفل ملی خواهد بود و اتخاذ تصمیم نهائی در مسائل مربوطه به دیانت بهائی در ایران از وظائف مختصه محفل روحانی ملی است.

بند نهم - دستور عمومی اموری را که انجمن شور روحانی ملی باید انجام دهد محفل روحانی ملی تهیه می نماید ولی هرگاه هر يك از نمایندگان مسئله را که مربوط به امر باشد مطرح و انجمن طرح آن را تصویب نماید جزو دستور انجمن

قرار خواهد گرفت.

بند دهم - انتخاب اعضاء محفل روحانی ملى به وسيله اڪثريت آراء نمايندگانى است كه محفل روحانى ملى سابق آنها را شناخته باشد به اين معنى كه اعضاء منتخبه محفل آن نه نفرى خواهند بود كه در اولين انتخاب و از طرف نمايندگان حاضر در انجمن شور روحانى و همچنين نمايندگانى كه به وسيله پست يا تلگراف رأى خود را به منشى محفل روحانى ملى ارسال داشته‌اند حائز اڪثريت آراء گردند هرگاه به علت تساوى آراء تمام عده اعضاء در انتخاب اوليه تعيين نشوند انتخاب يا انتخابات ديگرى به عمل خواهد آمد تا تمام نه نفر اعضاء انتخاب شوند.

بند يازدهم - تمام امورى كه رسماً در انجمن شور روحانى مطرح و حلّ و فصل مى‌شود بايد در دفاتر و آرشيو محفل روحانى ملى ثبت و ضبط گردد.

بند دوازدهم - هرگاه محلّ يك يا چند نفر از اعضاء محفل روحانى ملى خالى ماند بايد به وسيله اڪثريت آراء نمايندگان انجمن شور روحانى ملى كه آن محفل را بدو انتخاب نموده‌اند عده اعضاء تكميل گردد و اخذ رأى به وسيله مكاتبه يا به وسايل ديگرى كه محفل روحانى ملى تصويب نمايد صورت خواهد گرفت.

ماده نهم - در مواردى كه در اين نظامنامه حقّ قضاوت انحصارى نهائى و اختيارات عاليه اجرائى در كلييه مسائل مربوطه به اقدامات و امور ديانت بهائى در مملكت ايران به محفل روحانى ملى تفويض شده است اين نكته مسلم است كه

تصمیمات یا اقدامات محلل روحانی ملّی راجع به مسائل مزبور در جمیع مراحل ممکن است مورد تجدید نظر و تصویب مالی حضرت ولی امرالله یا بیت العدل عمومی قرار گیرد.

مادهٔ دهم - هرگونه عملیات و اقدامات و وظائفی که بالصراحه و بالخصوص در این نظامنامه به محافل روحانی محلّی اختصاص داده نشده است باید مخصوص محلل روحانی ملّی شناخته شود و محلل ملّی حق دارد وظائف و اختیاراتی را که خود مقتضی و لازم بداند به محافل روحانی محلّی که در ظلّ آن هستند واگذار نماید.

مادهٔ یازدهم - برای اینکه منظور و کیفیت روحانی انتخابات بهائی محفوظ بماند از ذکر اسامی و کاندید یا رویه‌های انتخابی دیگری که مضرّ به حال انتخابات آرام و مبتهلانه است باید احتراز شود به طوری که هر شخص انتخاب کننده فقط برای اشخاصی رأی دهد که به وسیلهٔ توسّل و توجّه به ملکوت ابهی و تفکر دقیق اسامی آنها به قلبش الهام گردد. از جمله وظائف مقدّسه و مهمهٔ نفوسی که بنام اعضاء محافل محلّی یا محلل ملّی عهده دار اقدام و اداره و تنظیم امور امریه هستند مراتب ذیل است.

بذل جهد و سعی تام در جلب محبّت و اطمینان نفوسی که افتخار خدمت به آنها را دارند، تحقیق کامل و آشنائی با نظریات دقیقه و احساسات عمومی و معتقدات شخصیّهٔ نفوسی که عهده دار سعادت آنها هستند، تنزیه و تقدیس از تمیّز و تفرّد و اجتراز از کتمان نظر و استبداد در رأی و تحمیل رأی بر دیگران و از هر قول و عملی که رائحهٔ طرفداری و انانیت و غرض رانی از آن استشمام شود و با داشتن حقّ مقدّس اصدار

حکم قطعی، ابراز شوق به مذاکره و مشاوره با احباء، رفع کدورت و انزجار، استقبال از صلاح اندیشی و پیشنهادات، تقویت حسّ تعاون و تشریک مساعی و ایجاد حسن تفاهم و اعتماد مابین خود و افراد بهائی.

ماده دوازدهم- این نظامنامه در هر يك از جلسات عادى یا فوق العاده محفل روحانى ملى به اکثریت آراء قابل تعدیل و اصلاح است مشروط بر اینکه اقلأ دو هفته قبل از تاریخ جلسه مزبوره منشى محفل سوادى از اصلاح یا اصلاحاتى که پیشنهاد مى شود به هر يك از اعضاء محفل ارسال دارد.

یادداشت‌ها و مآخذ فصل اول

۱ - بیت العدل اعظم در دستخط مورخ ۱۴ شهر الشرف ۱۲۲ بدیع در پاسخ جناب هوشنگ محمودی می‌فرمایند:

"سؤال اول آن جناب مربوط به نظم اداری امر اعظم بود که از رابطه آن دو با یکدیگر پرسیده و تفاوت هر یک را خواسته بودند. حضرت ولی عزیز امرالله در توابع انگلیسی اشاره به دو نظم می‌فرمایند یکی نظم اداری 'Administrative order' و یکی نظم بدیع 'World Order' و یا نظم جهان آرای الهی 'New World Order' و در این بیانات تصریح است که نظم اداری مقدمه نظم بدیع است... و اما این نظم چه نظم اداری و چه نظم بدیع را نباید با تمام تعالیم الهیه یکی دانست زیرا مجموعه تعالیم الهیه عبارت امر الهی است و نظم بدیع چه در مرحله کنونی و چه در حین بلوغ نهائی وسیله و اسباب حصول هدف غائی یعنی مدنیت الهیه در بسط غبراست.

(نقل از کتاب ارکان نظم بدیع نشر دوم صفحه ۲۲)

۲ - مضمون بیان مبارک: خوشا به حال کسی که ناظر به نظم حضرت بهاءالله باشد و پروردگارش را شاکر.

۳ - کتاب مستطاب اقدس (بند ۱۸۱) مضمون بیان مبارک چنین است: به راستی نظم عالم از این نظم اعظم متشکلت شد و در ترتیب جهان به واسطه این نظم بدیع که چشم آفرینش نظیر آنرا ندیده اختلاف حاصل گردید.

۴ - از جمله الواح مبارکه اشراقات، بشارات، کلمات فردوسی، لوح دنیا، لوح کرمل و ...

۵ - مولای توانا حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

"اینست که حضرت بهاءالله در کتاب اقدس و حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا که مؤید و متمم و ملازم کتاب اقدس است اصول کلی و عناصر اساسی جامعه بهائی را به نحوی بیان فرموده‌اند که احدی منکر آن نتواند شد." (نقل از کتاب ندا به اهل عالم صفحه ۵۵) و نیز می‌فرمایند: "پس از نزول کتاب مستطاب اقدس و تشریح حدود و

احکام الهیه الواح متعالیه دیگری نیز در اواخر ایّام از یراعه مالک انام عزّ نزول یافت که در آن صحائف مقدّسه اصول و مبادی سامیه این امر اعظم و بعضی از تعالیم و احکامی که از قبل از قلم اعلی نازل شده بود تبیین و تکمیل گردید و در این الواح بدیعه منیعه بشارات و انذارات جدیدی از سماء اراده رحمن ظاهر و پاره ای اوامر و نواهی که فی الحقیقه مکمل حدود و احکام کتاب اقدس محسوب است وضع و مقرر گردید. از آن جمله است الواح اشراقات و بشارات و طرازات و تجلیات و کلمات فردوسیّه و لوح اقدس و لوح دنیا و لوح مقصود... (نقل از مقاله "کتاب مستطاب اقدس امّ الکتاب" به قلم دکتر آهنگ ربّانی مندرج در پیام بهائی شماره ۱۵۰) در همین مقاله چنین توضیح داده شده: "با توجه به بیان فوق الذکر که می‌فرمایند: "و از آن جمله است... باید متوجه بود که حضرت ولی عزیز امرالله در آثار دیگرشان رساله سئوال و جواب و کتاب عهدی و الواح وصایای حضری عبدالبهاء را نیز مکمل احکام و حدود و مؤسس نظم بدیع الهی دانسته‌اند."

۶- ترجمه لجنه ملّی ترجمه آثار امری - طهران نقل از کتاب ارکان نظم بدیع نشر دوّم صفحه ۱۱

۷- در توقیع منیع رضوان ۱۰۵ بدیع می‌فرمایند: "تار و پود این نظم الهی احکام مقدّسه متعالیه مصرّحه در کتاب اقدس که از مخزن قلم اعلی صادر و مبادی سامیه روحانیه و اداری که در الواح و خطابه‌های مرکز عهد و میثاق و مبین آیات نیر آفاق و کتاب وصایایش مدوّن و مسطور." ۸- فصل چهارم توقیع مبارک دور بهائی ترجمه لجنه ملّی ترجمه آثار امری - طهران نقل از کتاب ارکان نظم بدیع نشر دوّم صفحه ۳۰

۹- در توقیع منیع رضوان ۱۰۵ بدیع می‌فرمایند: "... و در مقامی دیگر در بیان انبساط و امتداد این کور جسیم از قلم اعلی نازل: "هذا الظهور يظهر نفسه في كلّ خمس مائة الف سنة واحدة كذلك كشفنا القناع و رفعنا الاحجاب" و همچنین از كلك میثاق متمماً لما صدر من القلم الاعلى و مبيناً لما نزل من سماء مشية مالك العرش و الثرى در بیان اكمليت و اصالت این ظهور مقدّس و کور مكرم نازل:

قرنها بگذرد و دهرها به سرآید و هزاران اعصار منقضی شود تا شمس حقیقت در برج اسد و خانه حمل طلوع و سطوع نماید... اولیاء و پیشینیان چون تصوّر و تخطّر عصر جمال مبارک می‌نمودند منصعق می‌شدند و آرزوی دقیقه‌ای می‌کردند. جمیع اولیاء در اعصار و قرون ماضیه گریان و سوزان آرزوی آنی از ایّام اللّه را می‌نمودند و در این حسرت از این عالم فانی به جهان باقی شتافتند... این ظهور اعظم مثلش آفتاب است و ظهورات در اکوار سابقه و لاحقّه نجوم و اعمار مگر بعد ادهار و احقاب که اقلّ از پانصد هزار سال نبوده باشد." (نقل از مجموعه توقیعات مبارکه چاپ لانگن هاین - آلمان ۱۴۹ بدیع ۱۹۹۲ میلادی صفحه ۲۸۹)

۱۰ - در بیان عربی باب ۱۵ از واحد ششم چنین نازل شده: "ثمّ الخامس من بعد العشر فليقومن كلکم اجمعون اذا تسمعنّ ذکر من تظهره به اسم القائم و لتراقبن فرق القائم و القيوم ثمّ فی سنة التسع کلّ خير تدرکون."

۱۱ - بیت العدل اعظم در پیام مورّخ ۲۸ ژانویه ۱۹۸۶ می‌فرمایند: "حضرت ولی عزیز امراللّه تجلّی عهدهای مختلفه متتابعه‌ای را در عصر تکوین پیش‌بینی فرموده بودند حالا بیت العدل اعظم ظهور و بروز این مرحله تحوّل و تکامل اخیر را (اجازه اینکه محافل ملیه و هیئتهای مشاورین قاره‌ای من بعد نقشه‌های ملی را رأساً تنظیم نمایند) در رشد و بلوغ تشکیلات بهائی بدایت عهد رابع عصر تکوین تعیین و اعلام می‌فرمایند..." ترجمه نقل از پیام بهائی شماره ۷۵-۷۴ صفحات ۸ و ۹

۱۲ - ترجمه، نقل از ارکان نظم بدیع نشر دوم صفحه ۲۱

۱۳ - نظامات بهائی صفحه ۲۲

۱۴ - از ترجمه توقیع مبارک مورّخ ۱۱ می ۱۹۲۶ به افتخار احبّای

امریک - نقل از کتاب ارکان نظم بدیع نشر دوم صفحه ۲۲

۱۵ - در پیام مورّخه رضوان ۱۹۷۰ بیت العدل اعظم چنین مرقوم است: "هر يك از اعضاء هیئت معاونت در موقع انتخابات محافل روحانی اگر به عضویت محفل روحانی انتخاب شود مختار است اگر

عضویت محفل روحانی را قبول کند از عضویت هیئت معاونت معاف خواهد شد و اگر مایل باشد به همان سمت باقی بماند باید از عضویت محفل روحانی استعفا بدهد و همچنین است عضویت در سایر تشکیلات اداری امری مانند لجنه های ملی و محلی. (نقل از کتاب ارکان نظم بدیع نشر دوم صفحه ۱۱۴) و در پیام ۸ جون ۱۹۷۲ می‌فرمایند "احباء الهی می‌توانند در آن واحد هم به عنوان مساعد برای اعضای معاونت و هم به عنوان عضوی در مؤسسات اداری امرالله خدمت نمایند." (نقل از ارکان نظم بدیع نشر دوم صفحه ۱۱۶)

۱۶ - نقل از کتاب ارکان نظم بدیع - نشر دوم صفحه ۲۲۵
 ۱۷ - نقل از کتاب ارکان نظم بدیع - نشر دوم صفحه ۱۷۱ و همچنین در پیام ۲۴ اپریل ۱۹۷۲ در مورد علماء و امراء چنین مذکور است:
 جمال قدم جلّ ذکره الاعظم در کتاب عهدی می‌فرمایند: "طوبی للامراء والعلماء فی البهائ" و حضرت ولی محبوب امرالله در توقیع نوامبر ۱۹۲۱ در باره این بیان می‌فرمایند: "علماء در این کور مقدّس در یک مقام ایادی امرالله و در مقام دیگر مبلغین و ناشرین امر که در سلك ایادی نباشند ولی مرتبه اولی را در تبلیغ حائز و مقصود از امراء اعضای بیت العدل محلی و ملی و بین المللی است."

(نقل از همین مرجع صفحه ۱۶۹)

۱۸ - نقل از کتاب ارکان نظم بدیع نشر دوم صفحه ۱۶۷

یادداشت ها و مأخذ فصل دوم

- ۱ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۲
- ۲ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۴
- ۳ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۵، ۶
- ۴ - نظامات بهائی صفحه ۵
- ۵ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۷
- ۶ - گنجینه حدود و احکام نشر سوم پاورقی ۱۶۳
- ۷ - گلزار تعالیم بهائی نشر اول صفحه ۷۹
- ۸ - گلزار تعالیم بهائی نشر اول صفحه ۷۸

- ۹ - گلزار تعالیم بهائی نشر اوّل صفحه ۷۹
- ۱۰ - نظم جهانی بهائی اقتباس و ترجمه فارسی از توقیع مبارک The world order of Baha'u'llah به وسیله جناب هوشمند فتح اعظم.
- ۱۱ - گنجینه حدود و احکام نشر سوّم. صفحه ۲۲۰
- ۱۲ - کتاب مستطاب اقدس (بند ۲۰) مضمون آیه مبارکه چنین است: خداوند بخشنده برای هر شهری بیت عدلی مقرر فرموده که در آن ۹ نفر نفوس جمع شوند و عده زیادتیر هم مانعی ندارد. این نفوس در این مجمع چنین ملاحظه کنند که به محضر خداوند وارد شده اند و کسی را می‌بینند که دیده نمی‌شود امناء پروردگار برای عالمیان باشند و وکلای او برای تمام اهل زمین. بخاطر خداوند در مصالح عباد مشورت کنند بهمان گونه که در امور خودشان مشورت کنند اراده الهی را اختیار کنند این حکم خداوند عزیز و بخشنده است.
- ۱۳ - لوح مورّخ رجب ۱۳۴۷ - ۲ ژانویه ۱۹۲۱ در پاسخ سئوالات دکتر بدیع الله آگاه نقل از گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۶۶
- ۱۴ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۲۶۲
- ۱۵ - نظامات بهائی صفحه ۵۱
- ۱۶ - نظامات بهائی صفحه ۴۷
- ۱۷ - توقیع مبارک ۲۲ ربیع الآخر ۱۳۴۵ هـ به افتخار اسفندیار خیاط نقل از محاضرات جلد دوّم صفحه ۸۰۱
- ۱۸ - گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۵۸
- ۱۹ - گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۵۸
- ۲۰ - نظامات بهائی صفحه ۵۵
- ۲۱ - گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۵۹
- ۲۲ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۲۹
- ۲۳ - نظامات بهائی صفحه ۱۴
- ۲۴ - مائده آسمانی جلد ۳ چاپ هند صفحه ۵۵
- ۲۵ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۲۰
- ۲۶ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۱۴
- ۲۷ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۶۵

- ۲۸ - اصول نظم ادارى بهائى صفحه ۲۰
- ۲۹ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۶۵
- ۳۰ - نظامات بهائى صفحه ۱۵
- ۳۱ - نظامات بهائى صفحه ۸۴
- ۳۲ - نقل از پيام بهائى شماره ۱۸۲ صفحه ۹
- ۳۳ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۱۴
- ۳۴ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۱۶
- ۳۵ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۱۶
- ۳۶ - لوح مبارك خطاب به محفل روحانى عشق آباد نقل از امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۲۱۸
- ۳۷ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۲۰
- ۳۸ - لوح مبارك مورّخه ۱۹ ديسمبر ۱۹۲۲ خطاب به محفل ملى ايران نقل از مائده آسمانى جلد ششم چاپ هند صفحه ۷۴
- ۳۹ - لوح مبارك ۸ جون ۱۹۲۷ نقل از مائده آسمانى جلد ششم چاپ هند صفحه ۵۳
- ۴۰ - لوح مبارك ۲۰ ك ثانى ۱۹۲۶ نقل از مائده آسمانى جلد ششم چاپ هند صفحه ۴۴
- ۴۱ - مائده آسمانى جلد سوّم چاپ هند صفحه ۵۵
- ۴۲ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۶۵
- ۴۳ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۶۹
- ۴۴ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۷۰
- ۴۵ - توقيع مبارك ۱۵ شباط ۱۹۲۲ نقل از مائده آسمانى جلد سوّم چاپ هند صفحه ۱۸
- ۴۶ - از ترجمه لوح مبارك مورّخه ۱۱ مى ۱۹۲۶ خطاب به محفل ملى امريكا نقل از مائده آسمانى جلد ششم چاپ هند صفحه ۷۶
- ۴۷ - از ترجمه توقيع مبارك مورّخ ۷ فوریه ۱۹۲۹ خطاب به محفل ملى امريكا نقل از مائده آسمانى جلد ششم چاپ هند صفحه ۴۳
- ۴۸ - نظامات بهائى صفحه ۴۸ تا صفحه ۵۴
- ۴۹ - از ترجمه توقيع مبارك خطاب به محفل ملى امريكا نقل از

اصول نظم اداری بهائی صفحه ۷۶

- ۵۰ - لوح مبارک خطاب به میرزا حسین ابن میرزا احمد نیریزی نقل از گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۲۵۶
- ۵۱ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۵۷
- ۵۲ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۵۸
- ۵۳ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۵۹
- ۵۴ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۴۲۶
- ۵۵ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۴۲۷
- ۵۶ - کتاب مستطاب (اقدس بند ۹۵) مضمون بیان مبارکه: خورده گیری بر کسانی که بر بندگان حکومت میکنند بر احدی روا نیست. امور حکام را به آنها واگذارید و به تهذیب قلوب رو آورید.
- ۵۷ - کتاب مستطاب اقدس (بند ۸۲) مضمون آیه مبارکه این است: قسم به خداوند که اراده تصرف کشورهای شما را نداریم بلکه برای تصرف قلوب آمده ایم.
- ۵۸ - گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۲۲۲
- ۵۹ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۲۴
- ۶۰ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۲۵
- ۶۱ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۲۶
- ۶۲ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۲۷
- ۶۳ - کتاب نظامات بهائی صفحه ۲۶
- ۶۴ - گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۲۸۰
- ۶۵ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۷۷
- ۶۶ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۸۱
- ۶۷ - کتاب اصول نظم اداری بهائی صفحه ۲۰
- ۶۸ - ارکان نظم بدیع نشر دوّم ۲۲۲
- ۶۹ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۶۰
- ۷۰ - گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۶۴
- ۷۱ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۶۱
- ۷۲ - گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۵۹

- ۷۲- گنجینه حدود احکام نشر سوّم صفحه ۲۵۹
- ۷۴- گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۶۲
- ۷۵- نظامات بهائى صفحه ۸۰
- ۷۶- گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۶۲
- ۷۷- امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۲۵۸
- ۷۸- امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۲۵۷
- ۷۹- امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۲۵۴
- ۸۰- از توقيع مبارك ظهور عدل الهى نقل از مجله عنديلب شماره ۲۷ صفحه ۲۲
- ۸۱- نظامات بهائى صفحه ۵۸
- ۸۲- امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۲۶۱
- ۸۳- گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۶۵
- ۸۴- اصول نظم ادارى بهائى صفحه ۵۰
- ۸۵- نظامات بهائى صفحه ۸۱
- ۸۶- گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۶۱
- ۸۷- مائده آسمانى جلد شش چاپ هند د نحه ۷۴
- ۸۸- گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۶۲
- ۸۹- نظامات بهائى صفحه ۵
- ۹۰- ارکان نظم بديع نشر دوّم صفحه ۲۲۶
- ۹۱- امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۲۶۲
- ۹۲- ظهور عدل الهى صفحه ۷۲
- ۹۳- گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۶۲
- ۹۴- امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۲۶۱
- ۹۵- لوح مبارك مورخ ۲۲ رجب ۱۲۴۵ خطاب به بديع الله آگاه. نقل از گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۶۴
- ۹۶- امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۴۰۰
- ۹۷- اصول نظم ادارى بهائى صفحه ۵۶
- ۹۸- امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۴۱۱
- ۹۹- اصول نظم ادارى بهائى صفحه ۵۲

- ۱۰۰ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۵۲
- ۱۰۱ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۶۶
- ۱۰۲ - از توقیع مبارک مورّخه ۱۵ شباط ۱۹۳۲ نقل از مائده آسمانی جلد ۲ چاپ هند صفحه ۲۰
- ۱۰۳ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۶۸
- ۱۰۴ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۷۴
- ۱۰۵ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۵۴
- ۱۰۶ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۵۴
- ۱۰۷ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۶۸
- ۱۰۸ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۴۱
- ۱۰۹ - گلزار تعالیم بهائی نشر اوّل صفحه ۲۲
- ۱۱۰ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۴۱
- ۱۱۱ - گلزار تعالیم بهائی نشر اوّل صفحه ۳۴
- ۱۱۲ - نظامات بهائی صفحه ۳۷
- ۱۱۳ - نظامات بهائی صفحه ۳۶
- ۱۱۴ - گلزار تعالیم بهائی نشر اوّل صفحه ۳۴
- ۱۱۵ - کتاب مستطاب اقدس (بند ۵۷ و ۵۸) مضمون آیات مبارکه: هرماه بهائی يك مرتبه میهمانی برای شما مقرّر شده. اگر چه با آب پذیرائی کنید. خداوند اراده فرموده که مهربانی بین قلوب ایجاد کند ولو با وسائل آسمان‌ها و زمین‌ها باشد. مبدا شئون نفسانی و خیالات شیطانی شمار را از یکدیگر جدا سازد. با یکدیگر مانند انگشتان دست و اعضاء بدن باشید قلم وحی اینطور شما را پند میدهد اگر از باور کنندگان باشید.
- ۱۱۶ - گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۱۵۶
- ۱۱۷ - امر و خلق جلد سوّم نشر سوّم صفحه ۱۳۸
- ۱۱۸ - امر و خلق جلد سوّم نشر سوّم صفحه ۱۳۹
- ۱۱۹ - امر و خلق جلد سوّم نشر سوّم صفحه ۱۴۰
- ۱۲۰ - گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۱۵۷
- ۱۲۱ - نظامات بهائی صفحه ۱۹

- ۱۲۲ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۷۱
- ۱۲۳ - امر و خلق جلد سوّم نشر سوّم صفحه ۳۷۲
- ۱۲۴ - نظامات بهائی صفحه ۱۱۵
- ۱۲۵ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۷۲
- ۱۲۶ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۴۰۹
- ۱۲۷ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۴۰۷
- ۱۲۸ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۴۰۱
- ۱۲۹ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۴۰۲
- ۱۳۰ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۴۰۳
- ۱۳۱ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۴۰۵
- ۱۳۲ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۶۷
- ۱۳۳ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۶۹
- ۱۳۴ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۷۰
- ۱۳۵ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۶۸
- ۱۳۶ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۴۰۶
- ۱۳۷ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۶۹
- ۱۳۸ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۹۳
- ۱۳۹ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۹۴

یادداشتها و مأخذ فصل سوّم

- ۱ - گنجینه حدود و احکام نشر سوّم صفحه ۲۲۵
- ۲ - امر و خلق جلد سوّم نشر سوّم صفحه ۴۰۹ در لوح خطاب به زین المقربین
- ۳ - گلزار تعالیم بهائی نشر اوّل صفحه ۹۴
- ۴ - گلزار تعالیم بهائی نشر اوّل صفحه ۹۴
- ۵ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوّم صفحه ۳۶
- ۶ - امر و خلق جلد سوّم نشر سوّم صفحه ۴۱۱
- ۷ - امر و خلق جلد سوّم نشر سوّم صفحه ۴۱۳
- ۸ - امر و خلق جلد سوّم نشر سوّم صفحه ۴۱۲

- ۹ - گنجینه حدود و احکام نشر سَوّم صفحه ۲۲۷
 ۱۰ - گنجینه حدود و احکام نشر سَوّم صفحه ۲۲۸ نقل از لوح مبارک
 خطاب به افغان نورالدین بیست ربیع الاول ۱۳۰۱
 ۱۱ - امر و خلق جلد چهارم نشر سَوّم صفحه ۳۱۹
 ۱۲ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۲۱
 ۱۳ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۲۲
 ۱۴ - نظامات بهائی صفحه ۵۴
 ۱۵ - امر و خلق جلد چهارم نشر سَوّم صفحه ۳۱۱
 ۱۶ - امر و خلق جلد چهارم نشر سَوّم صفحه ۳۱۷
 ۱۷ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۲۳

یادداشت‌ها و مأخذ فصل چهارم

- ۱ - الواح مبارکه و صایا، فتوکپی نسخه عکسی اصل الواح مبارکه
 ۲ - امر و خلق جلد چهارم نشر سَوّم صفحه ۳۷۶
 ۳ - امر و خلق جلد چهارم نشر سَوّم صفحه ۳۷۵
 ۴ - بر حسب تصویب حضرت ولی امرالله کشور مقدّس ایران به
 بیست و دو قسمت تقسیم و برای هر قسمت مراکزی که از لحاظ
 موقعیت و مرکزیت و امکانات ارتباطی وضع مناسبی داشته تعیین
 گردیده بود که این مراکز وسیله ارتباط بین محفل ملی و محافل
 روحانیه محلیه و بالعکس باشند به علاوه محفل روحانی ملی پاره‌ای
 از وظائف خود را به محافل روحانی این مراکز قسمت‌ها محوّل نموده
 بودند که بالوکاله انجام دهند از قبیل ایصال اوراق و مراسلات و
 اخبار امری و نامه‌ها و متحدالمآلهای محفل ملی به محافل محلی و
 رساندن نامه‌ها و مکاتبات محافل محلی به محفل ملی، نظارت در
 اجرای انتخابات محلی و ملی (ابلاغ دستورات انتخابیه محفل ملی،
 تقسیم عدد وکلاء هر قسمت بین اقسام ثانوی، استخراج آراء و تعیین
 نمایندگان انجمن شور روحانی ملی و تصدیق صلاحیت و معرفی آنان
 به محفل ملی) کمک و مساعدت در تنظیم و تکمیل احصائیه و
 نگاهداری نسخه‌ای از احصائیه هر محل در مرکز قسمت و ارسال

نسخه ای برای محفل ملی، تشکیل انجمن های شور روحانی محلی) در عین حال این اجازه را داده بودند که محافل محلی مستقیماً با محفل ملی مکاتبه بتوانند نمود به علاوه این مطلب را به صراحت به محافل روحانی مراکز قسمت های امری ابلاغ نموده بودند که محافل روحانی محلی چه در شهرها و چه در قراء و قصبات دارای حقوق متساوی هستند و تفویض موقت پاره ای از اختیارات محفل ملی به هیچوجه نباید سبب فکر در حمیت و حاکمیت و آمریت برای محافل مراکز قسمت ها به وجود آورد.

اسامی مراکز بیست و دوگانه به قرار ذیل بوده:

آباده - آذربایجان - اصفهان - بابل - بندرجز - خراسان - خوزستان - زاهدان - ساری - سنگسر - طهران - عراق - فارس - قائنات - قزوین - کاشان - کرمان - کرمانشاه - گیلان - نیریز - همدان و یزد.

۵ - بعداً بر حسب دستور مولای توانا حضرت ولی امرالله تعداد نمایندگان به نه مرتبه نوزده (۱۷۱) ارتقاء داده شد.

۶ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۲۷۷

۷ - در سنه ۱۹۵۴ مولای مهربان در توقیع مبارک نوروز ۱۱۱ بدیع اجازه عضویت خانمهای بهائی را در محافل روحانی به شرح زیر دادند: "بشارت کبری که در خاتمه این اوراق این عبد آستان به یاران و ستمدیدگان ایران بالاخص جمهور اماءالرحمن در آن سامان که در خدمات امریه لیلاً و نهاراً ساعی و جاهدند می دهد آنکه در این عید رضوان که مسک الختام سنه اولای جهاد کبیر اکبر است و افتتاح نخستین سنه عقد ثانی دوّمین قرن بهائی است و در سنوات آتیه جمهور مؤمنات از سن بیست و یک به بالا کاملاً حق مشارکت با رجال را در عضویت محافل روحانی محلی و ملی خواهند داشت. سدّ منیع در نتیجه تطوّرات اخیر و خدمات باهره مستمره خواهران روحانی آن سامان و خارج کشور ایران کاملاً مرتفع و مساوات تام حاصل..."

۸ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۲۹۴

۹ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۲۹۰

۱۰ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۲۸۸

- ۱۱ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۲۹۱
- ۱۲ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۸۵
- ۱۳ - نظامات بهائی صفحه ۱۰۰
- ۱۴ - ذکر نام امریکا و کانادا باهم در این مقام و موارد دیگری بدین سبب است که در ابتدا محفل ملی امریکا و کانادا یکی بوده است.
- ۱۵ - نظامات بهائی ۱۱۸
- ۱۶ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۲۷۵
- ۱۷ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۲۹۶
- ۱۸ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۲۹۰
- ۱۹ - از تویع مبارک مورخ ۲۰ کانون ثانی ۱۹۲۲ نقل از کتاب اصول نظم اداری بهائی صفحه ۸۷
- ۲۰ - از تویع مبارک مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۲۲ نقل از کتاب اصول نظم اداری بهائی صفحه ۸۷
- ۲۱ - اصول نظم اداری بهائی صفحه ۸۸
- ۲۲ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۴۱۰
- ۲۳ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۴۰۶
- ۲۴ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۴۰۳
- ۲۵ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۴۱۳
- ۲۶ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۴۱۱
- ۲۷ - به صفحه ۱۲۶ کتاب مراجعه فرمائید.
- ۲۸ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۴۱۲
- ۲۹ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۲۹۶
- ۳۰ - امر و خلق جلد چهارم نشر سوم صفحه ۴۱۲
- ۳۱ - نقل از کتاب عالم بهائی جلد ششم (۱۹۲۶-۱۹۳۴) صفحه ۲۶۹ در این مورد متذکر می‌گردد که در قانون اساسی محفل ملی ایران اصول اصلی و اساسی غیر قابل تغییر است ولی امور فرعی و ثانوی همانطور که در متن بیان نامه و نظامنامه مذکور گشته در هر زمان که محفل لازم داند می‌تواند آنرا اصلاح و تغییر دهند کما اینکه در بند ۱۲ ماده هفتم نظامنامه بعداً تغییراتی داده شده است.

تشکیل شوراهای منطقه‌ای

بیت العدل اعظم الهی به منظور توسعه و تکمیل مشروعات ملی، کیفیت کلی و عمومی تشکیل شوراهای منطقه‌ای را طی پیام مورخه ۲۰ می ۱۹۹۷ خطاب به عموم محافل روحانی ملی تعیین و ابلاغ فرموده اند چون این دستور بعد از تکمیل کتاب از لحاظ حروف چینی زیارت شده لهذا ترجمه آن به آخر کتاب اضافه می‌گردد:

دوستان عزیز بهائی،

توسعه جامع جهانی بهائی و پیچیدگی روزافزون مسائلی که محافل روحانی ملی در پاره‌ای از کشورها با آنها مواجه هستند امر بهائی را به مرحله جدیدی از توسعه و پیشرفت وارد نموده است. این وضعیت سبب شده که بیت العدل اعظم در سنوات اخیر جوانب گوناگون موازنه بین تمرکز و عدم تمرکز را بررسی نماید. در چند کشور به محافل روحانی ملی اختیار داده شد که شوراهای بهائی ایالتی یا لجنه‌های منطقه‌ای تبلیغ و امور اداری تأسیس کنند. از تجاربی که در اثر اقدامات این مؤسسات کسب گردیده و با بررسی تفصیلی اصولی که حضرت ولی امرالله وضع فرموده‌اند این نتیجه حاصل شده است که موقع آن فرا رسیده تا عنصر جدیدی در نظم اداری بهائی که "شورای بهائی منطقه‌ای" نامیده می‌شود به وجود آید که در سلسله مراتب بین تشکیلات محلی و ملی قرار می‌گیرد و متضمن نوع خاصی از مؤسسات امری است.

شوراهای بهائی منطقه‌ای فقط با اجازه بیت العدل اعظم و تنها در کشورهایی که شرایط چنین اقدامی را ایجاب می‌نماید تأسیس می‌گردد.

با وجود این مطلوب چنین به نظر رسید که جمیع محافل روحانی ملی از کیفیت این اقدام تاریخی مطلع شوند و مقام و موقعیت این تأسیس جدید در سیر تکاملی مؤسسات ملی و محلی بهائی تصریح گردد.

مؤسسات نظم اداری حضرت بهاءالله که ریشه و بنیادش

مبتنی بر آثار قلم‌اعلی است. به تدریج و به موازات رشد و توسعه جامعه بهائی تحت تأثیر قوائی که اراده الهی در این عصر به جامعه انسانی اعطاء نموده به منصف ظهور رسیده است. خصوصیات و وظایف هر يك از این مؤسسات و روابط بین آنها متدرجاً تحوّل یافته و تکامل می‌یابد. توقیعات حضرت ولی امرالله عناصر اصلی این نظام نیرومند را تشریح نموده و مصرّح می‌دارد که نظم اداری گرچه از بسیاری جهات با نظم جهانی که مقدر است ظهور امر بهائی آن را بوجود آورد متفاوت است اما در عین حال هم "هسته مرکزی" و هم "طرح و نمونه‌ای" برای نظم جهانی است. بنا بر این در حالی که تحوّل و تکامل مؤسسات نظم اداری از تغییرات عدیده تبعیت می‌کند تا با شرایط متحوّل در زمان‌ها و مکان‌های مختلف مواجه گردد در عین حال باید منحصراً تابع اصول اساسی نظم اداری بهائی باشد. نظمی که در آثار و نصوص مبارکه و در تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تنصیص و تشریح و وضع گردیده است.

یکی از کیفیات دقیق نظم اداری بهائی موازنه بین تمرکز و عدم تمرکز است. این موازنه باید به نحوی صحیح برقرار و حفظ شود. ولکن نسبت به شرایط هر مؤسسه‌ای عوامل گوناگونی در این معادله وارد می‌شود. مثلاً رابطه‌ای که بین محافل روحانی ملی یا محلی یا لجنات تحت اشراف آنها وجود دارد با کیفیت رابطه‌ای که بین محافل ملی و محلی موجود است متفاوت است. در مورد اول رابطه موجود عبارت از رابطه يك مؤسسه اداری مرکزی با "اعضائی است که در امور اداری و اجرائی بدان مؤسسه کمک و مساعدت می‌نمایند" * در صورتی که در مورد دوم رابطه موجود عبارت از رابطه بین بیت العدل در سطح محلی و ملی است که هر يك از آنها مؤسسه‌ایست که من عندالله تأسیس شده و حوزه عمل و وظائف و امتیازات آنان به صراحت مشخص گردیده است.

شوراهای بهائی منطقه‌ای نه از تمام خصوصیات بلکه از بعضی

* توقیع حضرت ولی امرالله مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۲۷ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده آمریکا و کانادا.

از خصوصیات محافل روحانی برخوردارند تا بدین وسیله امکانات پیشبرد اقدامات تبلیغی و همچنین امور اداری مربوط به جامعه سریع التوسعه بهائی را در مواقع عدیده فراهم نمایند. بدون چنین مؤسسه ای توسعه لجنه ای ملی برای تأمین نیازمندی‌هایی که در بعضی کشورها وجود دارد متضمن خطر پیچیدگی متزاید تشکیلاتی در اثر افزودن طبقه جدیدی از لجنات در تحت اشراف لجنات منطقه ای می‌گردد و یا خطر عدم مرکزیت افراطی را به سبب تفویض خود مختاری زیاده از حدّ به لجنات باعث می‌شود. لجناتی که حضرت ولی‌امرالله آنها را "مؤسساتی که فقط باید به عنوان مشاوران متخصص و مساعدین اجرائی محفل محسوب شوند" مشخص فرموده‌اند.

اثرات و فواید اختصاصی و میّزه شوراهای بهائی منطقه ای

به قرار ذیل است:

مرتبه ای در اختیار تصمیم گیری در امور تبلیغی و اداری در ظلّ محفل ملی و مافوق محافل روحانی محلی بوجود می‌آورد که متمایز از محدودیت در اقدامات اجرائی است.

اعضای محافل روحانی محلی منطقه را در انتخاب اعضاء شورا دخالت می‌دهد و بدین ترتیب علقه بین شورا و احبای محلی را تقویت می‌کند و سبب می‌شود که افراد لایقی وارد میدان خدمت گردند که نزد احبای منطقه معروف هستند.

رابطه مستقیم مشورتی بین مشاورین قاره ای و شوراهای

بهائی منطقه ای ایجاد می‌کند.

در مناطقی که اهالی آنها از نظر قومی و نژادی یکسان هستند اما در دو یا چند کشور مختلف زندگی می‌کنند تشکیل شوراهای بهائی منطقه ای ارتباط آنان را ممکن می‌سازد. در چنین وضعیتی شورای مزبور به نحوی تعیین می‌شود که مستقیماً در تحت اشراف یکی از محافل ملی آن منطقه انجام وظیفه نماید مشروط بر آنکه گزارش‌ها و خلاصه مذاکرات های خود را به سایر محافل ملی منطقه مزبور نیز ارسال دارد.

عدم تمرکز بیشتر در اثر تفویض اختیارات به شورای بهائی

منطقه‌ای به همان اندازه نیازمند ازدیاد استعداد محفل ملی در اطلاع از جریان امور اداری در تمام سرزمینی است که تحت اشراف عالیّه آن محفل قرار دارد.

برای محافل روحانی ملی که شوراهای بهائی منطقه ای یا لجنات منطقه ای اداری و تبلیغ تأسیس کرده‌اند پیام دیگری به ضمیمه ارسال می‌گردد که خطّ مشی لازم برای تشکیل و فعالیت شوراهای بهائی منطقه ای را توضیح می‌دهد. مراعات سادگی عنوان "شورای بهائی منطقه ای" به کار برده شده و لکن اسامی این مؤسسات در ممالک مختلف همانطور که از قبل مرسوم شده متفاوت است. از قبیل "شورای بهائی ایالتی"، "شورای بهائی ناحیه ای" یا وقتی که منظور يك شورای معین است "شورای بهائی برای..." و امثال آنها. برای ممانعت از تشّت اذهان که در اثر به کار بردن عنوان "لجنات منطقه ای اداری و تبلیغ" پیش آمده است تصمیم گرفته شد که به کار بردن این عنوان موقوف شود و مؤسسات مزبور نیز شوراهای بهائی محسوب شوند که اعضای آن بجای انتخاب منصوب می‌شوند. به محافل روحانی که دارای چنین لجناتی هستند جداگانه نوشته خواهد شد که در صورت لزوم چه تغییراتی باید در سازمان کنونی بدهند.

دعای صمیمانه این مشتاقان در عتبه سامیه مقدّسه آنست که تأسیس شوراهای بهائی منطقه ای توانائی نظم اداری را در مقابله با موقعیت‌های پيچیده ای که حال در تعدادی از کشورهای جهان با آن مواجه گشته به مراتب افزایش بخشد تا با نیروئی افزون‌تر به نشر نفعات الهیه و تبلیغ امرالله پردازد.

بیت العدل اعظم

نقل از پیام بهائی شماره ۲۱۲ صفحه ۵

معانی لغات مشکله

آغاز کردن - آشکار کردن	ابداء
نوآوردن - ایجاد امور غیر عادی	ابداع
رأی دادن در انتخابات	ابدای رأی
تازه تر (ترین) - جدیدتر (ترین) - بی سابقه ترین	أبدع
نیکان - خوبان - صالحان - راستگویان	أبرار
فصیح تر - رساتر	أبلغ
وسعت پیدا کردن	اتساع
محکمی - متانت - محکم بودن	اتقان
اعتماد - تکیه داشتن - توکل کردن	اتکال
به طور مثبت	اثباتاً
مجادله کردن - ایرادگیری - انکار کردن	احتجاج
آزادگان	احرار
سالها - مدتها	احقاب
پست ترین (عالم ادنی، عالم جسمانی)	ادنی
روزگاران	أدهار
اقرار و اعتراف کردن - فرمانبرداری کردن	اذعان
بیوه زنان - زنان فقیر - بینوایان	أرامل
ادرنه (سرّ بحساب اجد برابر ادرنه و ۲۶۰ است)	ارض سرّ
کمرها - پشت ها	أزرناء
استئناف (استیناف) از سرگرفتن - از مقامی بالاتر تقاضای رسیدگی به موضوع و حکم مقام اول را نمودن،	استئناف
نسخه برداشتن از روی کتاب، مطلبی را از روی نوشته دیگری نوشتن	استنساخ
دست مالیدن و بوسیدن به قصد تبرک (طبق مرقومه دارالانشای بیت عدل اعظم به مؤلف کتاب) در زبان عربی به معانی "رسیده" "قبول" و "اعلان رسید" است.	استلام

دراز کردن سخن - بسیار سخن گفتن	اسهاب
صبر کردن - شکیبائی نمودن	اصطبار
شایسته تر (ترین) - بهترین - صالح تر	أصلح
صداها - رأی ها (درانتخابات)	أصوات
چندین برابر	اضعاف مضاعف
دراز کردن سخن - ادامه دادن و طولانی کردن سخن	إطناب
بالاترین مقام - بلندترین مرتبه	أعلى ذروه
مهارها - لگام ها	أعنته
كدورت - دلتنگی	إغبرار
از یکدیگر جدا شدن - هر يك به راهی رفتن	افتراق
فصیح ترین - خوش بیان ترین - رسا و گویا ترین	أفصح
فرو رفتن - پنهان شدن - غروب کردن خورشید	اقول
به هم نزدیک شدن - ازدواج	اقتران
کسب کردن - فراهم کردن مال از راه کسب و کار	أقتراف
کسی را به زور به کاری واداشتن - تحمیل کردن	إكراه
بر خلاف میل طرف	
باطل کردن - لغو کردن	الغاء
القاء امری از جانب خداوند در دل انسان - به	الهام
دل افکندن	
بازداشتن - مرتفع کردن	امتناع
توجه دقیق	امعان نظر
خودپسندی - تکبر - خودنمائی	أنائیت
برکنندن - مثال آوردن در کلام - امتناع ورزیدن	انتزاع
پیروز و کامیاب شدن - روا شدن یا بر آوردن حاجت	انجاح
مناسب تر (ترین)	أنسب
روان بودن کلام - عاری بودن کلام از تقييد و	إنسجام
پیچیدگی - شیرینی کلام	
شکافته شدن - اختلاف و جدائی و دو شعبه شدن	انشقاق
مطابقه کردن	انطباق

اطاعت کردن - رام شدن - گردن نهادن	انقیاد
ظرف ها	اواعى
سستی و تنبلی و سهل انگاری	اهمال
زنان و مردان بدون همسر	ایامى
ترکیب یافتن - جمع شدن - باهم انس گرفتن	ائتلاف
	<u>ب</u>
زمین	بسیط غبراء
سردکنند سوختن قلبم از شوق یا غم	برد لوعتى
شفا دهنده درد من	برء علتى
نورانی - روشن - برق زننده	بارقه
هرگز - به هیچوجه	بالمرة
به بیان دیگر	به عبارة اخرى
خانه حرام - خانه ای که در آن جدال و هر عمل خلافی	بیت الحرام
حرام است - خانه محترم - منظور کعبه است	
	<u>ت</u>
به تأخیر انداختن - مهلت دادن	تأجیل
تضرع و زاری	تبتل
(جمع تبرعات) بخشیدن بدون طلب عوض - بدون	تبرع
مطالبه بخشیدن	
تأمل کردن - خوب نگریستن - بصیرت یافتن	تبصر
(جمع تبیینات) بیان کردن - آشکار ساختن -	تبیین
توضیح دادن - تفسیر کردن	
منقسم شدن - جزء جزء شدن	تجزی
توقف و درنگ کردن - صبر نمودن - انتظار	تربص
کشیدن	
با لحن آهسته تلاوت کردن - با لحن و نغمه	ترتیل
تلاوت کردن	
تشویق نمودن به انجام کاری	ترغیب

تزییف	پست شمردن - تحقیر کردن - بطلان رأی را ظاهر ساختن
تسبیح	خدا را به پاکی و تقدس یاد کردن - نیایش و ذکر خدا نمودن
تسع	نه
تشبث	متوسل شدن - دست آویز قرار دادن
تشتت	پراکنده شدن - پریشان شدن
تشجیع	شجاعت دادن و تشویق به شجاعت کردن
تشریح	راه و شریعت را بیان کردن
	قانون گزاری نمودن
تشیید	استوار کردن - محکم ساختن
تصریح	سخن را صریح بیان کردن
تصلب	سخت شدن - سفت شدن
تصویت	صدا و ندا برآوردن - صدا به رأی دادن بلند کردن - رأی دادن در انتخابات
تصویب مآلی	تصویب نهائی
تعاطی	فکر و خوض در کاری کردن
تفتین	فتنه انگیختن - آشوب کردن - فتنه و آشوب
تفحص	کاوش و جستجو کردن - تحقیق کردن
تفرّد	تنها و یکه شدن - به تنهائی عمل کردن
تفرّس	دقت کردن به مطلب یا امری نظر نمودن و باطن آنرا یافتن
تفوّق	برتری جستن - برتر و بالاتر شدن
تفویض	واگذاری - کاری یا چیزی را به کسی سپردن
تقبیح	زشتی کار کسی را نمایاندن و گفتن از آن - بد دانستن و انتقاد کردن
تقنینه	قانون گذاری - به قانون گذاشتن
توقیع (جمع تواقیع)	فرمان و یا دستخط و یا نوشته و کتاب امضاء شده
تکوین	ایجاد کردن - هستی

اشارات	تلويحات
به راه انداختن - سر و سامان دادن	تمشيت
فكر كردن - دقت و تأمل كردن	تمعن
سهل انگارى و سستى	تهاون
خدا را نيايش كردن	تهليل
	ث
هشتاد	ثمانين
معتمد - قابل اعتماد	ثقه
	ج
بال - بازو	جناح
پناهگاه بهشتى من	جنتى المأوى
	ح
قوت حس بينائى	حدت بصر
به وقوع پيوستن - آشكار شدن - موجود شدن	حدوث
پناهگاه - نصيب	حرز
خوبى ضمير - خوبى باطن - خوبى نيت	حسن طويت
كلام زائد و غير ضرورى	حشو و زوائد
قلعه استوار و محكم و منيع	حصن حصين
بهشت - جنت ... اين نام را حضرت ولى امرالله در توقيح تموز ۱۹۲۵ براى محل تجمع و مشورت و ملاقات احبب و تشكيل مجالس و محافل انتخاب و اطلاق فرموده اند.	حظيرة القدس
	خ
پنجم	خامساً
نقشه - نقشه جغرافيا	خريطه
	د
دفع كننده - دور كننده	دافعه

دافقه	فواره زنده - جهنده - ریزان
دسائس	فکرهای پنهانی - فریب های مخفی - خدعه پنهانی
دوحه بقا	درخت پایدار - در اصطلاح امری به موسس آئین الهی اطلاق می شود

ر

رائحه منتنه	بوی بد
رابعاً	چهارم
رافع	بردارنده - بلند کننده - رفع کننده
رتق و فتق	بستن و گشودن - انجام دادن کارها و حل و عقد امور
رغبت	میل - خواسته - حرص
رواء غلّتی	آب گوارا برای تشنگی من

ز

زُبُر	رساله ها - کتاب ها - نوشته ها
-------	-------------------------------

س

سابغ	فراوان - زیاد
ساربه	جاری - سیر کننده
ساقط	افتاده - پست - فرومایه
سامی - سامیه	عالی - بلند - بلندمرتبه
سجن اعظم	زندان عگا
سده	تخت - سریر
سریر	عرش - تخت - تخت سلطنت
سقایه	آبیاری کردن
سقیم	نادرست - خلاف حقیقت
سلف	گذشته - در گذشته
سلیمه - سلیم	سالم - درست و صحیح - بری از آفات و عیوب
سماح	عطا کردن - رواداشتن - آسان گرفتن

آسمانی	سماوی - سماویہ
سال نہ (اشارہ بہ نہ سال بعد از بعثت حضرت اعلیٰ و اظہار امر خفی حضرت بہاء اللہ در سیاہ چال سال شصت (اشارہ بہ سال ۱۲۶۰ بعثت حضرت اعلیٰ)	سنہ تسع
	سنہ ستین

ش

قانون گزار - پیغمبر	شارع
بلند - عالی رتبہ	شامخ
متفرق - مختلف	شتی
ادیان - مذاہب	شرایع
بہبودی سینہ من	شفاء صدی
لب گشودن - لب بہ سخن باز کردن	شقّ شفه

ص

حفظ کردن - محافظت نمودن (چہ مادی چہ معنوی)	صیانت
--	-------

ط

پاک و پاکیزہ - خوب - حلال	طیب - طیبہ
بہ طیب خاطر - از روی میل و ارادہ	طوعاً
ضمیر - باطن - راز و قصد - نیت	طویت

ع

درگاہ - آستان - پلہ	عتبہ
کهنہ - قدیمی	عتیقہ
ظلم - ظلم آشکار و واضح	عدوان
شام - خوراک شب	عشاء
خوراک معنوی (اشارہ بہ آخرین شبی کہ حواریون مسیح در حضور مبارکش بودند)	عشاء ربّانی
مانند ہم - بی اختلاف - بہ یک اندازہ	علی حدّ سواہ
مخالفت و معارضہ کردن - عصیان نمودن	عناد
منافع - نیکی ها - عاداتها	عوائد

غ

غائی	نهائی
غامض	امر مبهم و پیچیده
غایتی القصوی	بالاترین مقصد - منتهی آرزو
غراء	روشن و نورانی - مفید - واضح و آشکار
غرامت	تاوان - خسارت
غفیر	زیاد - کثیر

ف

فئه	گروه - طایفه - دسته
فاتحه	ابتداء - آغاز
فالق الصبح	پدید آورنده صبحها - خالق متعال
فتور	سستی و تصور
فحواء	معنی - مضمون - مفهوم سخن
فرائض	واجبات دینی
فطانت	هوشیاری و دانائی - تیز فهمی و زیرکی
فیصل	حل و فصل کردن

ق

قائم مقام	جانشین
قاطبه	همه - تمام
قبیح	زشت و ناپسند
قدسی - قدسیه	پاک و منزّه
قبیل	جانب - طرف
قرّة عینی	روشنی چشم من
قیادت	پیشوائی - فرماندهی - سرداری - رهبری

ک

کثله واحده	مانند جمعیت واحدی
کرات	دفعات
کماینبفی و یلیغ	آنچه شایسته و سزاوار است - آنچه اطاعتش

لازم است

ذاتى - باطنى و سرشتى

كينونيه

ل

آنچه اطاعتش لازم و ضرور است

بى نظير - بى همتا - بى مانند

درخشندى - تابش تالو -

آلودگى و پليدى

لازم الاطاعة

لا عدل له

لمعان

لوث

م

حاجات - نيازها - خواسته ها

آب جارى

آنچه شبیه آن است

آنچه نهايت ندارد

موظف و مأمور به آن

مبادى (مبدء مفرد) اصول و قواعد اساسيه

مقبول - خوب - بدون خدشه و نيرنگ

توضيح دهنده - واضح کننده - شرح دهنده -

بيان کننده مقصود حق در آثار و آيات

مختلف با يکديگر - دور شونده از هم

ضد يکديگر - غير موافق

(مفرد: متذلل) خاضع - خاشع - فروتن

ضد يکديگر

زارى کنندگان - تضرع کنندگان

چيزى که از چيز ديگرى جدا شود

ماهر در فن و صنعت - مراعات کننده اسلوب

صحيح

محکم کننده

مثل و مانند

متوجه به سوى او

مآرب

ماء معين

ماشا کلها

ما لانهايه

مأمور بها

مبرور

مبين

متباين

متخالفه

متذللين

متضاده

متضرعين

متفرع

متفئن

متقنه

مثابه

متوجهاً اليه

بغداد.	مَدِينَةُ اللَّهِ
تمدّن - شهر نشینی و حسن نظام اجتماع	مَدَنِيَّت
نکوهیده - زشت	مَذْمُوم
نویسنده و منشی	محرّر
احراز کننده - نگاهدارنده	مُحرز
احیاء کننده استخوانهای پوسیده -	محي رمم
زنده کننده استخوانهای پوسیده	
(جمع: مرایا) آئینه	مرآت
بیماران	مرضى
نردبان - پلکان	مرقات
مبتلا به زکام	مزکوم
نیکو شمرده شده - پسندیده	مستحسن
در سایه کسی یا چیزی درآمدن	مستظلّ
با استمداد از فضل او	مُسْتَعِيناً من فضله
زادگاه - محلّ تولّد	مسقط الرأس
راه - روش - طریقه	مسلك
خواسته های نفسانی - خواهش های دل	مشتهیات
شرعی - مطابق شرع - مجاز در شرع	مشروع
تأسیسات شرعیه - امور مفیده مطابق شرع آنچه	مشروعات
در شریعت تأسیس گردد	
تصریح شده - واضح شده	مصرّح
با اصرار و یا فشار	مُصرّاً
مفاهیم - محتوی ها - معانی	مضامین
عبادتگاه ها	معابد
پناه بر خدا	معاذاللّه
مراجع - محل های رجوع	معاهد
بوئیدنی - بوئیده شده - عطر	مشموم
شخص مورد اعتماد	معمدعلیه
نتیجه علّت - اثر علّت	معلول

اعانه کننده - نصرت کننده - كمك کننده	مُعِين
غبار آلوده - خاك آلوده	مُغْبِر
بيابان بى آب و علف - جاي هلاك و سختى و تنگى	مَفَازَةُ ضَيْقِه
ضررها - بدى ها	مفاسد
بسته شده - در قيد و بند	مقيد
چيزهاى مكروه و ناپسند - بدى ها	مكاره
پوشيده - پنهان	مكتوم
تكميل شده - تمام شده - كامل شده	مكْمَل
امور و تاسيسات وابسته	ملحقات
مورد توجه و نظر	ملحوظ نظر
كثيف و آلوده	ملوث
وكلاء و نمايندگان	ممثلين
مده كننده - يارى دهنده	ممدّ
امضاء شده - تصويل کننده و نافذ	ممضى
گرداننده حكم و غيره	منافات
خلاف يكديگر بودن - معارض و مباين بودن	منتخبين
انتخاب كنندگان	منتخبين
انتخاب شوندهگان	منتخبين
بيهوش شده - غش کرده	منصعق
املا يا ديكته شده - كلام صريح و بدون احتياج	منصوص
به تاويل - كلام مستند	منتعش
سرحال و بانير و نشاط	منتهى معارجى العليا
بالا ترين مرتبت عالى من	منقاد
اطاعت کننده - فرمانبردار - مطيع	منقذ
نجات دهنده	منقطعاً عن دونه
بدون وابستگى به غير او	منوط
معلق - موکول	منویات
مقاصد - نيات	منيته قلبى
آرزوى قلب من	

سروران - بندگان	موالیان
مورد اعتماد - معتمد	موثوق
به ودیعه گذارده شده - به امانت گذاشته شده.	مودعه
ارث گذارنده - وارث قرار دهنده - سبب شونده - علت - باعث	مورث
فراوان - بسیار - وسیع	موفور
مولای مردمان - مولای خلق (این اصطلاح در صلوة و ادعیه و بعضی الواح مبارکه جزء نعوت الهیه آمده است اما بعد از صعود جمال قدم ثابتین بر میثاق، حضرت عبدالبهاء را به این اصطلاح مبارک نیز ذکر نموده اند که به تدریج جزء القاب آن حضرت نزد احبّایش گردید مع آنکه حضرتشان اسم و لقب و نام و نشان و نعت و مدحی جز عبدالبهاء اختیار نفرموده اند.	مولی الوری
عطا شده	موهوبه
ارثیه مورد پسند و مطلوب	میراث مرغوب
<u>ن</u>	
انتخاب کنندگان	ناخبین
نفوذ کننده - مؤثر - مطاع	نافذه
در نظم اداری برابر توقیع منیع مندرج در صفحه ۱۲۴ جلد سوم توقیعات مبارکه، ناموس اعظم نظامنامه بیت العدل اعظم است.	ناموس اعظم
بر حسب توقیع مبارک فوق الذّکر، ناموس اکبر نظامنامه محافل روحانیه ملّیه است.	ناموس اکبر
مذاهب - ادیان	نَحَل
خرجی - هزینه - مقرّری ماهیانه در زمان اصطبار	نَفقه
رد کردن - انکار کردن	نَفیاً
کلام مستند - غایت و منتهای هر چیز	نصّ
عیب جوئی	نکته گیری
آنچه خداوند نهی فرموده و مردم به ترك و	نواهی

احتراز از آن موظفند

	<u>و</u>
اطمینان کننده - اعتماد دارنده - محکم - قوی	واثق
وفا کننده به عهد و پیمان - تام و تمام - کامل	وافی
بی نیاز و بی اساس	واهیه
محکم - استوار - مطمئن	وثیق
وسائل و اسباب کار	وسائط
محافظت - حراست	وقایه
ملك یا مالی که در راه فدا تقدیم شده باشد	وقف
	<u>ه</u>
هول انگیز - شدید و سخت	هانله
سقوط کننده - فرود آینده	هابطه
عطیه - عطاى بلاعوض	هبة
	<u>ی</u>
قلم - نی قلم	یراعه

معانی لغات با توجه به مغمومی که ضمن مطالب کتاب دارد و با استفاده از فرهنگ لغات منتخبه تعیین شده.

مشخصات کتاب‌های مأخذ

- ۱- ارکان نظم بدیع
غلامعلی دهقان، نشر دوّم ناشر: مؤسسه معارف بهائی کانادا ۱۵۱ بدیع
۱۹۹۴ - ۲۸۲ صفحه
- ۲- امر و خلق
فاضل مازندرانی، چهار جلد در دو مجلد، نشر سوّم، لجنه ملی نشر
آثار امری لانگهاین آلمان غربی، ۱۴۲ بدیع ۱۹۸۶ میلادی به ترتیب
۲۳۵، ۲۶۰، ۲۶۶ و ۴۹۸ صفحه
- ۳- الواح مبارکه وصایا
فتوکوپی نسخه عکسی اصل الواح مبارکه
- ۴- اصول نظم اداری بهائی
مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران بدون تاریخ - ۸۹ صفحه
- ۵- توشه رحمانی
مجموعه الواح و مناجات‌های مبارکه به عربی و فارسی و انگلیسی فتّانه
اساسی اسکات چاپ امریکا جولای ۱۹۸۰
- ۶- ظهور عدل الهی، "The Advent of Divine Justice"
ترجمه توقیع مبارک حضرت ولی امرالله توسط نصرالله مودّت چاپ دوّم
ناشر: لجنه امور احبّای ایرانی، امریکا ۱۹۸۵ - ۱۸۹ صفحه
- ۷- فرهنگ لغات منتخبه
دکتر ریاض قدیمی تورنتو کانادا ۱۹۸۶ - ۱۱۱۲ صفحه
- ۸- کتاب مستطاب اقدس
تهیه و تنظیم بیت العدل اعظم الهی، مرکز جهانی بهائی حيفا ۱۹۹۵
(۲۶۹+۱۸۰) صفحه
- ۹- کتاب قرن بدیع
ترجمه توقیع مبارک "God Passes By" توسط نصرالله مودّت ناشر:
مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، کانادا ۱۴۹۱ بدیع ۱۹۹۲ - ۸۶۰ صفحه
- ۱۰- کتاب عالم بهائی (انگلیسی)
جلد ششم (۱۹۲۶ - ۱۹۲۴) ناشر: مؤسسه مطبوعات امری امریکا ویلمت

ایلینوئیز

۱۱- گلزار تعالیم بهائی

دکتر ریاض قدیمی، نشر اول ناشر: لجنهٔ ملی نشر آثار امری لانگهین
آلمان غربی، ۱۴۲، بدیع ۱۹۸۵ میلادی- ۱۵۸ صفحه

۱۲- گنجینهٔ حدود و احکام

عبدالحمید اشراق خاوری، نشر سوّم مؤسسهٔ مطبوعاتی هند، دهلی
۱۹۸۰ - ۴۶۶ صفحه

۱۳- مجلهٔ پیام بهائی

نشریهٔ محفل روحانی ملی بهائیان فرانسه برای بهائیان فارسی زبان
شروع انتشار اکتبر ۱۹۷۲

۱۴- مجلهٔ عندلیب

نشریهٔ محفل روحانی ملی بهائیان کانادا برای بهائیان فارسی زبان
۱۵- محاضرات

عبدالحمید اشراق خاوری، جلد اول و دوّم در یک مجلد، لجنهٔ ملی نشر
آثار امری، لانگهین آلمان غربی، ۱۴۲، بدیع، ۱۹۸۷ میلادی - ۱۱۲۸
صفحه به اضافهٔ ۷۶ صفحه فهرست و فهرست اعلام

۱۶- نظم جهانی بهائی

ترجمه و اقتباس منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولی امرالله
توسط هوشمند فتح اعظم، مؤسسهٔ معارف بهائی بلسان فارسی، کانادا
۱۹۸۹- ۲۱۱ صفحه

۱۷- نظامات بهائی، "Baha'i Procedure"

توسط لجنهٔ ملی ترجمهٔ آثار امری ایران ناشر: لجنهٔ ملی نشر آثار
امری ایران بدون تاریخ - ۱۵۲ صفحه

فهرست اعلام و مواضع مهمه

۱۲۳-۴	اکثريت مطلق	
۱۲۴	اکثريت نسبي	
۴۰، ۳۹، ۳۶، ۲۶، ۲۳-۴	الواج وصايا	۱۸۹
۲۴۷-۸، ۲۳۱، ۲۰۸، ۱۸۱، ۴۳		۲۴-۵
۲۵۰، ۴۴، ۳۲	امراء (در امر بهاء)	۲۲۹
۲۳۰، ۷۷، ۴۸، ۴۴	امناء رحمن، امناء الهی	اجازه عضویت خانها در محافل
۱۸۰	امتناع از رأی	روحانی
۲۲۶، ۱۶۲-۲	امرو خلق (کتاب)	۲۵۸
۹۶-۷، ۷۲-۴	امور سیاسیه	اجتماع سالیانه محفل ملی رک به
۲۰۹	انتخابات بین المللی	انجمن شور ملی
۵۵، ۵۳	انتقاد بدخواهانه (منفی)	اختیارات تقنینی و اجرائی و قضائی
۵۵، ۵۰-۲	انتقاد سازنده، (مثبت)	۶۸
۱۸۲-۴، ۱۲۷-۸	انجمن شور روحانی	۱۵
۲۴۱، ۲۳۷، ۲۰۲-۴		۶۹
۲۲۶	اوقاف بهائی	ارض سرّ (ادرنه)
۲۷	اولین بیت العدل اعظم	۲۸
۲۲۵، ۱۶۵	اولین مطبعه بهائی در ایران	ارض مقدسه (طهران)
۲۴۹	اولیاء و پیشینیان	۲۶، ۱۶
۲۴۸	آهنگ ربّانی	ارکان نظم بدیع (کتاب)
۱۹۹	اهم وظائف انجمن شور ملی	۲۴۷-۹، ۵۹
۲۵۰، ۳۳	ایادی امرالله	اساس نظم بدیع جهان آرا رک به
	ب	ضيافت ۱۹ روزه
۲۱۶	بارقه حقیقت	استیناف
۹۳	بدیع اله آگاه	۱۲۴
۲۲	بسیط غربا	اشترک مجلات
۲۴۷-۸	بشارات (لوح)	۲۱۹
۹۱-۲، ۲۶	بعثت حضرت اعلی	اشراقات (لوح)
۲۲	بیان، کتاب	۲۴۷-۸
۲۴۹	بیان عربی (کتاب)	۹۳
۲۲۹-۳۰	بیان نامه هیئت امناء	اصول نظم اداری (کتاب)
۴۰، ۳۶-۷، ۲۵، ۲۲-۳	بهاء الله	۸۸، ۶۴، ۵۸
۱۵۱، ۱۶	بهائی پروسیجر، (کتاب)	۱۷۷، ۱۶۸، ۱۴۰، ۱۲۲
		اظهار امر خفی (حضرت بهاء الله)
		۲۷
		اعطای کلّ ذی حقّه حقّه
		۴۱
		اعلی ذروه قصر مشید نظم اداری رک
		به بیت العدل اعظم
		۹۴
		اعیاد مسیحی
		۹۴
		اقالیم غربیه رک به جهان فرنگ
		۴۳-۴، ۴۱، ۳۶، ۲۲-۴
		اقدس (کتاب)
		۲۴۷-۸، ۹۵، ۶۹

۲۲۵	جلال ميخائى
	جلسهٔ ساليانهٔ محفل رك به انجمن شور
	روحانى
۴۰-۲۲-۳	جمال ابهى
	جناح انتصابى رك به تشكيلات انتصابى
	جناح انتخابى رك به تشكيلات انتخابى
۲۷	جنوب شرق آسيا
۲۸	جهان فرنگ

ح

۴۷	حزب مظلوم
۴۰-۳۶-۲۷-۲۲-۲	حضرت اعلى
۶۹	حفظ ناموس
۱۱۸	حق تقديم اقليت ها
۱۲۱-۱۱۰-۹۹-۵۰	حق انتخاب در جامعه
۱۸۵	حظيرة القدس مركزى
۴۹	حكم صريح محكم الهى
۲۱	حكومات سياسى
۱۹۷	حكومتهائى اشرافى
۱۹۷	حكومتهائى استبدادى

خ

۱۶۲	خطر عدم مركزيت افراطى
۱۶۲	خود مختارى زياد

د

۳۷	دارالتبليغ بين العلى
۹۴-۵۰	دارالانشاء بيت العدل اعظم
۱۵۷-۱۲۷	
	داور نهائى. رك به بيت العدل اعظم
۱۹۷	دموكراسيهائى موجود
۲۶	دور اول كور بهائى
۲۴۸-۲۲	دور بهائى-كتاب
۲۲	ديانت بهائى

۴۲-۳۵-۳۲-۲۷-۲۴-۲۲	بيت العدل اعظم
۲۴۹-۲۱۱-۲-۲۰۹-۱۸۶-۱۸۱-۲-۵۶-۵۴	
	بيت العدل عمومى رك به بيت العدل اعظم
	بيت العدل محلى رك به محفل روحانى
	محلى
۴۲	بيت عدل خصوصى (محفل ملى)
۲۲۳-۴-۲۰۸-۱۳-۱۸۶-۱۸۱-۴	
۴۷	بيت الحرام

پ

۱۷	پاريس
۲۴۹-۱۵۷-۹۵	پيام بهائى. مجلهٔ ماهانه
۵۴	پيام دوم جولای ۱۹۹۶
۱۷۹	پيشنهادهائى اصلاحى
۱۸۰	پيشنهادهائى كفايت مذاكرات

ت

۵۴	تحقق هدف وحدت جهانى
۲۸-۳۰-۲۵	تشكيلات ادارى
۳۲-۲	تشكيلات انتخابى
۳۲-۲	تشكيلات انتصابى
۱۰۰	تشكيلات دينى
۷۲	تصادم افكار
۳۰-۲۹	تصلب
	تعاليم الهيه. رك به تعاليم جمال قدم
۲۹-۲۵	تعاليم جمال قدم
۶۹	تعمير بلاد
۱۲۲	توشهٔ رحمانى
۴۶	توقيع اب ۱۹۲۷
۴۶	توقيع ۱۵ شباط
۲۴۸	توقيع رضوان ۱۰۵
۲۸-۲۵-۲۲	توقيع نوروز ۱۰۱

ج

۳۷	جامعهٔ بهائى امريكا
----	---------------------

ر

- رأى اكثریت ۲۳۷-۸.۲۰۰.۵۰
رساله سؤال و جواب (كتاب) ۱۴۹
۲۴۸. ۱۶۲
رضایت ابوین ۱۰۴-۵
روز موعود ۱۵

ز

- زندان طهران رك به سیاه چال

س

- سجن آذربایجان ۲۲
سجن اعظم (عكا) ۲۸
سلب حق ابدای رأى رك به محرومیت
از حق انتخاب

- سلب حیات از هیکل امر الهی ۲۱
سن بلوغ اجتماعی ۴۱
سن بلوغ شرعی ۴۱
سنه تسع ۲۴۹. ۲۷-۸
سنه ستین ۲۸. ۲۶
سیاه چال ۲۷-۸
سیاسة التی جعلها اساساً للبلاد و
..... حرزاً للعباد ۶۹
سیر تکاملی مؤسسات ملی و محلی ۲۶۰

ش

- شعاع اله علائی ۲۲۹
شعبه محفل ملی ایران در ارض اقدس ۲۲۶
شعبه محفل ملی ایران در امریکا ۲۲۶
شوراهای ایالتی رك شوراهای منطقه ای
شوراهای منطقه ای ۶۴-۲۶۰
شوقی ربّانی رك به ولی امر الله
شهود خاضع ۱۲۵
شیراز ۲۸

ص

- صفت ربوبیت (عدل) ۴۲
صفت رحمانیت (عفو) ۴۲
صفحة اصلی و صفحات دیگر صوت
مبارك ۲۱۸
صلح اعظم ۲۲۵
صندوق خیریه محلی ۱۶۷. ۱۴۵
صندوق خیریه مرکزی ۱۶۷. ۱۴۵
صندوق خیریه ملی رك
به صندوق خیریه مرکزی

ض

- ضوضای فلسفی ۲۲۵
ضیافت نوزده روزه ۱۴۹-۵۸.۵۵

ط

- طرازات، لوح ۲۴۸
طرد از شریعت الله ۶۷
طرد افراد رك به محرومیت از حق رأى
طلعات مقدسه بهائی ۱۶
طلعت میثاق رك به عبدالبهاء
طهران ۲۲۴. ۲۲۹. ۲۷-۸

ع

- عالم بهائی-کتاب ۱۲۶
عبدالبهاء ۳۶. ۲۲-۶
عدم مداخله در امور سیاسی ۷۱
عشاء ربّانی ۱۵۰
عصر اول رك به عصر رسولی
عصر تکوین ۲۵-۷
عصر ثانی ۲۶
عصر ثالث دور مقدس ۲۸. ۲۶
عصر جمال مبارك ۲۴۹
عصر ذهبی ۲۷. ۲۲

- قلم اعلیٰ ۲۵۰.۲۸.۲۲-۴
قوای سه گانه تشریعی، تنفیذی و قضائی
۲۲-۲
قوام هیئت اجتماعیه ۴۲

ک

- کتاب اللّٰه رک به کتاب اقدس
کتاب عهدی ۲۵۰.۲۴۸
کتاب وصایا رک به الواح وصایا
کلمات فردوسی- لوح ۲۴۷-۸
کیفیت روحانی انتخابات بهائی ۲۴۵

گ

- گنجینه حدود و احکام- کتاب ۱۰۷.۹۲
۱۶۲

ل

- لاطار ۱۴۶
لجنه ترجمه آثار امری ۲۴۸. ۱۷
لجنه نشریات ۱۷۰
لجنه ملّی تصویب تألیفات ۲۲۶. ۱۶۸
لجنه ملّی نشر آثار امری (ایران) ۲۲۶
لجنه های مرکزی ۲۲۰
لوح اقدس ۲۴۸
لوح جمال ۱۰۵
لوح دنیا ۲۴۷-۸
لوح ذبیح ۹۵
لوح کرمل ۲۴۷
لوح مقصود ۲۴۸

م

- مبایذ اداری ۲۴
مبایذ روحانی ۲۴
مبین آیات اللّٰه رک به عبدالبهاء
مجازات و مکافات ۴۱

- عصر رسولی ۲۵-۶
عضو رسمی جامعه بهائی ۲۷
علما در امر بها ۲۵۰.۴۴.۲۲
علی اکبرخان روحانی- میرزا ۱۲۷
علی اکبر فروتن ۲۲۹
علی فقّار طهران (استاد) ۹۲
علی بجستانی ۱۰۵
عنایت اله احمدپور ۲۲۹
عنایت الله صادقیان ۲۲۵
عنایت الله محبوبی ۲۲۶
عندلیب - مجله ۵۷.۴۸
عهد اوّل - عهد اعلیٰ ۲۶
عهد ثانی - عهد ابهی ۲۷
عهد اوّل از عصر تکوین ۲۷
عهد دوم از عصر تکوین ۲۷
عهد سوّم از عصر تکوین ۲۷
عهد چهارم از عصر تکوین ۲۴۹.۲۷

غ

- غصن ممتاز دوحه بقا رک ولی امر اللّٰه
غلامرضا امین امین - حاج ۲۲۹

ف

- فاضل مازندرانی ۲۲۹
فقّانه اساسی (اسکات) ۱۲۲
فرانسه ۱۷
فؤاد روستائی ۶۲

ق

- قائم و قیوم ۲۴۹
قانون اساسی جامعه ۲۲۷-۹
قتلگاه شهداء ۱۶۱
قرن بدیع - کتاب ۴۴
قسمتهای امری (ایران) ۱۸۲. ۱۲۷
قلاع مرکز غزوات دفاعی ۱۶۱

فهرست اعلام و مواضع مهمه

- مجلس شورا رك به محفل روحانی
مجموعه توقيعات مبارکه ۲۴۹
محبس رجال امری ۱۶۱
محرومیت از حق انتخاب ۶۵-۷
محفظه آثار ارض اقدس ۲۲۴
محفظه آثار امری ۲۲۳-۴
محفل روحانی محلی ۴۸، ۴۳-۶
محفل روحانی ملی ایران ۲۰۹، ۱۶-۷
۲۱۹-۲، ۱۸۲
محفل ملی امریکا ۱۶
محمود بدیعی ۲۲۹
مدفن اصحاب و اولیاء ۱۶۱
مدنیت الهیه ۲۲
مدینة الله (بغداد) ۲۸
مراکز قسمتهای امری ایران ۱۷۰
مرجعیت مطلقه ۶۵
مرحله جنینی نظم بدیع ۲۱
مرقد حضرت ولی امرالله ۱۹
مرکز عهد و میثاق..... رك به عبدالبهاء
مسقط الرأس اعظم و مشاهیر اصحاب
۱۶۱
مساعدين ۲۲
مسیح (حضرت) ۴۲
مشاورین ۲۳
مشروعات امریه ۱۹
مضار عدم تمرکز ۲۱۹
مفاوضات (کتاب) ۴۲
مقامات روحانی ۵۷
مؤسسات و تشکیلات اداری بهائی ۶-۱۵
۶۸، ۲۰، ۲۸
مؤسسات و مشروعات بهیه رك به
مؤسسات و تشکیلات اداری بهائی
مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران ۲۲۵
مؤسسه معارف بهائی کانادا ۱۶
مهر محفل ۲۲۴

میراث مرغوب لاعدل له ۳۰

ن

- ناموس اکبر رك به نظامنامه محفل ملی
ناموس اعظم رك به نظامنامه بیت العدل
اعظم
نجم باختر - مجله ۱۲۳
ندایه اهل عالم - کتاب ۲۴۷
ندای حق رك به رأی اکثریت
نشریات محلی ۱۶۷
نشریات ملی ۱۶۷-۸
نظامات بهائی - کتاب ۱۶، ۲۵، ۷-۶۵
۱۰۴، ۱۰۰-۲، ۹۷، ۹۲، ۸۶
۱۱۷، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۸۶، ۱۹۹، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۴۹
نظامات دینی ۲۱
نظامنامه بیت العدل اعظم..... ۳۵، ۹۰
۲۲۷، ۱۰۷، ۸۵
نظامنامه محافل روحانی محلی ۱۰۹
۱۲۳، ۸-۱۲۶، ۱۵۱، ۲۲۸، ۲۲۴
نظامنامه محفل مرکزی رك به نظامنامه
محفل ملی
نظامنامه محفل روحانی نیویورک ۱۲۶
نظامنامه محفل ملی ایران ۱۲۸، ۹-۲۲۸
نظم اداری ۱۵، ۵-۲۱، ۲۸، ۲۷، ۲-۵۲
نظم بدیع جهان آرای الهی ۲۴۷
نظم جهانی بهائی - کتاب ۲۵۱
نقطه اولی رك به حضرت اعلی
نقشه دهساله مهاجرت ۲۷، ۲۲۵
نیویورک ۶۰

و

- وکل الله رك به اماناء رحمن
وکلای مجلات بهائی ۱۶۶
وصایای مقدسه..... رك به الواح وصایا
ولی امرالله ۱۵، ۱۹، ۲-۲۱، ۵-۲۴، ۲۸

۲۱۲-۲۰۳۰

۲۲۹ ولى الله ورفقا

هـ

۹۱ هائى نجف آبادى

۲۶۱ هسته مركزى نظم جهانى

۴۲ هيئت اجتماعيه

۲۲۹ هيئت دينى مستقل

رك به هيئت عالى ادارى بهائى

بيت العدل اعظم

۵۵ .۳۴ هيئتهائى مشاورين

۵۵ .۳۳ هيئتهائى معاونت

۲۰ .۱۹ هما مودت

۲۴۷ .۲۲ هوشنگ محمودى

۲۵۱ هوشمند فتح اعظم

ى

يگانه وسيله صيانت و پيشرفت امرالله

۱۷۴

۳۷ يوم موعود

۲۲۹ يونس افروخته

MASHRÚÁT -I- IDÁRÍ -I- BAHÁ'Í

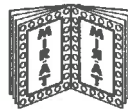
by

GHOLÁM 'ALÍ -I- DIHQÁN

©Copyright 1999, 156 Bahá'í Era

Gholám 'Alí-i- Dihqán

First Edition 1999, 156 B.E.



Mirá't Publications

P. O. Box 4273, New Delhi - 110048

E-mail : mirat@nde.vsnl.net.in

Printed at Syndicate Binders, New Delhi - 110020